



# نظام خانواده در اسلام

## نظام خانواده در اسلام، ص: 2

## 1 آئین ازدواج در نظام هستی

## «نظام ترکیب و تزویج در جمادات»

اراده عالمانه و حکیمانه و عادلانه حضرت حق، در نظام متقن هستی و پهن دشت میدان خلقت و آفرینش، از هر چیزی جفت آفرید.

در این بساط جفت بودن و زوج بودن هر چیزی حقیقی است که استشنا بر نداشته، و پیش از آنکه دانش بشر، و تحقیقات علمی به آن دست یابد، قرآن مجید در آیات متعددی از جمله در آیه چهل و نهم سوره مبارکه الذاریات، از این واقعیت، که نسبت به تمام موجودات هستی، اعم از جماد و نبات و حیوان و انسان فراگیر است خبر داده.

این خبر عظیم، و گفتار علمی، و این بیان روشن، آن هم نسبت به تمام موجودات خانه خلقت، و کاشانه و لانه آفرینش، با توجه به اینکه مربوط به قرن‌ها قبل از رنسانس علمی است، و در شهری چون مکه و مدینه که خطنویس و خواننده‌ای، و کتاب و مدرسه‌ای در آن نبوده، از معجزات قرآن مجید، و دلیلی محکم بر اصالت این کتاب، و برهانی بزرگ بر علمی بودن این دفتر، و عاملی بس قوی بر صدق نبوت خاتم انبیا (صلی الله علیه وآله وسلم) است.

قرآن مجید در زمینه‌های دیگر مسائل آفرینش آیتی دارد، که علوم امروز بشر، در برابر آن شگفت‌زده و غرق در تعجب و حیرت است، و برای احدی از افراد انسان در هر مقام و مرتبه‌ای که باشد، جای شك و تردید، در حقانیت خود، و اینکه چراغ هدایت فراراه حیات آدمیان است، باقی نمی‌گذارد.

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 3

عنایت و رحمت او، در ذات زوجها و جفت‌ها از هر نوعی، کشش و جاذبه و رابطه عاشقانه، و میل به یکدیگر برقرار نموده است، تا این جاذبه و کشش، و این میل و رابطه، تحت نظامی خاص و شرایطی معین، چه در نظام تکوین، چه در عرصه گاه تشریح منتهی به ازدواج و جفت‌گیری و توالد و تناسل، و تکثیر نوع شود، و از این راه باعث بقاء نظام عالی آفرینش گردد، و هم اینکه تمام موجودات از هر جنس و نوعی که هستند به لذت زندگی، و خوشی در حیات، و بهره‌مندی از وجود خود و دیگران برسند.

آیین ازدواج در نظام هستی ...

رابطه توالد و تناسل در عالم جمادات، به هر صورتی که هست، به صورت میل ترکیب عنصری با عنصر دیگر، و در نتیجه پدید آمدن عنصر سوم، مانند ترکیب اکسیژن و هیدروژن که دو عنصر سوزان و سوزنده است، و نتیجه ترکیب و ازدواج این دو گاز سوزان و سوزنده، به صورت آب سرد و خنک و مایه حیات و نشاط است، یا به صورت جذب و انجذاب، همراه با نتایج بسیار زیاد آن، یا به صورت دو جریان مثبت و منفی، و پدید آمدن منافع بی‌شمار، از عجایب و شگفتی‌های هستی، و محصول اراده و رحمت حضرت ربّ العالمین است، و همین رابطه بین دو عنصر یا عناصر، و میل به یکدیگر، و خلاصه خط عشقی که بین جمادات نسبت به یکدیگر حاکم است، باعث تکثیرنسل و تداوم نوع، و برپا بودن نظام عالی خلقت و عرصه گاه زیبای هستی است.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 4

راستی این چه قدرت شگرف و چه اراده عظیمی است، که بین دو عنصر سوزان و سوزنده، آنچنان الفت و رابطه و حالت عشق برقرار می‌کند که از ازدواج آن دو عنصر، آب سرد و چشمه‌سار باصفا، و رودهای خروشان، و دریاها عظیم، و اقیانوس‌های بی‌کران، و باران لطیف بوجود می‌آید؟!!

این چه نیروی شگفت‌انگیزی است که با ترکیب عناصر با یکدیگر در دل خاک سیاه و تیره، و در قلب سنگ خارا، و در بستری قیرگونه و تیره‌تر از شب، الماس بوجود می‌آورد؟!!

این چه اراده قاهری است که از ترکیب چند ماده در تاریکی معادن یمن، عقیق سرخ، و از عمق خاک نیشابور، فیروزه آسمان رنگ، و از آمیختن خاک با فسیل حیوانات، هزاران جنس مورد نیاز بشر پدید می‌آورد؟!!

این چه رحمت و لطفی است، که با ترکیب سنگ و خاک و سایر مواد با سنگ و خاک، مولودی با منفعت چون طلا و نقره، و مس و آهن، تحویل خانه هستی می‌دهد؟!

و این چه اراده و حکمتی است که از ترکیب و تزویج عناصر با یکدیگر این همه نعمت به بندگانش عنایت می‌فرماید؟!

این چه اراده و حکمتی است که بین خورشید و زمین و مجموعه عناصر این گوی آتشین، و عناصر زمین، این همه مهر و الفت، و عشق و محبت برقرار ساخته، که از ترکیب عناصر خورشید با عناصر زمین، و ازدواج مواد خورشید با مواد زمین نعمت‌هایی پدید آورده که به فرموده خودش در قرآن مجید، کسی را قدرت و قوت شماره کردن آنها نیست.

اوست خداوندی که آسمانها و زمین را آفرید، و از عالم بالا آب فرو ریخت، و به سبب آن میوه‌ها را روزی شما قرار داد، و کشتی را در تسخیر شما در آورد تا در دریا به دستور او حرکت کند، و نهرها را در پهنه‌گاه زمین در اختیار شما قرار داد، و خورشید و ماه را که در حرکتند، و در دریای هستی روانند مسخر شما نمود، و شب و روز را در اختیارتان گذاشت، و از آنچه از او خواستید به شما عنایت فرمود، و اگر در مقام شماره کردن نعمتهای خداوند برخیزید، شما را توان احصاء نعمت او نیست ...

### نظام خانواده در اسلام، ص: 5

**!!** میزان میل و کشش، و جذب و انجذاب، و مثبت و منفی بودن عناصر، و رابطه عاشقانه بین آنها، برای توالد و تناسل، بر اساس نظمی معین و قوانینی خاص، و مقرراتی عادلانه است.

این میل و کشش از افراط و تفریط بدور است، و هرگز این رابطه و محبت به سردی نمی‌گراید، و قهر و دعوا و به‌هم‌خوردگی و اختلاف در این عرصه‌گاه زیبا و عاشقانه، و طلاق و جدائی در این ازدواج جانانه معنا و مفهومی ندارد.

اگر در این صحنه از پهنه آفرینش زمینه اختلاف و قهر و طلاق، و جدائی و بی‌مهری راه داشت، بدون تردید فساد و افساد سفره لعنتی خود را می‌گستراند، و اوضاع را به هم می‌پیچید، و بساط را از بیخ و بن ریشه می‌زد.

عناصر در جهان جمادات هر کدام دارای حجم و وزن معین، و فاصله به اندازه، و رشد و گردشی متناسب با وضع خود هستند، و ترکیب هر يك با دیگری بر اساس کفویت است.

عناصر از نظام معین به خود دست بر نمی‌دارند، با یکدیگر به دشمنی و دعوا بر نمی‌خیزند، و در هر کجای از این نظام احسن قرار دارند حدّ وجودی و قانونی خود را رعایت می‌کنند.

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 6

نه خورشید را شاید که به ماه فرارسد، و نه شب را که بر روز سبقت گیرد، و همه در مدار معین بخود شناورند.

در وزن و حجم و طول و عرض و عمق، و رنگ و صفات، و فاصله‌های عناصر عالم بالا از یکدیگر، از جمله فاصله خورشید و زمین که نزدیک به صد و پنجاه میلیون کیلومتر است، و هیچ‌گاه این فاصله را کم و زیاد نمی‌کنند، که زیاد شدنش باعث منجمد شدن تمام موجودات زمین، و کم شدنش علت سوختن تمام عناصر کره خاکی است، غیر از علم و عدل و حکمت بی‌نهایت که بر اساس اراده حضرت حق در وجود تمام موجودات در تجلی است، چیزی مشاهده نمی‌شود، این است که هر وقت اهل حال و بصیرت، و اهل انصاف و وجدان، و بیداران و بینایان، و پاکان و پاکیزگان با دیده سر، و چشم دل به نظام هستی می‌نگرند با کمال خضوع و خشوع و با تمام وجود از صاحب آفرینش و خالق هستی، و نظام‌دهنده این نظام اعجاب‌انگیز یاد می‌کنند و از عمق جان فریاد برمی‌آورند.

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 7

ای مالک و مرئی ما، این خلقت و آفرینش را بر باطل بوجود نیاورده‌ای.

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود\*\*\* هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

آری نظم و قانون، و حدّ و حدود، و حق و حقیقت در ظاهر و باطن تمام عناصر هستی در تجلی است، و بر تابلوی وجود تمام موجودات اسماء و صفات حق دیده می‌شود، و آنچنان خطّ اسماء و صفات روشن است که برای هر عامی بی‌سوادی هم قابل خواندن و درک کردن است.

بنزد آنکه جانش در تجلّاست\*\*\* همه عالم صفات حق تعالی است

از همه عجیب‌تر این که تمام این موجودات با نظام خاصّ خودشان در راهی مستقیم برای رسیدن به محبوب و مقصود خود که همانا حضرت ربّ است؛ در حرکتند.

وَ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنتَهَىٰ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 8

## نظام همزیستی در گیاهان

برنامه ترکیب یا به عبارت دیگر لقاح و تولد و تناسل در میدان حیات نباتات و گیاهان، بگونه‌ای است که هر بیننده‌ای را در دریائی از تعجب و حیرت غرق می‌کند.

فرست اندک، اجازه توضیح و تفسیر تمام جوانب این مسئله مهم را نمی‌دهد. در چند جمله، دورنمایی از این حقیقت شگفت‌انگیز که همراه با شرایطی خاص و قوانینی اعجاب‌آور، و برنامه‌هایی فوق‌العاده دقیق و منظم است، به محضر عزیزان عرضه می‌شود.

اگر در میان گلها دقت کرده باشید، میله‌ها و پرچم‌های ظریفی در وسط آن دیده می‌شود، که آنها را نافه می‌نامند، و تعداد آنها در گلها مختلف است، و در عین حال حساب مخصوصی دارد.

در بالای این میله‌ها، برآمدگی کوچکی و زردرنگی است که آن را «بساك» می‌گویند، در میان بساك، کیسه بسیار کوچکی است که چهار حفره دارد، و در میان آنها دانه‌های گرده قرار گرفته است.

دانه‌های گرده، دانه‌های بسیار ریز میکروسکوپی هستند که در عمل شباهت تامی با نطفه حیوانات دارند!!

## نظام خانواده در اسلام، ص: 9

پس از برقراری عمل لقاح بین آن و قسمت‌های ماده، تخم گل درست می‌شود.

دانه‌های گرده با آن کوچکی به نوبه خود دارای ساختمان تو در تو و نازک‌کاریهای شگفت‌آوری می‌باشند.

در میان آنها مقدار زیادی مواد پرتوپلاسمی و مواد چربی، قندی، نشاسته‌ای، و ازتی می‌باشد، و در وسط آنها دو هسته که یکی کوچکتر و دیگری بزرگتر است وجود دارد، بزرگتر را هسته روینده، و کوچکتر را هسته زاینده می‌نامند، که وظیفه مهم این دو را بزودی خواهید دانست.

**مادگی:** همان قسمتی است که روی محور گل قرار گرفته و در ناحیه فوقانی آن برآمدگی مخصوصی بنام کلاله است، و سطح آن را ماده لزج و چسبناکی پوشانیده، کار این ماده چسبنده نگاهداری و جذب دانه‌های نر و کمک به رویاندن آنهاست.

در پائین مادگی که متصل به قسمت تحتانی گل است، ناحیه برجسته‌ای وجود دارد که آن را «تخمدان» می‌گویند، و در میان آن تخمک‌های کوچکی یافت می‌شود، که با دنباله مخصوصی به دیواره تخمدان اتصال دارند، و به وسیله آن آب و مواد لازمه را جذب می‌کنند، تخمک‌ها نیز به سهم خود ساختمان قابل ملاحظه‌ای دارند.

**عمل زفاف:** پس از آنکه کیسه‌های گرده بساک از هم پاره شد و گرده‌ها روی کلاله ماده قرار گرفتند فوراً شروع به نمو می‌کنند، در اینجا باید متذکر شد که برای رسیدن گرده به کلاله ماده، وسائل مختلفی وجود دارد که از مشاهده آن تعجب عمیقی به مطالعه کنندگان جهان خلقت دست می‌دهد.

از جمله اینکه حشرات گوناگونی این وظیفه حیاتی را بدون اینکه توجه به کار خود داشته باشند انجام می‌دهند، یعنی در اثر رنگ و بوی مطبوع، و ماده قندی مخصوصی که در بن گلها جای دارد به طرف آنها حرکت کرده، و روی آنها نشسته، و دانه‌های گرده را با پای پشم آلود خود از این نقطه به آن نقطه حمل می‌کنند، این عمل مخصوصاً در گل‌هایی که میله‌های نر و ماده آنها از هم جداست و روی دو پایه قرار دارد بسیار شایان اهمیت است.

همانطور که گفتیم وقتی دانه‌های گرده روی کلاله قرار گرفت، شروع به رشد و نمو می‌کند، هسته بزرگتر که همان هسته روینده است همراه آن نمو کرده و به طرف تخمدان سرازیر می‌شود، و در نزدیکی آن بکلی از بین رفته و نابود می‌گردد، ولی هسته کوچکتر که از زاینده است، از میان این لوله باریک عبور کرده وارد تخمدان می‌شود، و با تخمکها ترکیب شده، عمل لقاح و زفاف در آن محیط مخفی و تاریک صورت می‌گیرد، نطفه گل بسته و تخم اصلی آن بوجود می‌آید.

هوا و آب و انسان، واسطه‌ها و دلال‌های دیگری هستند که زمینه لقاح و زفاف نباتات و گیاهان را فراهم می‌کنند.

در عرصه گاه حیات نباتات، همانند وضع جمادات قوانین و شرایط ترکیب، توالد و تناسل و زفاف به اراده حضرت حق، بدون پیش آمدن اختلاف و بی‌مهری، و نزاع و طلاق، کار خود را دنبال می‌کنند، و از این طریق سفره روزی موجودات زنده بخصوص انسان را غرق در انواع ثمرات، حبوبات و میوه‌جات می‌نمایند!!



## نظام ازدواج و تولد و تناسل در حیوانات

میل حیوان نر به ماده، و ماده به نر، و رابطه عاشقانه‌ای که بین این دو موجود زنده، برای لذت بردن از زندگی و تولد و تناسل، و بقاء نسل وجود دارد، از شگفتی‌های غیرقابل توصیف است.

اراده و شعور و توجه حیوانات به این مسئله حیاتی، و نظم و انضباطی که در امر ازدواج و همزیستی بین آنان است، هر دقت‌کننده‌ای را در دریائی از تعجب و شگفتی شناور می‌کند.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 11

تعاونی که بین ماده و نر جهت لانه‌سازی، ساختمان کاشانه، حفظ اسرار، انتخاب جا و مکان و وقت و زمان، و از همه مهمتر عمل لقاح، و توجه به وضع جوجه، و تأمین مواد برای او، و تعلیم امور لازمه به فرزند، و نگهداری او از حوادث و خطرات، و سایر برنامه‌هایی که بر عرصه‌گاه حیات حیوانات حاکم است، و در حقیقت تجلی اراده حضرت حق است، باید از عجایب مسئله هستی شمرده شود.

دنیای پر از اسرار تخم‌گذاران و پستانداران در برنامه آمیزش و لقاح، و توجه به حفظ تخم‌ها، و یا حفظ جنین و نوزادان، آدمی را در پرده‌ای از حیرت و بهت می‌اندازد.

شرایط و قوانین ازدواج و تولد و تناسل در حیوانات شرایطی مناسب، و قوانینی خدائی و الهی است.

مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 12

زمام اختیار هر جنبنده‌ای به دست مشیت اوست، بدون شك هدایت پروردگارم به راه راست است.

هیچ حیوانی به غیر جنس مخالف خود که نرینه‌ای از نوع خود اوست در عین این که کپسولی از شهوت جنسی است، میل نمی‌کند.

حیوان نر، شهوت خود را آلوده به ناپاکی و خلاف‌کاری نمی‌نماید، و از راه مستقیم الهی منحرف نمی‌شود.

در زمینه غریزه جنسی برای حیوانات آلودگی و انحراف نیست.

نطفه حیوان نر برای ماده مربوط به خود اوست و در این مسیر توجهی به غیر ندارد.

در آنها چشم چرانی، و تعقیب غیر، و تجاوز به ماده‌ای که در زوجیت نر دیگر است وجود ندارد.

در این زمینه بین تخم‌گذاران و پستانداران تفاوتی نیست راستی

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

داستان نظم و انضباط در تمام مسائل زندگی بخصوص توالد و تناسل در پرندگان، خزندگان، چرندگان، حیوانات آبی داستانی شگفت‌آور، و برای اهل دقت موجب اعجاب فراوان است.

شکل زندگی حیوانات همراه با شرایط و قوانینی که بر آنان حاکم است کلاس درس، و زمینه عبرتی است برای انسانهایی که از فضای هدایت حق دور افتاده، و از معنویت و نورانیت جدا زندگی می‌کنند.

حیوانات در نظم و انضباط همانند جمادات و عناصر و ماه و خورشید، و آسمان و زمین، و همچون نباتات و گیاهانند!!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 13

#### انسان و ازدواج

ازدواج و ترکیب و تولید، و توالد و تناسل، در عرصه‌گاه حیات جماد و نبات و حیوان، بر اساس قوانین تکوین و جهت‌گیری صحیح غرائز صورت می‌گیرد، ولی انجام این مسئله حیاتی و برنامه عالی طبیعی باید بر مبنای مقررات و نظامات شرعی، و قوانین الهیه که در قرآن مجید، و گفته‌های ملکوتی انبیاء و امامان آمده، جامه عمل بپوشد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 14

مایه‌های اولیه این حقیقت به صورت غریزه، میل، دوستی، عشق، و مهربانی در مرد و زن به اراده حکیمانه حضرت حق قرار داده شده:

وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا اَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

و از آیات خداوندی است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید، که در کنار او آرامش یابید، و میان شما عشق و محبت و مهربانی قرار داد، که در این حقیقت نشانه هائی از خداست برای مردمی که در گردونه اندیشه و فکر نسبت به حقایق بسر می‌برند!

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا.

و اوست خداوندی که بشر را از آب آفرید، و میان آنان خویشی و پیوند ازدواج قرار داد، و خدای تو بر هر چیزی قدرت دارد.

انتخاب همسر در فرهنگ پاك اسلام بخودی خود مستحب و کاری بسیار پسندیده، و برنامه‌ای نیکوست، ولی در صورتی که مجرد ماندن و عزب زندگی کردن، دامن پاك زندگی را به گناه و معصیت، و فحشا و منکرات آلوده نکند، در غیر این صورت ازدواج و تشکیل زندگی ضروری و مسئله‌ای واجب، و تکلیفی قطعی است.

اینجاست که باید دستور حضرت حق را نسبت به ازدواج با جان و دل به اجرا گذاشت، و از آینده آن بخصوص در برنامه مادیت و خرج و مخارج بیمی بخود راه نداد، که ترس از آینده نسبت به گذران امور زندگی برنامه‌ای شیطانی، و مولود ضعف نفس، و عدم اتکاء و اعتماد به کارگردان بساط هستی است.

اینك دستور و فرمان حق را در رابطه با ازدواج، و ضمانت وجود مقدسش را برای تأمین مخارج زندگی در آیه‌ای از سوره مبارکه نور، ملاحظه کنید.

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَأَمَّاكُمْ أَنْ يَكُونُوا قُفَرَاءَ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 15

دختران و جوانان مجرد و غلامها و کنیزهای شایسته خود را همسر دهید، و زمینه نکاح آنان را فراهم آورید، چنانچه فقیر و تهیدست باشند، خداوند از فضل بی‌نهایت خود بی‌نیازشان کند و خداوند واسع و علیم است.

«انکحوا» از نظر قواعد ادبی امر است و این امر و دستور متوجه فرد فرد جامعه، و کلیه مردان و زنان است.

از آیه شریفه در جهتی وجوب ازدواج برای آنان که نیاز به ازدواج دارند، و جز از این طریق پاکی و سلامت آنان تأمین نمی‌شود، استفاده می‌گردد، و در جهتی دیگر لزوم اقدام خانواده‌ها بخصوص پدران و مادران، و آنان که توان مالی در این زمینه دارند، برای تشکیل زندگی جهت پسران و دختران استفاده می‌شود.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 16

#### در تحقق برنامه نکاح سخت‌گیری نکنید

میل مرد به زن، و میل زن به مرد، بخصوص به هنگام شکوفائی غنچه غرائز، و گُل شهوت، و شدت و قدرت و قوت آن بوقت نیاز به ازدواج، امری طبیعی، انسانی، و حیاتی است، و برای کسی قابل انکار نیست.

آرزوها و آمال و خواسته‌های بحق نسبت به آینده و در ابتدای تشکیل زندگی و پیمان زناشویی در وجود جوانان اعم از پسر و دختر واقعیاتی است که برای هرکس بخصوص پدران و مادرانی که دارای پسر و دختر آماده برای ازدواج هستند بمانند آفتاب وسط روز امری روشن و حقیقی واضح است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 17

از همه مهمتر بهترین و برترین و محکم‌ترین و عالیترین روش و برنامه جهت پیشگیری از گناه، و حفظ جامعه از افتادن در غرقاب فحشا و منکرات، ازدواج پسران و دختران به وقت نیاز و زمان مناسب آن است، و این واقعیتی است که انکارش جز از مردم احمق و افراد نادان و مرد و زن بی‌شعور توقع نمی‌رود.

بر این اساس در مرحله اول بر پدران و مادران و اقوام و خویشان و هرکس که در مسئله ازدواج پسر و دختر خانواده سهیم است، واجب است که نسبت به مقدمات این خواسته الهی آسان‌گیری کنند، و با دست خود به ساده‌ترین روش، و به آسان‌ترین شیوه زمینه ازدواج را فراهم آورند، و در مرحله بعد بر دختر و پسری که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند ضروری است که از توقعات بیجا نسبت به یکدیگر، و ایجاد شرایط سخت، پرهیزند، تا امیال و غرائز و شهوات و

خواسته‌ها به آسانی در راه طبیعی خود قرار گیرند، و بنای زندگی سعادت‌مندان‌ای پی ریزی شود، و ساختمان خیر دنیا و آخرت برپاگردد.

بدون شك طبق آیات قرآن و روایات و اخبار، آنان که در امور خود بخصوص در امر زندگی و مخصوصاً در مسئله ازدواج دختران و پسران خود آسان‌گیری می‌کنند، خداوند مهربان در دنیا و آخرت علی‌الخصوص در امر حساب و کتاب و میزان در صحرای محشر به آنان آسان خواهد گرفت، و آنان که مرد و زنی سخت‌خو،

و سخت‌گیر، و به قول معروف مو را در همه زمینه‌ها از ماست می‌کشند، و باعث می‌شوند، دختران و پسران در سیطره فشار غرائز و شهوات به امراض عصبی و روانی و تندخویی دچار شوند، و دامن پاك آن چهره‌های معصوم به گناه و معصیت آلوده شود، و آمال و آرزوهایشان بر باد رود، در دنیا و آخرت بخصوص در عرصه محشر دچار سوء حساب و غضب و خشم حق خواهند شد، و به آتش عذاب خدا خواهند سوخت!!

دقت بسیار زیاد در مسئله نکاح و ازدواج انسان را ناخودآگاه دچار سخت‌گیری می‌کند، در نظام طبیعت ازدواج دو زوج بسیار بسیار ساده انجام می‌گیرد، اگر در عرصه‌گاه حیات موجودات امر ازدواج امری سخت و دشوار بود، بدون تردید این نظام احسن به صورتی که الان هست وجود خارجی نداشت.

پدران و مادران، پسران و دختران در مقدمات این برنامه الهی و انسانی، در تعیین مهر و صداق، در تنظیم شرایط، در برپاکردن جشن نامزدی، و مجلس عقد و عروسی، و در اجرای عادات و رسوم محلی سخت‌گیری نکنید، و خارج از طاقت و قدرت دو خانواده، برنامه‌ای را پیشنهاد ندهید، تا امر ازدواج به آسانی صورت بگیرد، و خداوند مهربان هم در دنیا و آخرت امور شما را سهل و آسان نماید.

بیائید روش اهل تقوا را پیشه خود کنید، و از آن منابع خیر و برکت درس بگیرید، و زندگی را بر اساس اوصاف آن اولیاء حق برپاکنید، که نیکبختی و سعادت، و تأمین خیر دنیا و آخرت، و تحقق دهنده شرافت و کرامت، در سایه هماهنگی با آن عاشقان جمال ازل و ابد است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) اهل تقوا را چنین معرفی می‌کند:

أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ وَ حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ خَيْرَاتُهُمْ مَأْمُولَةٌ وَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ.

وجودشان در گردونه خودداری از هر آلودگی است، نیازهایشان بسیار سبک، و هر خیری از آنان توقع می‌رود، و همگان از شر آنان ایمنند.

در هر صورت آنان که دست اندرکار ازدواجند، باید از توقعات بیجا، تحمیل امور خارج از طاقت، پیروی هوا و هوس، افتادن در بند عادات و رسوم غلط، چشم‌هم‌چشمی نسبت به دیگران، و سخت‌گیری در تمام امور نکاح پرهیزند، و بنای ازدواج را از ابتدا بر پایه تقوا، خیر و صلاح، سهولت و آسان‌گیری و محض جلب خوشنودی حضرت حق قرار دهند.

و چون امر ازدواج صورت گرفت بر مرد است که با همسری که قبلاً به عنوان ازدواج او را دیده و پسندیده و با او پیمان زناشوئی بسته به زندگی با او ادامه دهد و ضامن بقای مودت و رحمت الهی که بین آن دو برقرار

### نظام خانواده در اسلام، ص: 19

شده باشد، و بر زن است که با شوهر خود که او را قبل از عقد به عنوان نکاح ملاقات شرعی کرده و وی را پذیرفته از در سازش و آسان‌زندگی کردن برآید، و حقوق او را در تمام زمینه‌ها رعایت کند.

حفظ شئون در گرو مهریه زیاد، مجالس پرخرج، کثرت مهمان، و پیاده کردن رسم و رسوم بیجا و غیر موافق با منطق، و سخت‌گیری در شرایط نیست، حفظ شئون به انتخاب هم‌کفو، رعایت برنامه‌های ساده و سهل، مراعات اخلاق اسلامی از جانب دو خانواده، و رعایت حقوق الهی و انسانی از جانب زن و شوهر نسبت به یکدیگر، و تداوم دادن به مهر و محبت، و عشق و رأفت از جانب مرد و زن برای بقاء زوجیت، و دور ماندن زندگی از جنجال و آشوب و عوامل بیماری‌های عصبی و روانی است.

زندگی زن و شوهری چون امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا سلام الله علیهما برای هر مرد و زن مسلمان بهترین درس زندگی است.

فاطمه (علیها السلام) باعث آرامش افراد خانواده، بخصوص همسر بزرگوار خود، برقرار کننده زمینه‌های زندگی در خانه، و علی (علیه السلام) نمونه‌ای همسر داری، و پدری مهربان و مرقی برای فرزندان، و معاونی دلسوز در امور خانه و خانواده بود.

او در برنامه‌های عادی خانه از نظافت، خمیر کردن آرد، کمک به بچه داری، ابا و امتناعی نداشت.

او نمی‌گذاشت به همسرش در انجام امور خانه سخت بگذرد، و تمام امور زندگی انجامش با فاطمه (علیها السلام) باشد.

بر زن و شوهر واجب است حقوق یکدیگر را رعایت کنند، و در تمام شئون زندگی یار و مددکار هم باشند، و تصور نکنند ظلم و ستم فقط به اعمال امثال فرعون و نمرود و طاغیان تاریخ گفته می‌شود، بلکه هر عملی که بناحق باعث رنجش خاطر دیگری شود ظلم است، و خداوند ظلم و ظالم را دوست ندارد، و از هرگونه تجاوزی گرچه اندک از هر کسی که باشد بیزار است.

در گفتارهای بعد و سخنان آینده به تدریج به تمام مسائل مربوط به نظام خانواده در اسلام به خواست خدا اشاره خواهد شد، در این قسمت از سخن به پاره‌ای از روایات مهم به نقل از کتابهای باعتبار حدیث، در رابطه با ارزش و اهمیت ازدواج، منافع نکاح، و موقعیت تشکیل زندگی و موقف آن در فرهنگ پاک الهی قناعت می‌کنم، و شما را به دقت در این احادیث دعوت می‌نمایم، باشد که از این رهگذر به استحکام مسائل الهی واقف شوید، و برای شما معلوم شود که برنامه‌های زیبا و حکیمانه آئین اسلام را هیچ فرهنگی ندارد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 20

#### ارزش و اهمیت ازدواج از نظر روایات

عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ: عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدِ وَعِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَعِنْدَ النَّكَاحِ

از پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) است که فرمود: در چهار موقع عنایت و رحمت حق متوجه انسان می‌شود: به وقت باریدن باران، به هنگام نظر کردن فرزند به صورت پدر، از باب مهر و محبت، در آن زمان که در خانه کعبه باز می‌شود، و آن وقت که عقد و پیمان ازدواج بسته شده، و دو نفر با یکدیگر جهت زندگی جدید، وارد عرصه نکاح می‌شوند.

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): تَزَوَّجُوا وَ زَوَّجُوا الْأَيْمَانَ فَمِنْ حَظِّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِنْفَاقُ قِيَمَةِ أَيْمِهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الْأَسْلَامِ بِالنَّكَاحِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 21

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: ازدواج کنید، و پسران و دختران مجرد را همسر دهید، نشانه نیک بختی مسلمان این است که مخارج شوهر کردن زنی را به عهده بگیرد. چیزی نزد حضرت حق محبوبتر از خانه‌ای که در اسلام به سبب نکاح آباد شود نیست.

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): زَوَّجُوا أَيَامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَ يُوسِعُ لَهُمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَ يَزِيدُهُمْ فِي مُرْوَاتِهِمْ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 22

نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: مردان مجرد و عزب خود را زن دهید، تا حضرت حق اخلاقشان را نیکو، و روزیشان را فراخ و گشاده، و جوانمردیشان را زیاد کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): النَّكَاحُ سُنَّةٌ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 23

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: ازدواج روش من است، هر کس از راه و روش من روی بگرداند از من نیست.

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هر کس ازدواج کند، نیمی از دینش را باز یافته نسبت به نیم دیگر تقوای الهی را رعایت کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي فَقَالَ لَهُ: هَلْ لَكَ مِنْ زَوْجَةٍ قَالَ: لَا فَقَالَ أَبِي: مَا أُحِبُّ أَنَّ لِي الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ أَنِّي بِتُّ لَيْلَةً وَ لَيْسَتْ لِي زَوْجَةٌ.

حضرت صادق (علیه السلام) می‌فرماید: مردی نزد پدرم حضرت باقر آمد، فرمود همسر داری؟ عرضه داشت ندارم، پدرم به او گفت دوست ندارم دنیا و آنچه در آن است از من باشد و یک شب را بدون همسر به سر برم، آنگاه پدرم گفتارش را ادامه داد و فرمود:



الرَّكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ أَعَزَبَ يَوْمٌ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ.

دو رکعت نمازی که مرد همسر دار می خواند، بهتر است از قیام شب مرد عزب به عبادت و روزه گرفتنش در روز!!

آنگاه پدرم هفت دینار به آن مرد داد و فرمود با این پول وسایل ازدواجت را فراهم کن، که رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِنِّخَذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقُ لَكُمْ.

همسر انتخاب کنید که باعث وسعت رزق است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): يَامَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ وَ أَحْصَنُ لِلْفَرْجِ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 24

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: جوانها هر کدام از شما را قدرت است ازدواج کند، تا دیدگانتان کمتر زنان را دنبال کند، و دامتتان پاک بماند.

وَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم) مَا مِنْ بِنَاءٍ فِي الْأِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِيجِ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 25

و آن حضرت فرمود: هیچ بنائی در اسلام نزد خداوند محبوبتر از ازدواج نیست.

و قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم) مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ السَّعَادَةِ.

و نیز رسول خدا فرمود: هر کس ازدواج کند نیمی از سعادت را به دست آورده.

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَائِهِ سِنَّهُ إِلَّا عَجَّ الشَّيْطَانُ يَا وَيْلَهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 26

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هر کس که در اوائل جوانی ازدواج کند، شیطان فریاد زند: فریاد از او، فریاد از او، دو سوّم دینش را از دستبرد من نگاه داشت، پس باید عبد خدا در نگهداری يك سوم دیگرش، جانب تقوا را رعایت کند.

راستی در ازدواج چه ارزشهای والائی قرار دارد و چه منافع بزرگی نصیب مرد و زن می‌نماید و اسلام برای ازدواج چه عظمت و اهمیتی قائل شده!!

ای کاش خانواده‌ها راه را برای تسهیل این امر مهم الهی و انسانی باز می‌کردند و دست از سخت‌گیری و زمینه‌سازی برای تحقق شرایط طاقت‌فرسا برمی‌داشتند و در خد شئون خود به انجام این مراسم اقدام می‌کردند و در این مسئله طریق قناعت به آنچه که حاضر بود و از دست می‌آمد می‌پیمودند، تا دختران و

پسران به امیال طبیعی خود برسند، و آرزوهایشان برآورده شود، و غرائز و شهوات آنان که نعمت‌های حق است تبدیل به کفران نعمت نگردد، و دامن پاك آنان به گناه و معصیت آلوده نشود.

حبس ماندن آمال و آرزوها، انحراف در غرائز و شهوات، گسترده‌شدن فساد و آلودگی، چشم چرانی و هوس گناه، خودارضائی و زنا، تجاوز به ناموس غیر، سستی در تحصیل و تنبلی در عبادت، ظهور بیماریهای عصبی و روانی، و بلاهای دیگر ریشه در کجا دارد؟

در درجه اول سئوالات بالا را باید از پدران و مادران سختگیر، و اسیران در چنگال رسوم و عادات غلط، و گرفتاران چشم همچشمی، و در درجه بعد از خود پسران و دختران، آن پسران و دخترانی که از عرصه‌گاه تقوا دورند، و در مرحله سوّم باید از آنانی که قدرت فراهم آوردن بساط ازدواج را برای جوانان دارند، ولی از انفاق مال در راه خدا بخل می‌ورزند پاسخ خواست، که هر پاسخ منطقی و عقلی و قابل قبول در این دنیا دارند، حتماً همان پاسخ را در دادگاه عدل الهی در روز قیامت، خواهند داشت!!

(و لباس التقوی ذلک خیر)

«اعراف/26»

## 2 تقوای الهی در خانواده و جامعه

### نظام خانواده در اسلام، ص: 28

#### حقیقت تقوا

### نظام خانواده در اسلام، ص: 29

مصدر لغوی، و ریشه این کلمه معنوی، که زیباترین و اصیل‌ترین مفهوم را دارد «وقی» است.

«وقی» به معنای خودنگهداری، و پروا پیشگی، و حفظ تمام موجودیت خویش در برابر محرمات و نواهی الهیه است.

«وقی» در حقیقت، روحیه و قدرت و قوت و توانی است که از طریق تمرین ترك گناه، و ریاضت و ضبط نفس در برابر معصیت و لذائذ حرام بدست می‌آید.

قدم برداشتن برای تحصیل تقوا، و کسب روحیه خودداری از گناه بهترین قدم، و در میان اعمال از پسندیده‌ترین اعمال است.

تحصیل تقوا عبادت است، عبادتی که به امر حضرت ربّ صورت می‌گیرد، و از جمله برنامه‌هایی است که بدون تردید خشنودی حضرت حق را به دنبال خواهد داشت.

فلسفه انجام عبادات بدنی و مالی و اخلاقی، تحقق تقوا در عرصه‌گاه حیات انسانی است.

عبادت و حرکت و عملی که بوجدآورنده تقوا نباشد، عبادت نیست.

تقوا اساس کرامت، ریشه شرافت، و خمیرمایه سعادت، و کلید خیر دنیا و آخرت است.

یک جامعه مرکب از هزاران خانواده، و یک خانواده مرکب از یک زن و شوهر و تعدادی فرزند است.

در حقیقت مصالح بنای خانواده و جامعه افرادند، اگر فرد فرد انسانها دارای روح تقوا باشند، خانواده‌ای سالم، و جامعه‌ای برین خواهیم داشت، خانواده‌ای که در محیط آن امنیت درونی و برونی حکمفرماست، و زمینه رشد

و تکامل افراد آن به خاطر تقوا به بهترین صورت فراهم است، و در نتیجه جامعه‌ای خواهیم داشت که کلیه افراد آن نسبت به یکدیگر منبع خیر، و همگان از شر و ضرر یکدیگر در امان خواهند بود.

اهل تقوا محبوب حق، و مورد عنایت انبیاء، ائمه و موجوداتی با منفعت و کرامتند.

اهل تقوا دارای سیرتی زیبا، و صورتی الهی و ملکوتی، و همراه با حسنات اخلاقی، و جدای از سیئات و زشتی‌ها و پلیدیها هستند.

آبروی فرد و خانواده و جامعه به تقوای الهی است، و هیچ فرد و خانواده و جامعه‌ای نزد خداوند باارزش‌تر از اهل تقوا نیست.

زیانگهائی که زن و شوهر، و پدران و مادران و فرزندان و افراد جامعه از یکدیگر می‌بینند، نتیجه بی‌تقوایی آنهاست.

وحشتی که در خانه‌ها و در جامعه مردم از همدیگر دارند، میوه تلخ نبودن تقواست.

خسارت‌های فراوانی که در شعون زندگی مردم دیده می‌شود، به خاطر نبود تقواست.

براستی برای داشتن يك خانه سالم بر زنان و شوهران واجب الهی است، که آراسته به تقوا باشند، و لازم و ضروری است که تقوا این خواسته بامنفعت الهی را به فرزندان خود سرایت دهند، و از ابتدای کار زمینه تحقق تقوا را در فرزندان خود فراهم آورند.

چه نیکوست به منافع فراوان تقوا در آیات قرآن، و روایات توجه کنید، آنگاه به ارزیابی برخیزید و دورنمای این واقعیت را بنگرید، که اگر تمام دختران و پسران آراسته به تقوا باشند، و اینان با این مایه و سرمایه ملکوتی به ازدواج اقدام کنند چه

نظام خانواده در اسلام، ص: 30

خانه‌ای و چه جامعه‌ای بوجود می‌آید؟!!

نظام خانواده در اسلام، ص: 31

## تقوا و مراتب با ارزش آن

بیداران و بینایان، و آنان که به تعبیر قرآن اهل بصیرت هستند، و سفرهای روحی و معنوی را طی کرده‌اند، برای تقوا سه مرتبه ذکر می‌کنند.

تقوای خاصّ الخاصّ، تقوای خاصّ، تقوای عامّ

حضرت صادق (علیه السلام) در روایت بسیار مهمی این سه مرتبه را بدینگونه توضیح می‌دهند:

مرتبه اول تقوای بالله فی الله است و آن عبارت از ترك حلال است چه رسد به ترك شبهه و این تقوای خاصّ الخاصّ است.

مرتبه دوم تقوای من الله است و آن عبارت از خودداری از تمام شبهات است چه رسد به حرام و این تقوای خاص است.

مرتبه سوم تقوای برخاسته از خوف، به خاطر عذاب جهنم و عقاب الیم خداوند است و آن عبارت از ترك تمام گناهان و محرمات است و این تقوای عام است.

البته منظور از ترك حلال در گفتار امام صادق (علیه السلام) به این معناست، که صاحبان این گونه تقوا بسیاری از اموری که حلال است، به دنبالش نمی‌روند، زیرا به آنها احساس نیاز نمی‌کنند، و در حلالی هم که به آن نیازمندند کمال قناعت را رعایت می‌کنند.

قدرت بر قناعت برای همگان میسر است، و اگر کسی ادعا کند برای من قوّت بر قناعت نیست، از او پذیرفته نمی‌شود.

قناعت به حلال، و محدود گرفتن امور مادی زندگی، و پرهیز از داشتن خانه‌های آنچنانی، و مرکب‌های گران قیمت، و لباس‌های فوق‌العاده، و انداختن سفره‌های رنگین، کاری است اخلاقی، و برنامه‌ای است پسندیده، و زمینه‌ای است برای تحقق تقوای الهی در تمام شئون زندگی.

### حاجی سبزواری و قناعت

به سال 1362 سفری جهت تبلیغ به شهر سبزواری داشتم، در آنجا از خاندان حکیم بزرگ و عارف عالیقدر حاج ملا هادی سبزواری جويا شدم، گفتند نبره‌ای از وی در این شهر است، که از علم و دانش، و حکمت و فلسفه و تفسیر قرآن مجید بهره‌مند است، و در مسجدی که امامت آن را به عهده دارد دوبار تمام قرآن کریم را برای مردم تفسیر نموده.

به دیدارش شتافتم، وضع اخلاق و برخورد و زندگی وی، دورنمایی از حیات پاک حاجی را نشان می‌داد، از احوالات جدّ بزرگوارش جويا شدم، مسائل اعجاب‌انگیزی را از حالات و برنامه‌های او برایم توضیح داد، از جمله فرمود، با آنکه حاجی مورد توجه تمام بزرگان کشور و رجال سیاسی و علمی بود، و از مناطق مختلف، حتی از دورترین مکانها، جهت استفاده علمی به محضرش می‌شتافتند، ولی از نظر خانه و زندگی و خوراک و لباس در قلّه قناعت بود!!

گاهی لباسی که تهیه می‌کرد تا نزدیک ده سال همراه با رعایت بهداشت و پاکیزگی از آن استفاده می‌کرد، و از وصله‌زدن به پارگی آن لباس عار نداشت، که این برنامه روش انبیاء و اولیاء الهی بود!!

نظام خانواده در اسلام، ص: 33

### تجمل‌گرایی و اسراف

نظام خانواده در اسلام، ص: 34

تجمل‌گرایی و اسراف، از نظر حق، کاری شیطانی، و امری ناپسند، و برنامه‌ای مطابق با هوای نفس، و شهوات حیوانی است.

چه مانعی دارد، که انسان در تمام زمینه‌های زندگی حدود الهی و بخصوص قناعت را رعایت کند، که قناعت سبب راحت، و مایه آزادگی، و دوی اضطراب و دهره و ناامنی باطن است.

نیاز بدن به خانه‌ای درخور شأن، و وسیله و مرکبی معمولی، و لباس و خوراکی به اندازه برطرف می‌شود.

در بنای زندگی باید از چشم همچشمی پرهیز داشت، و به خرج معمولی خو گرفت، و از برج و مخارج اضافی، و تحصیل آنچه به عنوان تحمل و مُد مطرح است دوری جست.

غرب را در قیافه و شکل زندگی اسوه و الگو و سرمشق قرار ندهیم، آنان دچار خطاها و اشتباهات زیادی هستند، صنعت و تکنیک عامل این معنا در ذهن ما نشود، که هر چه گفتند و نوشتند، و می‌گویند و می‌نویسند صحیح است، و آنچه را از قیافه و شکل زندگی دارند مطابق با واقع است.

آنچه در آئین اسلام مهم است، بهداشت روان و تن، و شهر و دیار و محله و منطقه است، آنچه در این فرهنگ مورد توجه است از امور مادی و معنوی و اخلاق و ایمان فردی و اجتماعی، همان است که به مصلحت دنیا و آخرت انسان است.

اسراف و تجمل‌گرایی، و افتادن در خرج‌های سنگین، و آرایش شکل و قیافه ظاهر زندگی بدور از قناعت و اقتصاد، حتی در مسئله مسجدسازی که محل عبادت مسلمانان است مورد مذمت این فرهنگ پاک و مدرسه انسان‌ساز است.

مساجد و خانه‌ها باید از نظر باطن در حدّ اعلای معنویت و از نظر ظاهر، ساده و بی‌پیرایه باشد، که دلها به هوا و هوس دچار نشوند، و روی ارواح از حضرت حق فاصله نگیرد.

لباس ساده تهیه کنید ولی آداب پوشیدن را رعایت نمائید، خوراک در حدّ نیاز فراهم آورید، ولی آداب خوردن را مراعات کنید، مرکب سواری در حدود شأن خود تحصیل کنید ولی ادب رانندگی را از نظر دور ندارید، خانه برای زندگی بدست آورید، ولی خانه‌ای که روح شما را به اسارت نبرد، که این همه محصول تقوا و پرهیزکاری و توجه به حضرت حق است.

این زندگی یهودیان و مسیحیان است که از نظر خانه و اثاث آن، و مرکب سواری، و لباس و پوشاک، و خوراک و تجملات در گردونه اسراف است.

کلیساها و کنیسه‌های مسیحیت و یهودیت آراسته به زر و زیور، و آلات و ادوات و مجسمه‌ها و عتیقه‌جات، و تابلوها و مبلهائی است که میلیونها دلار قیمت آن است.

زندگی خاخامها و کشیشان و حتی پاپ رهبر مسیحیان در خدی از اسراف و تبذیر است که موجب حیرت و شگفتی است، اگر کلاه مخصوص و لباس پاپ را بفروشند، ملیونها نفر را از گرسنگی نجات می دهند.

اندوختن ثروت، رباخواری، دزدی‌های کلان آن هم در روز روشن و هزاران برنامه رسوای دیگر کار دشمنان خداست، دوستان حق باید با خواسته‌های حق بسازند، و از افتادن در اسراف و تبذیر خود را حفظ کنند.

مولد و حافظ تمام این واقعیات تقوا است، خانه آراسته به تقوا، و زن و شوهر تقوادار، دارای گنج الهی و سرمایه عرشی هستند، و زندگی آنان آمیخته به خوشی و طراوت و صفا و صمیمیت، و راحت و امنیت، و درستی و سلامت، و انصاف و کرامت و شرافت و حقیقت است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 35

خانه و معبد، باید به صورتی باشد، که انسان در آن احساس آرامش و امنیت کند، و برای او سکوی پرواز به سوی معشوق باشد.

خلاصه بنای زندگی را با رعایت تقوا و قناعت، و توجه به خدا و قیامت، به صورتی می توان بنا کرد، که وسیله‌ای برای آبادی آخرت، و جلب خوشنودی حق باشد.

امروزهم به شرط تقوا و قناعت، می توان با درآمد اندک زندگی کرد، البته اگر در طول برنامه مشکلی خودنمائی کند و مؤمن نتواند با درآمد مختصر خود به جنگ آن مشکل برود، بر مؤمنین و اهل خدا لازم است بدون فوت وقت به یاری برادر مؤمن خود اقدام کنند، و او را از رنج و زحمت و سختی و دردمندی برهانند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 36

یکدیگر را به تقوا دعوت کنید



با توجه به اینکه تمام مردان و زنان طاقت و تحمل تقوا را در دو مرتبه اعلايش، یعنی تقوای خاصّ الخاص، و تقوای خاص ندارند، باید از دعوت عموم مرد و زن به این دو مرحله از تقوا خودداری کرد، زیرا این دو مرتبه از تقوا در شأن انبیاء و امامان و اولیاء خاص خداست.

ولی آراسته شدن تمام زنان و مردان به تقوای عام، یعنی ترك محرمات اخلاقی و شهوانی و مالی امکان دارد.

بنابراین بر عموم مردم است که یکدیگر را با زبانی نرم، و اخلاقی خوش به تقوا دعوت کنند، و همدیگر را به ترك انواع محرمات تشویق نمایند، تا تقوا پرده ملکوتی و بساط عرشی خود را در پهن دشت حیات بگسترانند، و همگان بخصوص خانواده و جامعه از منافع آن بهره‌مند شوند.

آراسته شدن به تقوا بر عموم مردم در همه شئون، بخصوص بر زن و شوهر، و سرایت دادن آن به فرزندان واجب الهی است.

اهل حق و حقیقت می‌گویند: كودك امانت الهی است، و قلب و روح و نفس و باطن وی جوهر و تابلو و مایه پاکي است که از هر نقش و صورتی خالی است.

این تابلوی بی‌نقش و نگار قابلیت پذیرش هر نقش و صورتی را دارد، اگر وی را در خانه به انواع گفتار و عمل و اخلاق خیر عادت دهند، و راه تعلیم حقایق را به روی او بکشایند، كودك به سعادت دنیا و آخرت می‌رسد، و پدر و مادر که باعث رسیدن او به چنین واقعیتی شده‌اند در ثواب او شریکند، و در این معنا معلمان كودك و آنان که عامل ادب او هستند سهیمند.

اما اگر پدر و مادر بر اثر آلودگی و بی‌تقوائی، نقوش شیطانی را بر صفحه قلب و جان و نفس كودك نقاشی کنند، و طفل در کنار آنان به پلیدی و رذائل اخلاقی گرفتار شود، و همچون حیوانات، تنها و تنها اهل شکم و شهوت بارآید، و به میدان شقاوت و هلاکت بنشیند، وزر و وبال او بدون تردید بر عهده آن پدر و مادر، یا آن معلم و مربی اوست.

قُوْا اَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيكُمْ نَارًا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 37

چنانکه پدر و مادر از درافتادن كودك به آتش تنور یا منقل، یا شعله گاز مواظبت می‌کنند، و از نزدیک شدن وی به خطر جلوگیری می‌نمایند، به طریق اولی باید از گرفتارشدن كودك خود به آتش قهر حق در قیامت، که محصول بی‌تقوائی و

بدعملی، و سوء خلق، و نبودن ایمان و عمل صالح است جلوگیری کنند، و راه عملی حفظ كودك از عذاب فردا، در مرحله اول تقواداشتن پدر و مادر، و در مرحله بعد، سرایت دادن تقوا به كودك است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 38

پدر و مادر در جهت رشد طفل خود باید مبلغی وزین و معلمی کریم، و دو فرد دلسوز، و دو دعوت کننده به خیر باشند.

آنان باید وجود خود را به تقوا و ایمان و عمل صالح آراسته کنند، سپس به تأدیب و تہذیب كودك، و تعلیم محاسن اخلاق به او، و حفظ وی از رفیق بد، و معلّم زشت خو بکشند.

آنان باید سعی کنند، زینت و زیور خارج از حدّ، و تجمل و اسراف، و ثروت و مال محبوب قلب كودك نگرند، تا فردا تبدیل به موجودی مسرف، طمع کار، حریص، و غارت گر، و هوسران و خودسر نشود، که اگر ساختمان جامعه از مصالحی پوک، و به تعبیر دیگر از افرادی بی تقوا ساخته شود، آن ساختمان بر سر خود آن جامعه خراب می شود، و زندگی در آن جامعه برای همگان طاقت فرسا می گردد.

اگر تمام خانه‌ها اساسش تقوا باشد، اگر زن و شوهر آراسته به پرهیزکاری باشند، اگر تقوای پدر و مادر به كودك سرایت داده شود، جامعه از داشتن زندان، و مأمور فراوان، دادگاه و دادگستری بدین صورت گسترده بی نیاز خواهد شد، و با چنین وضعی دوش دولت و ملت از مخارج بسیار سنگین مالی که باید در راه رفاه مردم خرج شود، نه در راه جلوگیری از دزدان و مفسدان و غارتگران، سبک می گردد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 39

#### نشانه‌های اهل تقوا

بزرگان دین نشانه‌های اهل تقوا را با استفاده از آیات قرآن و روایات در مسائل زیر می دانند:

تحصیل علوم شرعیّه به اندازه‌ای که مکلف برای اعمال و اخلاق و معاملات و روابطش با خانواده و جامعه نیاز دارد.

حفظ سلامت بدن از طریق رعایت بهداشت و عمل به آداب خوردن و آشامیدن.

اتصال به هوش و فراست در امور زندگی، امین بودن در تمام جوانب حیات.

حفظ عفت نفس، راستگویی در کلام، آراسته بودن به حسنات اخلاقی، پیراسته بودن از رذائل، پاک بودن از ریا و دورویی، بیزاری از موادّ اضافی دنیا در زندگی، مبرا بودن از مکر و عذر و خیانت، اقدام به گرامیداشت اهل فضل و دانش، روی آوردن به وظائف شرعیّه اعمّ از واجبات و نوافل، دست زدن به دامن عالم ربّانی که انسان را با دین خدا، و حلال و حرام آشنا می‌سازد، و جز رشد و کمال آدمی را توقع ندارد، که روی آوردن به غیر عالم ربّانی شقاوت و هلاکت است.

امام صادق (علیه السلام) در ضمن سفارش به این حقیقت، یعنی پیروی از عالم ربّانی می‌فرماید:

إِنَّ آيَةَ الْكُذَّابِ أَنْ يُخْبِرَكَ بِخَبْرِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، فَإِذَا سُئِلَ عَنْ شَيْءٍ مِنْ مَسَائِلِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ شَيْءٌ.

نشانه آن که دروغگوئیش فراوان است، این است که تو را از مسائل آسمان و زمین خبر دهد، ولی به وقت پرسش از حلال و حرام حق چیزی برای جواب نزد او نیست.

و نیز از نشانه‌های اهل تقوا صبر در برابر حوادث، رعایت آداب و سنن اسلامی در همه امور، و ملازمت ذکر، و مداومت فکر، همراه با اخلاص نیت، و صفای باطن و مراقبت نفس است، تا با پیمودن این راه به علم‌الیقین و از علم‌الیقین به عین‌الیقین و سپس به حق‌الیقین برسند.

نظام خانواده در اسلام، ص: 40

زن و شوهر با تقوا

مرد باتقوا، برای تأمین مخارج خانه، جز به کسب حلال روی نمی آورد، و به غیر از مال حلال مالی قبول نمی کند، او با تحصیل حلال الهی مقید به رعایت حقوق تمام افرادی است که از طریق کسب و تجارت با او

### نظام خانواده در اسلام، ص: 41

سروکار دارند، و به عبارت دیگر از وجود او در بیرون از خانه به بندگان خدا ضرر و زیان نمی رسد، او به خاطر تقوای الهی دور حرام نمی گردد، و گنج عفت نفس و قناعت را از دست نمی دهد.

مرد باتقوا چون از کسب و کار فارغ شود، و به خانه بازآید، تمام کوفتگی و خستگی خود را کنار درب خانه می ریزد، و با نشاط و شادی و خوشدلی و خوشحالی وارد خانه می شود، به همسرش لبخند محبت می زند، و زحمات روزانه او را نسبت به نظافت خانه، و پخت و پز، و نگهداری فرزندان خسته نباشید می گوید، و وی را ارج می نهد، و با او و بچه ها با مهربانی و محبت برخورد می کند، و هر يك را درخور شأنش احترام می نماید.

مرد باتقوا گاهی حلال و حرام، و معروف و منکر، و حسنات و سیئات را به اهل بیتش گوشزد می کند، و نمی گذارد آنان در مسئله دین و دینداری دچار غفلت شوند.

مرد باتقوا، همه عمر و وقت خود را صرف بیرون نمی کند، و خنده و نشاط خود را تنها برای دوستان نمی برد، و در مسجد رفتن و شرکت در جلسات مذهبی راه افراط نمی پیماید.

مرد باتقوا به این نکته توجه دارد، که اسلام رعایت اعتدال و اقتصاد را در تمام امور حتی در عبادات سفارش فرموده، و از کم گذاشتن از حق زن و فرزند به بهانه رفت و آمد با دوستان، یا شرکت در مجالس نمی فرموده است.

در اینجا باید بر اساس فرمان اسلام، عزیزان خود را که کارگردانان مساجد و هیئات هستند، سفارش کنم، که زمان جلسات را در مساجد و هیئات کوتاه کنید، به يك نماز جماعت و ساعتی بیان احکام و معارف و دقایقی ذکر مصائب اهل بیت قناعت کنید، این برنامه روش رسول حق و ائمه بزرگوار بوده، و آنان با وقت اندک، و قناعت در بیان مردان و زنان بزرگی تربیت کردند.

زیاده روی در عبادات، بخصوص در مستحبات، و طول دادن جلسات، نشاط مستمع را از بین می برد، و بتدریج در روان او نسبت به برنامه های مذهبی ایجاد نفرت می کند، و این برنامه جز خسارت برای مساجد و هیئات، و ضرر و زیان برای مردم، بخصوص آنان که از ظرفیت بالائی برخوردار نیستند، چیزی به دنبال ندارد.

در هر صورت مرد باتقوا، در همه شئون زندگی آداب لازم را رعایت می نماید، و از این راه به استحکام بنای خانواده، و جلب محبت زن و فرزند کمک می نماید.

زن باتقوا، عفت و عصمت و پاکدامنی خود را حفظ می کند، با شور و شوق به کار خانه می رسد، زمینه رفع خستگی شوهر را که محصول کار بیرون است فراهم می نماید، از فرزندان خود به نحو شایسته نگهداری

می کند، با شوهر و فرزندان بر اساس اخلاق اسلامی رفتار می کند، از عبادتش غفلت نمیورزد، خانه را کانون عشق و صفا، مهر و محبت، و شور و شوق می نماید.

زن باتقوا از همسرش با تکیه بر اصول الهی اطاعت می کند، به خواسته های بحق او پاسخ مثبت می دهد، از عصبانیت و خشم و کبر می پرهیزد، با اقوام شوهرش با مهر و محبت و اخلاق اسلامی روبرو می شود، بوقت آمدن شوهر از عرصه کار و کسب تا درب خانه به استقبال می رود، و به وقت خروج شوهر وی را بدرقه می کند، و از وی می خواهد جز حلال خدا به خانه نیاورد، که ما به حلال خداوند گرچه اندک باشد قناعت می کنیم، و زیر بار حرام نمی رویم، مبدا به بهانه داشتن زن و فرزند، و خرج و مخارج از محدوده مقررات الهی تجاوز کنی، و زندگی را به حرام آلوده نمائی.

زن باتقوا از چشم همچشمی پرهیز دارد، و شوهرش را به خاطر هم رنگ شدن با زندگی اقوام خود، یا اقوام شوهرش در تنگنا قرار نمی دهد و او را خجالت زده نمی کند.

چنین زن و شوهری مقبول حق، و منبع خیر، و نمونه بارز انسان الهی هستند، و در سایه آن دو همان خانه ای بوجود آید که خدا می خواهد، و در فضای آن خانه فرزندان تربیت می شوند که حق، طلب می کند، در هر

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 42

صورت زن و شوهر در تمام امور زندگی بر اساس معارف الهی و قواعد اسلامی و قوانین فقهی باید همچون اولیاء الهی هوای یکدیگر را داشته باشند.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 43

پدر مادرم می گفت، آن زمانی که سفر از شهری به شهری با چهارپایان صورت می گرفت، با دوستان از اطراف اصفهان از منطقه خوانسار به سوی زیارت حضرت رضا (علیه السلام) حرکت کردیم.

من در جمع دوستان مأمور خرید لوازم مورد نیاز بودم، در شهر دامغان اول صبح وارد مغازه ای شدم، جنسی می خواستم، مرا به دورن مغازه دعوت کرد، به عنوان این که زائرم شروع به پذیرائی کرد، شخصی برای خرید به او مراجعه کرد، قصد خرید مفصل داشت، به او گفت لطفاً از مغازه روبروی من این جنس را تهیه کنید، مشتری رفت، به او گفتم شما که این جنس را بیش از درخواست مشتری داشتید، چرا با او معامله نکردید، به من گفت اول صبح چهره صاحب مغازه آن طرف خیابان را غمناک دیدم، سبب را از او پرسیدم، پاسخ داد بدهکارم و امروز روز ادای دین است، ولی از دیروز تا به امروز به اندازه ای که بتوانم ادای دین کنم خرید و فروش نداشته ام، غصه و رنج او را نمی بایست تحمل کنم، مشتری خود را به سوی او فرستادم، تا از درد و رنج بدهکاری خلاص شود، چرا که مؤمن باید هوای برادر مؤمن را داشته باشد، آری همه باید در همه امور هوای همدیگر را داشته باشیم، بخصوص شوهر باید هوای همسر را داشته باشد، و زن هوای همسر را، تا خانه و کاشانه بر اساس آداب الهی و انسانی برپا شود، و محصول آن خانه فرزندان باکرامت و رشیدی گردند.

برادران عزیز خانه را بخصوص به وقت نماز صبح با قرائت قرآن معطر کنید، که صدای ملکوتی شما در هنگام خواندن قرآن، گوش دل، و سمع قلب زن و فرزندان را نوازش دهد، و آنان را با عبادت و قرآن بیش از پیش آشنا کند، و از آنان منبع خیر و تقوا و کرامت پدید آورد.

(یرید الله ان یخفف عنکم)

«نساء/ 28»

نظام خانواده در اسلام، ص: 44

3 اهداف والای ازدواج در اسلام

نظام خانواده در اسلام، ص: 45

خانه پاك

پاك و پاكيزه ماندن يك جوان چه پسر و چه دختر، چه مرد و چه زن، در صورتی که ازدواج نکنند، از فساد و افساد، امر غیر ممکن به نظر می‌رسد.

در چند ملیون مرد و زن، یافتن جوانی پاك، و انسانی باعفت و خوددار از گناه، بشرطی که ازدواج نکرده باشند، مسئله‌ای مشکل به نظر می‌آید.

اگر جوانی را در پاکی و پاکیزگی ظاهر و باطن یافتیم، در حالی که ازدواج نکرده باشد، باید بگوئیم او از اولیاء الهی است.

خودداری از گناه، و مصون ماندن از آلودگی، و در امان رفتن از عصیان و طغیان، در صورت عدم ازدواج کاری است یوسفی.

خانه‌ای که مرد و زن آن بدون صورت گرفتن ازدواج در آن زندگی می‌کنند، خالی از فساد نیست.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 46

مرد بدون همسر، و زن بدون شوهر، در صورتی که غرائز و شهوات آنان زنده است، و فشار غریزه و شهوت بر آنان سنگین است، جدای از فساد هر چند اندک، و بریده از مشکلات گوناگون روحی و خانوادگی و اجتماعی نیستند.

ازدواج، این حقیقت الهی و طبیعی، آسان‌کننده پاره‌ای از مشکلات و عاملی برای تداوم پاکی جوانان، و حفظ عفت و تقوای آنان است.

بنای يك خانه در جامعه در صورتی با سلامت و آرامش قرین می‌شود، که مرد و زنی با تحقق دادن ازدواج و رعایت حقوق یکدیگر در آن زندگی کنند.

خانه مسلمان در هر سرزمینی که هست باید پرتوی از وحی، و جلوه‌ای از یاد خدا، و محصولی از رفعت و بلندی و عظمت، و میوه‌ای از تسبیح حق در شب و روز باشد.

فِي بُيُوتٍ إِذِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 47

در خانه‌هایی که خداوند اذن داده، که بزرگ داشته شوند، و نام او در آنها یاد شود، و او را در آن خانه‌ها بامدادان و شبانگاهان به پاکی ستایند.

چنین خانه‌ای با چنان اوصافی خانه مؤمنی است، که طاعت و عبادت حق در آن رونق دارد، و به امر الهی مسئله ازدواج در آن صورت گرفته، و مرد و زن آن خانه به تمام حقوق الهی و انسانی پای‌بند هستند.

آری قرآن مجید به ازدواج امر می‌کند، تا مشکلات مرد و زن با تحقق این سنت تخفیف یابد، و دامن هر دو که دامن رحمت و تربیت است از آسودگی و فساد سالم بماند، و مرد و زن با تشکیل زندگی، و همسوئی با یکدیگر خانه را محل ذکر خدا، و تسبیح حضرت حق کنند.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 48

## اهداف والای ازدواج در اسلام

در جوّ چنین خانه‌ای مرد و زن بنده واقعی حق، و فرزندان‌شان میوه و ثمره فضیلت، و اعمال و رفتار و اخلاق و کردارشان جلوه‌ای از آداب الهی و سنن و روش انبیاء گرام حق است.

زن مؤمنه هنگامی که با مرد مؤمن ازدواج می‌کند، و هر دوی آنها خود را موظّف به رعایت مسائل الهی می‌دانند، به عنوان دو یار مددکار، دو رفیق شفیق، دو دوست همدم، دو همراه و همراز و دو منبع ایمان، و دو استوانه عشق و محبت، فضای زندگی را از ورود مشکلات حفظ

می‌کنند، و چون مشکلی پیش آید، به آسانی و سادگی آن را حلّ و فصل می‌نمایند، و با اسلحه صبر و حلم، و بردباری و حوصله به علاج درد برمی‌خیزند

## نظام خانواده در اسلام، ص: 49



## بدترین مردم

تنهایی و تنها زیستن، عزلت و کناره‌گیری از یار گرفتن موجب بسیاری از مشکلات، و باعث افسردگی و دل‌مردگی، و علت هیجانات روحی و عصبی، و مورث انواع بیماریهای روانی و بدنی است.

تنهایی انسان را در دریائی از خیالات، اوهام، افکار غیرمنطقی، و بیماریهای اخلاقی و روانی فرو می‌برد، و امواجی از مشکلات گوناگون را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 50

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُزَّابُ.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: اکثر اهل آتش در قیامت آنانی هستند که از ازدواج و تشکیل خانواده امتناع کردند.

و نیز آن حضرت فرمود:

بِشَرِّ رِجَالٍ مَوْتَاكُمُ الْعُزَّابُ.

بدترین اموات شما عزبها هستند.

و در روایتی فرمود:

رُذَالُ مَوْتَاكُمُ الْعُزَّابُ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 51

فرومایه‌ترین مردگان شما عزبها هستند.

و در سخنی حکیمانه بیان فرمود:

شِرَارُكُمْ عَزَابُكُمْ وَالْعَزَابُ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ.

شریرترین شما عزبهایند، و عزبها برادران شیطانند.

و در کلامی عرشی و بیانی ملکوتی فرمود:

خِيَارُ أُمَّتِي الْمُتَأَهِّلُونَ وَشِرَارُ أُمَّتِي الْعَزَابُ.

بهترین امت من زن‌داران و بدترین آنان عزبها هستند.

و نیز آن حضرت فرمود:

لَوْ خَرَجَ الْعَزَابُ مِنْ مَوْتَاكُمْ إِلَى الدُّنْيَا لَتَزَوَّجُوا.

اگر آنان که عزب مردند به دنیا برگردند، حتماً ازدواج خواهند کرد.

و در حدیثی فرمود: خداوند مردی که از زن گرفتن خودداری کند لعنت نموده.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 52

تعبیر رسول باکرامت اسلام از آنان که از ازدواج امتناع می‌کنند به اهل آتش، فرومایگان، برادران شیطان، اشرار، و لعنت‌شدگان، به خاطر این است که روی‌گردانان از ازدواج به ناچار در فساد و افساد، و شیطنت، و گناه و معصیت، خواهند افتاد، و برای جامعه و خانواده ایجاد مزاحمت نموده، و باعث مشکلات فراوانی در تمام زوایای زندگی خواهند شد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 53

با توجه به آیات و روایات، و تجربه حیات، ازدواج انسان را کرامت و شرافت می‌دهد، از علل استحقاق عذاب الهی می‌رهاند، از پستی و فرومایگی حفظ می‌کند، از افتادن در بند شیطان مصون می‌دارد، و از اینکه آدمی منبع شرّ و فساد شود، و مورد لعنت حق قرار گیرد در امان می‌دارد، و این همه موجب راحتی و استراحت، آرامش و امنیت، پاکی و تقوا،

و آسان شدن موارد زندگی و سبک شدن بار حیات می‌گردد، به همین خاطر در قرآن مجید بدینگونه به علت تشریح ازدواج اشاره فرمود:

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ.

خداوند اراده فرموده برنامه زندگی را برای شما سهل و آسان نماید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 54

#### شکوفائی استعداد

دختر و پسر هنگامی که بر اساس فطرت و طبیعت، و به پیروی از دستور حق و روش انبیاء الهی ازدواج کردند، و از پرتگاه عذاب الهی، و شرارت باطن، و بند خطرناک شیطان، و دچار شدن به لعنت خدا، که همه و همه از اوصاف مرد و زن عزب است نجات پیدا کردند، و در سایه ازدواج به آرامش فکری، و امنیت باطنی دست یافتند، و بر مشکلات ناشی از عزب بودن فائق آمدند، و از دردسر تنهازیستن شفا گرفتند، و به محیطی الهی و ملکوتی رسیدند، و زمینه تفکر صحیح و آینده‌نگری برای آنان فراهم شد، و طغیان شهوات و غرائز فرونشست، بدون تردید راه برای شکوفائی استعدادهای نهفته در باطن باز می‌شود، و بر درخت زندگی محصولات و ثمرات و نتایج عالی می‌نشیند.

بسیاری از رجال دانش، و مردان بزرگ، و دانشمندان و علمای اسلامی را، صفحات تاریخ نشان می‌دهد که پس از ازدواج راه صدساله را يك شبه طی کردند، و در سایه ازدواج که موجب آرامش و امنیت خاطر آنان گردید به مقامات بلند و بزرگی از علم و دانش رسیدند، و در علم و تقوا، و پاکي و کرامت و خدمت و عبادت زیانزد خاص و عام شدند.

در کتاب زندگانی آیت‌الله بروجردی در صفحه 95 می‌خوانیم: در سال 1314 که بیست و دو بهار عمر را پشت سر می‌گذاشت، پدرش نامه‌ای به وی نوشت، و او را به بروجرد احضار کرد، او گمان می‌کرد پدرش می‌خواهد او را برای ادامه تحصیل به نجف اشرف که بزرگترین حوزه علمیه شیعه بود بفرستد، ولی پس از ورود و دیدار پدر و بستگان، مشاهده می‌کند که به عکس انتظار وی، مقدمات ازدواج و تأهلش را فراهم کرده‌اند.

از این پیش آمد اندوهگین می شود، و چون پدرش متوجه می گردد و علت اندوه و تأثر او را می پرسد می گوید: من با خاطر آسوده و جدیت بسیار سرگرم کسب علم بودم، ولی اکنون بیم آن دارم که تأهل میان من و مقصودم حائل گردد، و مرا از تعقیب مقصود و نیل به هدف باز دارد.

پدر به وی می گوید: فرزند این را بدان که اگر به دستور پدرت رفتار کنی امید است که خداوند به تو توفیق دهد تا بتوانی به ترقیات مهمی که در نظر داری نائل شوی، احتمال این را هم بده که اگر ترتیب اثر به این آرزوی پدر ندهی، با همه جدیتی که در تحصیل داری بجائی نرسی!!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 55

گفته پدر تأثیر بسزائی در وی می بخشد و او را از هر گونه تردید بیرون می آورد و سرانجام پس از ازدواج و اندکی توقف مجدداً به اصفهان برگشته پنج سال دیگر به تحصیل و تدریس علوم فنون مختلفه اهتمام میورزد.

همسر وفادار و هم کفو او در اصفهان آنچنان وسائل راحت و آرامش و امنیت آن مرد بزرگ را فراهم می آورد، و به عنوان یاری مهربان، معاونی شفیق، خدمتگزاری متین، دلسوزی مهربان، زمینه انواع ترقیات شوهر گرانمایه اش را تحقق می دهد، که در آن پنج سالی که در اصفهان با آن زن باکرامت می زیست از علوم و فنون متداول بهره گرفت، و چنان با نشاط و پشتکار مشغول تحصیل بوده که بعضی شبها تا سپیده دم سرگرم مطالعه بوده است، بطوری که خود آن بزرگ مرد بارها می فرمود، در مواقع بیکاری به حفظ قرآن مجید همت می گماشت و در نتیجه توانست در عرض مدتی که در اصفهان بود از اوّل تا آخر سوره براءت را حفظ کند، و تا آخر عمر نیز آن را از حفظ داشت و پیوسته به حفظ و قرائت و مداومت آن اهتمام میورزید!

مرحوم علامه طباطبائی صاحب تفسیر قیّم المیزان، قسمتی از کمالات و ترقیات علمی و معنوی خود را مرهون همسر باکرامت خویش می دانستند.

آری ازدواج علت آرامش و امنیت، و زمینه تحقق کمالات، و شکوفائی استعدادهاست.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 56

کوشش برای خانه و خانواده عبادت است

ازدواج و همسررداری و توجه به امور فرزندان علاوه بر آثار مثبت دنیائی، ثمرات عجیب معنوی برای انسان دارد.

کار و کوشش مادی در جهت تأمین زن و فرزند، در فرهنگ پاك اسلام عبادتی بزرگ و مساوی با جهاد در راه خدا شمرده شده، تا جائی که از معصوم روایت شده:

وَالْكَافُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حِلِّ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

آنکه برای تأمین خانواده‌اش زحمت می‌کشد، تا از حلال خدا نفقه آنان را فراهم کند، مانند مجاهد در راه خداست.

از آنجا که رعایت حق زن و فرزند، و توجه به امور معنوی آنان و رعایت حق شوهر از جانب زن، و حق فرزند از طرف مادر کاری دشوار و سنگین است، و در حقیقت اجرای دستور حضرت حق است، همانند کوشش برای تأمین امور مادی آنان عبادت، و موجب اجر و ثواب اخروی است.

پرورش نسل صالح، و تحویل دادن فرزندان شایسته و نیکوکار، امری مهم و باعث جلب رضایت حضرت حق است.

خانه و اهل خانه را از فساد و افساد دور داشتن، و فراهم کردن زمینه رشد و تربیت و تکامل زن و فرزند از اهمّ امور، و از بهترین نوع عبادت و بندگی خداست.

امام چهارم (علیه السلام) در گفتار حکیمانه‌ای فرموده‌اند، هر کس نسبت به زن و فرزند سفره مادی و معنوی را کامل و تمام بیندازد، به خوشنودی حق از دیگران نزدیکتر است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 57

در هر صورت جامعه میوه و ثمره خانه است، و وکیل و وزیر و رئیس جمهور و کارگزاران يك ملت ریشه در خانه و خانواده دارند، و منبع اصلی تربیت و شکل‌گیری آنان خانه و کارگردانان خانه هستند، خانه به مثل به مانند يك زمین است، اگر زمین جدای از حق و حقیقت باشد کویری نم‌زار است که سنبل و گل نخواهد داد، و اگر زمین متصل به حق و حقیقت باشد، توقع سنبل و گل از آن توقعی معقول و منطقی است.

سعادت و شقاوت انسان در درجه اول از پدر و مادر به انسان منتقل می‌شود، اگر پدر و مادر در تحقق سعادت فرزند بکوشند دست به عبادتی بزرگ زده و از منافع ابدی ازدواج بهره گرفته‌اند، و اگر عامل شقاوت شوند از شجره طیبه ازدواج منفعت نبرده بلکه با دست خود سفره خسارت خویش را پهن کرده‌اند.

به همین خاطر در روایات عالی اسلامی از رسول حق نقل شده:

الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ.

ریشه شقاوت هرکس شقی است در سرزمین وجود مادر، و سعادت سعید از باطن مادر است.

و به قول شاعر بزرگ کلیم کاشانی:

از کوزه همان برون تراود که در اوست

تا در کوزه وجود فرزند، پدر و مادر چه ریخته باشند و مغز و اعصاب و مشاعر و قلب فرزند را با چه مسائلی شکل داده، و به سوی چه برنامه‌هایی سوق داده باشند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 58

در مسئله ازدواج والاترین هدف را منظور داشته

باشید

هدف انسان از ازدواج باید هدفی معنوی و مقدس و پاک باشد، ازدواج باید برای اطاعت از دستور حق، و پیروی از روش انبیاء، و برای تأمین سعادت همسر، و تربیت الهی و ملکوتی فرزندان صورت بگیرد.

زن و مرد در مسئله ازدواج باید خود را آماده ورود در يك عبادت بزرگ کنند.

زن و مرد باید در ازدواج خوشنودی حق را منظور نظر بدانند، و بدانند که هر دوی آنان از طریق صلب و رحم امانتدار حضرت حقند.

باید بدانند که فرزند آنان که امانت حق است در مدتی کوتاه مهمان صلب پدر، و بین شش تا نه ماه مهمان رحم مادر است، و در این دو مدت با گیرندگی دقیقی که حضرت حق به وی عنایت فرموده از تمام وجود پدر و مادر تمام حالات و مشخصات را بدون اختیار به خود منتقل می‌نماید.

نقل می‌کنند رسول حق به زنان باردار اجازه می‌دادند گاهی به تماشای جبهه حق علیه باطل بیایند، تا مناظر زیبای جهاد و شمشیرزدن در راه حق را ببینند، و به شعارهای الهی و ملکوتی

### نظام خانواده در اسلام، ص: 59

رزمندگان گوش جان بسپارند، تا از طریق دیده و شنیده خود فرزند در رحم را تغذیه کنند، برای اینکه طفل، در رحم مادر موجودی ورزیده شود، و شجاع و باهمت و همراه با آوای ملکوتی رشد کند.

مگر نشنیده‌اید قبل از تگّون وجود فاطمه در صلب رسول حق، از جانب خداوند به پیامبر دستور چهل روز روزه داده شد، و افطار شب آخر از غذای بهشتی تناول فرمود، آنگاه نطفه آن دختر والا به رحم مادر منتقل شد!!

واسطه بین شما و ازدواج چشم نباشد، دلال ازدواج شهوت نباشد، هدف از ازدواج رسیدن به مال و ثروت و مقام و جاه از جانب خانواده طرف مقابل نباشد، رسیدن به چهره زیبا و ظاهر فریبنده هدف این برنامه نباشد، که این امور تاکنون نشان داده عاقبت خوشی نداشته، و ثمره و میوه آن اندک بوده است.

بیایید خدا و معنویت و عبادت، و کوشش برای رعایت حق همسر، و تربیت اولاد صالح و خلاصه جلب رضای حق را در مسئله ازدواج هدف قرار بدهید، تا ثمره این ازدواج منافع ابدی و دائمی باشد.

لذت و تمتع و شهوت حلال را تابع این اهداف والا و آسمانی قرار دهید، تا لذت و تمتع کامل گردد و از همان لذت و شهوت هم اجر اخروی نصیب خود کنید.

ازدواج اگر الهی باشد راه به طلاق پیدا نمی‌کند، پیوند الهی و ملکوتی دائمی و همیشگی است.

آنکه برای خدا ازدواج می کند، حق همسر را با تمام وجود رعایت می نماید، و کمترین آزاری از ناحیه او به همسر وارد نمی شود.

حفظ آبروی همسر در برابر فرزندان و بستگان واجب شرعی است، و تحقیر زن از جانب شوهر و شوهر از جانب زن حرام الهی است.

مردان و زنان مسلمان باید ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (علیهما السلام) را اسوه و سرمشق خود قرار دهند، آن ازدواج والائی که برای خدا صورت گرفت، و اهداف الهی و عرشی در آن منظور شد، و ثمره آن فرزندان پاک، الهی، و ملکوتی شد.

روایات شیعه آیات زیر را به این ازدواج پاک تأویل کرده اند:

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ، يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ.

دو دریا را به هم درآمیخت و میان آن دو دریا فاصله ای است که تجاوز به حدود یکدیگر نمی کنند، از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون می آید.

منظور از دو دریا، وجود امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا است، که دو دریای معرفت، بینش، حلم، صبر، ایمان و بصیرت اند، و مقصود از برزخ و فاصله رسول باکرامت اسلام، و معنای لؤلؤ و مرجان حضرت حسن و حسین (علیهما السلام) است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 61

نظام خانواده باید يك نظام صد در صد اسلامی و الهی باشد، تا رحمت و لطف حضرت حق را به سوی خود جلب و جذب کند.

اگر در ازدواج از سنن ناپسند، و عادات غیرالهی، و شرایط شیطانی و خلاصه از فرهنگ جاهلی فرهنگی که میراندن آن را رسول خدا در يك فرمان قاطع دستور داده:

امِثْ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا مَا سَنَّهَ الْإِسْلَامُ.

پرهیز نشود، زشتی ها چهره نشان می دهند، و میوه این درخت آلوده تلخ خواهد شد.



## نظام خانواده در اسلام، ص: 62

## نظام خانواده در مغرب زمین

نظام خانواده در اروپا و آمریکا نظامی غلط است، بی پایه و بدون محتواست.

تقلید از نظام خانوادگی مغرب زمین تقلیدی ناجبا، و هموار کردن راه حیات برای افتادن در چاه بدبختی است.

آنان از ازدواج هدفی مقدس و پاک ندارند، واسطه ازدواج زن و مرد آنجا فقط و فقط شهوت و ارضاء غریزه است، آنجا زن و مرد شایسته و صالح بسیار کم است، به همین خاطر فساد و افساد از سر و روی اروپا و آمریکا مانند باران بهاران می‌ریزد.

مردان در مغرب زمین به طور اکثر، و زنان بطور اغلب پس از گذراندن دوران فساد، و رفاقت‌های نامشروع با یکدیگر ازدواج می‌کنند، و ثمره خود را پس از ولادت به شیرخوارگاه سپرده، و سپس بدون اینکه مهر پدری و محبت مادری را چشیده باشد، و منبعی از عواطف و احساسات پاک گشته او را تحویل می‌گیرند، و سر هر سفره فسادی می‌نشانند، آنگاه وی را به مدرسه می‌سپارند تا آهنگی از تربیت ظاهر را طی کند، و به اصطلاحاتی چند آشنا گردد، آنگاه در سن هیجده سالگی وی را از خود می‌رانند و به امید محیط و جامعه رهایش می‌نمایند!

آنان اگر اخلاق به فرزندان خانه و مدرسه بیاموزند، اخلاق ژنتلمنی است، اخلاق اقتصادی و جلب مادی است، به ریشه‌های باطن و حقایق درون توجه ندارند، و از تربیت انسان قابل قبول عاجزند.

مگر نمی‌بینید وقتی تشکیل جامعه و دولت می‌دهند، جامعه منبع فساد و دولت منبع استعمار و استثمار مستضعفان روی زمین است.

جنایاتی که فارغ‌التحصیلان خانه و مدرسه و دانشگاه‌های مغرب زمین کرده‌اند تا قیامت قابل جبران نیست.

اگر اوقاتی باوقار و آرام و متین باشند، و خود را مؤدب و آراسته نشان دهند، به خاطر این است که طعمه نیافته، و لقمه چرب و لذیذ ندیده‌اند، داستان آنان شبیه به این داستان است که مردی به دوستش گفت گربه‌ای را به مبادی آداب

آراسته‌ام، و آن حیوان را تربیت کرده تا جائی که بر سر سفره‌ای که انواع غذاها قرار دارد شمعی به دست او می‌دهم تا مهمانان در پرتو آن شمع از آن سفره بهره‌مند شوند، رفیقش گفت به این ویژگی و به این آراستگی گریه نمی‌توان اطمینان کرد، مرا دعوت کن تا بر سر آن سفره این مسئله را به تو ثابت کنم، از وی دعوت کرد، گریه را بر سر سفره دید که چشم طمع و پای حمله از غذاهای سفره بریده، و شمعی برای روشنایی اطاق و دید مهمانان به سفره بدست دارد، در گرمی اوضاع موشی را از جیب خود

### نظام خانواده در اسلام، ص: 63

درآورد و به وسط سفره گذاشت، موش می‌خواست فرار کند، گریه شمع را به يك طرف انداخت و همچون شیر ژیان به وسط سفره پرید، نظام سفره را برای گرفتن موش به هم زد، و اوقات خوش صاحبخانه و مهمانان را تلخ نمود!

آری تربیت اروپا و مغرب زمین تربیت گریه‌ای است، تا غذای خاص خود را به خیال خود نبیند، آرام و مؤدب هستند، چون چشمشان به طلا و نفت و سایر معادن ملل ضعیف بیفتد، برای بلعیدن حق دیگران، چراغ تربیت را به زمین انداخته و همچون حیوان درنده‌ای، به تمام حیثیات مادی و معنوی ملل ضعیف حمله می‌کنند، و برای امور مادی از میان جوی خون بی‌گناهان عبور می‌کنند.

کثرت فساد و افساد، غلبه شهوات حرام، اخلاق زشت، قتل و غارت، فحشا و منکرات، در ملل مغرب زمین محصول خرابی نظام خانه و خانواده است.

اگر بیوت اروپا و آمریکا بیوت بارفعت، و بیوت غرق ذکر حق، و بیوت تسبیح حضرت معبود بود، محصولات آن بیوت انسانهایی والا و باکرامت و رشید و باعاطفه و متخلّق به اخلاق حق بود، ولی چون بیوت مغرب زمین از حق و حقیقت دور است، ثمرات آن تلخ و بدبو و بدمزه است، و چنین نظام از هم‌پاشیده‌ای قابل سرمشق قرار دادن نیست، کسانی که از آنان پیروی می‌کنند بدتر از آنان خواهند شد.

(قال الصادق (عليه السلام): أكثر الخیر فی النساء)

«وسائل الشیعه، ج 14، ص 11»

### نظام خانواده در اسلام، ص: 64

## 4 موقعیت زن در تاریخ بشر و اسلام

## نظام خانواده در اسلام، ص: 65

## انحراف فکری انسان گمراه نسبت به زن

اقوام و مللی که بر اثر کبر و نخوت از تعالیم حق، که به وسیله کتب آسمانی، و زبان پاک انبیاء تبلیغ می شد جدا می زیستند، در تمام امور جهان و انسان دچار انحراف فکری شدند، و نسبت به هستی و مخلوقات آن بطور اغلب، در قضاوت خود به تاریکی ره سپردند، و مسائلی دور از حقیقت، و مطالبی خلاف واقعیت گفتند، و بر اساس همان برداشتهای غلط و قضاوت های ظالمانه زندگی کردند، و از این طریق ظلم سنگینی بر خود و دیگران روا داشتند، و صفحات تاریخ حیات را به زشتی و پلیدی نقاشی کردند.

از جمله قضاوت های آنان نسبت به زن بود، که قضاوتی دور از حقیقت، و امری خلاف اخلاق و انسانیت، و برنامه ای ضد حق و واقعیت بود.

من در مطالعاتم در کتبی که در این زمینه نوشته شده چه کتب غربی و چه کتابهای تألیف شده در شرق به این نتیجه رسیدم، که اقوام و ملل جدای از حق و بریده از وحی، و فرورفته در هوای نفس و غرق افکار غلط چه در غرب و چه در شرق، نسبت به زن ده گونه قضاوت ظالمانه و دور از منطق عقل و زبان انسانیت داشتند.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 66

1 موجودی است صد در صد ضعیف و ناتوان: بر این اساس باید نسبت به مرد در تمام جهات، بی چون و چرا تابع و فرمانبردار و محکوم باشد، و حق مداخله در هیچ کاری را حتی در چهارچوب خانه شخصی ندارد.

2 موجودی است دارای روح شیطانی: بر این ملاک یا صد در صد خارج از حدود انسانیت است، یا اگر بهائی به او داده شود چیزی بین انسان و حیوان است، روی این حساب فاقد ارزش می‌باشد، و قابل احترام نیست، و برای وی هیچ‌گونه شخصیتی نمی‌توان تصور کرد.

3 برای او مالکیت و اختیارداری نسبت به اشیاء و عناصری که قابل ملکیت است وجود ندارد، اگر مرد صلاح بداند می‌تواند مالک شود، آن هم نه هر چه را بخواهد.

4 از جانب ارث گذارندگان هیچ‌گونه ارثی نمی‌برد، بلکه خود او از عناصر ارث است که پس از مرگ پدر یا شوهر به دیگران ارث می‌رسد!!

5 عبادت و بندگی و ورود در حوزه معنویت حق او نیست، چون عباداتش فاقد ارزش است، و اجر و مزدی برای عبادت ندارد زیرا از نظر عقلی بسیار ضعیف و موجودی بواهوس است.

6 از نظر حقوقی و قضائی لیاقت انتساب به پدر و پسر خود را ندارد، تنها چیزی که رابط بین آنهاست خون است، فقط می‌توان او را نسبت به پدر و پسرش هم‌خون خواند، نه فرزند پدر و مادر فرزند!

7 چون شوهر کرد فرزندان وی نوه پدر او نیستند، بیگانگی بین پدر زن و فرزندان زن حکومت قطعی دارد، نسبت از جانب اولاد ذکور است.

8 بین او و مرد در مسئله مرگ تفاوت کلی وجود دارد، مرد پس از مردن باقی، و زن پس از پایان عمر فانی است.

9 در تصرف عنوان شیئیت است، روی این حساب مرد هرگونه تصرّفی در مال و ثروتش دارد، همان تصرف را نسبت به زن دارد، می‌تواند او را قرض بدهد، به اجاره واگذار کند، ببخشد، بفروشد، اخراج کند و نهایتاً به قتل برساند.

10 کالای شهوت است تنها برای لذت‌بری مرد آفریده شده، و مرد هم در لذت‌بری و بهره‌گیری از او قانونی نمی‌شناسد، در این قسمت دهم اروپا و آمریکای جدای از نبوت انبیا آنچنان نسبت به زن راه افراط پیموده، که حدی برای آن نیست، زن در قسمت عمده‌ای از مغرب زمین کالای سینما، تلویزیون، ویدئو، ماهواره و انواع مجلات برای جلب و جذب مشتری بیشتر، و درآمد مالی سنگین‌تر برای مؤسّسات حیوانی و شهوانی است!!

## پاسخ اسلام به انحرافات فکری انسان

گمراه نسبت به زن

اسلام آئین و دین الهی است، اسلام فرهنگ فطرت و آهنگی هماهنگ با تمام شئون انسان و انسانیت است، نظام مسائل و قوانین در اسلام از جانب خداوند بزرگی است که بنای ساختمان انسان را بنا نهاده، او که می‌داند انسان چیست و کیست و دارای چه ظاهر و باطنی است، بر

## نظام خانواده در اسلام، ص: 68

اساس کیان و حیثیت و موجودیت او قانون وضع کرده، و وی را به حقایقی که باید برسد هدایت نموده است.

اسلام در پاسخ یاهوه‌های دهگانه‌ای که در طول تاریخ حیات نسبت به زن گفته شده، و آنها را در افکار و اندیشه ملل رسوخ داده و به عنوان فرهنگ درآورده بود چنین می‌گوید:

1 خلقت زن و کیفیت وجود او همانند مرد است و صد در صد مصداق حقایق و واقعیاتی است، که حضرت حق از خلقت او هدف داشته، و با تمام وجود محقق به حقیقت انسانیت است و خلاصه با تمام حیثیت انسان است انسانی که:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.

به حقیقت که انسان را در نیکوترین سیرت و صورت آفریدیم.

صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي اِنَّ كُلَّ شَيْءٍ اَنْتَهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ.

صنع خداست، خدائی که هر چیزی را در کمال اتقان و استحکام ساخته که او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 69

خدائی که هر چیزی را به نیکوترین وجه آفرید.

2 برای زن روح الهی و انسانی محض قرار داده شده، همان روحی که از جانب حق در او دمیده شد و او را به خاطر این روح امتیازی خاص بخشید و وی را منبع ظهور کمالات قرار داد، روحی که با روح مرد تفاوت ندارد، هویتی که با هویت مرد یکسان است، گوهری که با گوهر ذاتی مرد یکی است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً.

ای مردم از پروردگارتان پروا کنید که همه شما را از يك انسان آفرید، و همسر او را از جنس او خلق کرد، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی در روی زمین منتشر کرد.

وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 70

از نشانه‌های قدرت خداوند این است که همسران شما را از جنس شما قرار داد تا به وسیله آنها آرامش یابید. در تفسیر عیاشی از حضرت باقر (علیه السلام) روایت شده که خداوند حوا را از باقی مانده خاک آدم آفرید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 71

نوع این آیات نشان می‌دهد که در خلقت زن از نظر ظاهر و باطن کمی و کاستی وجود ندارد، و روح او همان روحی است که از جانب حق در او دمیده شده و بالقوه موجودی کامل، احسن، و اتقن است که می‌تواند از استعداد و فطرت و روح و عقل خود، در سایه هدایت حق کمک گرفته

به عالیترین مقامات معنوی برسد، و می‌تواند از همه واقعیات و حقایق چشم‌پوشی کند و به اسفل سافلین وارد شود.

3 او دارای حق مالکیت است، و محصول زحمات او در زمینه‌های کارهای پسندیده و مشروع حق خود اوست، و مسئله مالکیت او و تصرفاتش در آنچه ملك اوست بدون کم و کاست همانند مرد است.

وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 72

و برای آدمی جز آنچه به سعی خود انجام داده نخواهد بود.

آری انسان مالك سعی و كوشش و عمل و حرکت خود است، و این واقعیتی است که حضرت حق در دنیا و آخرت به هر انسانی چه زن و چه مرد واگذار کرده است.

لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 73

و برای شما مردان حلال نیست که چیزی از مهریه آنان را که به آنها پرداخت کرده‌اید بگیرید.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید:

السُّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ: مَانِعُ الزَّكَاةِ، وَ مُسْتَحِلُّ مَهْرِ النِّسَاءِ وَ كَذَالِكَ مِنْ اسْتِدَانِ وَ لَمْ يَنْوَ قَضَاءَهُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 74

دزدان سه نفرند: آنکه از پرداخت زکات بخل ورزد، آنکه خوردن مهریه همسر خود را حلال دانسته و به او نپردازد، و کسی که از مردم وام بگیرد و قصد پرداخت آن را نداشته باشد.

وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَدْرُونَ أَرْوَاجًا وَ صِبْيَةً لِأَرْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحُزْلِ غَيْرِ اخْرَاجِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 75

مردانی که بمیرند و زنانشان زنده مانند، باید وصیت کنند که آنها را تا يك سال نفقه دهند، و از خانه شوهر بیرون نکنند.

و غیر از مهریه و وصیت به مخارج زن پس از مرگ شوهر، در زمان بعد از طلاق سفارش او را به مردان فرموده اعلام می‌کند:

وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 76

و برای همه زنان طلاق داده شده هدیه مناسبی است «که از جانب شوهر پرداخت می‌گردد»، این حقی است بر عهده مردان پرهیزکار.

4 زن از پدر و مادر و از شوهر و از فرزندان خود ارث می‌برد:

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ أَنْ تَرَكَ خَيْرَ الْوَصِيَّةِ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ.

بر شما نوشته شده، هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی از خود به جای گذارده، وصیت برای پدر و مادر و نزدیکان بطور شایسته کند، این حقی است بر پرهیزکاران.

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ، وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 77

این آیه شریفه در صدد مبارزه با عادات و رسوم غلطی است که زنان و کودکان را از حق مسلم خود محروم می‌ساخت، و این رسم ظالمانه مربوط به اعراب بود، و آیه شریفه خط بطلان بر این رسم خائنانه کشید و فرمود:

مردان سهمی از اموالی که پدر و مادر و نزدیکان بجای می‌گذارند دارند، و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند سهمی هست، خواه آن مال کم باشد یا بسیار، این سهمی معین شده و واجب‌الاداء است.

5 عبادت زن در پیشگاه حق همانند عبادت مرد، دارای ارزش و قیمت است، و بهشت و اجر و مزد حق، و ثواب بر بندگی اختصاص به مردان ندارد، عنایت و رحمت خداوند بهره ابدی عباد اوست چه مرد و چه زن.

در قرآن مجید می‌خوانیم:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 78

کسی که عمل شایسته بجا آورد از مرد یا زن، در حالی که مؤمن است به او زندگی پاکیزه می‌دهیم، و پاداش قیامتی آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند خواهیم داد.



از صریح آیه شریفه استفاده می‌شود که تنها معیار در میزان حق ایمان و عمل صالح انسان است که میوه ایمان اوست، قید و شرط دیگری برای کسب حیات طیبه و اجر آخرتی در کار نیست نه از نظر مرد بودن و زن بودن و نه از نظر سن و سال و نه از نظر نژاد و قبیله و جنسیت و نه از نظر پایه و رتبه ظاهری.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 79

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 80

برترین زنان بهشت چهار زن هستند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم.

زن اگر اهل عبادت و بندگی حق و ایمان و معرفت باشد البته دارای حیات طیبه و اجر عظیم نزد خدا خواهد شد، و اگر مانند مردان فاسق به بی‌دینی و فساد گرایش پیدا کند اهل عذاب ابد خواهد شد.

همسر نوح و لوط به خاطر اینکه آئین الهی را نپذیرفتند، و بر انکار خود اصرار ورزیدند به فرموده قرآن اهل عذاب و خلود در جهنم هستند.

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 81

خداوند برای اهل کفر زن نوح و زن لوط را مثل زد، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان شایسته ما بودند، ولی به آن دو پیامبر خیانت ورزیدند و رابطه آنها با این دو پیامبر سودی به حالشان در برابر عذاب خدا نداشت، و به آنها گفته شد وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند.

سوره مریم در قرآن مجید، و سوره دهر و آیات مربوط به همسر مؤمنه فرعون همه و همه نشان دهنده این معناست که زن در مسئله عبادت از موقعیت والائی برخوردار است، و در قیامت از اجر عظیم و ثواب فوق العاده‌ای بهره‌مند است، و این همه مشقت محکمی بر دهان یاوه‌گویان تاریخ است که گفتند و می‌گویند که عبادت زن را جایگاهی در نزد خدا و ادیان نیست.

6 زن فرزند پدر و مادر خویش و مادر فرزندان خود است، و احدی را نمی‌رسد که وی را از این انتساب خلع کند، که خلع این نسبت امری ظالمانه و کاری خائنانه است.

قرآن مجید دختر را همانند پسر اولاد واقعی پدر و مادر می‌داند و وی را چون شوهر کرد و اولاددار شد مادر اولاد می‌داند. در قرآن از اینکه اعراب فرزند دختر خود را زنده به گور می‌کردند، خشم خود را نسبت به این جنایت اعلام فرموده و از آن عمل قبیح در رابطه با اینکه به فرزند خود ظلم می‌کنید نهی اکید فرمود:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ أَمْلَاقٍ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 83

فرزند دختر خود را از ترس تنگی معیشت به قتل نرسانید.

ملاحظه می‌کنید در صریح آیه شریفه از دختر به عنوان فرزند یاد می‌کند، یا در آیه مربوط به ارث می‌فرماید:

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ.

سفارش خدا به شما نسبت به اولادتان این است که در مسئله ارث برای پسر دو برابر دختر سهم قرار دهید.

در صریح آیه شریفه از دختر تعبیر به اولاد فرموده است، و این رویه قاطعی علیه یاوه‌سرایان تاریخ است.

اما مادر فرزندان خود هستند در قرآن مجید می‌فرماید:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 84

مادران فرزندان خود را تا دو سال کامل شیر بدهند.

در رابطه با داستان موسی در قرآن مجید فرموده:

وَ اَوْحَيْنَا اِلَىٰ اِمِّ مُّوسَىٰ ...

و ما به مادر موسی وحی کردیم.

رسول خدا درباره حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود:

فَاِطْمَهُ بِضَعَّةٍ مِّمِّي.

فاطمه پاره تن من است.

و در روایت دیگر فرمود:

أَوْلَادُنَا أَكْبَادُنَا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 85

فرزندان ما چه دختر چه پسر جگرهای ما هستند.

7 اولادهای او بدون تردید نوه پدر او هستند، توجه بسیار شدید رسول خدا به حسن و حسین به عنوان دو نوه عزیزش، خط بطلانی است بر یاوه‌گوئی جاهلان تاریخ که می‌گفتند فرزندان متولد شده از زن نوه پدر آن زن نیستند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 86

فقه اسلامی می‌گوید تمام کسانی که مادرشان سیده است پیوند قطعی با پیامبر دارند، و حتی مرجع بزرگ شیعه سید مرتضی فتوا داشت که می‌توان به کسانی که از طریق مادر وابسته به رسول حقند خمس داد.

8 زن با مرگ فانی نمی‌شود، بلکه همانند مرد دارای بقا و حیات ابدی و در صورت بندگی حق مخلد در بهشت، و در صورت دوری از عبادت مخلد در عذاب است، بیش از هزار آیه قرآن در رابطه با قیامت این معنا را صریحاً نشان می‌دهد.

9 شیء نیست، بلکه به صریح آیات کتاب حق موجودیست عاقل، بااراده و در گوهر خلقت و مایه طبیعت با مرد یکی است، و از تمام خصوصیات و امتیازات انسانی و الهی برخوردار است.

10 کالای شهوت نیست، بلکه شریک مرد، و عامل بقاء نوع، و تشکیل دهنده نیمی از زندگی است، و ازدواج با او در صورت نیت پاک عبادت، و برخورد صحیح و سالم با او موجب توشه آخرت و سلامت حیات اخروی انسان است.

در قرآن مجید فرمود:

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ إِنِّي شَيْئُكُمْ وَ قَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 87

با تعبیر لطیف و پرمعنای حرث «کشتزار» می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی مجسم کند، که زن یک وسیله اطفاء شهوت نیست بلکه زمینه پاک و وسیله پاکیزه‌ای برای حفظ حیات نوع بشر است.

این سخن در مقابل آنهایی که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه و وسیله هوسبازی می‌نگریستند و می‌نگرند هشدار جدی محسوب می‌شود.

«و قدموا لانفسکم»: با آمیزش با زن برای آخرت خود توشه بفرستید، اشاره به این حقیقت است که هدف نهایی از آمیزش جنسی تنها لذت و کاجوئی نیست، مردم مؤمن باید از این موضوع برای ایجاد پرورش فرزندان شایسته استفاده کنند، و این خدمت مقدس را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای خود از پیش بفرستند، و به این ترتیب قرآن هشدار می‌دهد که در انتخاب همسر اصولی را رعایت کنید که نتیجه آن پرورش فرزندان صالح، و تهیه این ذخیره بزرگ اجتماعی و انسانی باشد.

چون مطلب مورد بحث در ابتدای آیه که عبارت از آمیزش جنسی می‌باشد بسیار مهم است، و سروکار با پرجاذبه‌ترین غرایز انسان دارد که همان غریزه جنسی است با جمله واتقواالله انسان راه‌دقت در امر آمیزش جنسی و توجه به دستورات حق دعوت فرموده، سپس در پایان آیه توجه می‌دهد که در روز قیامت به ملاقات حق و نتایج اعمال خود خواهند شتافت و در قسمت اخیر آیه به افراد بالمان که در برابر این دستورات که به سود زندگی مادی و معنوی آنهاست تسلیم هستند بشارت داده می‌فرماید «وبشیر المؤمنین».

### نظام خانواده در اسلام، ص: 88

در روایت بسیار مهمی از حضرت صادق (علیه السلام) ارزش و عظمت این کانون محبت را بدینگونه نشان می دهد:

وقتی حوا آفریده شد آدم به حضرت حق عرضه داشت: خداوندا این آفرینش زیبا چیست که قرب و نگاه به او مرا از تنهائی نجات می دهد، و برایم ایجاد انس و الفت می کند، خطاب رسید ای آدم این کنیز من است، دوست داری با تو باشی، انیس تو گردد، با تو هم سخن شود، و تابع خواسته های به حق تو باشی؟ عرضه داشت آری. خطاب رسید بنابراین تا زنده ای به خاطر این یاری که برای تو قرار داده ام مرا سپاس و شکر کن!!

آری وجود زن صالحه، و همسر باوفا، نعمت حق است، و تا پایان عمر بر این نعمت ارزنده حمد و سپاس لازم است.

امام ششم می فرماید:

أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 89

بیشترین خیر در زنان است.

روایت عجیبی است، که منبع اکثر خیر را زن دانسته، آری ازدواج با زن حفظ نصف دین، و رعایت حقوق او عبادت، و محبت به او طاعت حق، و پیدا کردن فرزند صالح از او توشه آخرت، و خدمت به او موجب رضایت حق، و به تعبیر رسول خدا درباره زنانی که مادرند: بهشت زیر پای مادران است، و این همه است آن اکثر خیری که امام صادق (علیه السلام) فرموده است.

من به جوانان عزیزی که قصد ازدواج دارند، یا ازدواج کرده اند، و به مردان مؤمن هشدار می دهم که این واقعیات الهیه را نسبت به زن توجه کنند، و از تعطیل حقوق آنان جداً پرهیزند، و بدانند که زندگی خود را با چه گوهر پربهایی ارزش داده اند، و به دختران جوان که قصد ازدواج دارند، یا ازدواج کرده اند، و به زنان بزرگوار سفارش می کنم که با توجه به این مطالب قدر خود را بدانند و بر نعمت زن بودن، خداوند مهربان را شکر و سپاس آرند، و به حقیقت برای مردان خود بر اساس هدایت قرآن و فرمایشات رسول اسلام و ائمه بزرگوار همسر لایق و شایسته ای باشند، و در مسئله زن بودن و شوهرداری و مادر بودن از عواطف و احساسات پاک خود بهره بگیرند، و دستورات الهی را در تمام جوانب حیات خود مراعات نمایند، تا خانه و خانواده ای سالم و فرزندان شایسته و پاک، و دارای زندگی غرق امنیت و خوشی داشته باشید،

و از این طریق رضا و خوشنودی حق را جلب کرده، و با اعمال و رفتار و اخلاق و حرکات خود به زندگی صفا و صمیمیت و شیرینی و نور و حلاوت و زیبایی ببخشید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 90

#### باز هم نظری به تاریخ نسبت به حیات و موقعیت زن

ددمنشی مردم جاهلی تاریخ نسبت به جنس زن فوق العاده شگفت آور است.

آنان که جدای از منطق حق و نور وحی می زیستند، زن را همچون ابزار و وسیله برای زندگی بوالهوسانه مرد می شناختند، و وی را عامل تهیه انواع لذتها برای مرد می دانستند.

خواندن و نوشتن را برای او خطرناک می دانستند، و از خانه بیرون رفتن را برای امور طبیعی زندگی و دید و بازدید ارحام مجاز نمی دانستند.

مکان زندگی او را منحصر به چهار دیوار خانه قلمداد می کردند، و وی را در مقابل مرد که موجودی فعال مایشاء می پنداشتند بی اختیار می دانستند.

در مناطق مسیحی نشین که صد و هشتاد درجه از آئین الهی مسیحیت انحراف داشتند، می گفتند: زن را باید مانند دهان سگ دهن بند زد، و مردّد بودند که روح زن آیا روح بشری یا روح حیوانی است!!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 91

در آفریقا زن حکم کالا و ثروت داشت و برای او ارزشی بیش از گاو و گوسپند نمی دانستند، هر کس زن بیشتری در اختیار داشت ثروتمندتر شناخته می شد، خرید و فروش زن و بکار گرفتن وی برای شخم زمین امری معمولی و عادی بود.

در کلد و بابل، زنان را مانند سایر کالاها می فروختند، و هر سال بازاری برای این کار داشتند تا دختران به سرّ ازدواج خود را بفروشند.

در هندوستان دختر را از سن پنج سالگی شوهر می دادند، و برای آنها حقی قائل نبودند، حیات زن را طفیل مرد می دانستند، و چون شوهرش می مرد او را با شوهر می سوزاندند، و هیچ موجودی را پست تر از زن شوهرمرده نمی دانستند. امروز همچنانکه در روزنامه ها می نویسند، بسیاری از هندوها از ترس فراهم نشدن جهیزیه، دختران خود را در کودکی نابود می کنند!!

در چین و تبت زنان جز در کار چهاردیوار خانه حقی نداشتند، و برای کاستن قدرت راه رفتن زن، پس از تولد او پایش را در قالب آهنی می بستند و پس از رسیدن به سن پانزده سالگی آن قالب را از پایش جدا می کردند!

در یونان که مرکز علم و دانش و فلسفه و حکمت بود، زائیدن دختر به وسیله زن جرم بود و تا دو بار دختر زائیدن در دادگاه محاکمه و محکوم به پرداخت جریمه و بار سوم محکوم به اعدام می شد.

در عربستان چنانکه قرآن مجید می فرماید: زنده به گور کردن دختران امری عادی و ساده می نمود:

واذا بشر احدكم بالانثى ظل وجهه مسوداً و هو كظيم يتوارى من القوم من سوء ما بشر به ايمسكه على هون ام يدسه فى التراب الاساء ما يحكمون.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 92

چون یکی از آنان را به فرزندی که دختر بود مژده می آمد از شدت غم و اندوه رخسارش سیاه و سخت و ناراحت می شد و به خاطر این خبری که به خیال خودش زشت بود روی از قوم می گرداند و فرار را بر قرار ترجیح می داد، و به فکر می افتاد که آن دختر را با خفت و خواری نگاه دارد، یا زنده به خاک گور اندازد، بدانید حکم آن بی خردان نسبت به دختر بد بود، و قضاوتشان زشت.

این مسائل گوشه ای از جنایاتی است که مردم بی خبر و بی خرد نسبت به جنس زن روا می داشتند، مفصل این مسائل در کتب مربوط به حیات زن ثبت است، می توانید به آن منابع مراجعه کنید.

نظر آئین مقدس الهی را هم در ده مسئله ای که در سطور قبل نسبت به زن اظهار شده دقت کردید، با توجه به تعابیر قرآن و روایات از جنس زن تحت عناوین:

ام: ریشه و منبع و سرچشمه هر چیز مادر.

حرث: موجب بقاء نوع.

لباس: پوشش حیات.

تسکین: علت آرامش.

ریحانه: شاخه گل و ظریف.

نعمت: عنایت حق.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 93

باید مردان و جوانان چه آنان که ازدواج کرده‌اند چه آنان که قصد ازدواج دارند توجه بیشتری به موقعیت معنوی و آثار وجودی این خلقت زیبا و پرمفعت حق داشته باشند و بدانند انبیاء خدا و امامان و اولیاء و عالمان و عارفان و حکیمان، و نویسندگان و فقهای بزرگ، و صالحان از عباد خدا از دامن پاك اینان قدم به دایره هستی گذاشتند، اینان منبع این همه خیر و برکت در حیات بشر بودند.

بر پدران و مادران عزیز است که نسبت به ظهور کمالات در وجود دخترشان بیش از پیش دقت کنند، و نسبت به تربیت الهی و انسانی آنان تا سر حد فداکاری بکوشند، و بر شوهران است که حقوق آنان را با کمال وقار و ادب رعایت کنند، تا دامن آنان در خانه پدران و مادران و در سایه رعایت حقوق توسط شوهران، آماده تربیت نسل صالح گردد، و از این طریق جامعه بشری به بهترین صورت تغذیه معنوی شود.

مگر يك دختر مسیحی مسلک پس از اسارت در جنگ و آمدن به خانه حضرت هادی (علیه السلام)، و قرار گرفتن در سایه تربیت الهی به وسیله امام دهم و حضرت حکیمه خاتون دامن پاك و والایش آماده برای بوجود آمدن امام دوازدهم، گستراننده عدل جهانی نشد؟

زن چنین چشمه‌ای از کمالات و حقایق بالقوه است، که با تابش نور هدایت وحی و معلم خیر به فعلیت رسیده و منشأ آثار جاوید و منابع ابدی خواهد شد.

تحقیر زن، حمله به شخصیت او، محدود نمودن وی خازج از دستورات حکیمانه دین، زجر دادن به او، و ممنوع کردنش از دیدن پدر و مادر و اقوام، با تلخی و ترشروئی با او زندگی کردن، خسته از کار روزانه و درگیریهای بیرون به وقت خانه



رفتن با او روبرو شدن، پاسخ ندادن به غرائز او بخصوص غریزه جنسی وی، همه و همه از نظر دین امری ناپسند، و کاری زشت و ظلمی فاحش است.

اگر می‌خواهید بنای زندگی بر پایه عشق و محبت استوار باشد، شخصیت زن را رعایت کنید، به او اعلام دوستی و محبت نمائید، از وی دلجوئی داشته باشید، در کار و برنامه خانه به او کمک دهید، از آزار وی بپرهیزید، و بعضی از برنامه‌های او را که محصول کار روزانه و خستگی و محدودیت وجودی اوست با تمام وجود گذشت کنید، تا شیرینی زندگی را بچشید، و با این روش خداوند مهربان را در حدّ عالی عبادت کرده باشید.

او ریشه و سرچشمه خیر و کشتزار انسانیت، و پوشش شما در زندگی، و مایه آرامش، و گل لطیف و ظریف گلستان هستی، و نعمت حق در کنار شماست.

رسول باکرامت اسلام محبت به زن را در عرض علاقه به بوی خوش و نماز قرار داده‌اند:

حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءُ وَالطَّيِّبُ وَفَرَّهُ عَنِّي فِي الصَّلَاةِ.

محبوب من از دنیا زن، بوی خوش، و نور چشم من در نماز است.

اگر انسان با رعایت حقوق زن و احترام به شخصیت او، از او فرزند صالح و شایسته‌ای پیدا کند، عملش حتی پس از مرگ قطع نمی‌شود، از آثار پاکی و صالح بودن فرزندش بعد از مرگ بهره خواهد برد.

رسول خدا می‌فرماید:

اِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَكَلٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ.

چون انسان بمیرد، عملش قطع می‌شود مگر از سه چیز: از کار خیری که دوام دارد، از دانشی که دیگری از او سود ببرند، از فرزند شایسته‌ای که برای وی دعا کند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 94

پس پدران و مادران قدر دختر را بدانید، و مردان از همسران پاک و شایسته خود قدردانی نمائید، که دخترداری و زنداری منبع خیری برای دنیا و آخرت انسان است.

(لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً)

«بخار، ج 77، ص 214»

نظام خانواده در اسلام، ص: 95

## 5 استقلال مرد و زن در اسلام

### استقلال و حریت انسان

آفرینش انسان بر پایه آزادی جان، و بر اساس استقلال در امور حیات، و اختیار در انتخاب است. احدی حق ندارد کسی را به بردگی و بندگی و رقیبت خود درآورد، و وی را برای خواسته‌های خود به اسارت بگیرد. سلب آزادی و حریت، و استقلال و اختیار از هر انسانی گناه کبیره و خیانت عظیم و جنایت بزرگ است. آزادی و اختیار و استقلال و حریت با خمیر وجود انسان آمیخته است، و سرشت و طبیعت آدمی با این حقیقت آفریده شده، آزادی و استقلال از بزرگترین نعمت‌های حق بر وجود انسان، و عالیترین منبع برای رشد و کمال و رسیدن به مقامات عالیه ظاهری و باطنی است.

فضای آزادی عالیترین فضا، و حال و هوای اختیار و حریت زیباترین حال و هوا برای انسان است.

از موارد بسیار مهم ظلم‌ستیزی اسلام، در همین جهت است. اسلام با کسی که بنای استعمار و استثمار دارد و می‌خواهد انسانهای آزاد آفریده شده را در مدار بندگی و بردگی خود قرار دهد جنگی تمام عیار دارد، و دستورات اکید اسلام در مسئله جهاد، برای شکستن شاخ ستم و ستمکاران است، آنان که به آزادی و استقلال هجوم دارند.

نظام خانواده در اسلام، ص: 96

تمام خسارت‌هایی که در طول تاریخ حیات به میدان حیات وارد شده، نتیجه سلب آزادیها، و هجوم به حریت و استقلال انسانهاست.

حرف زور شنیدن و زیر بار زور رفتن، و قبول ستم، و آزادی و حریت خود را فروختن از اعظم گناهان، و موجب دور شدن از رحمت حق، و به خطر افتادن منافع مادی و معنویست.

آزادی و حریت و بنای انتخاب و اراده‌ای که حضرت حق برای رشد و کمال، و شکوفائی استعداد به انسان عنایت فرموده حفظش واجب، و به هنگام هجوم خطر باید از آن گرچه به قیمت از دست دادن جان باشد جانبداری کرد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 97

#### حکایتی عجیب در حریت

در تاریخ آمده یزید یا عامل او در راه سفر حج وارد مدینه شد، به دنبال شخصی از قریش فرستاد، چون به مجلس آن ستمگر آمد به او گفت، به بردگی و بندگی نسبت به من اقرار کن. اگر خواستم ترا به عنوان غلام حلقه به گوش به فروش می‌رسانم، اگر نخواستم به عنوان برده تو را نگاه می‌دارم، پاسخ داد به خدا قسم از نظر ریشه و اصالت و حسب و نسب از من بزرگوارتر نیستی، و پدرت در جاهلیت و اسلام بهتر از پدر من نبود، و در دین و ایمان خودت از من برتر نیستی، و در خوبی فضیلتی بر من نداری، با این همه خصوصیتی که در من است چگونه به بندگی و غلامی خود نسبت به تو اقرار کنم؟!

ستم‌گر به او گفت اگر به این مسئله اقرار نکنی فرمان قتلت را می‌دهم، پاسخ داد کشتن من بزرگتر از کشتن حضرت حسین (علیه السلام) نیست،

چون برخورد به اینجا رسید فرمان قتلش صادر، و به خاطر حفظ حریت و آزادی و اراده و اختیار به فیض باعظمت شهادت رسید.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ.

ای مردم، آدمیزاد برده و کنیز به دنیا نیامد، به حقیقت که تمام مردان و زنان آزادند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 98

و نیز آن حضرت فرمود:

لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا.

برده کس مباش، در صورتی که خداوند ترا آزاد آفریده.

باید توجه داشت که منظور از آزادی، آزادی وجود انسان از قید بردگی و عیودیت نسبت به هم‌نوع، در برابر شهوات و غرائز غلط، و آلودگی‌های اخلاقی است.

انسان وقتی به دنیا می‌آید پاک و پاکیزه، و گوهری گرانبها، و موجودی والا، و آزاد از بردگی غیر، و دارای کرامت نفس، و شرافت وجود، و در یک کلمه آزاد از رذائل و پلیدیها، و دارای اراده و اختیار است.

هدایت حضرت حق، همراه با عقل و فطرت و نبوت انبیاء و امامت امامان و قرآن مجید، و آگاهان و بینایان، برای بکارگیری این آزادی و اراده و اختیار، او را دنبال می‌کند، تا در سایه این همه لطف و عنایت پروردگار از آزادی خود استفاده کند، و به انتخاب امور احسن برخیزد، و از این راه به سعادت دنیا و آخرت برسد.

انسان اگر توجه به این معنا نکند، و از هدایت حق روگردان شود، بدون شك گوهر آزادی و اراده و اختیار را در برابر فرعون‌منشان، و طواغیت زمان و آز و حرص و کبر و حسد و غرائز و شهوات از دست خواهد داد، و برده دنیا و بنده دیگران و عبد شهوات و غرائز، و اسیر حرص و طمع خواهد شد، و از تمد کرامت و سعادت، و خیر دنیا و آخرت کلاهی نخواهد برد.

آنان که به هر عمل خلافی دست می‌زنند، و به هر شهوت و گناهی خود را آلوده می‌کنند، و مطیع و فرمانبر هر کسی می‌شوند و نام این بی‌قیدی و بی‌بندوباری را آزادی می‌گذارند برده‌ای جاهل، و غلامی پست و عبدی ذلیل و موجودی بیچاره‌اند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

نظام خانواده در اسلام، ص: 99

مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرًّا.

آنکه خواسته‌های نامشروع را رها کند آزاد است.

و نیز فرموده:

الدُّنْيَا دَارٌ مَمْرٌ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ: رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا، وَ رَجُلٌ إِيْتَبَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا.

دنیا گذرگاه است و مردم در آن دو دسته‌اند: آنکه خود را به شهوات و مادیات و آلودگیها فروخت، پس وجودش را در معرض هلاکت و نابودی قرار داد، و آنکه خود را از این همه خرید، پس وجودش را از هر شری در دنیا و هر عذابی در آخرت آزاد کرد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ خَصَلَةٌ مِنْهَا فَلَيْسَ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتَعٍ: أَوْلَمَّا الْوَفَاءِ، وَالثَّانِيَةَ التَّوْبَةَ، وَالثَّالِثَةَ الْحَيَاءَ، وَالرَّابِعَةَ حُسْنَ الْخُلُقِ، وَالخَامِسَةَ وَ هِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ: الْحُرِّيَّةُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 100

پنج خصلت است، کسی که يك خصلت از آن را دارا نباشد در او چیز زیادی نیست که بتوان از او بهره‌مند شد، اول آن وفا و دوم آن عاقبت‌اندیشی، و سوم آن حیا، و چهارم خوش‌خلقی، و پنجم از آن که همه این خصلت‌ها را در انسان جمع می‌کند حریت و آزادی است.

علی (علیه السلام) فرمود:

لَا يَسْتَرْقَتْنَاكَ الطَّمَعُ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا.

طمع ترا به بردگی نگیرد، در صورتی که خداوند ترا آزاد آفریده.

و نیز آن جناب فرمود:

مِنْ تَوْفِيقِ الْحَرِّ إِكْتِسَابُ الْمَالِ مِنْ جِلَّةٍ.

کسب مال از طریق حلال از توفیق الهی انسان آزاد است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 102

### مسئله‌ای مهم

با توجه به حقیقت و معنای آزادی، و ارزش اراده و اختیار، و اینکه انسان وقتی در سایه هدایت حق از آزادی و حریت، و اراده و اختیار بهره‌گرفت، به مقامات عالی و درجات کافی، و واقعیات غیر قابل تصور می‌رسد، سعی کنیم حریت خود را در تمام طول عمر، و در کنار تمام حوادث و بلاها حفظ کرده، که نگاهداشتن حریت موجب رسیدن به خوشنودی و رضایت پروردگار است.

می‌دانید که اتم مرکب از دو هسته مرکزی و یک تا چند الکترون است.

الکترونها با نظمی خاص، و با سرعتی معین به اراده حضرت حق بر محور هسته مرکزی خود در حالی که جذب آن هستند می‌گردند، تا وقتی که این گردش و سرعت در سایه آن نظام خاص و از برکت آن جذب و انجذاب برقرار است اتم در هر جایی که هست، و عهده‌دار هر برنامه‌ای که می‌باشد جز سوددهی و پخش منفعت برنامه‌ای ندارد، ولی زمانی که این جذب و انجذاب برداشته شود، و الکترونها از نظم خاص خود درآیند، و بین آنها و هسته مرکزی جدائی افتد کاری غیر از تخریب و فساد و ایجاد ضرر و زیان نخواهند داشت.

انسان همانند یک اتم است، هسته مرکزی وجود او فطرت و توحید و خداخواهی و خداجوئی است، و قوام وجودش به این است که تمام اعضاء ظاهر و حالات باطنش مجذوب حق و برابر فرمان و خواسته‌های پروردگار در حرکت باشد، و هرگز در حرکات و سکنتاش از عشق به حق، فرمانبری از خداوند جدا نباشد، که جدائی از حق، و بیرون رفتن از حوزه جاذبه معرفت و عشق دوست، و بریدن از خداحوری، مساوی با تولید فساد و افساد در اعضاء و جوارح و در باطن و ظاهر انسان است.

قرآن مجید می‌فرماید:

فأما الذين كفروا فاعذبهم عذاباً شديداً في الدنيا و الآخرة و ما لهم من ناصرين.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 103

و اما آنان که کافر به حق شدند، و بین خود و خدا حجاب قرار دادند، از معرفت و محبت به پروردگار بریدند، و از خداحوری درآمدند، و نسبت به حق به غفلتی سنگین دچار شدند، و به این خاطر منبع فساد و افساد گشتند، و اسیر طاغوت و برده شهوات، و غلام سیئات اخلاقی شدند، در این جهان و آن جهان به عذابی شدید گرفتار می‌کنم، و برای نجات آنان از عذاب امروز و فردا یاری نیست.

از جمله عوامل کنترل‌کننده انسان از قسمتی از مفاسد برنامه بسیار مهم ازدواج است.

انسان وقتی از شایستگی لازم یعنی ایمان و اخلاق و عمل در حدّ و توان و وسع خویش برخوردار باشد، و همسری شایسته هم‌کفو خودش نصیب او شود، تا حدودی ظاهر و باطنش کنترل می‌شود، و آزادی و حریتش حفظ می‌گردد، و از بردگی نسبت به شهوات حرام، و برنامه‌های آلوده، و دوستان ناباب در امان می‌رود.

چه بسیار مردانی که به توسط ایمان و اخلاق و کرامت خود، همسران خویش را به مقامات الهیه و کرامات انسانی رساندند، و چه بسا زنانی که در سایه بیداری خود و بینائی و بصیرت خویش مردان خود را به درجات والای انسانی، و مقامات بزرگ ملکوتی نشانند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 104

#### همسری شایسته و باکرامت

در سال شصتم هجرت زهیر بن قین بجلّیّ با تنی چند از کسانش به سفر حج رفت، و مناسک را بجا آورد، کاروان کوچکی بود که کاروان سالار زهیر بود، که از خانه خویش به سوی خانه خدا رفته بودند، و از خانه خدا به سوی خانه خویش بازمی‌گشتند.

زهیر نیز چنین می‌پنداشت که به سوی خانه‌اش باز می‌گردد، ولی سرنوشت چنین نبود، زهیر از خانه خدا به سوی خدا می‌رفت ولی خود از این حقیقت آگاه نبود.

کاروان کوچک زهیر، هنگام بازگشت از حج میل نداشت با کاروان بزرگ حسین (علیه السلام) هم‌منزل گردد!!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 105

و این رودخانه شیرین و گوارا که از کوهستان مکه سرازیر شده بود به دریا متصل شود.

اگر کاروان حسینی در منزلی فرود می‌آمد، کاروان زهیری از آنجا می‌گذشت و در منزل بالاتر فرود می‌آمد، و اگر حسین از منزلی می‌گذشت زهیر در آنجا فرود می‌آمد و به آسایش می‌پرداخت و با تمام قدرت می‌کوشید که با حسین روبرو نشود و چهره به چهره نگردد چرا؟

موقعیت اجتماعی زهیر ایجاب می‌کرد که چنین کند، چونکه از یاران علی و آل علی بشمار نمی‌رفت، و با این خاندان سر و کاری نداشت، وی از هواخواهان عثمان بود و از نزدیکان حکومت یزیدی و از یاران دستگاه حاکمه به شمار می‌رفت.

از طرفی حسین را خوب می‌شناخت، و برای خاندان علی احترامی بسزا قائل بود و نمی‌خواست در قتل پسر علی سهمی داشته باشد، او می‌خواست بی‌طرف بماند، دوستی خود را با امویان حفظ کند، و با حسین ستیزه ننماید، چهره به چهره شدن با حسین خلاف این روش بود، گزارش به یزید داده می‌شد که زهیر با حسین ملاقات کرده، اگر حسین از وی کمک بخواهد چه کند، به حسین کمک کند از دوستان و همگامان خود بریده، اگر کمک نکند نافرمانی حسین روا نیست.

پسر علی است، پسر فاطمه است، بزرگوار است، تنها یادگار پیغمبر اسلام است، چگونه می‌شود فرمان او را اطاعت نکرد، جواب خدا را چه بدهد، با آتش دوزخ چه کند؟!

بی‌طرفی بهترین راه است، پس بایستی کاروان زهیری در جایی فرود آید که احتمال روبرو شدن با حسین در آنجا نباشد، زهیر چیزی را می‌خواست و سرنوشت چیز دیگر.

بیابان خشک و گرم عربستان منزل‌های دور و دراز دارد، کاروانیان را مجبور می‌سازد که در منزلی فرود آیند، بخواهند یا نخواهند، و کاروان



زهیر مجبور شد در سرزمینی فرود آید، و با کاروان حسین هم‌منزل گردد، سرزمینی که از عثمانی علوی آفرید، و از یزیدی حسینی ساخت!!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 106

خیمه‌های زهیریان در جایی زده شده بود، و سرپرده‌های حسینیان در کناری افراشته گردیده بود.

حسین می‌دانست که زهیر دلیر است، جوانمرد است، سرشناس است، سخنور است، توانا است، دانا است، پس حیف است که با این همه شایستگی از انسانها دور باشد، و در زیر پوشش جانورانی چون بنی‌امیه قرار گیرد، و آزاده‌ای از آزادی برخوردار نشود، و شایسته نیست گوهری گرانبها در ویرانه‌ای جای داشته باشد، و بشری شایسته افراشته نگردد.

در این منزل نیز زهیر احتیاط را از دست نداد، به قدر توانائی کوشید که از حسین دور باشد و به وی نزدیک نشود، حسین بر ضد حکومت قیام کرده و زهیر از یاران حکومت است، حکومت وقت از یاران خود انتظار دارد، با دشمنانش دشمنی کنند، و سرکشان را بکوبند، و نزدیک شدن به آنها بزرگترین جرم حساب می‌شود.

زهیر در خیمه‌اش نشسته بود، و بستگانش به غذا خوردن مشغول بودند که ناگاه قامت رعناى فرستاده حسین پیدا شد و سلام کرد و گفت:

زهیر ابو عبدالله حسین بن علی ترا می‌خواهد!!

زهیر از آنچه می‌ترسید با آن روبرو گردید، از وحشت نتوانست سخنی بر زبان بیاورد، راه اندیشیدن بر وی بسته شده بود، چنین وضعی را پیش بینی نکرده بود، متحیر شد چه کند، پیام حسین را نادیده انگارد، و از فرمان وی سرپیچی کند، یا به یزید پشت کرده به سوی حسین برود، هر دو کار خلاف بی‌طرفی است که هدف او بوده، اکنون جایی است که نقشه بی‌طرفی قابل اجرا نیست.

سکوتی عمیق حاضران را فراگرفت، لقمه‌ها از دهان افتاد، غذا فراموش شد، سخن فراموش شد، قاصد حسین ایستاده وضع را می‌نگرد، و در حیرت فرو رفته از خود می‌پرسد این سکوت چیست چرا زهیر نمی‌آید و

چرا نمی‌گوید نمی‌آیم؟ فشاری که از طرف حسین در کار نیست، زهیر که در پاسخ گفتن آزاد است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 107

دقیقه‌ای چند بدین منوال گذشت و زهیر نتوانست تصمیم بگیرد لا بگوید یا نعم، آری یا نه.

روزنه‌ای از نور باید تا زهیر را از تاریکی تحیر و دودلی نجات بخشد و تصمیم بگیرد.

حساس‌ترین ساعت عمر زهیر بود، ساعتی که بر سر دوراهی مرگ و زندگی قرار گرفته بود، زهیر از قدرت حکومت خیر داشت یاران حسین را هم شناخته بود، می‌دانست که حسین کشته خواهد شد، و هرکس با حسین باشد کشته می‌شود، می‌دانست که حرم حسین به اسارت خواهد رفت، و می‌دانست که حسین وی را برای چه می‌خواهد، می‌دانست که راه حسین راه بهشت است و راه یزید راه دوزخ، آن سعادت است و این شقاوت.

ناگهان برقی زد و بانویی سکوت را شکست، و قدرت تصمیم گرفتن را به زهیر بازگردانید، این بانو بجز دلم همسر زهیر کسی نبود.

دلم گفت: زهیر پسر رسول خدا، ترا می‌خواهد و تو نمی‌روی؟!!

سبحان الله!! برو بین چه می‌گویی، سخنش را بشنو و بازگرد و که زن خوب چه چیز خوبی است.

زهیر بزودی از جای برخاست و به سوی حسین روان گردید. دیری نپائید که بازگشت، لبخندی بر لبانش نقش بسته بود، غم از چهره‌اش زدوده شده بود، گونه‌هایش شاداب گردیده بود، ظلمت رفته بود و نور بازآمده بود، بی‌طرفی رفته بود و یک‌طرفی برگشته بود.

کس ندانست که در آن مدت کوتاه حسین با زهیر چه گفت و زهیر چه شنید.

زهیر که بخزگاہ خود رسید گفت: خیمه مرا ببرید و در کنار خیمه حسین بنزید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 108

رودی به دریا پیوست، و زهیر یزیدی حسینی گردید، از تنگنای ظلم بیرون شد، و در فراخنای عدل قرار گرفت، عثمانی رفت و علوی بازآمد، و که سعادت چگونه به سراغ آدم می‌آید.

زهیر یاران را مخاطب قرار داده گفت: هر کس از من پیروی می‌کند با من خواهد بود وگرنه ساعت وداع است.

سلمان بجلي پسر عموی زهیر به زهیر پیوست، و حسینی گردید و روز شهادت پس از آنکه نماز ظهر را با حسین خواند شهید شد، زهیر از دنیا و مافیها چشم پوشید و به حسین پیوست و با حسین بود و با حسین جان داد، هم اکنون در آن جهان نیز با حسین است. زهیر با همسر عزیز خود وداع کرده گفت: بایستی نزد خویشانت بروی تا از جانب من به تو آسیبی نرسد و مال و منال زن را به وی پس داد و زن را با پسر عمویش به قبیله اش روان کرد.

دلهم بگریست و با شوهر عالیقدر خود وداع کرد گفت: خدا یار و یاورت باشد و برای تو خیر بخواهد، درین دم آخر يك خواهش از تو دارم روز قیامت هنگامی که به حضور رسول خدا جدّ حسین شرفیاب شدی مرا یاد کن و از یاد میر.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 109

آری، حریت و آزادی و حسن انتخاب و اراده زهیر به وسیله امویان به غارت رفته بود ولی همسر شایسته او موجب برگشت آنها به زهیر شد، و زهیر در سایه آزاد شدن از بندگی طاغوت به آغوش سعادت ابدی رفت!!

بنابراین اگر گفته شود ازدواج ضامن حریت و اختیار، یا موجب بازگرداندن آزادی و آزادگی به انسان است مطلبی به گزاف گفته نشده.

با ازدواج روح خدائی را در خود حفظ کنیم، و مقام خلافت از جانب حق را از دستبرد شهوات و مفسد در امان بداریم، و بر رشد ایمان و عمل صالح خود بیفزائیم، و نصف دین خود را دریافته و نصف دیگر آن را با تقوا و پرهیز از محرّمات از آسیب نگاه داریم.

مرد در فضای ازدواج سهیم در شکوفائی کمالات زن، و زن شریک رشد مقامات مرد است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 110

زن موجودی فرزانه و لایق و قابل است، تا جائی که بزرگان فرموده اند موجب ظهور حقایق در وجود مرد است، و مرد موجودی شریف و اصیل و باکرامت است، تا جائی که در حق او گفته اند، باعث رسیدن زن به درجات عالیّه است.

علی (علیه السلام) می فرماید اولین زنی که از زنان جهان قدمش به بهشت می رسد خدیجه است، و این معنا دلیل بر روح الهی زن، و مقام خلافت وی از حق، و داشتن مایه های عالی و سرمایه های انسانی و اخلاقی و ایمانی است.

آری زن آزاد از هوا و هوس و آزاد از اسارت طاغوت، و آزاد از شهوات و تمایلات حرام، و همچنین مرد آزاد، دو گوهر پرارزش و دو حقیقت والا در این پهنه با عظمت آفرینش و خلقت است.

امام حسین (علیه السلام) حریت و آزادی حرّ بن یزید را به مادر باکرامت آن شهید نسبت می‌دهد، و امیرالمؤمنین عظمت مالک اشتر را جلوه دامن پاک و الهی مادر او می‌داند.

مرد در خانه باید اسوه و سرمشق خوبیها برای زن، و زن برای مرد باشد، و هر دو اسوه حسنه و سرمشق نیکو برای فرزندان خود.

نظام خانواده در اسلام، ص: 111

#### استقلال مرد و زن در ازدواج

پدران و مادران باید توجه داشته باشند که حق انتخاب همسر همراه با شرایط مهمی که اسلام عزیز فرموده با خود فرزند است.

پدر و مادر حق ندارند در مسئله ازدواج دختری را که فرزندشان نمی‌پسندد به او تحمیل کنند، و او را به زور وادار به ازدواج با او کنند.

همچنین پدر و مادر حق ندارند کسی را که دختر نمی‌پسندد، وی را به زور وادار به ازدواج با او کنند، آنان در انتخاب همسر از جانب حق دارای حریت و استقلال‌اند.

در روایت بسیار مهمی درباره انتخاب در ازدواج آمده:

نظام خانواده در اسلام، ص: 112

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ إِنَّ أَبَوَيَّ أَرَادَا غَيْرَهَا، قَالَ: تَزَوَّجِ الَّتِي هَوَيْتَ وَ دَعِ الَّتِي هَوَىٰ أَبَوَاكَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 113

ابن‌ابی‌یعفور می‌گوید به حضرت صادق عرضه داشتیم، من برای ازدواج زنی را انتخاب کرده‌ام و پدر و مادرم دیگری را، تکلیف من چیست؟ فرمود: آن را که خودت دوست داری اختیار کن، و آن را که پدر و مادر پسندیده‌اند رها کن.

در رساله عملیه مراجع بزرگ شیعه در باب ازدواج می‌خوانیم:

اگر همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و بخواهد با او که شرعاً و عرفاً هم‌کفو او می‌باشد ازدواج کند و پدر و جدّ پدری مانع می‌شوند و سختگیری می‌کنند در این صورت اجازه آنان لازم نیست.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 114

بنابراین پسری که دختری را هم‌کفو خود می‌داند، و دختری که پسری را هم‌کفو خود می‌شناسد رضایت و عدم رضایت پدر و مادر شرط نیست، و می‌تواند با اجازه اسلام و رضایت حق ازدواج کنند.

بر پدران و مادران است که هوا و هوس، و خواسته‌های صنفی و قبیله‌ای خود را در ازدواج پسران و دختران خود اعمال نکنند، که زورگوئی در اسلام حرام و قبول زور هم حرام است.

دو رویه زیر نیش مار خفتن\*\*\* دو پشته روی نیش مور رفتن

تن روغن زده با زحمت و زور\*\*\* میان لانه زنبور رفتن

میان لرز و تب با جسم مجروح\*\*\* زمستان زیر آب شور رفتن

به کوه بیستون بی‌رهنمائی\*\*\* شبانه با دو چشم کور رفتن

به نزد من هزاران بار بهتر\*\*\* که يك جو زیر بار زور رفتن

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 115

مرد و زن در انتخاب کار مشروع نیز آزاد و مستقل هستند، و محصول کار آنان از خود آنان است و مالکیت آنان بر درآمد خود يك مالکیت مشروع است، و زن حقی به اموال مرد جز با اجازه مرد، و مرد حقی به

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 116

اموال زن جز با اجازه زن ندارد، توجه داشته باشیم که استقلال مرد و زن باید در تمام جوانب حیات محفوظ بماند.

(علی نساء العالمین)

«آل عمران/ 42»

نظام خانواده در اسلام، ص: 117

### 6 مقام زن در منطق وحی

نظام خانواده در اسلام، ص: 118

### آئین پاك حق

دین مقدس اسلام با ادیان و مکتب‌ها در تمام زمینه‌ها فرق‌های اصولی و بنیادی دارد.

تشیع که اسلام تفسیر شده اهل بیت پیامبر، و جانشینان بر حق رسول اکرم، و بیان شده امامان معصوم است در نگرش و دید خود نسبت به توحید، قیامت، ملائکه، نبوت، امامت، قرآن، فرد، خانواده، جامعه، امور مادی، امور معنوی، مسائل اخلاقی و عملی، زن، مرد، اولاد، کسب و کار، تربیت، سیاست، حکومت، و ... با تمام مدرسه‌ها و فرهنگ‌ها و آئین‌های موجود فرق دارد.

اسلام در این ناحیه آنچه را می‌گوید عین حقیقت، و میزان و مطابق مصادیق واقعی در دنیای ظاهر و باطن، و خلاصه برابر با واقعیات و حقایقی است که در علم حق و در بستر جهان هستی است.

بیان مفسران حقیقت در آئین اسلام محصول دانش پاك و بینش خدائی آنان، و برگرفته از عمق آیات قرآن مجید است.

شروع مسائل این دین از قرآن مجید، و ابتدای قرآن کریم با وصف رحمانیت و رحیمیت و ربوبیت وجود مقدس حق است، و تفسیر این حقایق شروعش از قلب الهی و ملکوتی رسول اسلام و تداومش با بیانات امامان معصوم از علی بی ابطالب تا امام دوازدهم است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 119

رحمان از اسماء مختص حضرت حق، و در غیر خداوند بکار نمی‌رود، اما رحیم وصفی است که بر غیر حق هم اطلاق می‌گردد.

هر دو صفت ریشه‌اش رحمت، و ترجمه‌اش نسبت به وجود مبارک حق بخشنده و بخشایشگر است.

گروهی از توضیح دهندگان آیات قرآن گفته‌اند: رحمن اشاره به رحمت عام حق نسبت به تمام بندگان از خوب و بد است، و رحیم اشاره به رحمت خاص حق که مخصوص بندگان صالح و مطیع است.

جلوه وصف رحمانیت در دنیا، و تجلی وصف رحیمیت در آخرت است.

اما در خود قرآن مجید در رابطه با این تفاوت چیزی دیده نمی‌شود، در قرآن کریم آمده:

ورحمتی وسعت کل شیء.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 120

و رحمت من همه چیز را فرا گرفته.

تجلی این صفت در آفرینش موجودات، و روزی آنان، و نجاتشان از حوادث قابل ملاحظه است.

استغاثه به درگاه او با کمک‌گیری از این دو وصف، موجب حالتی عرفانی، روحیه‌ای خاص، و نشاطی مخصوص است، که عکس‌العمل آن توجه و عنایت حق به عبد است.

در آثار اسلامی آمده که حضرت حق فرمود: حیا می‌کنم بنده‌ام مرا به رحمانیت و رحیمیت بخواند، و من خواسته او را اجابت نکنم.

خلقت خلق و روزی ایشان جلوه رحمانیت، و هدایت و توفیقشان، ثمره رحیمیت است.  
در قرآن مجید خود را به نحو دیگر به رحمت ستوده: خیرالراحمین، ارحم الراحمین، ذوالرحمه.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 121

برای نزدیک کردن حقیقت به ذهن، رسول خدا این واقعیت را بدین صورت در خور فهم مردم بیان کرده، ورنه عدد و درجه را در آنجا راه نیست.

خداوند را صد رحمت است، که از آن یکی را در هفت آسمان و زمین پخش کرد، به آن يك درجه بر تمام خلق آنچه مناسب آنان است می‌بخشاید، و خلق هم بامایه گرفتن از آن بر یکدیگر مهر ورزیده ترحم می‌آورند. و نود و نه درجه آن را نزد خود نگاه داشته، تا روز قیامت پیا شود، آن يك درجه پخش شده در دنیا را به نود و نه درجه بیفزاید و بر مؤمنان و مطیعان پخش نماید!!

ربّ به معنای مالک است که مالکیت او بر تمام موجودات هستی و همه عالمین حقیقی و قابل سلب نیست، مالکی که تدبیر و رشد و پرورش موجودات به دست قدرت اوست.

چون پیوند مالکیت و تدبیر او با تمام ذرات هستی حقیقی و ابدی و دائمی و ذاتی است، معنا ندارد که انسان در برابر ربوبیت او ربّی انتخاب کند، و مالکی اتخاذ نماید، و تدبیری و مدبری و قانونی جز قانون او قبول کند.

تجلی توحید واقعی در تمام شئون حیات و زندگی به این است که انسان با تمام وجودش در سایه مالکیت و تدبیر او باقی بماند، و هر مالک و مدعی مالکیت، و هر فرهنگ و مدرسه‌ای که به ستم و بر ضد حق می‌خواهد، تدبیر حیات آدمی را به دست بگیرد نفی کند، و کلمه طیبه «لا اله الا الله» در تمام زوایای حیات معنایی غیر از این ندارد.

آری تمام نیاز ظاهر و باطن آدمی را رحمت حق، و نور ربوبیت او برطرف می‌کند، و سعادت دنیا و آخرت آدمی را لطف و عنایت و رأفت و مرحمت، و تدبیر او تضمین می‌نماید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 122



توسل انبیاء الهی به ربوبیت و رحمت حق

### نظام خانواده در اسلام، ص: 123

پیامبران خدا که ربّ و مالکی، و مدبّر و مریدی و رحمت و لطفی جز رحمت و ربوبیت حق نشناختند، و خود را در تمام لحظات مملوک آن

مالك و مروبوب آن رب، و عبد آن معبود نگاه داشته و با ارباب متفرقه، و مدعیان تدبیرهای بیجا با تمام وجود مبارزه کردند، و بعضی از آنان در این صحنه پیکار جان باختند، تا مالکیت و فرهنگ و رحمت حق را برای ابد با خود داشته باشند، در تمام حوادث و گرفتاریها یا به وقت نیازمندیها و حاجات متوسل به ربوبیت و رحمت حق می شدند.

آدم (علیه السلام) عرضه داشت:

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ أَنْ لَمْ نَعْفُرْ لَنَا وَ تَرَحَّمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 124

ای مالک و مری ما، بر خویشتن ستم روا داشتیم، چنانچه ما را سرافراز به غفران و رحمت خود ننمائی، هر آینه از زیانکاران خواهیم بود.

نوح در دعایش برای نجات خود و مؤمنان و ریشه کن شدن ستمگران گفت:

رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكُفْرِينَ دِيَارًا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 125

ای مالک و مدبر من از این ناسپاسان بر روی زمین دیتاری باقی مگذار.

ابراهیم (علیه السلام) در دعایش می گفت: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 126

ای مالک و مری ما، من ذریه خود را در وادی بی کشت و زرع نزد بیت الحرام تو مسکن دادم، ای رب و مدبر من تا نماز را بیای دارند.

موسی (علیه السلام) به وقت درماندگی در کنار دروازه شهر مدین به مناجات حق برخاست و عرضه داشت:

رَبِّ اِنِّیْ لَمَّا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرِ فَقِیْرٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 128

ای مالک و مدبر من به چیزی که تو بر من فرو فرستی از رزق و روزی محتاجم.

حضرت یوسف عرضه داشت:

رَبِّ قَدْ اَتَيْتَنِیْ مِنَ الْمَلِكِ وَ عَلَّمْتَنِیْ مِنْ تَاْوِیْلِ الْاَحَادِیْثِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ اَنْتَ وِلَیُّیْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ تَوْفِیْقِیْ مُسْلِمًا وَ الْحَقِّیْنَ بِالصَّٰلِحِیْنَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 129

ای مالک و مری من، به حقیقت که تو مرا سلطنت دادی، و دانش تعبیر خواب آموختی، توئی آفریننده زمین و آسمان، توئی ولی من در دنیا و آخرت، مرا به حال تسلیم بمیران، و به بندگان شایسته‌ات ملحق فرما.

زکریا عرضه داشت:

رَبِّ لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَّ اَنْتَ خَیْرُ الْوٰرِثِیْنَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 130

ای مالک و مدبر من، مرا یکه و تنها وا مگذار که تو بهترین وارثانی.

به رسول باکرامتش تعلیم داده که در دعا و مناجاتش بگوید:

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 131

ای مالک و مرّی من، غفران و رحمتت را نصیبم کن، که تو بهترین رحم کنندگانی.

از قول اولیاء و عاشقانش نقل می کند که در شب تاریک در حال قیام و قعود و اندیشه در خلقت و آفرینش می گویند:

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 132

ای مالک و مرّی و مدبر ما، این آسمانها و زمین را باطل و بیهوده نیافریده ای.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 133

در دعاهای وارده از امامان معصوم بخصوص دعای کمیل، ابوحمزه، عرفه، و مناجات پانزده گانه حضرت سجاد کلمه مبارک رب خیلی تکرار شده، توسل انبیاء به این مقام، و تکرار این حقیقت در دعا، نمایشگر عظمت این مسئله و تجلی آن در شئون و زوایای حیات انسان است، دعاکنندگان تنها در دعا متوسل به این مقام نبودند، بلکه ربوبیت حق در فضای زندگی آنان، در عقاید و اعمال و اخلاقشان تجلی علمی و عملی داشت.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 134

#### مقام باعظمت عبادت و بندگی حق

انسان چه مرد و چه زن دارای هویتی واحد، و جوهری همسان هستند، و در پیمودن راه کمال و ظهور آثار انسانیت و رسیدن به درجات و مقامات معنویه هیچ فرقی با هم ندارند، اگر با میل باطنی و کشش فطری، و کمک گیری از عقل و نبوت و امامت و معلمان دلسوز، و مرییان واجد شرایط به قبول ربوبیت حق تن دهند، و مالکیت و تدبیر و هدایت

حضرت حق را در تمام جهات زندگی بپذیرند، از افتادن در بنزار بندگی طاغوت و هوای نفس، و دچار شدن به فرهنگ‌ها و مدرسه‌های شیطانی در امان می‌مانند، و از برکت مملوک بودن نسبت به مالک واقعی، به مقامات عالیه ملکوتیه و عرشیه خواهند رسید.

مرد و زن در خلقت ظاهری و باطنی خود تجلی رحمانیت و رحیمیت و ربوبیت حضرت حقند، این واقعیتی است که از صریح آیات الهی استفاده می‌شود، و جای انکار و ایراد، و شك و تردید ندارد.

زن انسان است، زن دارای استعداد و قوای معنویست، زن در منطق وحی هویت و جوهری یکسان با مرد دارد.

زن رحمت الهی است، زن جلوه ربوبیت حق است، تحقیر او، حمله به او، پامال کردن حقوق او، سرپیچی از حفظ برنامه‌های به حق او، ضعیف شمردن او در دایره انسانیت، بی‌مورد طلاق دادن او، فرق گذاشتن بین او و پسر، همه و همه آثار شوم مدعیان مالکیت بر بشر، و فرعون‌های تاریخ، و فرهنگ‌های سلطه‌گر و ستم‌پیشه و ظالم و بیدادگر است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 135

در ایتالیا وقتی مرد خانه دختردار می‌شد از خوشحالی در پوست نمی‌گنجید، زیرا شیئی به اشیايش اضافه شده بود و پس از سیزده یا چهارده سال او را به بازار برده و می‌فروخت و قیمتش را صرف مخارج روزانه زندگی می‌کرد!

گاهی که در ایتالیا از دست زن خشمگین می‌شدند او را در دیگ جوشانی از روغن زیتون می‌انداختند تا نابود شود.

از او به عنوان خدمتکار، کلفت، کنیز، کالای شهوت استفاده می‌کردند، و هنوز هم در فرهنگ بشری از بسیاری از حقوق حقّه‌اش محروم است.

ولی در آئین حق و در منطق وحی، زن موجودی والا، منبعی از مایه‌های معنوی، جهانی از استعدادها، و نیروئی الهی است.

زن اگر قدر خود را بشناسد، و موقعیت انسانی خویش را حفظ کند، و از تعالیم عالیه اسلام برای رشد و تربیت خود بهره بگیرد در حد توان خویش، مریمی پاک، و خدیجه‌ای باکرامت و زینبی شایسته، و مقامی در خور حریم حضرت حق خواهد شد، وگرنه مانند مردانی که راه ناسپاسی سپردند، و به نعمتهای حق کافر شدند، و سر از هدایت پروردگار پیچیدند دچار خزی دنیا و آخرت و لعنت ابد حق خواهند شد.

## زن در منطق وحی

در تفسیر باعظمت مجمع البیان آمده:

### نظام خانواده در اسلام، ص: 136

زمانی که اسماء بنت عمیس همراه شوهر بزرگوارش جعفر بی ابیطالب از مهاجرت حبشه که هجرتی الهی و محض حفظ دین بود بازگشت، به دیدار زنان پیامبر آمد و به آنان گفت: آیا در قرآن در رابطه با ما زنان چیزی هست؟ گفتند: نه! به محضر رسول الهی شتافت و عرضه داشت یا رسول الله زنان در ناامیدی و خسارتند، پیامبر فرمود از چه نظر؟ عرضه داشت چنانکه از مردان ذکر خیر شده از زنان نشده، خداوند مهربان این آیه را نازل فرمود:

ان المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات، والقانتین والقانتات، والصادقین والصادقات، والصابرین والصابرات والخاشعین والخاشعات والمتصدقین والمتصدقات والصائمین والصائمات والحافظین فروجهن والحافظات والذاکرین الله کثیراً والذاکرات اعد الله لهم مغفرة واجراً عظیماً.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 138

در صریح این آیه شریفه هست که زنان نیز مانند مردان می‌توانند به ده مقام عالی و ملکوتی و معنوی برسند، و از این طریق مغفرت حق و اجر عظیم کسب کنند، مقامات عبارت است از: 1 مقام اسلام 2 مقام ایمان 3 مقام طاعت و فرمانبرداری 4 مقام صدق 5 مقام صبر و پایداری در برابر تمام حوادث 6 مقام فروتنی و خوف از عظمت و عقاب حق 7 مقام کرم و جود که ثمره آن صدقه است 8 مقام روزه و صوم 9 مقام ضبط نفس و مالکیت بر شهوات 10 مقام یاد و ذکر حق.

اسماء بنت یزید انصاری خدمت رسول حق رسید، در حالی که حضرت در جمع صحابه بودند، عرضه داشت پدر و مادرم فدایت من از جانب زنان بسوی تو آمده‌ام، آگاه باش جانم به قربانت هیچ زنی در شرق و غرب نیست جز این که عقیده و رأیش با من یکی است، خداوند ترا به سوی مردان و زنان مبعوث به رسالت کرد، ما به تو و به حضرت حق ایمان آوردیم، اما جنس زنان بسیار مقید و در حصار خانه محبوس و دارای کمبودند، در طریق ارضای شهوات مرد خود تسلیم‌اند، و مدت زمانی حامله به اولاد، ولی شما مردان به نماز جمعه و جماعت، و عیادت بیماران، و تشییع جنازه، و

زیارت حج به طور مکرر، و از همه مهم‌تر جهاد فی سبیل الله بر زنان برتری دارید، مرد برای حج و عمره یا پاسداری از مرز می‌رود، ما زنان حافظ اموال، و خیاط لباسها، و مری فرزندان مردان خودیم، ما در چه اجر و مزد و بهره و منفعتی با مردان شریک هستیم؟

رسول خدا رو به یاران کرد، فرمود:

گفتاری نیکوتر از گفتار این زن در مسائل دینش شنیده‌اید؟ گفتند گمان نمی‌بریم زنی به چنین واقعیاتی رسیده باشد، حضرت رو به جانب وی کرد و فرمود:

برو و تمام زنان دیگر را خبر کن نیکو شوهرداری، و طلب خوشنودی و رضایت همسر، و موافقت با شوهر در امور زندگی صحیح، برابر تمام آن بهره‌هایی است که از آن همه اعمال نصیب مردان می‌شود!!

زن از مجلس پیامبر بیرون آمد در حالی که از شدت شادی تهلل و تکبیر حق بر زبان داشت.

نظام خانواده در اسلام، ص: 139

امام هشتم از پدرانیش از رسول خدا روایت می‌کند:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ مَلِكٍ مُقْرَبٍ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَعْظَمُ مِنَ الْمَلِكِ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ أَوْ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ.

انسان مؤمن در پیشگاه حق همچون ملک مقرب است، و قطعاً مؤمن نزد حق بزرگتر از ملک است، چیزی به سوی حق محبوبتر از مؤمن توبه‌کننده و زن مؤمنه تائبه نیست.

نظام خانواده در اسلام، ص: 140

عقل و شهوت ملاک سعادت و شقاوت

آن نیروئی که موجب درك حقایق، و پذیرش واقعیات، و طراح سعادت و سلامت، و مدبّر امور مثبتة در حیات انسان می باشد عقل است.

در روایات اهل بیت به نقل اصول کافی در باب عقل، از این گوهر باارزش تعبیر به پیامبر باطن شده!

شهوت به طور طبیعی نعمت حق و موجب لذت ببری از حیات مادی، و باعث حرکت و کار و کوشش و فعالیت انسان در جهت زندگی دنیائی و گاهی آخرتی است.

شهوت اگر مقید به نور عقل، و دنباله رو برای این چراغ پرفروغ معنوی باشد، فضای زندگی فضائی سالم، و عرصه گاه حیات سفره رحمت حق، و وجود آدمی مصداق انسانیت، و ارزشش از ارزش ملائکه برتر!!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 141

عقل اگر در زندان شهوت اسیر شود، و از پخش نور خود ممنوع و محروم گردد، کارگردان حیات آدمی شهوت بی قید و شرط، و خواسته های بی محاسبه شود، و چشم باطن و ظاهر از پی شهوت، جز امور مادی نبیند، و ملاک حیات انسان شکم و غریزه جنسی گردد، آثار انسانیت محو، و آدمی بدتر از حیوانات و بهائم شود.

عبدالله بن سنان می گوید از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدم: ملائکه بالاترند یا بنی آدم؟ حضرت پاسخ داد: امیرالمؤمنین فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بِلا شَهْوَةٍ، وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلا عَقْلٍ، وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلْتَيْهِمَا، فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 142

خداوند عزوجل در ملائکه عقل بدون شهوت قرار داد، و در چهارپایان شهوت بدون عقل گذاشت، و در بنی آدم عقل و شهوت مقرر داشت، پس کسی که عقلش بر شهوتش غالب آید بخت از ملائکه، و هر آنکس شهوتش بر عقلش غلبه کند بدتر از حیوانات است.

این حقیقت اگر در جنس زن همانند مرد تجلی کند بدون تردید ارزش و قیمت و کرامتش بیش از ملائکه خواهد شد، و اگر این موجود از عقل دوراندیش، و پیامبر باطن، و نور درون چشم بپوشد، و همت خود را زر و زیور، و عشوه و ناز و

آرایش و شهوت، و جلوه و خودنمایی در برابر دیگران، و بیگانه از خدا زیستن قرار دهد همچون مردان فاسد و کافر و ناسپاس از حیوانات بدتر است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 143

### حدیثی عجیب از شب معراج در رابطه با زنان

حضرت عبدالعظیم حسنی که از اعظام علمای طایفه حقه، و از رجال بزرگ شیعه، و از راویان معتبر اسلامی است، و به فرموده حضرت هادی (علیه السلام) ثواب زیارتش همانند ثواب زیارت حضرت حسین (علیه السلام) است، از حضرت جواد، و حضرت جواد از پدران معصومش از امیرالمؤمنین نقل می کند که حضرت فرمود من و فاطمه زهرا نزد پیامبر رفتیم، او را در گریه شدید دیدیم، عرضه داشتم پدر و مادرم به فدایت سبب گریه شما چیست؟

فرمود، شبی که مرا به معراج بردند زانی از زنان امتم را در عذاب شدید دیدم، از دیدن عذاب شدید آنان به گریه افتادم.

زنی را دیدم که وی را با موی جلوی سر به دیوار جهنم آویخته بودند، و مغزش از شدت عذاب می جوشید.

زنی را دیدم که با زبانش به دیوار جهنم وصل بود، و از داغ ترین و بدترین ماده جهنم در دهان و حلقش می ریختند.

زنی را دیدم که او را با سینه اش به دیوار جهنم چسبانده بودند.

زنی را دیدم که با دو پایش در جهنم آویزان بود.

زنی را دیدم که گوشت بدن خودش را می خورد و آتش از زیر گوشتهایش بیرون می زد.

زنی را دیدم که دست و پایش را بسته بودند، و تعداد زیادی مار و عقرب به او حمله کرده، اما چون دست و پایش آزاد نبود نمی توانست فرار کند و هیچگونه قدرتی برای دفاع از خود نداشت.

نظام خانواده در اسلام، ص: 144



زنی را دیدم که کور و کر و لال بود، او را در يك تابوت پر از آتش گذاشته بودند، و از تمام بدنش گوشت و پوست همانند آدم گرفتار جدام تکه تکه می ریخت.

زنی را دیدم که صورت و بدنش آتش گرفته، و او را وادار می کردند هرچه در شکم دارد با پنجه هایش بیرون آورده بخورد.

زنی را دیدم که سرش سر خوک و بدنش بدن خر، و دچار يك میلیون رشته عذاب بود.

زنی را دیدم صورتش همانند سگ، آتش از پشتش وارد و از دهانش خارج می شد، ملائکه عذاب، سر و بدنش را با ابزار جهنم می کوبیدند.

حضرت زهرا (علیها السلام) عرضه داشت محبوب من، و نور چشمم به من خبر بده عمل و روش آنان در دنیا چه بوده که باید دچار چنین عذابهای شدید و سختی شوند.

حضرت فرمود: آن زنی که به موی سر به دیوار جهنم بسته بود زنی است که موی جلوی سر خود را از نامحرم حفظ نمی کرد.

زنی که با زبان به دیوار جهنم وصل بود زنی است که شوهرش از نیش زبان او امان نداشت.

زنی که به دو طرف سینه اش به دیوار جهنم چسبانده شده بود، زنی است که در مسئله جنسی از شوهر خود تمکین نمی کرد، و او را برای ارضاء این غریزه طبیعی راه نمی داد.

زنی که با دو پایش در جهنم آویزان بود، زنی است که بدون اجازه شوهرش هر کجا می خواست می رفت.

زنی که گوشت بدن خودش را می خورد و آتش از زیر گوشتها بیرون می زد، زنی است که برای غیرشوهر آرایش می کرد، و آرایش خود را در معرض دید مردان نامحرم قرار می داد.

زنی که دست و پایش را بسته، و در معرض حمله مار و عقرب بود، زنی است که نماز را سبک می شمرد، و از نجاست و جنابت و حیض تطهیر و غسل نمی کرد.

زنی که کر و کور و لال بود زنی است که با غیرشوهر همبستر شده بود و اولاد آورده، ولی فرزند را به گردن شوهر خود انداخته بود.

زنی که با قیچی آتشین گوشت او را می‌بریدند، زنی است که خود را در اختیار مردان بیگانه می‌گذاشت.

زنی که صورت و بدنش آتش گرفته، و او را وادار می‌کردند هر چه در شکم دارد بخورد زنی است که واسطه فحشا و منکرات بود، و زنان را برای شهوترانی در اختیار مردان می‌گذاشت.

زنی که سرش سر خوک و بدنش بدن خر و دچار يك میلیون رشته عذاب بود، زنی است که دوبه‌هم‌زنی می‌کرده و در دروغگوئی و کذب غرق بوده.

زنی که همانند سگ بود و آتش از پشتش وارد و از دهانش خارج می‌شد زنی بود خواننده مجالس عیش و عشرت و آلوده به بیماری حسادت!

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 146

در هر صورت زن بنا بر منطق وحی می‌تواند به اعلا درجات و مقامات معنویه برسد و مریم‌گونه شود، و در صورت بی‌توجهی به آئین حق و شخصیت انسانی خود راه به اسفل درکات برده و از بهائم پست‌تر می‌گردد، دو مرحله‌ای که برای تمام مردان مقرر است.

(یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر)

«بقره/ 185»

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 147

#### 7 مشکلات و موانع راه ازدواج

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 148

## سختگیری در مسئله ازدواج

نیاز پسر و دختر به ازدواج نیازی طبیعی، و احتیاجی ذاتی است، خودداری طولانی از هجوم غریزه شهوت برای پسر و دختر امری مشکل به نظر می‌رسد.

گاهی طول زمان موجب فساد و افساد، و تباه شدن نیازمند به ازدواج شده است.

گاهی سرکشی غرائز باعث افتادن افراد در منجلاب گناه و معصیت شده است.

گاهی جلوگیری از ازدواج برای پسران و دختران دردرس آفریده، و آنان را به امراض مختلفی دچار کرده است.

گاهی ولع به ازدواج و از طرفی موانع راه آن عشق و عاشقی به بار آورده، و دامن‌های پاك را آلوده نموده، و جوانانی که سرمایه يك مملکت هستند تا خودکشی پیش برده.

بعضی از پدران و مادران فرزندان در سن ازدواج را اگر پیشنهاد ازدواج کنند بچه می‌دانند، و اعلام نیاز آنان را به تشکیل زندگی حاصل بی‌حیائی و پروئی به حساب می‌آورند، و در این زمینه به فرزندان خود هجوم برده، آنان را سرزنش و تحقیر می‌کنند، و به صورتی با آنان برخورد می‌نمایند که آنان سرخورده می‌شوند، و اگر از ایمان قوی برخوردار نباشند، خود را مجبور به حرکت در کژ راهه می‌بینند.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 149

بعضی از پدران و مادران به خانواده عروس یا داماد، مسائلی را پیشنهاد می‌نمایند که تحقق دادن آن برای طرف مقابلشان بسیار سخت یا غیرممکن است، و آنچنان در پیشنهادهای خود پافشاری می‌کنند که زمان ازدواج دختر و پسر می‌گذرد، و گل‌های باغ انسانیت پرپر می‌شود.

گاهی پسری به خواستگاری دختری می‌رود، ولی با تلخی و بداخلاقی خانواده عروس روبرو می‌شود و از ازدواج با دختر پشیمان می‌گردد، در این صورت دختر خانه‌نشین می‌شود و به او لطمه وارد می‌گردد، و از سن ازدواج می‌گذرد، و چنین مسئله‌ای هم ممکن است از خانواده پسر رخ بنماید.

گاهی دختران و پسران بر اثر محدود بودن در تصمیم، و دچار بودن به فضای پدرشاهی یا مادرشاهی تن به ازدواج نمی‌دهند، و از این طریق دچار خسارت می‌گردند.

و گاهی خود دختر و پسر به خاطر پیشنهادهای سنگین به طرف مقابل مانع تحقق ازدواج می‌شوند.

اسلام عزیز این سختگیرها را خلاف انصاف و مروّت، و جدای از اخلاق انسانیت، و امری غیرخدائی و غیرشرعی می‌داند.

اسلام به سختگیران هشدار می‌دهد، که عواقب این برنامه در دنیا و آخرت دامن شما را خواهد گرفت.

اسلام می‌گوید خداوند مهربان با آنان که در همه امور آسان می‌گیرند آسان می‌گیرد، و با آنان که سختگیر هستند سخت خواهد گرفت.

سختگیری در این مسئله، جنگیدن با غرائز و شهوات و آمال و آرزوهای طبیعی و انسانی دختران و پسران است، و بر حضرت حق است که با سختگیران به سختی برخورد کند، و آنان را از لطف و محبت خود محروم سازد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 150

حماد بن عثمان می‌گوید، مردی خدمت حضرت صادق (علیه السلام) از شخصی شکایت کرد، زمانی نگذشت که شکایت شده از راه رسید، امام ششم فرمود: شکایت فلانی از تو برای چیست؟ عرضه داشت به من بدهکار است و من ایستاده‌ام تا دینار آخر آن را از او بگیرم، حضرت صورت نشستن خود را عوض کرد و به خشم آمد و فرمود: تصور کردی تا دینار آخر را از او بگیری بد نمی‌شود، گفتار حق را در قرآن مجید نخوانده‌ای؟

يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 151

می‌ترسند بدی حساب را.

خیال کردی سوء حساب به معنای ظلم و جور از جانب حق به عبد است!

نه به خدا قسم.

ما خائفوا إلاَّ الأسْتِفْصَاءَ.

نمی ترسند مگر تا آخرین ذره عمل را به حساب کشیدن.

بدان ای مرد:

فَمَنْ اسْتَفْصَى فَقَدْ اسَاءَ.

آنکه در حساب اینگونه سخت گیری کند کار بدی انجام داده است.

پدران و مادران، پسران و دختران از سخت گیری، بخصوص در امر ازدواج بترسید، و از این امر غیرانسانی پرهیزید، راه ازدواج را هموار کنید، و شرایط آن را آسان بگیرید، و با شوهر دادن دختر با شرایطی سهل و آسان، و زن دادن به پسر با برنامه‌ای معمولی از گسترش بستر فساد، و سفره گناه جلوگیری کنید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 152

وجود خود را میزان بین خود و دیگران قرار بدهید

### نظام خانواده در اسلام، ص: 153

پدران و مادران باید به این معنا توجه کنند، که روزی خود آنان جوان بودند، و در آتش اشتیاق زن گرفتن، و شوهر کردن می سوختند.

آرزو داشتند هر چه زودتر پدر و مادرشان وسیله ازدواج آنان را فراهم کنند، و بدون سختگیری و تحمیل شرایط سخت سفره ازدواج آنان را در فضائی باصفا و چهارچوبی غرق عشق و محبت پهن نمایند، و اگر ملاحظه می کردند پدر یا مادرشان، نسبت به این مسئله وارد برنامه‌هایی می شدند، که این سنت پاک الهی را به تأخیر می انداخت، یا در راه آن ایجاد دست انداز می کرد، یا وضع پدر و مادرشان مانع تراشی بوجود می آورد، سخت آشفته می شدند، و حالات درونی آنان به هم می خورد، و نسبت به پدر و مادر خویش بدبین و در نهایت کینه دار می شدند.

امروز که می‌خواهند پسر زن بدهند و یا دختر به خانه بخت بفرستند خود را به جای فرزند خود به حساب آورند، و آمال و آرزوی وی را، و طغیان آتش شهوت او را، و عشق آتشینش را به تشکیل زندگی جدید لحاظ کنند، باشد که خود را به جای او حساب کردن موجب دست برداشتن از سختگیری شود، و زمینه زن گرفتن پسر یا شوهر کردن دختر به آسانی و سهولت فراهم آید.

وجود مبارك اميرالمؤمنين (عليه السلام) در روایتی بسیار مهم به این مسئله فوق‌العاده با ارزش که خود را میزان بین خود و دیگران قرار بده بدین صورت اشاره فرموده:

اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ، وَ أَحِبَّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا، لَا تَتَّظِلُمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَّمَ، وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ، وَ اسْتَقْبِحْ لِنَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ، وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ مَا تَرْضَى لَهُمْ مِنْكَ.

وجود خود را برای توجه به واقعیات زندگی و درک بیشتر از مسائل انسانی میزان بین خود و غیر خود قرار بده، و دوست داشته باش برای دیگران آنچه را برای خود دوست داری، و کراهت داشته باش برای غیر خود، آنچه را برای خود کراهت داری، به دیگران در هیچ زمینه‌ای ستم

### نظام خانواده در اسلام، ص: 154

روا مدار، چنانکه دوست نداری به تو ستم شود، و به همه مردم نیکی کن، چنانکه دوست داری به تو نیکی کنند، برای خود قبیح بدان آنچه را از دیگران قبیح می‌دانی، از مردم خوشنود باش، آنچه را که از خود نسبت به آنان خوشنود هستی. حضرت مجتبی (علیه السلام) فرموده:

صَاحِبِ النَّاسِ مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يُصَاحِبُوكَ بِهِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 155

با مردم به گونه‌ای زندگی کن، که دوست داری با تو زندگی کنند.

این است خواسته بر حق اسلام از تمام مردم، این است دستورات ثمربخش دین، این است آن روشی که زندگی را با دیگران آسان می‌نماید، و از هجوم گناه به دایره حیات جلوگیری می‌کند، و برنامه زندگی را از نور و صفا و عشق و وفا، و سلامت و صمیمیت، و سادگی و آسانی پر کرده و شیرین می‌نماید.

پدران و مادران آنچه را در مسئله ازدواج در روزگار جوانی برای خود دوست داشتید، و آن عبارت بود از اینکه با خانواده‌ای هم‌شان خود ازدواج کنید، در برنامه ازدواج، هر دو خانواده از شرایط سنگین و غیر قابل تحمل بپرهیزند، هرچه زودتر زمینه ازدواج را فراهم آورند، از

مخارج کمرشکن دوری کنند، از حرف و نقل زیاد کناره‌گیری نمایند، امروز همان را برای فرزند خود دوست داشته باشید.

وسيله شدن برای ازدواج، در پیشگاه حق ثواب بسیار دارد، شما ای پدران و مادران زودتر از دیگران برای فرزندان خود وسیله ازدواج شوید، و این راه را تا آخر با عشق و محبت و شیرینی و کرامت طی کنید.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ عَمِلَ فِي تَزْوِيجِ بَيْنِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا زَوْجَهُ اللَّهُ أَلْفَ امْرَأَةٍ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَايَا أَوْ بِكُلِّ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا فِي ذَلِكَ عَمَلٌ سَنَّهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 157

هر کس در فراهم آوردن زمینه ازدواج پسران و دختران اهل ایمان زحمت بکشد، تا خداوند مهربان آنها را به یکدیگر برساند، مزدش هزار حوریه بهشتی است، و برای هر قدمی که برداشته یا هر کلمه‌ای که در این زمینه گفته ثواب يك سال عبادت است.

آنان که در امر ازدواج سختگیری می‌کنند، با اینکه می‌توانند به آسانی و سادگی زمینه تحقق آن را فراهم کنند، خود را از چه ثواب عظیمی نزد حق محروم می‌کنند؟!

اینان جواب فرزندان خود را اگر دچار فساد شوند، یا ضربه فکری و بدنی به آنان وارد شود، یا دچار اختلال روحی گردند، در دادگاه عدل الهی در صحنه وحشتناک محشر چه خواهند داد؟!

موسی بن جعفر (علیه السلام) از طریق نامه‌ای از عمّه بزرگوار خود درخواست کردند، فلان مالی که داری برای کمک به مهریه عیال محمد بن جعفر بفرست، چون نامه را به آن زن باکرامت دادند، بدون فاصله به این مسئله اقدام کرد، متن نامه چنین بود:

خداوند را در قیامت سایه‌ای است که از آن جز پیامبر، یا وصی پیامبر، یا کسی که برده مؤمنی را آزاد کند، یا فرض مؤمنی را ادا نماید، یا مؤمن بی‌زنی را زن دهد بهره‌مند نگردد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

... وَ أَعْظَمُ الْخَطَايَا إِتِّطَاعُ مَالِ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ، وَ أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ مَنْ تَشَفَّعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُمَا.

و بزرگترین گناه تجاوز به مال مسلمان است، و برترین میانجیگری وساطت در امر ازدواج است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَنْ زَوَّجَ عَزَبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 158

هر کس بی‌زنی را زن دهد، از آنانی است که خداوند در روز قیامت به او به دیده لطف و رحمت نظر می‌کند.

و نیز آن حضرت فرمود:

أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: مَنْ أَقَالَ نَادِمًا، أَوْ أَغَاثَ لَهْمَانًا، أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَةً، أَوْ زَوَّجَ عَزَبًا.

خداوند به چهار نفر در قیامت نظر لطف می‌اندازد، کاسبی که جنس پس‌آورده را قبول کند، آنکه غمی را از دلی بزداید، کسی که بنده‌ای را آزاد کند، و آنکه انسان بی‌زنی را زن دهد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

هر کس قرار ازدواجی را بهم بزند، و زن و مردی را از هم جدا کند، در دنیا و آخرت دچار غضب و لعنت خدا شود، و بر حضرت حق است که هزار سنگ آتشین بر سر او ببارد، و هر کس در جدائی بین مرد و زنی بکوشد ولی به ثمر نرسد، دنیا و آخرت دچار خشم و لعنت حق شود، و دیدار رحمت حق بر او حرام گردد.

ای کاش تمام پدران و مادران از این معانی خبر داشتند، تا با عمل به این واقعیات از ثواب عظیم الهی بهره‌مند می‌شدند، و ای کاش خبرداران از این مسائل از تکبر از عمل به این دستورات پرهیز می‌کردند، تا در قیامت دچار خشم و لعنت و عذاب ابد حق نشوند.



نظام خانواده در اسلام، ص: 159

کبر، صفتی ابلیسی است

امروز که بلوغ زودرس رنجی بر رنج مردم افزوده، امروز که هجوم فرهنگ بیگانگان دردی بر دردها اضافه کرده، امروز که صدا و تصویر رسانه‌های کفر جهانی روح و فکر مردم بخصوص جوانان را اشغال کرده، امروز که فیلم‌های مبتذل در تمام جهان بیداد می‌کند، و این همه برنامه‌ها حاصلی جز تحریک شهوات، و شعله‌ور کردن غرائز ندارد، بر پدران و مادران و اقوام و ثروتمندان و خلاصه دولت و ملت اسلامی، واجب شرعی، و لازم اخلاقی است، که تمام توان خود را در آسان

نظام خانواده در اسلام، ص: 160

نمودن امر ازدواج جوانان، و حذف عادات و رسوم غلط، و در هم شکستن سنن غربی، و چشم‌پوشی از شرایط سنگین، بکار گیرند تا از این راه ایمان و اخلاق و رفتار و کردار انسانی دختران جوان و پسران جوان تا حدی محفوظ بماند، و این گل‌های، باغ آدمیت از پریر شدن و افتادن در منجلاب گناه در مصونیت قرار بگیرند.

نسبت به پیاده شدن فرامین الهی و دستورات رسول اکرم، و امامان معصوم تکبر نکنید، متأسفانه بعضی از پدران و مادران چنانکه مشاهده شده در مجالس قرارداد ازدواج آنچنان زستی بخود می‌گیرند که انگار شاه مقتدری هستند، و فرزند آنان شاهزاده، و باید در امر عقد و عروسی، همچون فرعون و فرعونیان عمل شود، پیشنهادهایی می‌دهند، و خواسته‌هایی اظهار می‌کنند که خانواده مقابل بخت‌زده شده، و فرزندشان از ازدواج و تشکیل خانواده پشیمان می‌شود، و به ناچار برای ارضای غرائز خود دست به دوست‌یابی نامشروع زده، و خود را به انواع گناهان جنسی آلوده می‌نمایند!!

قرآن مجید تکبر از حق را از مشخصه‌های ابلیس شمرده آنجا که می‌فرماید:

فسجد الملائکه کلهم اجمعون الا ابلیس استکبر و کان من الکافرین

پس فرشتگان به امر حق همه سجده کردند مگر ابلیس که گردنکشی و بزرگ‌منشی نمود و از کافران شد.

قال فاهبط منها فما یكون لك أن تتكبر فيها فاخرج إنك من الصاغرين.

نظام خانواده در اسلام، ص: 161

حضرت حق به او فرمود: از این جایگاه و مقام و مرتبه فرو شو، ترا نرسد که در این حریم پاک بزرگمنشی کنی، پس بیرون رو که تو از خوارشدگانی.

علی (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 162

إِيَّاكَ وَالْكِبْرَ فَإِنَّهُ أَكْبَرُ الذُّنُوبِ وَالْأَلَمُ الْعُيُوبِ وَهُوَ حَلِيَّةُ إِبْلِيسَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 163

بر تو باد از اینکه در امور حیات نسبت به حق و خلق دچار کبر شوی، به حقیقت که تکبر از بزرگترین گناهان و پست‌ترین عیوب است، و کبر رنگ و رخساره و خصلت ابلیس است.

و نیز آن حضرت فرمود:

اخْدَرِ الْكِبْرَ فَإِنَّهُ رَأْسُ الطُّعْيَانِ وَ مَعْصِيَةُ الرَّحْمَنِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 164

از کبر بپرهیز که این صفت سر تجاوز و روگردانی از حضرت حق است.

و نیز آن بزرگوار فرمود:

أَقْبَحُ الْخُلُقِ التَّكْبُرُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 165

زشت‌ترین خوی تکبر است.

رسول الهی فرمود:

اجْتَنِبُوا الْكِبَرَ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَزَالُ يَتَكَبَّرُ حَتَّى يُعْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أُكْتُبُوا عَبْدِي هَذَا فِي الْجَبَّارِينَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 166

از کبر اجتناب کنید، هر آینه انسان در کبر ادامه زندگی می‌دهد، تا جائی که خداوند عز و جل می‌فرماید: ای نویسندگان عمل، نام بنده‌ام را جزء جباران عالم ثبت کنید.

و نیز آن حضرت به ابوذر فرمود:

يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ مَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ قَبْلَ ذَلِكَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 168

ای ابوذر هر کس بمیرد و در قلبش به وزن ذره‌ای کبر باشد، بوی بهشت را نخواهد یافت، مگر اینکه قبل از مردن توبه کند و از لباس کبر و نخوت و بزرگ‌منشی درآید.

راستی موجودی که از نطفه آفریده شده، و در حال حیات دنیوی، ضعیف و ناتوان، و در برابر حوادث بی‌قدرت و بی‌قوت است، و چرخ‌های در این عرصه‌گاه هستی به اراده او نمی‌چرخد، چه جای آن دارد که با حق و با خلق تکبر کند، و برای خود برتری بر دیگران قائل باشد؟

امام صادق (علیه السلام) از پدران‌ش روایت می‌کند، بین سلمان و مردی دعوا درگرفت، آن مرد با حالتی خاص به سلمان گفت: تو کیستی که من با تو رو در رو شوم؟ سلمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُ دَابُّهُ زَهَادَتُهُ، وَ هُمُّهُ دِيَانَتُهُ، وَ عِزُّهُ قَنَاعَتُهُ، وَ جِدَّةُ لَاحِرَتِهِ، قَدْ كَثُرَتْ حَسَنَاتُهُ، وَ عَلَتْ دَرَجَاتُهُ، وَ شَارَفَ خَلَاصُهُ وَ بَجَاتُهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 169

عادت و خوی مؤمن بی‌رغبتی او به امور مادی است، و همتش دینداری، و عزتش قناعت، و فعالیتش برای آخرت است. زیاد شده خوبیهایش، و بالا رفته درجانش، و نزدیک شده به آزادی و نجاتش.

و نیز آن حضرت فرمود:

الْمُؤْمِنُ دَائِمُ الذِّكْرِ، كَثِيرُ الْفِكْرِ، عَلَى النِّعْمَاءِ شَاكِرٌ، وَ فِي الْبَلَاءِ صَابِرٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 170

مؤمن بطور دائم و همیشگی متذکر حقائق و بخصوص حضرت حق است، اندیشه‌اش بسیار، و شاکر تمام نعمت‌های الهی و صابر در بلاء است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ، وَ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ، وَ صَحَّتْ سَرِيرَتُهُ، وَ انْفَقَ الْفَضْلُ مِنْ مَالِهِ، وَ امْسَكَ الْفَضْلُ مِنْ كَلَامِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 171

مؤمن کسی است که آنچه کسب می‌کند پاکیزه است، و طبیعتش نیکوست، و پنهانش صحیح است، اضافه مالش را انفاق می‌کند، و از اضافه سخنش خودداری می‌نماید.

در رابطه با ارزش مؤمن در روایات آمده:

از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده:

نظام خانواده در اسلام، ص: 172

الْمُؤْمِنُ اعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 173

احترام و حرمت مؤمن از کعبه عظیم‌تر است.

امام پنجم (علیه السلام) فرمود:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُعْرَفُ فِي السَّمَاءِ كَمَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ وَ وُلْدَهُ وَ أَنَّهُ لَا كَرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 174

مؤمن در آسمان معروف است، چنانکه مرد همسر و اولادش را می‌شناسد، و هرآینه مؤمن در پیشگاه حق از ملك مقرب گرامی‌تر است.

رسول حق فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقِي خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 175

خداوند جل ثناء می‌فرماید: به عزت و جلالم قسم آفریده‌ای را در آفریدگانم در نزد خود محبوب‌تر از مؤمن نیافریده‌ام.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 176

## هم کفو

پس از این مقدمه که در رابطه با دین و دینداری مطرح شد، لازم است به این معنا توجه شود که از شرایط بسیار مهم ازدواج هم کفو بودن زوجین است.

کفو در لغت به معنای شبیه و مانند است، در مسئله ازدواج تا حدی باید از نظر ظاهر و باطن بین دختر و پسر شباهت وجود داشته باشد.

مهمترین مرحله شباهت، باید در چهره دینداری جلوه کند به این معنا که به فرهنگ پاک حق، مؤمن هم کفو مؤمنه، و دین‌دار شبیه و مانند دیندار است.

به فرموده قرآن مجید:

وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ.



و زنان خود را به ازدواج مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند درنیاورید زیرا يك بنده باایمان از يك مرد مشرک بهتر است اگر چه موقعیت و زیبایی او شما را شگفت‌زده کند، مشرکان دعوت به آتش می‌کنند، و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید، و آیات خود را برای مردم بیان می‌کند شاید اهل تفکر و اندیشه شوند.

بنابراین مواظب باشید دختر باایمان خود را به جوانی که اهل حق و حقیقت نیست، و در لجنزار انکار واقعیات دست و پا می‌زند به زنی ندهید، و برای جوان پاك و مؤمن خود، دختری که منکر اصول الهی است به همسری انتخاب نکنید که شرط اول در صحت ازدواج ایمان پسر و دختر است تا دو نور و دو پاك و دو پاکیزه و دو مؤمن به هم برسند، و از به هم رسیدن آنان ثمرات شایسته و پاك که همان فرزندان صالحند بوجود بیایند.

تصور نکنید که زیبایی و مال و موقعیت در مردی که ایمان ندارد، و در زنی که آراسته به حقیقت نیست موجب سعادت و سلامت و نشاط و دوام در زندگی است.

البته بر خانواده‌ها لازم است در مسئله هم‌کفو بودن، سختگیری نکنند، وقتی پسر و دختر از نظر اعتقاد و اخلاق و عمل اسلامی، و از نظر قیافه و هیكل ظاهر نزدیک به هم باشند، این دو از نظر شرع مقدس هم‌کفو و شبیه و همانند یکدیگرند، و در ازدواج آنان رحمت و برکت حق تجلی خواهد کرد.

در رابطه با مسئله کفو به روایات زیر توجه کنید:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: الْكُفُوَ أَنْ يَكُونَ عَفِيفًا وَعِنْدَهُ يَسَارٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 181

امام صادق (عليه السلام) فرمود: آنکه دارای عفت همه جانبه است و زندگی در کنار او از نظر نفقه سهل و آسان است کفو دختر عقیفه و آسان زندگی کن شماست.

نظام خانواده در اسلام، ص: 182

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَآمَانَتَهُ يَخْطُبُ إِلَيْكُمْ فَرَوْجُوهُ أَنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 183

کسی که از دختر شما خواستگاری کرد و شما نسبت به دین و امین بودن وی رضایت داشتید، حتماً زمینه این ازدواج را فراهم نمائید، که منع ازدواج کفو با کفو از جانب شما زمینه‌ساز فتنه در روی زمین و فساد بزرگ است.

رسول خدا در روایت دیگر می‌فرماید:

اِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرُؤُجُوهُ وَاِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْاَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 184

آنکس که اخلاق و دینش مورد رضایت و پسند شما بود به او دختر بدهید، چنانچه از تحقق این ازدواج جلوگیری کنید موجب فتنه و فساد بزرگ در زمین شده‌اید.

آری سخت‌گیری در ازدواج، و ایجاد موانع، و تکیه بر عادات و رسومات غلط، و پیگیری شرایط سخت، و طلب جمال و ثروت و مقام، از جانب خانواده‌ها برای پسران و دختران خود، علت ازدیاد استمناء، لواط، زنا، فشارهای عصبی، و بیماری‌های روانی در دختران و پسران است، و این همه فتنه و فساد عواقب و توابعش در دنیا و آخرت‌گیرانگیز آن پدران و مادران و اقوام و خانواده‌هایی است که در مسئله ازدواج سخت‌گیری می‌کنند.

رسول حق فرمود:

اَنْكِحُوا الْاَكْفَاءَ وَاَنْكِحُوا مِنْهُمْ وَاخْتَارُوا لِطُفِكُمْ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 185

زمینه ازدواج هم‌کفوها را فراهم کنید، و با هم‌کفو ازدواج کنید و آنان را برای بوجود آمدن فرزندان شایسته به عقد خود درآورید.

آری ایمان و اخلاق و امانت و درستی در پسر و دختر مایه هم‌کفویست، و بر پدران و مادران و خانواده‌ها واجب اخلاقی است، هر چه زودتر و سریع‌تر و با آسان‌گیری کامل و پرهیز از شرایط غیرالهی و سنن غیراخلاقی زمینه‌ساز عروسی دو هم‌کفو را فراهم آورند، تا رضا و خوشنودی و رحمت و لطف حق را نسبت به خود جلب کنند.



حضرت باقر (علیه السلام) می فرماید:

مَا مِنْ رُزْءٍ أَشَدَّ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَأْتِيَهُ ابْنُ أُخِيهِ فَيَقُولَ زَوْجِي فَيَقُولَ لَا أَفْعَلُ أَنَا أَعْنِي مِنْكَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 187

مصیبتی از این شدیدتر نیست که جوان مؤمنی دختر برادر مؤمنش را خواستگاری کند، و پدر دختر جواب بدهد، من از این ازدواج عذر می خواهم زیرا تو از نظر مالی در رتبه من نیستی!

در مسئله ازدواج عصبیت قومی، شهری، قبیله‌ای نباید لحاظ شود، زیرا اینگونه تعصبات در آئین الهی مردود شناخته شده و باطل اعلام شده است.

فقر و غنا، این شهر و آن شهر، این قبیله و آن قبیله را ملاک ازدواج قرار ندهید، مردان و زنان همه و همه دختران و پسران یک پدر و مادرند، و برای هیچ‌یک بر دیگری، جز به تقوا و پرهیزکاری امتیاز نیست.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 188

#### نظر حضرت سجاد (علیه السلام) نسبت به کفو

امام پنجم حضرت باقر (علیه السلام) نقل می کنند: پدر باکرامتم حضرت زین العابدین (علیه السلام) در یکی از مواضع حج به خانمی برخورد که اخلاق نیکش آن حضرت را جذب کرد، سؤال کردند این زن دارای همسر است؟ عرضه داشتند وی را شوهر نیست، پدرم بدون این که از حسب و نسب وی تحقیق کند از او خواستگاری کرد، و این خواستگاری منجر به ازدواج با او شد.

فردی از انصار از داستان آگاه شد، ازدواج به این سادگی برای او بسیار سنگین و گران آمد، به نظر آورد ممکن است آن زن فردی بی اصل و نسب باشد، و علت سرزنش نسبت به امام چهارم شود.

مدتی در مقام جستجو برآمد و معلوم شد آن زن از طایفه شییان است، خدمت امام چهارم رسید و جریان را با آن حضرت در میان گذاشت که خدا را شکر همسر شما از فامیلی معروف و محترم است، امام به او فرمودند من شما را خردمندتر از این می دانستم که به این امور پای بند باشی، مگر نمی دانی خداوند عزوجل به

برکت اسلام پستی‌ها را برداشت و نقصها را جبران فرمود، بزرگواری و کرامت را جایگزین پستی و ذنات نمود، اینک مسلمان در هر موقعیتی باشد محترم است و او را پستی نیست، لغامت و حسنت از آن جاهلیت است و بس.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 189

بنابراین هم‌قبیله بودن، هم‌شهری بودن، به اندازه هم ثروت داشتن، موجب هم‌کفوی نیست، بنا به حکم اسلام، عرب را بر عجم، سپید را بر سیاه، قرشی را بر غیرقرشی امتیازی نیست، امتیاز به تقواست و دو مرد و زن مسلمان با داشتن ایمان و تقوا و اخلاق و امانت و عفت و پاکی و طهارت و سلامت هم‌کفو یکدیگرند گرچه یکی عرب و دیگری عجم، یکی شهری و دیگری روستایی، یکی غنی و دیگری فقیر، یکی سپید و دیگری سیاه، یکی قبیله‌دار و دیگری بی‌قبیله باشد.

علی بن اسباط به حضرت جواد (علیه السلام) نوشت: من برای دخترانم کسی را که در اخلاق و ایمان همانند خودم باشد نیافته‌ام تا آنان را شوهر دهم، حضرت در پاسخ نامه وی نوشت: آنچه را درباره دخترانت نوشته بودی یافتیم، خداوند ترا مورد رحمت و لطفش قرار دهد، تا این حدود دقت در کار دختر لازم نیست، پیامبر فرمود اگر خواستگاری آمد که دین و اخلاقش مورد پسند بود قبولش کنید و نه فتنه و فساد بزرگ در زمین روی می‌دهد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 190

امام صادق (علیه السلام) به مردی به نام ابراهیم فرمود: هیچ مؤمنی بهره‌ای و سودی خطرناک‌تر از ثروت نبرده، ضرر مال از زیان دو گرگ درنده که به گله‌ای بی‌چوپان از سر و ته گله حمله کنند بیشتر است، این گرگها با گوسپندان چه می‌کنند، عرضه داشتم جز فساد کاری نمی‌کنند، فرمود: راست گفتی، کوچکترین زیان مال این است که مسلمانی خواستگاری دختر مسلمان بیاید و او به عذر نداشتن مال او را براند و از دادن دختر به او خودداری کند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 192

به چند طایفه دختر ندهید

در معارف الهی آمده فرزند امانت خدا و نعمت حق و احسان پروردگار به انسان است.

حفظ امانت حق به این است که به تربیت دینی و اخلاقی او توجه شود، و به هنگام ازدواج برای او همسر پاک و پاکیزه‌ای انتخاب شود.

دختری که به خانه شوهر می‌رود تحت تأثیر خانه و خانواده شوهر و خود شوهر قرار می‌گیرد، و در هر صورت در آن محیط برنامه‌هایی به وسیله شوهر از او خواسته می‌شود، باید به آن خانه‌ای که می‌رود خانه‌ای الهی و خانواده‌ای مؤمن باشد، و همسرش از حسنات باطنی و ظاهری در حد استعداد و طاقتش برخوردار باشد، به این خاطر آئین الهی از شوهر دادن دختر به افرادی که واجد شرایط الهی و اسلامی نیستند منع اکید فرموده در روایتی از قول رسول حق آمده:

أَمَّا النِّكَاحُ رِقٌّ فَإِذَا انْكَحَ أَحَدُكُمْ وَوَلِيَدَهُ فَقَدْ أَرْقَاهَا فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ لِمَنْ يُرِقُّ كَرِيْمَتُهُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 193

نکاح يك نوع بندگی و اطاعت است، فردی از شما وقتی دخترش را شوهر می‌دهد، او را در مدار طاعت و بندگی شوهر درمی‌آورد، لازم است هر يك از شما دقت کند، که دخترش را در اختیار چه کسی قرار می‌دهد.

شوهر دادن دختر به کسی که پای‌بند به دین و فرائض الهی و عقاید حقّه نیست و به تعبیر کتاب خدا فاسق است جایز نیست.

شوهر دادن دختر به مرد بد اخلاق که آلوده به کبر، فخر، حسادت، حرص، طمع، بخل و بدزبانی است، ممنوع است.

شوهر دادن دختر به مرد نادان و سفیه و کم‌عقل که قدرت اداره زندگی را ندارد، و چیزی برای زن جز مشکلات بوجود نمی‌آورد کاری خلاف شرع و دور از انسانیت است.

شوهر دادن دختر به مرد شرابخوار و آن پلید و پستی که از حرام الهی خودداری نمی‌کند اکیداً ممنوع است. اکنون به روایت بسیار مهم این قسمت توجه کنید.

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ فَاسِقٍ نَزَلَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفُ لَعْنَةٍ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 194

کسی که دختر عزیز و باکرامتش را به فرد بی دین شوهر دهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.

كَتَبَ حُسَيْنُ بْنُ بَشَّارٍ إِلَى الْكَاطِمِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ لِي قَرَابَةً قَدْ خَطَبَ الْمَاءَ وَ فِي خُلُقِهِ سُوءٌ قَالَ: لَا تُزَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 195

حسین بن بشار به موسی بن جعفر (علیه السلام) نوشت: یکی از اقوام من از دخترم خواستگاری کرده، ولی اخلاق بدی دارد، حضرت جواب نوشتند: اگر دچار سیئات اخلاقی است به او نده.

امام صادق (علیه السلام) با استناد به آیه 5 سوره نساء از دختر دادن به سفیه و نادان که لیاقت ندارد مال به او بدهند، و نمی توان به او در امور اجتماعی و فردی و مسئله امانات اعتماد کرد، منع اکید فرمودند.

نظام خانواده در اسلام، ص: 196

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَنْ شَرِبَ الْحَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللَّهُ عَلَى لِسَانِ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُزَوَّجَ إِذَا خَطَبَ.

هر کس شراب را بعد از اینکه من مأمور اعلام حرام بودنش از جانب خدا شدم بنوشد، هرگاه به خواستگاری دختر يك خانواده آمد، بدانید که شایستگی پاسخ شنیدن ندارد.

امام هشتم حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

وَإِيَّاكَ أَنْ تُزَوِّجَ شَارِبَ الْحَمْرِ، فَإِنَّ زَوْجَتَهُ فَكَأَنَّهَا قَدَّمَتْ إِلَى الرَّبِّ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 197

بترس از این که دختر به شرابخوار بدهی، که اگر او را به چنین تبهکاری شوهر دهی گویا آن عقیقه کریمه را به زنا داده‌ای!!

آری آنکه پای‌بند به واجبات الهی نیست، و از فسق و فجور پرهیز ندارد، و آنکه از حسنات اخلاقی برخوردار نیست، و آلوده به بداخلاقی است، و آنکس که از عقل و فکر لازم بهره ندارد، و آن سست‌اراده‌ای که از مشروبات حرام پرهیز ندارد، اهلیت ندارد که دختری پاک و مؤمنه که امانت حق است به او سپرده شود، که نه تنها دختر ضایع می‌گردد، بلکه فرزندان که آن دختر برای آن تبه‌کار می‌آورد متأثر از آثار سوء وجودی آن شوهر خواهند شد، که قبل از اینکه دانش بشر به این حقیقت برسد امام ششم (علیه السلام) این حقیقت را اعلام فرموده است:

الْحُرَامُ بَيْنُ فِي الدَّرَجَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 198

آثار حرام در نسل آشکار می‌گردد!!

نظام خانواده در اسلام، ص: 199

با اینگونه زنان ازدواج مکنید

همانطور که اسلام اجازه شوهر دادن دختر را به چند طایفه از جمله فاسقان، سفیهان، بداخلاقان، مشروبخواران، نمی‌دهد، و حرمت و ارزش زن را با ممنوعیت ازدواج با این چند طایفه حفظ می‌کند، به همین نسبت به جوانان مؤمن و باکرامت اجازه ازدواج با زنانی که واجد شرایط الهی و اسلامی نیستند نمی‌دهد.

روایات بسیار مهمی در این زمینه از مصادر وحی در معتبرترین کتب نقل شده، که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود، رسول خدا فرمود:

إِيَّاكُمْ وَ تَزْوِجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا ضَيَاعٌ وَوَلَدُهَا ضَيَاعٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 200

از ازدواج با زن کودن و دچار حماقت پرهیزید که همنشینی با آنان تباهی عمر و فرزندش متجاوز و ستمکار است.

و نیز آن حضرت فرمود:

يَاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ. قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السُّوءِ.

از سبزه مزبله پرهیز کنید، پرسیدند سبزه مزبله کدام است؟ فرمود: زن زیباروی که در خانواده‌ای پست و بد و فرومایه بار آمده!

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

كَانَ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رِتَاءً، وَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ ضِيَاعًا، وَ مِنْ زَوْجَةٍ تُشِيئُنِي قَبْلَ أَوَانِ مَشِيئِي وَ مِنْ خَلِيلٍ مَكِرٍ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 201

رسول حق در دعایش به پیشگاه حضرت حق عرضه می‌داشت: خداوندا به تو پناه می‌برم از فرزندی که به جای فرمانبری از من فرمانگذار من باشد، و مالی که بدون سود تباہ گردد، و زنی که مرا پیش از وقت «بر اثر کودنی و حماقت و بدخلقی» پیر کند، و دوستی که اهل مکر و حيله باشد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

شِرَارُ نِسَائِكُمُ الْعَقْرَةُ، الدَّنِسَةُ، اللُّجُوجَةُ، الْعَاصِيَةُ، الدَّلِيلَةُ فِي قَوْمِهَا، الْعَزِيْزَةُ فِي نَفْسِهَا، الْحِصَانُ عَلَى زَوْجِهَا، الْهَلُوكُ عَلَى عَيْبِهِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 202

بی‌خیرترین زنان شما: زنان عقیم و زنانی که پاکیزگی را رعایت نمی‌کنند و لجباز و نافرمان و در دید فامیل پست، و در نظر خود عزیز، و نسبت به شوهر سرکش، و با دیگران رام و تسلیم هستند.

و آن جناب فرمود:

الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِي الدَّائِبَةِ وَالْمَرْأَةِ وَالِدَارِ فَأَمَّا الْمَرْأَةُ فَشُؤْمُهَا غَلَاءُ مَهْرِهَا وَعُسْرُ وِلَادَتِهَا وَأَمَّا الدَّائِبَةُ فَشُؤْمُهَا كَثْرَةُ عِلِّيَّهَا وَسُوءُ خُلُقِهَا وَأَمَّا الدَّارُ فَشُؤْمُهَا ضَيْقُهَا وَحُبْتُ جِيرَانِهَا.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 203

نامبارکی در سه چیز است: در مرکب، زن، و خانه. اما نامبارکی زن بالا بودن کابین و نازایی اوست، و نامبارکی مرکب زیادی بیماریها بدخوبودن (بهموشی) آن است و نامبارکی خانه کوچکی و بدی همسایگان آن می باشد.

وَ قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم) شَرُّ الْأَشْيَاءِ الْمَرْأَةُ الشُّوءُ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 205

بدترین چیزها زن بد است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

شَرُّ الزَّوْجَاتِ مَنْ لَا تُؤَاتِي.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 206

بدترین همسر آن زنی است که ناموافق باشد.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود:

الْأَخْيَرُكُمْ بِشَرَارِ نِسَائِكُمْ؟ الدَّلِيلَةُ فِي أَهْلِهَا، الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْلِهَا، الْعَقِيمَةُ الْحُقُودُ، الَّتِي لَا تَتَوَرَّعُ عَنِ قَبِيحِ، الْمُتَبَرِّجَةُ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا، الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ، لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ، وَ لَا تُطِيعُ أَمْرَهُ، وَ إِذَا خَلَى بِهَا تَمَنَّعَتْ كَمَا تَمْنَعُ الصَّعْبَةُ عِنْدَ رُكُوبِهَا، وَ لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عُدْرًا، وَ لَا تَعْفِرُ لَهُ ذَنْبًا.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 207

بدترین زنانان را معرفی نکنم؟ آنکه در فامیلش پست و بی مقدار، و نسبت به شوهرش فخرفروش، نازا، کینه توز، از کار زشت روی نگرداند، و در غیاب شوهر خود را زینت دهد، و در حضور وی بی پیرایه باشد، از شوهر اطاعت نکند، فرمانش را نپذیرد، در خلوت نسبت به خواسته شوهر تمکین نکند، عذر شوهر را نپذیرد، و از خطایش در نگذرد.

(النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی)

«بخار، ج 103، ص 220»

نظام خانواده در اسلام، ص: 208

### 9 راه انتخاب همسر

راه انتخاب همسر

نظام خانواده در اسلام، ص: 209

ناقص از رحمت حق محروم است

در يك روايت بسيار مهم از ناحیه رسول باكرامت اسلام آمده:

التَّاقِصُ مَلْعُونٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 210

ناقص رانده شده از رحمت حق است.

بدون تردید، ناقص کسی نیست که بدون چشم، یا دست و پا، یا نقص دیگر جسمی از مادر به دنیا آمده باشد، ناقص کسی است که به کسب معرفت، و متخلّق شدن به اخلاق حسنه، و آراسته شدن به اعمال صالحه اقدام ننماید، و جز از راه خورد و خواب و لذت و شهوت به خود نرسد.

آری انسان زمینه رسیدن به تمام کمالات و حقایق و واقعیّات را دارد، و باید در این زمینه بکوشد، و جنب و جوش از خود نشان دهد، و تا زنده است به رفع نقایص فکری و روحی و باطنی خود برخیزد، و از توقف و



سکون، و تعطیل حرکت و خیزش پرهیزد، که اگر در مقام رفع نقص برنیاید، و چون آب را کد که عاقبت بدبو و فاسد می شود، معطل بماند ملعون و از رحمت حضرت محبوب رانده می شود.

متأسفانه عده‌ای عمر خود را در سنین هفتاد و هشتاد می گذرانند ولی هنوز از نظر عقلی و فکری کودک یک ساله، و از نظر عمل و اخلاق همچون طفل پنج ساله‌اند. اینان در گذرگاه حیات، از مواهب معنوی حق همچون کتب آسمانی نبوت انبیاء امامت امامان و عرفان عارفان واقعی و حکمت حکیمان الهی استفاده نکردند، و چون حیوانات به فرهی خود، و اضافه کردن طول و عرض و حجم بدن پرداختند، و نطفه چند گرمی وجود خود را با خورد و خوراک باد کرده، به وزن هشتاد، نود کیلو رسانده‌اند!!

اینان می توانستند نھال وجود خود را، تبدیل به شجره طیبه کنند، و از خویشتن خویش منبعی از کمالات و حقایق بسازند، ولی به امور مادی محض مغرور شده جز به ساختن بدن حیوانی به کار دیگر مشغول نشدند، و همچون روز اول ناقص و ندار و فقیر ماندند.

کسب و تجارت مادی دارند، شاغل میز و صندلی هستند، دارای مال و منال و زن و فرزند ولی ناقص‌اند.

به علت ناقص ماندن، مضرتند، اهل هر نوع گناه و معصیت هستند، به حقوق دیگران تجاوز می کنند، از ظلم و ستم پرهیز ندارند، با کمال

### نظام خانواده در اسلام، ص: 211

بی شرمی از سفره گسترده نعمت حق بهره می برند، ولی با دشمنان خدا یعنی شیاطین جتی و انسی در تمام زمینه‌ها همکاری می نمایند.

در روایت دیگری از قول امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می خوانیم:

مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَعْبُودٌ، وَ مَنْ كَانَ آخِرَ يَوْمِيهِ شَرًّا فَهُوَ مَلْعُونٌ، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ فِي نُقْصَانٍ، وَ مَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 212

آن که دو روزش مساوی باشد، دچار غبن و خسارت شده، و کسی که پایان دو روزش بدترین زمان آن دو روزش باشد ملعون است، و آن

کسی که در وجود خود اضافه‌ای از واقعیات و کمالات در گذر عمر نبیند ناقص است، و آن که بسوی نقصان روی دارد، مرگ برای او از زندگی بهتر است!!

روایتی نزدیک به همین مضمون نیز از امام به حق ناطق، حضرت صادق (علیه السلام) در کتب پرقیمت شیعه نقل شده.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 213

در روایت دیگری از رسول باکرامت اسلام می‌خوانیم:

الْكَاسِبُ حَبِيبُ اللَّهِ.

آنکه در مقام کسب است، حبیب خدا است.

بدون شك بالاترین کسب و برترین تجارت، کسب فضائل، و حقایق، و اقدام برای به دست آوردن معارف، و کمالات و حسنات اخلاقی و انسانی است.

چنین کاسی همچون رسول خدا، محبوب خدا، و وجودی پرارزش، و موجودی وزین است.

بیائیم از ناقص ماندن پرهیزیم، از اینکه دو روز ما مساوی باشد، دوری بجوئیم، و از این که دست خود را از کسب کمالات کوتاه نگاه داریم پرهیزیم، که هرکس در قیامت از امور معنوی و رشد عقلی، و

### نظام خانواده در اسلام، ص: 214

کمالات اخلاقی و عملی کم داشته باشد ملعون و مطرود و مغبون و در ترازوی قیامت سبک وزن، و در نتیجه مستحق عذاب، و آنکه دارای وزن معنوی و به عبارت دیگر سنگینی ایمان و اخلاق و عمل باشد اهل فلاح و نجات و رستگاری و پیروزی است، در این زمینه به دو آیه بسیار مهم از قرآن مجید عنایت کنید:

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 215

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 216

ترازو در روز قیامت حق است، آنان که در آن میزان، ایمان و عمل و اخلاقشان سنگین است اهل فلاح و رستگاری اند. و آنان که در آن میزان از نظر واقعیات سبک‌وزنند، وجودشان مبتلای به خسارت است، چرا که متجاوز از حدود خداوند بودند.

نظام خانواده در اسلام، ص: 217

#### راه کمال

خداوند مهربان در قرآن مجید برای پیمودن راه کمال، به همه انسانها به دست آوردن دو واقعیت را، با لحاظ کردن شرایط الهی و انسانی سفارش می‌نماید:

پیمودن راه حیات مادی، پیمودن راه حیات معنوی، این دو معنا در چهار آیه از سوره مبارکه آل عمران بیان شده است:

زَيْنَ النَّاسِ حَبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النَّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْخَيْلِ الْمَسُومَةِ وَالْإِنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَأْتَبِ.

قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَازْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 218

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذابَ النَّارِ.

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْإِسْحَارِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 219

زینت داده شد برای همه انسانها، دوست داشتن خواسته‌ها و امیال، که عبارت است از میل به زنان و فرزندان، و ثروت فراوان از طلا و نقره، و اسبهای نشانداری، و چهارپایان و زراعت و کشاورزی، این است آنچه موجب بهره‌وری انسانها در چهارچوب حیات دنیائی است، و نزد خداوند بازگشتگاه نیکوست، که عبارت است از جنت لقاء و نعمت ابد و جاوید حق در بهشت عنبر سرشت. بگو ای رسول من، شما انسانها را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای آنان که در تمام برنامه‌های زندگی، از تشکیل خانواده و زن و فرزندداری، و کسب مال و بدست آوردن احشام و زراعت، و رابطه بین خود و تمام مردم تقوای الهی پیشه کردند، و در انجام هر برنامه‌ای از دستورات حق پیروی نموده، و از هوای نفس و شهوات حرام و خواسته‌های شیاطین خود را حفظ کردند و راه

پرهیزکاری پیش گرفتند، بهشت‌هایی نزد پروردگارشان دارند که نرها از زیر آن جاری است، و برای آنان ازواج پاک و رضوان الهی است، و خداوند آگاه به وضع بندگان است، آنان که می‌گویند: پروردگارا ایمان آوردیم، پس گناهان ما را مورد مغفرت قرار بده، و ما را از عذاب روز قیامت در پناهت نگهدار.

عباد خدا آنان هستند که علاوه بر این واقعیات، در تمام حوادث اهل صبر و استقامت، و صدق و راستی، و بندگی و عبادت، و انفاق و استغفار در وقت سحرند.

فعل «زین» در آیه شریفه از نظر ادبی مجهول آمده، مجهول آورده شدن فعل، شاید برای نشان دادن ارزش و عظمت برنامه باشد، بدین جهت باید گفت فاعل فعل حضرت حق است، اوست که آن واقعیات را برای تمام انسانها آراسته، تا نسبت به میل خود در برابر آنها شائق و راغب و عاشق و دلباخته باشند، و از طریق این عشق و رغبت به تشکیل زندگی از طریق ازدواج و کسب مال و منال و تسخیر کردن حیوانات، و آباد کردن زمین برخیزند، و از این راه به بهره‌وری از

### نظام خانواده در اسلام، ص: 220

حیات مادی برسند، و از جهت دیگر آراسته به تقوا، ایمان، دعا، ترس از عذاب آخرت شده، و به کسب صبر و صدق و عبادت و انفاق و استغفار برخیزند، تا به بهشت حق و رضای دوست و همسران پاکیزه آخرتی برسند.

در هر صورت بر اساس آیات کریمه قرآنی، ظرافت خلقت زن، چهره زیبای وی، وقار و حیای ذاتی او، صدای لطیف و جاذب این موجود، راه رسم طنازی و عشوه‌گری این مخلوق فوق‌العاده، همه و همه از موجبات آراستگی و زینت اوست، که باعث دلربائی، و دلبری و جذب میل و شهوت مرد، و علّت بسیار مهم علاقه او و عشق وی به انتخاب زن و تشکیل زندگی و فرزنددار شدن، و فعالیت و کوشش کسبی و تجارّتی و زراعتی برای تأمین حیات مادی، و تداوم حیات خانه و خانواده است، و این راهی است که اگر توأم با تقوا و دوری از گناه و معصیت، و همراه با ایمان و مناجات و صبر و صدق و عبادت و انفاق و استغفار در سحر گردد، سعادت دنیا و آخرت، و خیر مادی و معنوی تأمین می‌شود، و انسان از امور لذت‌بخش دنیا، و منافع سرشار و

ابدی آخرت و از همه مهمتر رضوان و رضایت حضرت محبوب برای ابد بهره‌مند می‌گردد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 221

#### راه انتخاب همسر در اسلام

راه انتخاب همسر در ادیان و مکاتبی که رنگ و بوی وحی را از دست داده‌اند، یا از ابتدا از ویژگی آسمانی بودن محروم بودند، با راه انتخاب همسر در فضای ملکوتی اسلام فرق می‌کند.

اسلام به مرد مسلمان و انسان مؤمن اجازه انتخاب هر زنی را که بخواهد نمی‌دهد، چنانکه به زن مسلمان و بانوی مؤمنه اجازه اختیار هر شوهری که بخواهد نمی‌دهد، چرا که در انتخاب و اختیار همسر باید خیر دنیا و آخرت، و سعادت امروز و فردای انسان ملاحظه شود، و پاک ماندن انسان از آلودگیها و پاکیزه ماندن زندگی از برنامه‌های شیطانی لحاظ گردد، زیرا در بنای ازدواج در اسلام فقط شهوت و تمتع و لذت بدنی و مادی منظور نیست، بلکه هدف اسلام از مسئله ازدواج حفظ دین زنان و مردان، و ساخته شدن خانه‌ای الهی، و بوجود آمدن فرزندان شایسته، و تأمین رضایت حق است، به همین خاطر در چنین چهارچوبی

### نظام خانواده در اسلام، ص: 222

اصل ازدواج، آئین همسررداری، عشقورزی به زن شرعی، تأمین نیاز جنسی به هر اندازه‌ای که مزاج مرد و زن اقتضا کند، رعایت حقوق، فرزنددار شدن، تربیت اولاد، و به عهده داشتن وظایف لازم، و کار و کوشش و کسب برای تأمین مسکن و لباس و تغذیه زن و بچه به عنوان عبادت خدا شناخته شده، و برای هر قدمی که انسان در این زمینه برمی‌دارد اجر عظیم و ثواب زیاد منظور شده است.

اینجاست که معجزه اسلام در اصرار به مسئله کفویت روشن می‌شود، و انسان در برابر شرایط الهی ازدواج که در اسلام مطرح است با تمام وجود به خضوع وادار می‌شود، که اگر آن شرایط الهی و معنوی لحاظ نشود، از سر و روی زندگی شرّ و فتنه برخوردار خواهد بود، و فضای خانه به فضائی پر از عذاب و رنج، و درد و محنت، و تأسف و غصّه تبدیل خواهد شد، و کار به طلاق و جدائی یا تلخی همیشگی و یا اگر ظرفیتی در کار نباشد به جنون و دیوانگی و یا خودکشی یکی از طرفین منجر خواهد گشت.

از زنی که به رشد عقل و فکر خود با کسب معرفت، و به کمال خود با کسب ایمان و اخلاق و تقوا کمال نکرده باید پرهیز کنید، و از ازدواج با چنین زنی خودداری نمائید، زنی که در خانواده‌ای به دور از خداپرستی، و اخلاق و تقوا، و توحید و عبادت بار آمده و برای مرد جز فتنه و فساد، و هلاکت و تباهی چیزی ندارد.

روایت بسیار مهم و فوق‌العاده‌ای در این زمینه از حضرت باقر (علیه السلام) بدین صورت نقل شده:

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى نِسْوَةٍ فَوَقَفَ عَلَيْهِنَّ ثُمَّ قَالَ: مَا رَأَيْتُ نَوَاقِصَ عُقُولٍ وَ دِينَ اَذْهَبَ بِعُقُولِ دَوَى الْاَلْبَابِ مِنْكُمْ، اِنَّ قَدْ رَأَيْتُ اِنَّكُمْ اَكْثَرَ اَهْلِ النَّارِ عَذَاباً فَتَقَرَّرْنَ اِلَى اللَّهِ مَا اسْتَطَعْنَ ...

### نظام خانواده در اسلام، ص: 223

رسول خدا به عده‌ای از زنان گذشت، ناگهان ایستاد و به آنان خطاب کرد، چون شما جمعیتی با نقصان عقل و دین ندیدم که عقل خردمندان را از دست آنان بگیرد، من چنین دیدم که عذاب شما از تمام دوزخیان

### نظام خانواده در اسلام، ص: 224

بیشتر است، من به شما سفارش اکید می‌کنم که به حضرت حق، با تکمیل ایمان و کسب معرفت، و آراسته شدن به حسنات تقرب جوئید.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

اغْلَبُ الْأَعْدَاءِ لِلْمُؤْمِنِ زَوْجَةُ السُّوءِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 225

کوبنده‌ترین دشمن مؤمن همسر بد است.

در روایت دیگری آمده:

أَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِسِتِّ خِصَالٍ: حُبُّ الدُّنْيَا، وَحُبُّ الرَّئِاسَةِ، وَحُبُّ النَّوْمِ، وَحُبُّ النَّسَاءِ وَحُبُّ الطَّعَامِ، وَحُبُّ الرَّاحَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 226

نخستین مایه گناه، که نسبت به آن عصیان و معصیت حق صورت گرفت شش چیز است:

دنیاپرستی، ریاست‌پرستی، عشق به خواب، زن‌پرستی، شکم‌پرستی، راحت‌طلبی.

بنابراین خود را در انتخاب همسر، به شرایطی که اسلام اعلام فرموده، و اینجانب آن شرایط را از طریق روایات بیان خواهم کرد، مقید نمائید، و سعی کنید زیبایی تنها، و عشق به زن گرفتن، و چشم دوختن به مال و ثروت زن، برای شما موجب انتخاب همسر نشود.

رسول حق فرمود:

زن را برای مال و جمالش انتخاب نکنید، مالش موجب طغیان و جمالش مایه تباهی است، در ازدواج دین و ایمان زن را لحاظ کنید.

نظام خانواده در اسلام، ص: 227

رسول خدا در روایتی فرمود:

إِنْ كَانَ الشُّؤْمُ فِي شَيْءٍ فَفِي النَّسَاءِ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 228

اگر شومی در چیزی باشد، در زنان است.

آری زنی که از معرفت و ایمان و اخلاق و خوشرفتاری، و وقار و کرامت برخوردار نباشد، شوم و موجب تباهی زندگی و هلاکت شوهر است.

و نیز آن حضرت فرمود:

شَرُّ الْأَشْيَاءِ الْمَرْأَةُ السُّوءُ.

بدترین اشیاء زن بد است.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 229

## داستان حیرت‌آور

در تفسیر ابوالفتوح رازی آمده: جوانی در اوقات نماز بالای مأذنه مسجد اذان می‌گفت، يك روز در حال اذان گفتن به خانه‌های اطراف مسجد نظر انداخت، نظری که اسلام از بابت مصلحت انسان و حفظ وی از فتنه‌ها حرام کرده است.

ناگهان دیده‌اش در خانه‌ای به دختری نیکومنظر و صاحب جمال افتاد، دل به او داد، پس از اذان در آن خانه را کوبید، صاحب خانه در را باز کرد، جوان به او گفت اگر دختر به شوهر می‌دهید، من به او مایلم،

صاحبخانه گفت ما «آسوری» مذهبیم، اگر مذهب ما را انتخاب کنی من از اینکه دخترم را به تو تزویج کنم منعی نمی‌بینم.

جوان که دل به زیبایی و جمال دوخته بود، و از انتخاب هم‌کفو روی گردانده بود، و دلایل خود را در ازدواج چشم و شهوت و جمال و زیبایی قرار داده بود، از پذیرش شرط پدر دختر استقبال کرد، از اسلام دست برداشت، به شرك روی آورد، به روز عقد دختر از بالای پله‌های خانه با سر به‌زمین آمد و به هلاکت ابدی دچار شد!



نظام خانواده در اسلام، ص: 230

شرایط اسلامی و انسانی در انتخاب همسر

نظام خانواده در اسلام، ص: 231

1 لازم است خانواده‌های عزیز قبل از ازدواج دختر و پسر، زمینه دیدار آن دو را با هم فراهم نمایند، در این زمینه خواندن عقد و ایجاد محرمیت لازم نیست، این واقعیتی است که اسلام آن را اجازه می‌دهد، و فقه اسلامی آن را بی‌مانع می‌داند، این دیدار برای هر دو ضروری است، تا با دیدن یکدیگر کمالات و عیوب ظاهری را بفهمند، و سپس در تصمیم‌گیری اقدام نمایند، علاوه راه ردّ و ایراد و اشکال‌تراشی را برای بعد از ازدواج ببندند، البته در این دیدار باید قصد و نیت ازدواج، و پسند و عدم پسند مطرح باشد، تا فضای برنامه از معصیت حق پاک بماند، به روایاتی که در این زمینه وارد شده عنایت کنید:

قَالَ النَّبِيُّ لِلْمَغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ وَ قَدْ خَطَبَ إِمْرَأَةً لَوْ نَظَرْتَ إِلَيْهَا فَإِنَّهُ أُخْرَى أَنْ يَدُومَ بَيْنَكُمَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 232

رسول حق به مغیره بن شعبه که با زنی ازدواج کرده بود فرمود: اگر قبلاً او را می‌دیدی امید توافق و سازش در بین شما بیشتر بود.

محمد بن مسلم می‌گوید از حضرت باقر (علیه السلام) پرسیدم:

عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ أَيْنَظُرُ إِلَيْهَا؟ قَالَ نَعَمْ أَمَّا يَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 233

مردی که می خواهد ازدواج کند، حق دارد زن مورد نظر برای ازدواج را ببیند؟ فرمود: آری به گران ترین قیمت می خرد، چرا حق دیدن نداشته باشد؟

حسن سری گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ يَتَأَمَّلُهَا وَ يَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا؟ قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا يَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 234

به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتم برای مرد جایز است پیش از ازدواج در وجود زن دقت کند، پشت سر و صورتش را ببیند؟

نظام خانواده در اسلام، ص: 235

فرمود: آری مانعی ندارد که زن مورد نظر را از پشت سر یا جلوی رو ببیند.

و مردی به امام ششم گفت:

أَيُنْظَرُ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ يُرِيدُ تَزْوِجَهَا فَيَنْظُرُ إِلَى شَعْرِهَا وَ مَحَاسِنِهَا قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُتَلَدِّدًا وَ فِي خَيْرٍ: وَ تَقُومُ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيْهَا؟ قَالَ نَعَمْ وَ تُرْفَقُ لَهُ الثِّيَابُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 236

جائز است مرد موی سر و زیبائیهای زنی را که می خواهد بگیرد، ببیند؟ فرمود: اگر منظور آگاهی از خصوصیات اوست اشکال ندارد، در خیر دیگری آمده که از حضرت سؤال شد، جایز است زن بایستد تا مرد او را نظر کند، فرمود: آری، بلکه پوشیدن لباس نازک هم در آن وقت مانعی ندارد.

وَ قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِصَحَابِيٍّ خَطَبَ إِمْرَأَةً: أَنْظُرْ إِلَى وَجْهِهَا وَ كَفَّيْهَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 237

رسول خدا به مردی از صحابه که زنی را خواستگاری کرده بود فرمود: صورت و دستهای او را ببین.

امثال این روایات می‌خواهد بگوید اگر کسی زنی را برای همسری انتخاب کرد پس از بررسیهای لازم در رابطه با خانواده و اخلاق و ایمان او، مانعی ندارد برای آگاهی از خصوصیات بدنی او نظیر مو، قیافه، زیبایی، قد و قامت، اندام، وی را ببیند، مبدا نقص و عیبی در وجود او باشد، یا موردی در او ببیند که باعث دلسردی، یا موجب تفرقه شود، نه اینکه حق دارد خانه به خانه برود، و ناموس اسلام را يك به يك از نظر

بگذراند، و سراپای همه را دقت نماید تا اگر خواست یکی را از آن میان انتخاب کند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 238

2 چون زن را پسندید، و مایل به ازدواج با او شد در عین زیبایی زن، و آراسته بودنش به جمال و کمال، و دلبری و طنازی وی، نیت خود را در ازدواج با او برای خدا قرار دهد، و به عنوان عمل به دستور و فرمان حضرت حق و اجرای سنت انبیاء الهی، بخصوص رسول باکرامت اسلام قدم بردارد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 239

در این زمینه یعنی اقدام برای ازدواج به قصد قربت و به نیت جلب خوشنودی حق روایت بسیار مهمی از رسول خدا نقل شده:

مَنْ نَكَحَ لِلَّهِ وَ أَنْكَحَ لِلَّهِ اسْتَحَقَّ وِلايَةَ اللَّهِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 240

آنکه برای خدا ازدواج می‌کند، و برای فراهم کردن وسیله ازدواج دیگران محض خدا قدم برمی‌دارد استحقاق قرار گرفتن در ولایت خدا را پیدا می‌کند.

آری چنین انسانهای بافضیلتی مشمول این آیه شریفه می‌گردند:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 241

خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آوردند، آنان را از ظلمت جهل، ظلم، ضعف روحی، بد اخلاقی، سستی در عمل به نورانیت فهم و بصیرت، عدالت، قوت قلب خوش خلقی و قدرت در عمل می‌برد.

خداوند داشتن زن و فرزند را دوست دارد، به همین خاطر در سن پیری به زکریا، یحیی و به ابراهیم، اسماعیل را عنایت فرمود، و در آیه‌ای از کتابش به رسول مطهرش فرمود:

ولقد ارسلنا رسلاً من قبلك وجعلنا لهم ازواجاً وذریه.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 242

و به تحقیق رسولانی برای هدایت مردم، پیش از تو فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم.

3 عجله در ازدواج کار صحیحی نیست، در معارف اسلامی آمده که: عجله کار شیطان است، انتخاب همسر باید بادقت و وقت‌گذاری و مشورت، و شناخت لازم از او و خانواده‌اش صورت بگیرد، مبادا که در این زمینه خسارتی به طرفین وارد شود، و ضربه روحی و روانی ببار آید.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 243

حضرت صادق (علیه السلام) در این زمینه فرموده:

أَمَّا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانظُرْ مَا تَتَّقَلُّدُ ...

## نظام خانواده در اسلام، ص: 244

همانا زن گردن‌بند است، دقت کن چه گردن‌بندی بر گردن زندگی و حیات خود می‌افکنی.

4 در روایاتی که از رسول حق و اهل‌بیت طاهرین آن حضرت در کتابهای پرارزش شیعه آمده خصوصیات زنی که لایق همسری مرد مؤمن و جوان مسلمان است و با ظرافت و دقت کامل بیان شده:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

اِذَا ارَادَ احَدُكُمْ اَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ فَلْيَسْأَلْ عَنْ شَعْرِهَا كَمَا يَسْأَلُ عَنْ وَجْهِهَا فَإِنَّ الشَّعْرَ احَدُ الْجَمَالَيْنِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 245

به هنگامی که یکی از شما قصد ازدواج با زنی را داشت، (در صورت پیش آمدن مانع از دیدن او) از مویش تحقیق کند، چنانکه از رویش، چه مو هم یکی از مایه‌های زیباییست.

5 تا 13 جابر بن عبدالله انصاری گوید: با رسول خدا نشستیم بودیم، سخن از زنان، و برتری بعضی از آنان بر بعض دیگر به میان آمد، رسول الهی فرمود، من در این زمینه با شما سخن بگویم؟ عرضه داشتم آری.

فرمود: بهترین زنان شما زنی است که فرزند آورد، مهربان باشد، از پاکدامنی نصیب داشته، نزد فامیل خود عزیز و محترم، و در برابر شوهر متواضع و فروتن باشد.

برای شوهر زینت کند، و نسبت به دیگران باوقار و بی‌اعتنا دیده شود، سخن شوهر را بشنود، و از وی فرمان ببرد، در خلوت در اختیار او باشد، ولی مانند مردان مبتذل نباشد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 246

14 تا 18 امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

خَيْرُ نِسَائِكُمْ اَحْسَنُ قَلِيلٍ مَا اَحْسَنُ قَالَ: اَهْيَيْتُهُ اللَّيْنَةَ الْمُوَاتِيَةَ الَّتِي اِذَا عَضِبَ زَوْجُهَا لَمْ تَكْتَجِلْ بِعُمُصٍ حَتَّى يَرْضَى، وَالَّتِي اِذَا غَابَ زَوْجُهَا حَفِظْتَهُ فِي عَيْبَتِهِ فَتِلْكَ عَامِلَةٌ مِنْ عَمَالِ اللّٰهِ لَا تُخَيَّبُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 248

بهترین زنان شما پنج گونه‌اند، گفته شد پنج گونه کدام است؟ فرمود: آسان گیر، نرم‌خو، بساز، چون شوهر به خشم آید نیارآمد تا خوشنودی او را فراهم آورد، در غیاب شوهر حیثیت او را حفظ کند، این زن از عمال حق است و از لطف پروردگار ناامید نشود.

19 حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَسْتَأْمِرُهُ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ: نَعَمْ اُنْكِحْ وَ عَلَيْكَ بِدَوَاتِ الدِّينِ تَرَيْتَ يَدَاكَ وَ قَالَ أَمَّا مَثَلُ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ مَثَلُ الْغُرَابِ الْأَعْصَمِ الَّذِي لَا يَكَادُ يُقَدَّرُ عَلَيْهِ قَال: وَ مَا الْغُرَابُ الْأَعْصَمُ؟ قَالَ الْأَبْيَضُ أَحَدَى رِجْلَيْهِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 249

مردی با رسول خدا در مسئله ازدواج مشورت کرد، حضرت فرمود: ازدواج کن، ولی با زن دیندار، خدایت خیر دهد، زن شایسته مانند کلاغ اعصم است که دسترسی به او آسان نیست، عرضه داشت کلاغ اعصم کدام است؟ فرمود کلاغی که یک پایش سپید است.

20 و 21 ابراهیم کرخی گوید به حضرت صادق (علیه السلام) گفتیم: همسر از دنیا رفت، زنی همدم و همساز بود، اینک به فکر ازدواج هستم، حضرت فرمود:

أَنْظُرُ أَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَ مَنْ تُشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَ تُطْلِعُهُ عَلَى دِينِكَ وَسِرِّكَ وَ أَمَانَتِكَ فَإِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَبِكْرًا تُنْسَبُ إِلَى الْخَيْرِ وَالِي حُسْنِ الْخُلُقِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 250

کمال دقت را به خرج بده که وجودت را کجا قرار می دهی و چه کسی را شریک مال و آگاه بر دین و بر اسرار و امانت خود می نمائی، اگر از ازدواج چاره ای نداری، دوشیزه ای پیدا کن نیک رفتار و خوش اخلاق.

22 رسول حق (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود:

إِنَّ مِنَ الْقِسْمِ الْمُنْصَلِحِ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ تَكُونَ لَهُ امْرَأَةٌ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا سِرَّتَهُ، وَإِنْ غَابَ حَفِظَتْهُ، وَإِنْ أَمَرَهَا أَطَاعَتْهُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 251

از مقدرات الهی برای مرد مسلمان که وضع او را اصلاح می کند، زنی است که چون شوهر بر وی نظر کند خرسند شود، در غیاب او آبرویش را حفظ کند، و در حضور وی فرمانش را اطاعت نماید.

23 رسول خدا (علیه السلام) فرمود:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 252

برترین زنان امتم زیباترین آنان و کم مهریه تریشان هستند.

24

نظام خانواده در اسلام، ص: 253

عَنْ اميرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ؟ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) أَنَّ لَا يَرِيَنَّ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ فَأَعْجَبَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَصْنَعَةٌ مِثِّي.

نظام خانواده در اسلام، ص: 254

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: رسول خدا به مردم گفت: به من خبر دهید چه چیزی برای زنان بهتر است؟ فاطمه (علیها السلام) پاسخ داد مردان را نبینند، و مردان هم آنها را نبینند «هرزه و بی بندوبار غیرمقیدبه مسائل شرعی و اخلاقی نباشد» رسول حق از این جواب شگفت زده شد و فرمود: فاطمه پاره تن من است!!

25 و 26

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي أَنْ أُعْطِيَتْ شَكَرَتْ وَأَنْ مُنِعَتْ رَضِيَتْ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 255

امام صادق (علیه السلام) فرمود: بهترین زنان شما زنی است که اگر مال در اختیارش گذاشتی سپاسگزاری کند، و اگر به مصلحتی از وی منع نمودی خوشنود و راضی باشد.

27 تا 30 امام ششم (علیه السلام) فرمود:

خَيْرُ نِسَائِكُمُ الطَّيِّبَةُ الرَّيْحِ، الطَّيِّبَةُ الطَّبِيخِ الَّتِي إِذَا أَنْفَقَتْ، أَنْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ وَإِذَا أَمْسَكَتْ، أَمْسَكَتْ بِمَعْرُوفٍ فَيَلْكَ عَامِلٌ مِنْ عُمَّالِ اللَّهِ وَ عَامِلُ اللَّهِ لَا يَجِبُ وَلَا يَنْدُمُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 256

بهترین زنان شما زنی است که خوشبو و خوش بخت و پز باشد، بجا خرج کند، و بجا امساک نماید، چنین زنی از کارکنان حق است، و عامل حق را ناامیدی و پشیمانی نیست.

31 رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُنَّ مُؤُونَةً.

نظام خانواده در اسلام، ص: 257

پربرکت ترین همسر، زنی است که برای شوهر هزینه اش کمتر باشد.

32 تا 34 امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

خَيْرُ خِصَالِ النِّسَاءِ شِرَارُ خِصَالِ الرِّجَالِ: الرَّهْوُ وَالْجُبْنُ وَالْبُخْلُ فَإِذَا كَانَتْ الْمَرْأَةُ ذَاتَ رَهْوٍ لَمْ تُمَكِّنْ مِنْ نَفْسِهَا، وَإِذَا كَانَتْ بِخَيْلَةٍ حَفِظَتْ مَالَهَا وَمَالَ بَعْلِهَا وَإِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرِقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُعْرَضُ لَهَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 259

بهترین ویژگیهای زن در فضای زناشوئی و شوهرداری بدترین صفات مرد است: کبر، ترس، بخل، اگر زن متکبر باشد تسلیم غیرشوهر نمی شود، اگر بخیل باشد مال خود و شوهر را حفظ می کند، و اگر ترسو باشد از هر پیش آمدی بیمناک می شود و در صدد حفظ خود بر می آید، و در نتیجه به دام دیگران نمی افتد.

35 تا 38 رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَعْدَبُ أَقْوَاهَا، وَارْتَبِقُوا أَرْحَامًا، وَ أَسْرِعُ تَعَلُّمًا، وَأَثْبَتُ لِلْمَوَدَّةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 260



با دختران بکر و دست نخورده ازدواج کنید که دهانهای گواراتر، و رجم‌های جمع‌تر دارند، یادگیری آنان سریع‌تر، و عشق و علاقه آنان به شوهر و زندگی پایدارتر است.

39 و 40 امام صادق (علیه السلام) فرمود:

خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي اِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهٗ دِرْعَ الْحَيَاءِ وَاِذَا لَبِسَتْ لَبِسَتْ دِرْعَ الْحَيَاءِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 261

بهترین زنان شما زنی است که چون با شوهر خلوت کند و جامه از تن برگیرد پرده حیا را نسبت به شوهر خود به دور افکند «همه‌گونه و به هر شکل در اختیار شوهر باشد» و چون جامه بر تن پوشد، لباس حیا را نیز همراه آن بپوشد.

این است خصوصیتی که باید در زن مسلمان و دوشیزه مؤمنه باشد، و بر جوانان عزیز مؤمن و مسلمان فرض است که به هنگام آماده شدن برای ازدواج از این خصوصیات که با حذف مکررات آن در روایات حدود چهل ویژگی است جستجو کنند، چنانچه در حد قابل قبول در دوشیزه‌ای یافتند او را برای همسری خود و مادری فرزندان‌شان انتخاب کنند، و بر این معنی سعی داشته باشند که در این زمینه دچار سخت‌گیری بیجا و وسواس در انتخاب نگردند، که وسواس و دقت زیاد کار را سخت و زمینه ازدواج را به بن‌بست دچار می‌کند.

(والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین واجعلنا للمتقین اماماً)

«فرقان/ 74»

نظام خانواده در اسلام، ص: 262

10 برنامه‌های اصیل اسلام در مسئله ازدواج

نظام خانواده در اسلام، ص: 263

## گفتگو برای ازدواج

## نظام خانواده در اسلام، ص: 264

در میان مسلمانان و مردم مؤمن رسم بر این است، که پس از اتمام تحقیقات خانواده پسر و دختر، جهت امر ازدواج و مهربران، و شرایط عقد و عروسی با هم به گفتگو می‌نشینند.

سعی خانواده‌ها باید بر این باشد، که در مشورت و پاسخ‌سئوالات و پرسش‌هایی که در رابطه دختر و پسر می‌شود، آن‌سئوالات و پاسخ‌هایی که در چهارچوب شرع مقدس و جهت عقلانی مورد قبول است، با تمام وجود از خود صداقت نشان دهند.

سنّ واقعی دختر و پسر را بگویند، شغل پسر و دارائی وی و اخلاق و رفتار و روحیات، و طریقه معاشرت و معاشران وی را، و اینکه تحصیلات او در چه مرحله‌ای است به راستی و درستی بیان کنند، اگر عیب و نقصی در او هست خبر دهند، شاید آن عیب و نقص قابل اغماض باشد، و نیز خانواده دختر در پاسخ به سئوالات خانواده پسر صداقت و انصاف به خرج دهند، و از گفتن سخن راست و کلام صدق وحشت نکنند، که بیان تمام مسائل لازم راه هرگونه اشکال و بن‌بست را در آینده می‌بندد، و از پیش آمدن خسارت و تلخی و تفرقه، و به هم خوردن رابطه دو خانواده، و ایجاد بگو مگو جلوگیری می‌کند.

در این زمینه مکر و حيله و خدعه و تزویر و تدلیس و عیب‌پوشی، خلاف اخلاق و حرام شرعی، و معصیت بزرگ است، و دود این آتش در درجه اول به چشم زن و شوهر، و در مرحله دوم به چشم دو خانواده می‌رود.

راستی و صداقت هر دو خانواده را از زیان و خسارت، و از به بار آمدن تلخی و محنت حفظ می‌کند، و راه تصمیم‌گیری را برای هر دو طرف آسان نموده، و موجب فلاح و نجات و رستگاری است.

تدلیس و خدعه و مکر و حيله گاهی مجوّز بهم خوردن عقد، و ساقط شدن مهر، و فسخ نکاح بدون طلاق است، و این گشایشی است که اسلام به یکی از دو طرف که در معرض خدعه و تدلیس قرار گرفته‌اند داده است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 265

قرآن مجید و روایات مردم را از هر گونه خدعه و مکر و تدلیس و فریب دادن منع می کنند، و خدعه گر را مستحق عقاب الهی در دنیا و آخرت می دانند.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ مَكَرَ مُسْلِمًا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 266

از ما نیست کسی که با مسلمانی مکر کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

الْمَكْرُ بِمَنْ اتَّمَنَكَ كُفْرٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 267

مکر به کسی که تو را امین خود قرار داده کفر است.

و نیز آن حضرت فرمود:

مَنْ مَكَرَ حَاقَ بِهِ مَكْرُهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 268

کسی که خدعه و حيله کند و نسبت به مردم مکر بوزد، زیان و ضرر مکرش خود او را خواهد گرفت.

در خطبه 193 نهج البلاغه حضرت مولا در ویژگی اهل تقوا می فرماید:

وَلَا دُنُوَّهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ.

نزدیک شدن اهل تقوا به مردم با کمک مکر و حيله نيست.

رسول حق (صلى الله عليه وآله وسلم) مى فرمايد:

الْمَكْرُ وَالْخُدَيْعَةُ وَالْحِيَانَةُ فِي النَّارِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 269

مکر و خدعه و خیانت در آتش جهنم است.

و نیز آن حضرت فرمود:

مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَلَا يَمْكُرُ وَلَا يَخْدَعُ فَإِنِّي سَمِعْتُ جِبْرِيْلَ يَقُولُ: إِنَّ الْمَكْرَ وَالْخُدَيْعَةَ فِي النَّارِ.

کسی که مسلمان است مکر و خدعه نمی کند، من از جبرئیل شنیدم مکر و خدعه در آتش است.

مسائل مربوط به تدلیس، و مخفی کردن عیوب مرد یا زن، و خدعه و حيله و خلاصه آنچه که مرد یا زن را در ادامه زندگی، یا طلاق، یا رها کردن بدون طلاق، و مدیون بودن مرد نسبت به مهر، یا ساقط شدن مهر و صداق آزاد می گذارد در جلد صدم بحار چاپ مؤسسه وفاء بیروت صفحه 361 به بعد و در رسائل عملیه مراجع بزرگ در بخش ازدواج به طور مفصل آمده است.

\*\*\*

نظام خانواده در اسلام، ص: 270

#### وجوب پرداخت مهر و صداق

پس از گفتگوی صادقانه بین دو خانواده، یا عروس و داماد، بنا بر اصول شرعیه در مسئله صداق در حدی که افراط و تفریط در کار نباشد توافق نمایند.

البته به هر مقدار که در مهر و صداق آسان‌گیری شود، و اندازه آن را در حد اعتدال قرار دهند بیشتر موجب خوشنودی حق است.

اولیای اسلام برای اینکه زمینه ازدواج دختران و پسران بهتر و راحت‌تر فراهم شود، سفارش اکید نموده‌اند که در مسئله مهر و صداق سخت‌گیری نشود.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 271

خانواده‌ها تصور نکنند مهر سنگین باعث استحکام زندگی و تداوم آئین نکاح است، چه بسا دخترانی که با مهر سنگین به خانه پدر برگشتند و به خاک ذلت نشستند، و آرامش روحی خود را از دست دادند.

در این امور به رحمت و لطف و عنایت حضرت حق تکیه کنید، و از آنچه باعث دردسر و تحقیر و توهین در آینده برای یکی از دو طرف است بپرهیزید.

چون در مسئله مهر توافق حاصل شد، و به رضایت طرفین اصلی یعنی عروس و داماد اندازه آن معین گشت، به محض اجرای صیغه عقد نصف آن دین واجب بر عهده شوهر، و نصف دیگر پس از عروسی و زناشویی و هم‌خوابگی بر عهده مرد به عنوان دین شرعی مستقر می‌گردد، چنانچه همان وقت عقد پرداخت شود، ذمه شوهر آزاد، و زن به حق شرعی و قانونی خود رسیده.

جوانان به این معنی توجه داشته باشند، که مهر و صداق پرداختش بر عهده آنان لازم، و امساک از رساندنش به صاحب حق حرام و گناه بزرگ است.

و جوب ادای مهر حقیقتی است که در قرآن مجید در سوره مبارکه بقره آیات 237 و 236 و 241 و در سوره نساء آیه 4 و سوره قصص آیات 27 و 28 و سوره احزاب آیه 49 به آن تصریح شده، و کسی را نمی‌رسد که در این زمینه و در زمینه‌های دیگر کمترین ستمی به زن روا دارد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ ظَلَمَ امْرَأَةً مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٌ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَبْدِي زَوَّجْتُكَ أُمَّتِي عَلَى عَهْدِي فَلَمْ تُؤْفِ بِعَهْدِي وَظَلَمْتَ أُمَّتِي فَيُؤَخِّدُ مِنْ

حَسَنَاتِهِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهَا بِقَدْرِ حَقِّهَا، فَإِذَا لَمْ تَبْقَ لَهُ حَسَنَةٌ أُمِرَ بِهِ إِلَى النَّارِ بِنِكَتِهِ لِلْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 272

کسی که مهر زن را ظالمانه نپردازد، نزد خداوند زناکار محسوب می شود، روز قیامت حضرت حق به او خطاب می کند، بنده من کنیزم را بر اساس پیمانی که با تو بستم «عقد و ازدواج» به تو ترویج نمودم،

### نظام خانواده در اسلام، ص: 273

به پیمان من وفا نکردی، و بر او ستم روا داشتی، سپس به اندازه حق زن از حسنات مرد برداشته در پرونده همسرش می گذارند، و چون حسنه‌ای به اندازه پرکردن حق زن نماند، به گناه پیمان شکنی به آتشش می برند، عهد و پیمان مسئولیت دارد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

السُّرَاقُ ثَلَاثَةٌ:

مَانِعُ الزَّكَاةِ، وَ مُسْتَحِلُّ مَهْوَرِ النِّسَاءِ، وَ كَذَلِكَ مَنِ اسْتَدَانَ وَ لَمْ يَنْوِ قَضَاءَهُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 274

دزدان سه طایفه اند:

آنان که از پرداخت زکات بخل میورزند، کسانی که خوردن و به غارت بردن مهر زن را حلال می دانند، و مردمی که قرض می گیرند و خیال ادای آن را ندارند.

حضرت رضا (علیه السلام) از پدران بزرگوارش از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می کند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ جَحَدَ مَهْرًا أَوْ اعْتَصَبَ أَجِيرًا أَجْرَهُ

أَوْ بَاعَ رَجُلًا حُرًّا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 275

خداوند متعال آمرزنده هر گناهی است مگر گناه انکار مهر زن، یا غضب دستمزد اجیر، یا فروش انسان آزاد.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

أَقْدَرُ الذُّنُوبِ ثَلَاثَةٌ: قَتْلُ الْبَهِيمَةِ وَحَبْسُ مَهْرِ الْمَرْأَةِ، وَمَنْعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 277

پلیدترین گناه قتل نفس، خودداری از پرداخت مهر، و نپرداختن اجرت مزدور است.

از جانب اولیاء اسلام به زنان باکرامت توصیه شده، اگر زمینه مناسبی در برنامه بخشیدن مهر به شوهر ببینند، از این مرحله عالی اخلاقی که نشان جود و کرم و سخاوت و بزرگواری است چشم‌پوشی نکنند.

در روایت بسیار مهمی از رسول خدا آمده:

مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَصَدَّقَتْ عَلَى زَوْجِهَا بِمَهْرٍ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ دِينَارٍ عِتْقَ رَقَبَةٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الْهَيْبَةُ بَعْدَ الدُّخُولِ؟ قَالَ: إِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ الْمَوَدَّةِ وَالْأَلْفَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 278

زنی که در زمان عقد، قبل از آنکه حق هم‌بستری و زناشوئی انجام بگیرد، مهرش را به شوهر ببخشد، به هر دیناری ثواب يك بنده آزاد کردن در نامه عملش ثبت می‌شود، گفته شد یا رسول الله اگر بعد از انجام عروسی این بخشش انجام بگیرد چگونه است، فرمود هبه مهر پس از عروسی نتیجه محبت و انس است.

\*\*\*

نظام خانواده در اسلام، ص: 279

## جهاز عروس

در میان مردم مؤمن و مسلمان رسم است که از باب پدری و بزرگتری، و لطف و محبت، و عشق و علاقه، بزرگ خانواده، و ولیّ دختر، برای فرزند دلبنده، و نور چشم عزیز خود، جهاز تهیه می کند.

در این زمینه، باید به خانواده عروس و داماد این معنا را توجه داد، که داماد عزیز و خانواده محترم قناعت را که اخلاق انبیاء و اولیاء و حقیقتی محبوب خداوند است از یاد نبرند، و آنچه را خانواده عروس به اندازه توان و قدرت خود به دنبال دختر فرستادند با چشم عنایت و محبت و با دیده قناعت بنگرند، تا خدای نخواستہ، قدم سرزنش و تحقیر، و سرکوفت، و حمله به شخصیت افراد، در سرزمین زندگی وارد نگردد. و پدر محترم عروس در تهیه جهاز شأن انسانی، و موقعیت اجتماعی خود

## نظام خانواده در اسلام، ص: 280

و خانواده طرف را لحاظ کند، و از طرفی از اسراف در این مسئله پرهیزد که خداوند دشمن مردم مسرف است.

نیازی نیست که جهازی وسیع، و اشیائی گران قیمت، و اجناسی فوق العاده تهیه شود، و خرج جهاز خارج از حدود شرعی و عرفی صورت گیرد، و دین و بدهی کمرشکنی به خاطر تهیه جهاز به جای ماند.

در این مسئله حتماً از چشم همچشمی، و نظر به جهاز اسراف دیگران دوختن پرهیزد، و کاری نکنید، که جوانان توقعشان نسبت به جهاز سنگین زنده شود، و تنها سراغ دخترانی بروند که پدرانشان از ثروت بادآورده بهره مندند، و برای سایرین در مسئله ازدواج دردسر و مشکلات لاینحل بوجود بیاید، که این همه خلاف انسانیت، و مورد نفرت حق و موجب عذاب و گرفتاری در روز قیامت است.

جهاز را از مال حلال، و ثروت پاک تهیه کنید، که عبادت واجب عروس و داماد در لباسها و فرشها و خانه تهیه شده صحیح و شرعی باشد.

خود را به خاطر فرزندان و توقعات بیش از اندازه آنان به دردسر دچار نکنید، و محض آنان راه عقاب و عذاب قیامت را به روی خود باز منمائید.



نظام خانواده در اسلام، ص: 281

### الگوی الهی و معنوی در جهاز عروس

علامه مجلسی در احوالات حضرت زهرا (علیها السلام) در کتاب باارزش بحار از قول حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند:

امیرالمؤمنین از زندگی مادی جز یکی دو دست لباس، یک شتر، یک شمشیر، و یک زره چیزی نداشت، درآمد روزانه او از کار کردن در باغ و زمین کشاورزی دیگران تأمین می شد، چون برای خواستگاری سیده زنان آفرینش به محضر رسول حق آمد، حضرت به او فرمود برخیز و زره را بفروش، زره را فروختم، پولش را در دامن رسول حق ریختم نه من گفتم چه مقدار است، و نه آن حضرت اندازه اش را از من پرسید.

نظام خانواده در اسلام، ص: 282

مشتی از پولها را به بلال مرحمت کرد و فرمود با آن برای دخترم عطر تهیه کن، و قسمتی را به ابوبکر داد و فرمود لباس و اثاث منزل آماده نما، به عمار و جمعی از اصحاب فرمود او را در خرید لباس و اثاث خانه کمک کنید، آنچه خریده شد عبارت بود از:

1 پیراهن: هفت درهم

2 چارقده: چهار درهم

3 چادر سیاه خیبری

4 یک تخت طناب پیچ

5 یک جفت تشك که روکش آن کتان مصری و داخل آن لیف خرما و پشم گوسپند بود.

6 چهار بالش که روکشش چرم طائف و درونش پوشال بود.

7 يك پرده پشمين

8 يك حصير

9 آسیای دستی

10 يك طشت مسی

11 يك مشك آب

12 يك قدح

13 يك دولچه آب

14 يك آفتابه

15 يك خم سبزرنگ جهت نگهداری آب یا مواد خوراکی

16 چند کوزه سفالین.

نظام خانواده در اسلام، ص: 283

وقتی تمام اجناس را نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آوردند زیر و رو کرد و فرمود: خداوند برای اهل بیت مبارک کند.

نظام خانواده در اسلام، ص: 284

آن مرد خدا در نوشتارش نوشته: این اجناس مختصر جهاز دختری بود که پدرش قدرت و محبوبیتی مافوق تصور داشت، و یارانش به جای زر و سیم، جان و سر نثارش می کردند، ولی نه دامادش را دچار غصه قرض کرد، و نه بیت المال

مسلمانان را که باید صرف مسکین و یتیم و مصالح عمومی شود، خرج خودنمائی و تجملات بیجا نمود، و نه سطح هزینه ازدواج را بالا برد، تا دیگران با الگو گرفتن از او در طول تاریخ دچار زحمت و رنج و محنت و غصه و اندوه شوند.

از همه مهمتر، آنقدر صفا و صمیمیت و یکرنگی و پاکی در کار بود، که وقتی خودش را از تهیه جهاز که وظیفه اخلاقی او بود عاجز دید، به داماد باکرامت پیشنهاد فروش زره داد، تا با قیمت آن جهاز و اثاث منزل تهیه کند، و این عمل را به هیچ عنوان موجب سرافکنندگی و آبروریزی خود ندانست، و داماد باکرامت هم آنقدر صفا و پاکی و سلامت و نورانیت داشت، که کمترین سخنی تحت این عنوان که جهاز به عهده پدر دختر است به زبان نیاورد، و خیال آن را هم بر دل پاک و الهی خود نگذراند.

نتیجه این ازدواج یازده امام معصوم، و محصول این شجره طیبه از آن زمان تاکنون هزاران فقیه، دانشمند، حکیم، شاعر، عارف، عاشق حق، مرجع تقلید و انساکنهای مؤمن است، ازدواجی که از نظر برکت و برکات در تمام دوران هستی نمونه ندارد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 285

#### دعا در آستانه عروسی

مناجات با خدا، و دعا و تضرع و زاری به پیشگاه حضرت او در تمام اوقات مطلوب، و به عنوان عبادت ارزیابی شده.

از جمله اوقات دعا، و دست برداشتن به سوی حق پیش از انجام مراسم عروسی است.

دعا در این زمان به اجابت نزدیک است، و زمینه تحقق آرزوهای مشروع آماده است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 286

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: کسیکه قصد ازدواج دارد دو رکعت نماز بجای آورد، و سوره حمد و یس را قرائت کند، و پس از پایان نماز به حمد و ثنای حق برخیزد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ رُوْحَهٗ صٰلِحَةً، وَدُوْدًا، وَّلُوْدًا، شَكُوْرًا، قَنُوْعًا، غِيُوْرًا، اِنْ اَحْسَنْتُ شَكَرْتُ، وَاِنْ اَسَاْتُ عَفَرْتُ، وَاِنْ ذَكَرْتُ اللّٰهَ تَعَالٰى اَعَانْتُ، وَاِنْ نَسِيْتُ ذَكَرْتُ، وَاِنْ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا حَفِظْتُ، وَاِنْ دَخَلْتُ عَلَيْهَا سَرَّتْ، وَاِنْ اَمَرْتُهَا اطَاعْتَنِيْ، وَاِنْ اَقْسَمْتُ عَلَيْهَا اَبْرَتْ قَسَمِيْ، وَاِنْ عَضَبْتُ عَلَيْهَا ارْضَيْتَنِيْ يَا دٰجِلًا لِّوَالِاِكْرَامِ هَبْ لِيْ ذٰلِكَ فَاِنَّمَا اَسْأَلُكَ وَّلَا اَجِدُ اِلَّا مَا قَسَمْتَ لِيْ، فَمَنْ فَعَلَ ذٰلِكَ اَعْطَاهُ اللّٰهُ مَا سَأَلَ.

خداوندا همسری شایسته، با محبت، فرزندآور، سپاسگزار، قانع، باغیرت به من مرحمت فرما، چون به او نیکی کنم شکر کند، اگر در حقش به اشتباه و خطا بدی کنم گذشت نماید، اگر تو را یاد کنم کمکم دهد، اگر فراموش کنم یادآوری نماید، چون از نزدش بروم خودش و حیثیت مرا حفظ کند، به وقتی بر او وارد شوم خوشحال شود، امرش کنم از من فرمان ببرد، سوگندش دهم، به سوگندم پای بندی کند، چون بر او خشم گیرم خوشنودم نماید، ای صاحب جلال و کرم این خواسته‌ها را به من ارزانی دار، من از تو خواستم، و نمی‌یابم جز آنچه را مقدر من نمائی، آنگاه امیرالمؤمنین فرمود، هر کس در آستانه ازدواج چنین قدمی بردارد با عنایت و لطف حق به خواسته‌هایش برسد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 287

### آداب و اوقات عروسی

گروهی از خانواده‌ها تصور می‌کنند، عقد و عروسی مجوزی برای انجام هر کاری است، که امیال و شهوات آنان اقتضا می‌کند.

در زمان عقد و عروسی فرزندان خود، بنابر درخواست آنان، یا دوستان دو زوج، یا اقوام دست به محرمات الهی می‌زنند، و به خیال خود خوشی و لذت بیشتری را برای مجلس فراهم می‌نمایند.

در حالی که عقد و عروسی باید توأم با وقار، و حفظ کرامت و شخصیت، و به دور از محرمات و گناهان، و عوامل تحریک شهوات باشد، تا موجبی برای جلب رحمت حق، و عاملی برای تحقق برکات الهی شود.

نظام خانواده در اسلام، ص: 288

موسی بن جعفر (علیه السلام) فرموده: پرهیز از لذات و خوشیهای غیرحرام به هیچ عنوان لازم نیست.

البته به وقت عقد و عروسی باید شاد بود، و عوامل و علل مشروع همچون خواندن با صدای نیکو، مزاح، انجام برنامه‌های خنده‌آور را از یاد نبرد.

خواندن اشعار حکیمانه، سرودهای بامفهوم و معنادار، شعارهای شادکننده، و انجام مراسمی که معمولاً در عرف زنان مسلمان در اینگونه مجالس بوده هیچ مانع شرعی ندارد، بیدار ماندن هم طبیعی این محافل است.

رسول حق می‌فرماید: بیداری تا دیروقت در سه برنامه بی‌اشکال است:

خواندن قرآن، طلب دانش، رساندن عروس به خانه شوهر.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 289

اسلام عروسی را به هنگام شب بخت‌تر می‌داند، چنانکه عروسی حضرت زهرا به شب برگزار شد.

جابر انصاری می‌گوید: چون رسول الهی فاطمه را برای علی عقد فرمود، گروهی از کوتاه‌نظران به حضرت اعتراض آوردند، که شما دختری را به مهر اندک به علی دادی، فرمود این عقد به اراده من نبود، خداوند علی را به زهرا تزویج فرمود.

شب عروسی رسول حق استر سپید و سیاه خود را حاضر نمود، قطیفه‌ای روی آن انداخت و به فاطمه فرمود: سوار شو، به سلمان امر کرد، مهار شتر را بکش، و خود از پشت سر آن را می‌راند، در میان راه صدای فرود آمدن چیزی شنید، نظر فرمود، دید جبرئیل و میکائیل هر کدام با هفتاد هزار فرشته از جایگاه رفیع خود فرود آمده‌اند، سبب آمدن آنان را پرسید، پاسخ دادند، آمده‌ایم زهرا را تا خانه علی بدرقه کنیم، سپس تبریک گفتند و صدای تکبیر از فرشتگان بلند شد، و رسول الهی هم الله اکبر گفت، از این جهت همراه عروس الله اکبر گفتن سنت شد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 291

آری مراسم عروسی، و آداب شب شادی را باید چنان تهیه کرد، که باعث نزول فرشتگان و برکات حق شود.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

رُفُّوا عَرَائِسَكُمْ لَيْلًا ...

### نظام خانواده در اسلام، ص: 292

عروس را شب به خانه شوهر ببرید.

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

مِنَ السُّنَنِ التَّزْوِيجُ بِاللَّيْلِ لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالنَّسَاءَ أَمَّا هُنَّ سَكَنٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 293

عروسی در شب روش رسول خدا است، چه اینکه خداوند شب را مایه آرامش قرار داده، و زن هم آرامش خاطر است.

إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَ بَنَاتُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَنِسَاءَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ أَنْ يَمْضِينَ فِي صُحْبِهِ فَاطِمَةَ وَأَنْ يَفْرَحْنَ وَيَرْحُزْنَ وَيُكَبِّرْنَ وَيَحْمَدْنَ وَلَا يَقُولَنَّ مَا لَا يَرْضَى اللَّهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 294

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمان داد دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار شب عروسی حضرت زهرا (علیها السلام) دنبال آن دختر فرزانه حرکت کنند، شادی نمایند، شعر بخوانند، الله اکبر و الحمد لله گویند، و از چیزی که خدا راضی نیست در گفتار خود پرهیزند.

غذا دادن به مهمانان که زحمت کشیده و دعوت دو خانواده را پذیرفته‌اند از نظر اسلام مستحب است.

رسول حق فرموده:

لَا وَلِيْمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ: فِي عُرْسٍ، أَوْ حُرْسٍ، أَوْ عِدَارٍ، أَوْ وَكَارٍ، أَوْ رَكَازٍ، فَالْعُرْسُ التَّزْوِيجُ، وَالْحُرْسُ النَّفَاسُ بِالْوَلَدِ، وَالْعِدَارُ الْحِثَانُ، وَالْوَكَارُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ، وَالرَّكَازُ الرَّجُلُ يَقْدَمُ مِنْ مَكَّةَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 295

ولیمه نیست جز در پنج برنامه: ازدواج، تولد فرزند، ختنه، خرید خانه، و بازگشت از مکه.

نظام خانواده در اسلام، ص: 296

روایت شده در شب عروسی حضرت زهرا پیامبر فرمود: یا علی به احترام همسرت غذائی عالی تهیه کن، سپس اضافه فرمود و گفت: گوشت و نان از ما، خرما و روغنش از شما، امیرالمؤمنین فرماید: من خرما و روغن خریدم، و پیامبر آستین بالا زد خرما را در روغن خرد کرد و به هم زد تا به صورت «حیس»

### نظام خانواده در اسلام، ص: 297

درآمد، و قوچی فرستاد سر بریدیم و نان زیادی پختند و فرمود: یا علی هر که را خواهی دعوت کن، من رفتم مسجد فریاد زدم دعوت ولیمه فاطمه را بپذیرید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 298

رسول خدا در رابطه با دعوتی که از انسان برای شرکت در عروسی می شود فرمود:

اِذَا دُعِيتُمْ اِلَى الْعُرْسَاتِ فَاَبْطِئُوا فَاَيُّهَا تُذَكَّرُ الدُّنْيَا، وَ اِذَا دُعِيتُمْ اِلَى الْجَنَائِزِ فَاَسْرِعُوا فَاَيُّهَا تُذَكَّرُ الْاٰخِرَةُ.

چون به عروسی دعوت شدید عجله نکنید که عروسی یادآور دنیا و زندگی ظاهری است، و زمانی که به تشییع جنازه دعوت شدید بشتابید که یادآور آخرت است.

خانواده‌ها باید مجالس عقد و عروسی را به گونه‌ای ترتیب دهند، که اولاً برای بچه‌ها و نوجوانان و جوانان بدآموزی و زمینه ترغیب و تشویق به گناه و معصیت نداشته باشد، و در ثانی مردم مؤمن و زنان مؤمنه‌ای که دعوت شده‌اند، بتوانند با خیال راحت شرکت کنند.

مجلسی که موافق شرایط اسلامی برپا می شود، وحدود الهی در آن حفظ می گردد، کلاس درسی برای جوانان و محل نزول رحمت حق برای اهل آن مجلس است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 299

در زمینه زفاف و زناشویی در قرآن مجید و روایات آدابی بیان شده، که رعایت آنها به سود زن و مرد و فرزندان آنهاست. به سفارشات که در این زمینه از رسول خدا و اهل بیت در معتبرترین کتابهای حدیث آمده توجه نمائید:

### نظام خانواده در اسلام، ص: 300

عروس وقتی به خانه داماد آورده شد اخلاق اقتضا می کند داماد کفش عروس را از پا درآورد، پای عروس را بشوید، از در خانه تا جایی که ممکن است آب پاشی کند، که با این برنامه هفتاد هزار رشته فقر از خانه قطع می گردد، و هفتاد هزار رشته از برکت خانه را می پوشاند، هفتاد فرشته رحمت بالای سر عروس به پرواز درآید که برکت آن تمام زوایای خانه را می گیرد، عروس از بیماریهایی چون جنون، جذام، برص تا زمانی که در آن خانه باشد در امان می ماند.

در هفته اول عروسی، عروس از خوردن شیر، سرکه، گشنیز، سیب ترش خودداری نماید، زیرا این چهار در رحم او اثر منفی گذاشته و ممکن است او را نازا کند.

رسول خدا فرمود: اگر زن در موقع خوردن سرکه به ایام عادت بنشیند پاك شدنش را از عادت گند می نماید، گشنیز زمان عادت را شدت می دهد، و زائیدن را بر او سخت می کند، سیب ترش عادت را به سرعت قطع می کند، و ماندن خون در رحم تولید بیماری می نماید.

از آمیزش در اول ماه و وسط و آخر ماه خودداری شود، زناشویی در بعدازظهر انجام نگیرد.

سخن در آن وقت، و نظر دوختن کراهت شدید دارد، به وقت زفاف در فکر زن دیگر بودن برای روحیه و فرزندی که بوجود می آید بسیار مضر است.

لباس مختصر به تن داشتن برای مرد و زن به وقت زفاف به اخلاق و وقار نزدیک تر است.

ایستاده عمل کردن برنامه حیوانات، و موجب ناراحتی است.

از برنامه زفاف در شب عید فطر، و عید قربان و زیر درخت، و روبروی خورشید، و بین اذان و اقامه، و شب پانزده شعبان و روی بام، و شب سفر پرهیز شود.



زفاف و عروسی در شب دوشنبه و ابتدای شب سه‌شنبه و شب پنج‌شنبه و روز پنج‌شنبه و شب جمعه و عصر جمعه دارای منافع مادی، و منافع بسیار مهم معنوی است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 301

در اوقاتی که از زفاف و زناشوئی منع شده، احتمال پدید آمدن زیان و ضرر برای فرزند از قبیل: جنون، جذام، حماقت، چشم‌چپی، گنگی، کوری، بخل، زن صفتی، جدائی و تفرقه، عقیمی، شش‌انگشتی، چهارانگشتی، فقر، حرص بر تجاوز به جان مردم، کوردلی، بدصورتی، و کودنی، خواهد بود.

و در زمانهایی که به آن سفارش شده، واقعیاتی برای فرزند از قبیل، حفظ قرآن، رضایت به قضای حق، ایمان، یعنی از عذاب، مهر و عاطفه، رقت قلب، جود و سخاوت، پاک‌زبانی، علم و دانش، سلامت دین و دنیا، و رسیدن به مقام اولیاء‌اللهی تحقق خواهد یافت.

این سلسله مسائل را نمی‌توان با ابزار مادی، و وسائل طبی تشخیص داد، حقایقی است که رسول باکرامت اسلام به عنوان وصیت و سفارش خطاب به امیرالمؤمنین داشتند، و از آن حضرت خواستند این سفارش مرا در زمینه مسئله زفاف و زناشوئی حفظ کن چنانکه من بعد از شنیدن از جبرئیل بر حفظ آن اقدام نمودم.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 302

از درجا انجام شدن برنامه زناشوئی منع شده، زیرا درجا عمل کردن ستم نمودن به زن است، این برنامه پس از مقدماتی که از نظر روانی و جسمی برای زن یا مرد سودمند است باید انجام بگیرد.

رسول حق می‌فرماید:

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ: أَنْ يَصْحَبَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَسْأَلُهُ عَنْ اسْمِهِ وَ كُنْيَتِهِ، أَوْ يَدْعَى الرَّجُلَ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ أَوْ يُجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ، وَ مَوَاقِعَةَ الرَّجُلِ أَهْلَهُ قَبْلَ الْمَلَاعَبَةِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 303

سه برنامه از موارد ستم است: مردی با مردی همنشین شود، از اسم و کنیه‌اش نپرسد، انسان به مهمانی دعوت شود، اجابت ننماید، یا اگر اجابت کرد از غذای دعوت کننده نخورد، و بدون مقدمات عاطفی، و جسمی عمل زناشوئی انجام بگیرد.

امام ششم فرمود:

ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْعِطْرُ، وَاخْفَاءُ الشَّعْرِ، وَكَثْرَةُ الطَّرُوقِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 304

سه چیز از روش انبیاء الهی است. استعمال بوی خوش، کوتاه کردن مو، و زیاد پاسخ گفتن به نیاز جنسی زن.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 305

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: کناره گرفتن از زن، و محروم نمودن او از ارضاء غریزه جنسی موجب عذاب قبر است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 306

زفاف در ایام عادت معصیت، و منع آن بیش از چهار ماه بدون عذر، یا بدون رضایت همسر حرام و موجب عقاب، و در حال جنابت مکروه است.

علی (علیه السلام) می‌فرماید از انجام عمل جنسی به‌طور درجا خودداری کنید، زیرا برای زن نیازهای عاطفی و جسمی هست، او را در این زمینه یاری دهید، سپس اقدام به برنامه زناشوئی کنید، هرگاه به‌طور ناگهانی چشم شما به زن نامحرم افتاد، و زیبایی او برای شما شگفت‌آور بود، بلافاصله نزد همسر خود بروید، زیرا خداوند همان را که در آن نامحرم قرار داده، به همسر شما مرحمت فرموده، که گذشت از دیده دوختن به زن نامحرم، و نزد همسر خود رفتن راه شیطان را برای تسخیر قلب می‌بندد.

اگر همسر نداشتید بدون فاصله دو رکعت نماز بخوانید، و خداوند را زیاد حمد کنید، و بر پیامبر و آلش صلوات فرستید، آنگاه از فضل حضرت حق مدد بجوئید، که خداوند مهربان از باب رأفت خود، آنچه که شما را بی‌نیاز کند به شما حلال می‌کند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 307

ثواب پاسخ گوئی به نیاز جنسی زن به اندازه‌ای است که انسان را شگفت‌زده می‌کند، در روایت بسیار مهمی آمده، رسول باکرامت اسلام به مردی فرمود:

اصْبَحْتَ صَائِمًا، قَالَ، لَا قَالَ فَعُدْتَ مَرِيضًا؟ قَالَ: لَا قَالَ فَاتَّبَعْتَ جَنَازَةً؟ قَالَ لَا قَالَ فَاطْعَمْتَ مِسْكِينًا؟ قَالَ لَا قَالَ: فَارْجِعْ إِلَى أَهْلِكَ فَاصْبِهِمْ فَإِنَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْكَ صَدَقَةٌ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 309

امروز را روزه‌ای؟ گفت: نه، آیا مریضی را عیادت نموده‌ای؟ گفت: نه، به تشییع جنازه‌ای رفته‌ای؟ عرضه داشت نه، فرمود: از کار افتاده‌ای را طعام داده‌ای؟ گفت: نه، فرمود: پس به خانه برگرد، و

حق زناشوئی با همسرت را به انجام برسان که این برنامه از جانب تو برای او صدقه است!!

از مجامعت در صورتی که طفلی در آن مکان باشد باید پرهیز کرد، زیرا از نظر روانی و اخلاقی برای کودک زیانبار است، و به فرموده امام ششم احتمال بوجود آمدن زمینه زنا برای او در آینده باشد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 310

با شکم پر از این عمل باید پرهیز داشت، زیرا زیان جسمی دارد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 311

از عمل زفاف، در زمانی که طفل شیرخواره در گهواره است و می‌بیند پرهیزید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 312

راستی اسلام از نظر مسائل اخلاقی و عاطفی و تربیتی، بخصوص در مسئله رعایت حق زنان، و اشراف به تمام زوایای حیات، و شئون زندگی چه مکتب با عظمت، و از نظر دید و بصیرت نسبت به واقعیات فردی و خانوادگی و اجتماعی، و همه امور مادی و معنوی چه آئین شگفت‌آوری است، آری باید اینچنین باشد زیرا تجلّی وحی و دانش حق و بینش پیامبر و اهلبیت است نه برخاسته از فکر محدود زمینی.

(ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين)

«بقره/ 222»

نظام خانواده در اسلام، ص: 313

### 11 بهداشت در نظام خانواده

بهداشت در نظام خانواده ...

نظام خانواده در اسلام، ص: 314

### ارزش نظافت و بهداشت در اسلام

نظام خانواده در اسلام، ص: 315

به هنگامی که مقدمات ازدواج پایان گرفت، و زن و شوهر جوان با کمال عشق و علاقه، زندگی خود را شروع کردند، باید به اموری که در

زندگی جنبه زیربنائی دارد توجه کنند، و نسبت به آن امور از بی تفاوتی و سستی و تنبلی و غفلت، جداً پرهیز نمایند.

از جمله آن امور مسئله بهداشت و نظافت در تمام شؤون زندگی است.

بدن، موی سر، دهان و دندان، لباس، فرش، وسائل زندگی، بخصوص وسائل آشپزخانه، و هر آنچه که با زندگی روزمره در ارتباط است، باید از نظر بهداشتی مورد توجه دقیق قرار بگیرد.

عده‌ای از زوج‌های جوان در ابتدای زندگی از توجه به نظافت و بهداشت غافلند، و تنها به خورد و خوراک و بهره‌گیری از لذات ظاهری قناعت می‌کنند، و از نظم و انضباط و پاکی و پاکیزگی در زندگی آنان خبری نیست، این بی‌خبری را فطرت سلیم، و عقل فعال، و آئین الهی تحت هیچ عنوانی نمی‌پذیرد، بلکه از آن هم نفرت شدید دارد، علاوه بر این ممکن است این بی‌تفاوتی و بی‌توجهی در طول زمان حاکم بر فضای حیات شود، و خانه و اهل خانه را از نظر سلامت، نسبت به همه‌امور ظاهری و باطنی تهدید نماید، و بخصوص بر وضع فرزندان اثر نامطلوبی بگذارد، و آنان را تبدیل به موجودی بی‌تفاوت، کودن، بیمار، ذلیل، ضعیف و سریار جامعه کند، و وجودشان زمینه پذیرش رذالت و دنائت، و انواع مفاسد و معاصی گردد.

خداوند مهربان در قرآن مجید، نسبت به آنان که طهارت ظاهر و باطن را رعایت می‌کنند، و به بهداشت تن و روان توجه دارند، و عرصه‌گاه جسم و جان را از تمام آلودگیها پاک نگاه می‌دارند، اعلام عشق و محبت نموده:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 316

همانا خداوند اهل توبه و انابه و پاکی و پاکیزگی را دوست دارد.

مکتب اسلام و به عبارت دیگر مدرسه نبوت و امامت، و به تعبیر دیگر آئین وحی که در قرآن کریم و سخنان نبی اکرم (صلی الله علیه وآله

### نظام خانواده در اسلام، ص: 317

وسلم)، و اهل بیت آن حضرت یعنی امامان معصوم تجلی دارد، و در توجه به پاکی و پاکیزگی و طهارت و بهداشت در تمام زمینه‌های زندگی، در میان تمام مکتب‌ها بی‌نظیر، و قوانین بهداشتی این مدرسه

آسمانی که بیش از پنج هزار قانون است و قسمتی از آن در جلد اول و دوم کتاب وسائل الشیعه آمده، فوق تمام قوانین بهداشتی، و از نظر ظرافت و لطافت و ترغیب و تشویق به رعایت آنها، فوق‌العاده شگفت‌آور است.

اسلام عزیز نزدیک به پانزده عامل را به عنوان عامل طهارت و پاکیزگی، و وسیله پاک‌کننده معرفی کرده، که چنین سیاق و روشی در هیچ یک از مکاتب موجود در جهان دیده نمی‌شود.

اسلام آلوده ماندن، و آلوده کردن، و فراهم آوردن زمینه آلودگی را در بسیاری از موارد حرام اعلام کرده، و مرتکب آن را بزهکار، و مستحق عذاب الهی در روز قیامت می‌داند.

آب جاری، آب چاه، آب چشمه، آب باران، آب راکدی که هر يك از طول و عرض و عمق آن سه وجب و نیم باشد، آب قلبی که از بالا روی شیئی نجس بریزد و به اندازه يك کردن شیئی نجس باشد، زمینی که همراه با خاک است، نور مستقیم خورشید، آتش، تغییر جنس آلوده به حالت دیگر، هر کدام در جای خود و در محل تعیین شده از مطهرات هستند.

رسول الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) در چند روایت بسیار مهم به ارزش پاکیزگی و طهارت اشاره فرموده، که به نظر هر صاحب نظری از عجائب مسائل اسلامی است:

الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 318

تمیزی و پاکی، و ایجاد طهارت و پاکیزگی نصف ایمان است.

چه اندازه عجیب است که نصف ایمان تمام مسائل اخلاقی و عملی و نصف دیگر آن تمیزی و توجه به پاکی و طهارت است!!

أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ طَهْرُهُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 319

اول چیزی که در قیامت و دادگاه عدل حق، نسبت به آن از انسان حساب می‌کشند تمیزی و طهارت و پاکی اوست.

رسول خدا در مسئله بهداشت دهان و دندان، موی سر و صورت، لباس و پوشاک، خانه و اثاث خانه، کوچه و خیابان، شهر و دیار و حتی نسبت به اموات بسیار حساس، و از تمام مردم جهان در رعایت بهداشت و پاکیزگی برتر بودند.

دستور او به اینکه اموات را با آب سدر و آب کافور، و آب خالص بشویند، و مواضع سجده را کافور گذاشته و قبر را عمیق‌تر حفر کنند، و در چیدن لحد و ریختن خاک نظم و انضباط را مراعات نمایند، تا با متلاشی شدن بدن میت در قبر،

و ترکیبش با خاک و کافور، تمام اصول بهداشت جهت شهر و دیار و زندگان رعایت گردد، از عجایب دستورات، و شگفتی‌های دانش و بینش آن انسان والا و برتر است.

حدّ رعایت پاکی ظاهر و باطن در آن وجود مبارك به اندازه‌ای بالا بود، که معصومی چون امیرالمؤمنین (علیه السلام)، که علم و بصیرت او تجلّی دانش و حکمت و علم حضرت حق بود، آن حضرت را به عنوان اطیب و اطهر معرفی کرد، و از تمام مردم جهان خواست، که وجود مقدس او را در انواع پاکی‌ها و طهارت جسم و جان سرمشق و الگوی خود قرار دهند.

فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأَسَّى ...

به پیامبرت که نیکوترین و پاکیزه‌ترین موجود در تمام جهان هستی است، اقتدا کن، همانا در وجود مقدس او در تمام شئون حیات، برای آنکس که بخواهد به او اقتدا کند الگو و سرمشق هست.

رسول خدا فرمود:

إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ، يُحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ، يُحِبُّ النَّظَافَةَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 320

همانا خداوند نیکوست، نیکو را دوست دارد، پاکیزه است به پاکیزگی علاقه دارد.

رفعت و بلندی، ارزش و مقام پاکی و پاکیزگی تا کجاست، که سخن از آن در رابطه با حریم ذات حق است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

تَنْظِفُوا بِالْمَاءِ مِنَ النَّبَنِ الرَّيْحِ الَّذِي يُتَأَدَّى بِهِ، تَعَهَّدُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ مَنْ عِبَادِهِ الْقَادُورَةَ الَّذِي يَتَأَنَّفُ بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 321

خود را از بوی بدی که موجب آزار دیگران است با آب، پاک و پاکیزه کنید، نسبت به وجود خود متعهد باشید، خداوند

به بنده‌ای که دارای آلودگی است، و مردم از نشستن کنار او عار و ننگ دارند، خشم و کینه دارد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 322

طَهَّرُوا هَذِهِ الْأَجْسَادَ طَهَّرَكُمُ اللَّهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ يَبِيْتُ طَاهِرًا إِلَّا بَاتَ مَعَهُ مَلَكٌ فِي شِعَارِهِ، وَ لَا يَتَقَلَّبُ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ إِلَّا قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِعَبْدِكَ فَإِنَّهُ بَاتَ طَاهِرًا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 323

این بدن‌ها را پاک کنید، خداوند شما را پاک گرداند، همانا بنده‌ای نیست که شب را پاک و پاکیزه به صبح برساند، مگر ملکی او را در این پاکی همراهی کند، و ساعتی از شب نگردد مگر اینکه آن ملک بگوید: خداوند بنده‌ات را در معرض مغفرت قرار بده که او شب را به پاکی به صبح آورد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

يُسِّنُ الْعَبْدُ الْقَادُورَةَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 324

بد انسانی است، انسان آلوده و کثیف.

و نیز آن حضرت فرمود:

هَلَكَ الْمُتَقَدِّرُونَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 325

آلودگان و مردمان کثیف هلاک شدند.

از جابر بن عبدالله روایت شده: رسول خدا مردی را دید ژولیده‌موی، به صورتی که مویش به شکل بدی پراکنده بود، فرمود: هان آیا چیزی که مویش را منظم کند و آرایش دهد نیافت؟



و دیگری را دید با لباس چرک و کثیف، فریاد زد هان، آیا آبی نیافت که لباس آلوده‌اش را بشوید؟

نظام خانواده در اسلام، ص: 326

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

كُنْسُ الْبُيُوتِ يَنْفِي الْفَقْرَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 327

جارو کردن خانه‌ها موجب زدودن فقر است.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

عَسَلُ الْأَنْاءِ وَ كُنْسُ الْفَنَاءِ مَجْلَبَةٌ لِلرِّزْقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 328

شستن ظرفها، و جارو کردن آستانه خانه، باعث جلب رزق است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 329

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

لَا تُؤْوُوا التُّرَابَ خَلْفَ الْبَابِ فَإِنَّهُ مَأْوَى الشَّيَاطِينِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 330

خاکروبه منزل را پشت در خانه جمع نکنید، همانا منزلگاه شیاطین است.

لغت شیطان از شطن گرفته شده، و این لغت به معنای خبیث و پلید و موجود مودی و همراه با شرّ است.

این معجزه با عظمت و شگفت آور، محصول بینش رسول حق و اولیاء الهی یعنی امامان معصوم شیعه است، که چندین قرن قبل از وجود میکروب، با استعمال لفظ شیطان یعنی موجود خبیث و پلید خبر داده‌اند.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

لَا تُبَيِّنُوا الْقِمَامَةَ فِي بُيُوتِكُمْ، وَأَخْرِجُوهَا نَهَاراً فَإِنَّهَا مَعْدَةُ الشَّيْطَانِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 331

آنچه از سفره می ماند، و قابل مصرف کردن و خوردن نیست، نگذارید تا شب در خانه بماند، آن را در همان روز روشن از خانه خارج کنید، همانا مانده‌های در سفره که غیر قابل مصرف است، نشستن گاه شیطان است.

و نیز آن حضرت فرمود:

تَنْظِفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْأِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ، وَ لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا كُلٌّ نَظِيفٌ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 332

به هر چه که قدرت و توان دارید به نظافت و پاکیزه کردن برخیزید، همانا خداوند اسلام را بر نظافت بنا کرده، و وارد بهشت نمی شود مگر هر پاک و پاکیزه.

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْظُفُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 333

پاکیزگی از خلق و خوی انبیاء الهی است.

رسول حق به عایشه فرمود:

اغْسِلِي هَذَيْنِ التَّوْبَتَيْنِ اِمَّا عَلِمْتِ اَنَّ التَّوْبَةَ يُسْبِحُ، فَاِذَا اَتَسَخَ انْقَطَعَ تَسْبِيحُهُ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 334

این دو جامه را بشوی، آیا نمی دانی لباس تسبیح گوی حق است، چون آلوده شود و چرك گردد، تسبیحش قطع می شود!!

## نظام خانواده در اسلام، ص: 335

با توجه به آیات قرآن در رابطه با عوامل پاك کننده، و پاکی و پاکیزگی، و عشق حضرت حق به نظافت و طهارت، و نیز با توجه به روایات بسیار مهم باب طهارت و نظافت، بر اهل خانه است، که طهارت و پاکیزگی را در بدن و لباس خود، و اثاث منزل، و خود منزل و آستانه خانه، تا جائی که در قدرت و توان آنان است رعایت کنند، و در این زمینه مرد خانه بر اساس قاعده قرآنی، که تعاون بر نیکی و تقوا را وصیت و سفارش نموده، به همسرش در امر نظافت و پاکیزگی کمک کند، و بر زن خانه هم لازم اخلاقی است که خانه و اثاث آن و لباس اهل خانه را پاك و پاکیزه نگهدارد، تا از این راه شوهر خود را شاد، و موجب جلب خوشنودی حضرت حق شود، و سلامت اهل خانه تضمین گردد، و هیولای درد و بیماری، و رنج و ناراحتی با شکست مواجه گردد.

زن خانه به این معنا توجه داشته باشد، که قدم برداشتن برای امور منزل، و تدبیر خانه، و فراهم آوردن زمینه آرامش و راحت اهل خانه، عبادت است، و در پیشگاه حضرت حق بدون شك مزد و اجر دارد.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 336

## بهداشت دهان و دندان

مسئله بهداشت دهان و دندان امروزه از مسائل بسیار مهم، و قابل توجه است.

اهل تخصص می گویند، سلامت بسیاری از جوانب جسم، و شئون بدن، بخصوص دستگاه فوق العاده حساس گوارش بستگی به بهداشت دهان و دندان دارد.

دندانی که حضرت حق به انسان عنایت فرموده، نعمتی بس سنگین، و عاملی بس مهم در حفظ سلامت آدمی است.

جویدن به وسیله دندان انجام می‌گیرد، و اگر عمل جویدن به نحو مطلوب انجام گیرد ضامن تداوم کار طبیعی دستگاه گوارش، و در نتیجه عاملی برای دوام سلامت انسان است.

از جمله مواردی که در دیگران ایجاد نفرت و اذیت می‌کند بوی بد دهان است، و این بوی بد که گاهی از زندگی خاصی برخوردار است محصول بی‌توجهی به بهداشت دهان و دندان، و نتیجه ماندن غذا در لابلاهای دندان و زیر لثه است.

بیماری پیوره که از بیماریهای خطرناک، و نابودکننده دندان و لثه، و ریشه بسیاری از بیماریها از جمله بیماری قلب است، نتیجه سوء بی‌توجهی به سلامت دهان و دندان است.

مردم اگر با مایه‌گذارند اندکی از وقت، بعد از خوردن هر غذا، دهان خود را بشویند، و دندانهای زیبای خویش را مسواک بزنند، و کمی آب نمک در دهان و کنار دندانها بگردانند، از طرفی به سلامت دهان و دندان و گلو کمک کرده، و از طرف دیگر از افتادن در مخارج سنگین برای بازگرداندن سلامتی به دندانها در صورت بی‌توجهی به آن در امان می‌مانند، و سالیان بسیار بلکه تا لحظات آخر عمر در کمال آسایش، می‌توانند از دندان خود استفاده کنند.

با این که طلوع خورشید اسلام از سرزمینی بی‌آب و علف بود، و در محیطی که ظهور کرد، در میان مردمش از سواد خواندن و نوشتن، حتی در حد اقل آن خبری نبود، ولی برای حفظ سلامت مردم، در جهت بهداشت همه جانبه، از جمله بهداشت دهان و دندان قوانین و دستوراتی ارائه کرد، که نشان از عظمت این مکتب، و اهمیت این مدرسه می‌دهد، و ثابت می‌کند که مبلغ این آئین، برای هدایت و رشد مردم از جانب خداوند مهربان مبعوث بوده، و دوازده پیشوای معصوم این مکتب امامان برگزیده حق بودند.

به بخشی از دستورات پیشوایان دین، در زمینه بهداشت دهان و دندان توجه نمائید:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 337

لَوْ لَانَ اشْقُّ عَلَى اُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ بِالسُّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 338

اگر بر ائمتما سختی و مشقت نداشت، هرآینه با هر نمازی آنان را امر به مسواک می‌نمودم.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

مِنْ اخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ السُّوَاكُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 339

مسواک زدن و رعایت بهداشت دندان از اخلاق انبیاء الهی است.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي السُّوَاكِ لَبَاتُّوهُ مَعَهُمْ فِي حِجَابٍ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 340

اگر مردم بدانند در مسواک چه منفعتی هست، هرآینه آن را از سر شب تا به صبح همراه خود به رختخواب می بردند.

به حضرت صادق (علیه السلام) گفته شد:

أَتَرَى هَذَا الْخُلُقَ كُلَّهُ مِنَ النَّاسِ؟ فَقَالَ: أَلِقَ مِنْهُمْ التَّارِكَ لِلسُّوَاكِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 341

آیا همه مردم انسانند؟ حضرت فرمود: آنان که با مسواک سروکار ندارند رها کن.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَا زَالَ جِبْرِئِيلُ يُوصِينِي بِالسُّوَاكِ حَتَّى خِفْتُ أَنْ أُذَرَّ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 342

بطور دائم جبرئیل مرا به مسواک سفارش کرد، تا جایی که ترسیدم اگر مسواک نکنم از داشتن دندان محروم گردم.

و در بیانی دیگر فرمود:

مَا زَالَ جِبْرِئِيلُ يُوصِينِي بِالسَّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ فَرِيضَةً.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 343

جبرئیل به نحو دائم مرا به مسواک سفارش کرد، تا جائی که تصور کردم می خواهد آن را واجب قرار دهد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود در مسواک زدن دوازده خصلت است:

### نظام خانواده در اسلام، ص: 344

برنامه‌ای است دینی، پاک کننده دهان، روشنی بخش چشم، خوشنود کننده حق، سپید کننده دندان، از بین برنده پوسیدگی، محکم کننده لثه، اشتها آورنده، برنده بلغم از دستگاه گوارش، زیاد کننده قدرت حافظه، اضافه کننده خوبیها، و خوشحال کننده ملائکه.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 345

در رابطه با شکل مسواک زدن، که امروزه طبای حاذق و متخصص بیماریهای دهان و دندان می گویند، باید از عرض دندان و به آرامی و چند دقیقه مسواک زده شود. از رسول حق روایت بسیار مهمی رسیده، که با توجه به زمان بعثت باید گفت از معجزات علمی نبی اکرم است:

اسْتَاكُوا عَرَضًا وَلَا تَسْتَاكُوا طَوَّلًا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 346

مسواک را به عرض دندان بزنید، از مسواک زدن به صورت طولی پرهیزید.

رسول حق هر شب سه بار مسواک می زدند: قبل از خواب، بعد از خواب به وقتی که می خواستند قرآن قرائت کنند، و قبل از اینکه برای نماز صبح به مسجد بروند، و چون جبرئیل گفته بود با چوب اراک مسواک می فرمودند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 348

## نظم و انضباط و بهداشت در خوراك

دستگاه باعظمت گوارش، و دهان و دندان، و میل به آب و نان و سایر نعمت‌های حق، از الطاف خداوند مهربان به انسان است.

در زمینه به دست آوردن مواد حلال، و شکل مصرف کردن آن، و برنامه‌هایی که برای سلامت بدن، و در نهایت سلامت عقل و روان، و در نتیجه سلامت خانواده و جامعه صد در صد مؤثر است دستورات بسیار مهمی در قرآن کریم و روایات اسلامی آمده، که به نظر می‌رسد رعایت برخی از آن دستورات واجب شرعی، و برخی از آنها واجب اخلاقی، و قسمتی از آن دستورات مستحب مؤکد است، سرپیچی از آن دستورات، که در مدار واجب قرار گرفته حرام و موجب عذاب قیامت، و آنها که مستحب مؤکد است باعث زیان و خسارت، و ورشکستگی بدن، و آماده شدن جسم برای قبول بیماری‌هاست.

از اهم دستورات واجب، که در قرآن مجید آمده، تهیه کردن مال و منال برای ادامه حیات، و تأمین مسکن و پوشاک و خوراك از طریق حلال است.

يا ايّها الذين امنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم واشكروا لله ان كنتم اياه تعبدون.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 349

ای اهل ایمان از پاکیزه‌هایی که نصیب شما کردیم تناول کنید و شکر خدا را بجای آورید، اگر او را عبادت می‌کنید.

يا ايّها الناس كلوا مما في الارض حلالاً طيباً و لا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 351

ای مردم، از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید، قدم جای قدمهای شیطان مگذارید، همانا او دشمن آشکار شماست.

كلوا واشربوا ولا تسرفوا انه لا يحب المرفين.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 352

بخورید و بیاشامید، و از اسراف در خوردن و آشامیدن پرهیزید، همانا خداوند اهل اسراف را دوست ندارد.

در این دستورات مسئله پاکیزه بودن، حلال بودن، و دوری از اسراف مطرح است.

تعمیه کردن حلال، رعایت پاکیزه بودن غذا، واجب، و اسراف در مصرف حرام است.

بی توجهی به حلال، خوردن مواد حرام و خبیث و نجس و غیر پاکیزه، افتادن در دایره اسراف، همه و همه خلاف حق، و ستم بر خویش و دیگران، و بدون تردید موجب عذاب و عقاب الهی است.

بر مرد خانه لازم است با تعالیم عالیّه اسلام در این زمینه آشنا شود، و آن را به خانه منتقل نماید، تا محیط خانه و خانواده پاک بماند، و اهل آن خانه بتوانند طریق رشد و کمال را طی کنند، و برای خود و دیگران منابعی از خیر و نیکی باشند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 353

#### زیان پرخوری

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

كثْرَةُ الْأَكْلِ وَالنَّوْمِ يُفْسِدَانِ النَّفْسَ، وَيَجْلِبَانِ الْمَضْرَّةَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 354

پرخوری، و زیاده روی در خواب وجود انسان را فاسد می کنند، و کشاننده ضرر و زیان به سوی آدمی هستند.

و نیز فرمود:



مَنْ كَثَرَ أَكْلَهُ قَلَّتْ صِحَّتُهُ، وَ ثَقُلَتْ عَلَى نَفْسِهِ مُؤْنَتُهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 355

سلامت پرخور اندک، و مخارجش سنگین و طاقت فرساست.

و فرمود:

كَثْرَةُ الْأَكْلِ مِنَ الشَّرِّ وَالشَّرُّ مِنَ الْغُيُوبِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 356

پرخوری از میل و اشتهای غیرطبیعی است، و اینگونه اشتها از عیوب و نوعی بیماری است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 357

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

لَيْسَ شَيْءٌ أَضَرَ لِقَلْبِ الْمُؤْمِنِ مِنْ كَثَرِ الْأَكْلِ، وَ هِيَ مُورِثَةٌ شَيْئَيْنِ. فَسَوَةَ الْقَلْبِ، وَ هِيَجَانَ الشَّهْوَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 358

چیزی برای قلب مؤمن زیانبارتر از پرخوری نیست، پرخوری موجب دو چیز است: سنگدلی، هیجان شهوت.

حضرت حق به بنی اسرائیل فرمود:

لَا تَكْتَبُوا الْأَكْلَ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْثَرِ الْأَكْلِ أَكْثَرَ النَّوْمِ، وَ مَنْ أَكْثَرَ النَّوْمَ أَقَلَّ الصَّلَاةَ، وَ مَنْ أَقَلَّ الصَّلَاةَ كُتِبَ مِنَ الْغَافِلِينَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 359

پرخوری نکنید، همانا هر کس پرخوری کند، پرخواب می شود، و هر کس پرخواب شود، نمازش را کم می کند، و هر که

نمازش را کم کند، از غافلین نوشته می شود.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِيَّاكُمْ وَالْبِطْنَةَ، فَإِنَّهَا مَفْسَدَةٌ لِلْبَدَنِ وَمَوْرَثَةٌ لِّلسُّقْمِ، وَمَكْسَلَةٌ عَنِ الْعِبَادَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 360

از پرخوری حذر کنید، همانا فاسد کننده بدن، و مورث بیماری، و موجب کسالت در عبادت است.

و نیز فرمود:

لَيْسَ شَيْءٌ ابْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَطْنٍ مَلَانَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 361

چیزی نزد خداوند مبغوض تر از شکم پر نیست.

موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود:

لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعْمِ لَأَعْتَدَلَتْ أِبْدَانُهُمْ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 362

اگر تمام مردم میانه روی در خوراک را رعایت کنند، بدنهای آنان در چهارچوب اعتدال قرار می گیرد.

رسول حق در مسئله خورد و خوراک دستور عجیبی دارند، که باید گفت از عجایب دستورات آن حضرت، و ریشه علم طب است:

كُلْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي، وَأَمْسِكْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي.

نظام خانواده در اسلام، ص: 364

زمانی که میل به غذا داری غذا بخور، و در حالی که هنوز میل و اشتها داری از خوردن دست بردار.

غذا روی غذا قطعاً برای دستگاه گوارش زیانبار، و برای سلامت بدن تهدید جدی است، به وقت گرسنگی کامل غذا خوردن، و به وقت سیر نشدن کامل دست از غذا کشیدن عالی ترین عامل برای حفظ سلامت و نشاط بدن، و تداوم عمر، و چابک و چالاک بودن است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 365

#### داستانی آموزنده

مشهور است یکی از امراء بزرگ، طیب حاذقی را به مدینه فرستاد، تا مردم را بجان معالجه کند، مدتی در مدینه ماند، ولی بسیار کم به او مراجعه شد، یا مراجعه کننده نداشت، از این مسئله شگفت زده شد، خدمت رسول خدا شکایت برد، حضرت فرمود وضع این شهر همین است، زیرا من به مردم گفته ام، تا به طور کامل میل به غذا ندارید نخورید، و تا به طور کامل سیر نشدید از غذا دست بردارید، عرضه داشت شما تمام قوانین طب و بهداشت را در همین يك دستور بیان کرده اید، به این خاطر مردم این شهر به سادگی مریض نمی شوند!

علی (علیه السلام) دستور بسیار مهمی برای شروع غذا دارند، می فرماید:

ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ، فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى التَّرْيَاقِ الْمُحَرَّبِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 366

غذا را با چشیدن نمک شروع کنید، اگر مردم منفعت این کار را می دانستند، آن را بر داروی تجربه شده اختیار می کردند.

رسول حق از خوردن غذای داغ منع فرمودند، اعلام داشتند خداوند برکت را در غذائی که حرارت و داغی آن نشسته قرار داده است، و نیز از فوت کردن به غذا برای نشاندن حرارتش نهی نموده.

نظام خانواده در اسلام، ص: 367

از اینکه انسان غذا بخورد، و جاننداری در آنجا حضور داشته باشد، و انسان به او بی توجهی کند شدیداً منع شده.

نجیح می گوید حضرت مجتبی (علیه السلام) را دیدم در حال غذا خوردن است و سگی پیش روی آن حضرت قرار دارد، يك لقمه خودشان می خورند، و يك لقمه برای سگ قرار می دهند، عرضه داشتم چرا این حیوان را از کنار سفره خود نمی رانید، فرمود بگذار، همانا از خداوند حیا می کنم، که صاحب جانی در حالت خوردن مرا بنگرد، و من نسبت به او بی تفاوت باشم!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 368

آری باید خورد و باید خوراند، که خوردن لازمه بدن، و خوراندن، تجلی اخلاق و کرامت، و رفع مشکل نیازمندان، و موجب ثواب و مغفرت، و لطف و رحمت حق است.

سخت گیری در این زمینه به اهل و عیال و به ارحام و به مردم عملی دور از انصاف و همرنگی با شیطان است.

حضرت مجتبی (علیه السلام) فرمود در غذا و غذاخوری دوازده خصلت است که بر هر مسلمانی شناخت آن واجب است: شناخت نعمت و خالق نعمت، رضا به قضای حق در امر روزی، گفتن بسم الله در ابتدای غذا، شکر نعمت پس از پایان غذا، وضو قبل از خوردن، نشستن به طرف دست چپ، خوردن با سه انگشت، لیسیدن

### نظام خانواده در اسلام، ص: 369

انگشتان، خوردن از آنچه در سفره پهلوی انسان است، کوچک گرفتن لقمه، خوب جویدن، و کمتر نظر انداختن به آنان که دور سفره نشسته اند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 370

حضرت رضا (علیه السلام) سفارش فرموده اند غذای خود را در شب مختصر کنید، زیرا به شایستگی و لاغری شما کمک می کند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 371

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

هر کس تسبیح و تمجیدش در پیشگاه حق زیاد، و خوراک و نوشیدنی و خوابش کم باشد، مورد اشتیاق ملائکه الهی است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 372

و نیز فرمود: در لباس و خوراک و نوشیدنی انصاف را نسبت به بدن و شکم مراعات کنید، همانا این رعایت جزئی از نبوت است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 373

علی (علیه السلام) فرمود:

قَلَّةُ الْغِنَاءِ كَثْرَةُ النَّفْسِ وَادْوَمُ لِلصَّحَّةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 374

کم‌خوری بزرگواری وجود، و برای سلامت بدن پردوام‌تر است.

و نیز فرمود:

اِذَا ارَادَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ صَلَاحَ عَبْدِهِ، اَلْهَمَّهُ قَلَّةَ الْكَلَامِ وَقَلَّةَ الطَّعَامِ، وَقَلَّةَ الْمَنَامِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 375

چون حضرت حق صلاح بنده‌اش را بخواهد، کم‌حرفی، و کم‌خوری، و کم‌خوابی را به او الهام می‌نماید.

مسائل مهم دیگری که به طور جدی و قطعی باید در درجه اول سرپرست خانه و سپس اهل خانه رعایت کنند، پرهیز از مواد دودی از قبیل سیگار، قلیان، و مواد مخدر است.

مواد دودی به هر نوعش به نظر بعضی از فقهای شیعه حرام شرعی است، زیرا به تدریج بنیان سلامت را تهدید، و گاهی منجر به مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌شود.

دیگر چیزی که اسلام نسبت به آن نهی اکید فرموده اشتراك در شانه، حوله، و مسواك و سایر وسائلی است که معمولاً جنبه شخصی دارد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 376

امید است این مسائل از جانب تمام خانواده‌ها و بخصوص سرپرستان خانواده، جهت حفظ سلامت جسم، و اخلاق و روان همه رعایت شود، که رعایت این دستورات چون دستورات دینی است عبادت، و سرپیچی از آن معصیت و موجب عتاب و عقاب حق است.

(قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عليكم بحسن الخلق فان حسن الخلق في الجنة لا محاله، و اياكم و سوء الخلق فان سوء الخلق في النار لا محاله)

«وسائل، ج 16، ص 29، چاپ آل‌البیت»

### نظام خانواده در اسلام، ص: 377

## 12 اخلاق اسلامی در نظام خانواده

### نظام خانواده در اسلام، ص: 378

#### ارزش اخلاق حسنه

زن و شوهر به خاطر خود و سعادت فرزندان‌شان، لازم است يك سلسله مسائل اخلاقی را، که قرآن مجید و روایات بر آن تأکید فراوان دارند رعایت نمایند.

رعایت اخلاق حسنه، و خودداری از زشتی‌های اخلاق کار طاقت‌فرسائی نیست.

بکارگیری واقعیات اخلاقی، و پرهیز از پلیدیهای اخلاقی در مدتی اندک، ریاضت قابل‌تحملی است، که ره سپردن در این راه الهی را بر انسان آسان، و پیوند زناشویی را محکم، و محبت به یکدیگر را استوارتر، و درسی عملی برای دیگران بخصوص فرزندان خانواده است.

اجرای حقایق اخلاقی نسبت به یکدیگر، فضائی از صفا و صمیمیت، پاکی و سلامت، راحت و امنیت، عشق و محبت بوجود می‌آورد و زندگی را در تمام شعبه‌ها، بر زن و شوهر از عسل شیرین‌تر می‌کند.

در رابطه با آراسته بودن به حسنات اخلاقی، و بکارگیری آن، قرآن مجید در آیات متعددی پیامبر بزرگوار را ستوده:

فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك ...

نظام خانواده در اسلام، ص: 380

جلوه رحمت خداست که بر مردم، نرغزو و مهربانی، اگر تندخوی و سخت‌دل بودی، مردم از حول محور وجود تو پراکنده می‌شدند.

وَأَنْتَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 381

و همانا تو آراسته به خلق عظیم و بزرگی هستی.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

الْإِسْلَامُ حُسْنُ الْخُلُقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 382

اسلام اخلاق نیک است.

حضرت مجتبی (علیه السلام) فرمود:

أَنَّ أَحْسَنَ الْخُلُقِ الْحَسَنُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 383

خوبترین خوبیها، اخلاق نیک است.

رسول الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

حُسْنُ الْخُلُقِ ذَهَبٌ يَخَيِّرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 384

اخلاق نیک خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد.

علی (علیه السلام) فرمود:

حُسْنُ الْخُلُقِ رَأْسُ كُلِّ بَرٍّ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 385

اخلاق نیک سر همه خوبیهاست.

نظام خانواده در اسلام، ص: 386

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 387

زندگی و عیشی گواراتر از اخلاق نیک نیست.



رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ بَلَغَهُ اللَّهُ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 388

کسی که اخلاقش نیکوست، خداوند او را به پایه روزه‌دار، و قائم به عبادت در تاریکی شب می‌رساند.

و نیز آن حضرت فرمود:

أَوَّلَ مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُسْنُ خُلُقِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 389

اول چیزی که در قیامت در ترازوی عبد می‌گذارند، اخلاق نیک اوست.

و آن حضرت فرمود:

إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ وَأَقْرَبَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِحَسَبِ إِخْلَاقِكُمْ وَأَشَدُّكُمْ تَوَاضَعًا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 390

محبوبترین شما نزد من، و نزدیکترینتان به من در قیامت، خوش‌خلق‌ترین شما، و آن کسی است که دارای شدیدترین تواضع باشد.

رسول حق به امیرالمؤمنین فرمود: ترا به شبیه‌ترینتان به اخلاق خودم خبر دهم؟ عرضه داشت آری؛ فرمود:

أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا، أَعْظَمُكُمْ حِلْمًا، وَأَبْرَكُمْ بِقَرَابَتِهِ، وَأَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ انْصَافًا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 392

خوش‌خلق‌ترین شما، بردبارترین شما، نیکوکارترینتان به نزدیکانش، و شدیدترین شما در انصاف دهی به دیگران از جانب خودش.

مکارم اخلاق و حسن خلق آنچنان باارزش و والاست که رسول باکرامت اسلام آن را علّت بعثت خود اعلام فرموده:

أَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 393

این است و جز این نیست که مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم.

أَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ حُسْنَ الْأَخْلَاقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 394

مبعوث شدم تا حسن خلق را کامل نمایم.

مکارم و حسنات اخلاقی شعاع صفات حق، و حالات انبیاء و امامان معصوم (علیهم السلام)، و موجب خیر و برکت برای دارنده آن است.

سیئات اخلاقی، حالاتی ابلیسی و شیطانی، و علت تلخی زندگی و به هم خوردن عیش و عشرت، و باعث ناامنی و تفرقه و جدائی و نفرت مردم از یکدیگر و خرابی دنیا و آخرت است.

من به آنچه رعایتش در خانه از جانب زن و شوهر لازم است، و موجب استحکام زندگی، و تداوم صفا و صمیمیت است در حدی که لازم باشد اشاره می‌کنم، و از حضرت حق می‌خواهم که همه ما را به حسنات اخلاقی آراسته، و از سیئات اخلاقی دور بدارد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 395

محبت و اعلام آن

اصل محبت و علاقه و عشق را، حضرت حق در قلب زن و شوهر نسبت به یکدیگر قرار داد، و آن را از نشانه‌های وجود خود دانست، و این حقیقت نمایشگر عظمت و بزرگی مسئله محبت زن و مرد، بخصوص عشق و علاقه مرد به زن است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 396

ومن آیاته ان خلق لكم من انفسكم ازواجاً لتسكنوا اليها و جعل بينكم مودةً و رحمةً ان في ذلك لآيات لقوم يتفكرون.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 397

از نشانه‌های وجود خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید، تا در کنار آنها بیسازید، و بین زن و مرد دوستی و مهربانی برقرار کرد، در این برنامه نشانه‌هایی برای مردم اندیشمند است.

این محبت و عشق و علاقه در ابتدای ازدواج، و حتی قبل از عقد، شکوفا می‌شود، و به نهایت می‌رسد، بر مرد و زن است، که این نعمت باطنی، و این حالت عالی قلبی که موجب خوشی در زندگی و عیش و عشرت، و صفا و پاکی است، به توسط جانبداری از هم، و گذشت و عفو، و خوش اخلاقی و تعاون، و توقع به اندازه از یکدیگر، و حفظ شخصیت و شئون طرفین، و پرهیز از بگو و مگوهای بی‌قدر و قیمت حفظ کنند، و از عللی که باعث ضربه خوردن به عشق و محبت است پرهیزند، که حفظ بنای عشق عبادت، و خراب کردن خانه محبت بدون تردید گناه و معصیت و موجب عقاب الهی در قیامت، و باعث عذاب در زندگی دنیائی است.

حضرت صادق (علیه السلام) برای کسی که هنر جلب محبت دیگران را نسبت به خود دارد دعا کرده:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا احْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ اِلَى نَفْسِهِ ...

### نظام خانواده در اسلام، ص: 398

خداوند رحمت کند انسانی که دوستی مردم را به جانب خود جلب می‌کند.

تبدیل محبت و عشق و علاقه به کینه و نفرت و بغض و دشمنی در صورتی که ملاک عقلی و شرعی در کار نباشد، تبدیل نعمت حق به ناسپاسی است، و حفظ محبت و اعمال و سرایت دادن آن به یکدیگر سبب خوشحالی در دنیا و آخرت است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 399

وَيَا لِمَنْ يُبَدِّلُ نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا، طُوبَى لِلْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 400

وای بر کسی که نعمت خدا را به ناسپاسی تبدیل کند، و خوشبختی و نیکی باد بر آنان که فی الله نسبت به یکدیگر محبت می کنند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

أَفْضَلُ النَّاسِ مَنَّهُ مَنْ بَدَأَ بِالْمَوْدَّةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 401

برترین مردم از نظر احسان و نیکی، کسی است که به دوستی و محبت نسبت به طرف خود پیشی گیرد.

انسان دستور دارد به همه کسانی که مستحق عشق و دوستی و محبت و علاقه اند محبت داشته باشد چه رسد به نزدیک ترین افراد خودش که همسر و فرزندان او هستند.

در حدیث قدسی آمده:

الْحَلِيقُ عِيَالِي فَاحْبِبْهُمْ إِلَى الطُّفْهِمْ بِهِمْ وَأَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 402

آفریده ها عیال من هستند، محبوبترین آنها نزد من، مهربانترین ایشان به آفریده من است، و آنکه در راه برطرف کردن نیازشان سعی و کوشش بیشتری دارد.

بر اساس مطالب گذشته، محبت در قلب زن نسبت به مرد، و عشق در قلب مرد نسبت به زن از نشانه‌های وجود خدا، و از نعمت‌های خاص حضرت حق است، و بهترین علت برای برپائی عیش سالم و تداوم زندگی، و ظهور صفا و صمیمیت در صحنه حیات است، روی این حساب حفظ و ازدیاد آن لازم، و دوری از علل نابودی آن واجب است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مِنْ اخْلَاقِ الانْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 404

محبت زنان از اخلاق انبیاء خداوند است.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

جَعَلَ فُرْجَةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَوَلَدَتِي فِي الدُّنْيَا النِّسَاءِ، وَرِيحَانَتِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 405

نور چشمم در نماز، و لذت و خوشبختی در دنیا زنان، و گل خوشبویم حسن و حسین است.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: مردم لذتی در دنیا و آخرت بیش از لذت از زن نمی‌برند و این است قول حق.

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ ...

نظام خانواده در اسلام، ص: 406

سپس فرمود:

اهل بهشت به چیزی از بهشت لذیذتر از نکاح لذت نمی‌برند نه از خوراکی و نه از آشامیدنی.

نظام خانواده در اسلام، ص: 407

رسول اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ اِنَّ اِحْبَابَكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا اَبَدًا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 408

گفتار مرد به همسرش: همانا من ترا دوست دارم، هرگز از قلبش محو نمی گردد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

الْعَبْدُ كُلَّمَا اَزْدَادَ لِلنِّسَاءِ حُبًّا اَزْدَادَ فِي الْاِيْمَانِ فَضْلًا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 410

هر چه محبت همسر در قلب شوهرش زیادتیر شود، ایمانش زیادتیر می شود.

البته باید به این حقیقت توجه کرد، که عشق و محبت به زن جنبه افراط، به خود نگیرد، که محبت در حد افراط انسان را از پیمودن راه حق، و انجام عمل صالح، و خیرات و مبرات باز می دارد، بخصوص اگر زن از

طریق عشق مرد به خودش بخواند بر مرد حکومت کند، و خواسته های اضافی خود را بر مرد تحمیل نماید.

علاقه و محبت به زن و به هر چیزی باید تابع ایمان انسان به حضرت حق و روز قیامت باشد، و مانع حرکت انسان به سوی کمالات، و انجام اعمال صالحه نشود.

اگر محبت به زن بخواند بستری برای معصیت و گناه، و اسراف و تبذیر، یا بخل و امساک، یا خودداری از انجام فرائض حق گردد، باید تعدیل شود، که اینگونه محبت، آمیخته با حالت شیطانی، و بدور از رضا و خوشنودی حق است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 411

هر مرد و زنی از نظر جسمی و روحی دارای قوت و قدرتی مخصوص به خود است، درك این قدرت و قوت، بستگی به مدتی معاشرت و برخورد طبیعی و اخلاقی دارد.

زن و شوهر پس از مدتی اندك، یکدیگر را تا اندازه‌ای درك می‌کنند، و به موقف بدنی و موقعیت روحی همدیگر آشنا می‌شوند.

زن و شوهر باید به این حقیقت الهیه توجه داشته باشند، که حضرت حق، در مسئله بسیار مهم ارائه تکلیف به انسان، دو واقعیت را منظور فرموده:

آنچه را که مقدر انسان نبوده، و از تحمل و طاقتش بیرون بوده به انسان تکلیف ننموده، ثانیاً تکالیف و مسئولیت‌های شرعی و اخلاقی را با

### نظام خانواده در اسلام، ص: 412

ملاحظه وسع، که به فرموده محققین مرحله‌ای کمتر از دایره قدرت است بر دوش انسان قرار داده.

این نیست مگر جلوه رحمت و لطف و عنایت او بر بندگان، و همه انسانها تا روز قیامت.

در سوره بقره آیه 233 و 286 و انعام آیه 152 و اعراف آیه 42 و مؤمنون آیه 62 به این حقیقت اشاره فرمود:

لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا.

هیچ کس را تکلیف جز به اندازه وسع نکنند.

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا.

خداوند احدی را جز به اندازه سعه وجودیش تکلیف ننماید.

روی این حساب زن و شوهر، باید در مسئله درخواستها و توقعاتشان از یکدیگر، این اخلاق کریمانه، و صفت رحیمیه حضرت حق را سرمشق و الگوی خود قرار دهند.

اولاً خارج از قدرت و طاقت چه در امور مادی، چه در امور معنوی از یکدیگر چیزی نخواهند، که تحمیل خواسته، بیرون از حدّ قدرت، و درخواست کاری غیر قابل تحمل ظلم است، و ظلم ظلمت روحی، و موجب عقاب الهی است.

ثانیاً قدرت و توان یکدیگر را در خواسته‌ها ملاحظه نمایند، بلکه توقعات، و خواسته‌های خود را به اندازه وسع و طاقت موجود قرار داده، و تکالیف طبیعی و روزمره را در حدی به یکدیگر ارائه دهند، و از هم بخواهند، که به شیرینی، و با شوق و اشتیاق انجام بگیرد.

اگر بتوانند، که می‌توانند از یکدیگر کم‌توقع باشند، که کم‌توقعی اخلاق حق، و خوی انبیاء و امامان، و از ویژگی‌های اولیاء الهی است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 413

پرتوقعی گاهی همان ارائه تکلیف بیش از حد طاقت است، و بدون شك وقتی خواسته پرتوقع از طرف همسر تحقق پیدا نکند، موجب کدورت، و رنجش دل، و در نهایت کینه و نفرت، و در نتیجه تلخ شدن زندگی، و خرابی ساختمان صفا و صمیمیت، و عشق و محبت است.

پرتوقعی صفتی ناپسند، و محصول کبر و غرور، و يك بیماری روحی و روانی، و برنامه‌ای خارج از محدوده انسانیت، و خصیصه‌ای زشت است.

کم‌توقعی محصول وقار و ادب، و نتیجه معرفت و کرامت، و میوه شیرین فروتنی و تواضع است.

اگر بخواهید زندگی شیرین‌تر از عسل گردد، و هیچ‌گاه اختلاف مورد توجهی پیش نیاید، و همسر شما دچار رنجش نگردد، و تحقیر شخصیت نشود، و این رنجش و تلخی به اطرافیان سرایت نکند، در تمام امور زندگی نسبت به یکدیگر کم‌توقع باشید، و بدانید کم‌توقعی چون جلوه رحمت حق در زندگی است، موجب جلب خوشنودی و رضایت حق نسبت به شما می‌شود.

در هر صورتی زن و شوهر باید نرمخو، باصفا، منبع عشق و محبت، و نسبت به یکدیگر امور زندگی را آسان بگیرند، که این آسان گرفتن بای از ابواب معروف است، و آنان که اهل معروف، و پاک و پاکیزه از منکرات روحی و اخلاقی هستند، مورد توجه حق، و مستحق اجر و جزای جمیل از جانب پروردگارانند.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْمَعْرُوفُ وَ أَهْلُهُ وَ أَوَّلُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ.



نظام خانواده در اسلام، ص: 414

معروف و اهلش اول وارد بهشت و اول وارد بر من در کنار حوض کوثر هستند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 415

أَنَّ لِلْحَنَّةِ أَبَا يُقَالُ لَهُ: الْمَعْرُوفُ، لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا أَهْلُ الْمَعْرُوفِ، وَ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمُ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 416

برای بهشت دری هست به نام معروف، از آن در جز اهل معروف وارد نمی شوند، و اهل معروف در دنیا، اهل معروف در آخرتند.

رسول خدا فرمود:

كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ ...

نظام خانواده در اسلام، ص: 417

هر معروفی صدقه است.

قرآن مجید مزد هر معروف و انجام هر حسنه‌ای را ده برابر اعلام نموده است:

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتِثَالِهَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 418

کم‌توقعی نوعی معروف، حسنه‌ای از حسنات روحی، و صدقه‌ای از صدقات اسلامی، و دارای ده برابر مزد است، چرا زن و شوهر در این تجارت پرسود شرکت نکنند، و تا پایان عمر خود، از این حقیقت الهیه بهره‌مند نگردند، که ممنوع نمودن خویش از عنایت حق و رحمت دوست ظلمی سنگین و گناهی بزرگ و خسارتی غیرقابل جبران است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 419

### گذشت و عفو

زن و شوهر ممکن است گاهی نسبت به یکدیگر مرتکب خطا و اشتباه شوند، زن امکان دارد در مسئله خانه‌داری، پخت و پز، توجه به فرزندان، رعایت حق شوهر دچار خطا گردد، مرد نیز ممکن است در رفتار و کردار، اخلاق و روش، کارگردانی نسبت به منزل، قضاوت در حق زن دچار اشتباه شود، اشتباه و خطائی که از هر دو طرف قابل گذشت و اغماض و عفو است، که جای گذشت و عفو هم در همین مورد است، در مواردی که زندگی مسیر طبیعی خودش را طی می‌کند، موردی

نظام خانواده در اسلام، ص: 420

برای عفو وجود ندارد، بر مرد لازم اخلاقی و شرعی است که از همسر خود در موارد لازم گذشت کند، بر زن هم لازم اخلاقی و شرعی است که از شوهر خود عفو کند، در این زمینه کبر و سخت‌گیری و خودپسندی و بی‌توجهی به شخصیت طرف، و روی گردانی از دستورات حق و انبیا و ائمه در مسئله گذشت و عفو امری ناپسند، و در بعضی از موارد حرام و موجب عقاب الهی است.

عفو و گذشت از موارد احسان، و آراسته به احسان به فرموده قرآن محبوب خدا است:

والعافین عن الناس والله يحب المحسنین.

نظام خانواده در اسلام، ص: 421

عفو و گذشت به اندازه‌ای مهم است که قرآن مجید اجر عفوکننده را بر خدا می‌داند:

فمن عفا و اصلح فاجره علی الله.

نظام خانواده در اسلام، ص: 422

کسی که گذشت کند و اصلاح نماید، اجرش بر خداست.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

ثَلَاثٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: تَعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ، وَتَحُلُمُ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 423

سه چیز از مکرمات‌های دنیا و آخرت است: گذشت از کسی که بر تو ستم کرده، صلہ رحم با رحمی که با تو بریده، بردباری نسبت به آنکه در حق تو به نادانی رفتار کرده.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَفُوٌّ يُحِبُّ الْعَفْوَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 425

همانا خدا گذشت کننده است و گذشت را دوست دارد.

و نیز فرمود:

مَنْ أَقَالَ مُسْلِمًا عَثْرَتَهُ أَقَالَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 426

کسی که از لغزش مسلمان بگذرد، خداوند در قیامت از لغزش او خواهد گذشت.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

أَنَا أَهْلُ بَيْتِ مُرْوَتِنَا الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 427

ما اهل بیته هستیم که جوایز ما، گذشت از کسی است که بر ما ستم روا داشته.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَجَاوِرُوا عَن ذُنُوبِ النَّاسِ يَدْفَعِ اللَّهُ عَنْكُمْ بِذَلِكَ عَذَابَ النَّارِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 428

از خطاهای مردم گذشت کنید، خداوند به این خاطر عذاب جهنم را از شما دفع می کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

قَلْبُهُ الْعَفْوِ أَقْبَحُ الْغُيُوبِ، وَالتَّسْرُعُ إِلَى الْأَنْتِقَامِ اعْظَمُ الذُّنُوبِ.

کم گذشتی زشت ترین عیب، و عجله در انتقام از بزرگترین گناهان است.

و آن حضرت فرمود:

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْفُو عَنِ الرَّئِثَةِ وَلَا يَسْتُرُ الْعَوْرَةَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 429

بدترین مردم کسی است که از لغزش طرف خود گذشت نکند، و عیب را نپوشاند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

عَفْوًا مِنْ غَيْرِ عَفْوَتِهِ، وَلَا تَغْنِيفَ، وَلَا عَتَبَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 430

عفو باید بدون جریمه و خشونت و نکوهش و سرزنش انجام بگیرد.

بر اساس آیات قرآن و روایات: عفو محبوب خدا، اجر عفوکننده بر خدا، از مکارم دنیا و آخرت، موجب نجات از جهنم، و همرنگی با اهل بیت، و کم‌گذشتی نشان بیماری و عیب باطن، و شرارت نفس انسان است.

چرا زن و مرد در زندگی خود، به هنگام پیش آمدن خطا از یکدیگر گذشت نکنند، تا محبوب خدا شده، از اجر الهی بهره‌مند گشته، و منبع مکارم دنیا و آخرت شناخته شوند، و با امامان معصوم همرنگی نشان داده، و جزء آنان محسوب گردند، این همه محصول يك تجارت الهی و معنوی است که از دست دادنش عاقلانه نیست، و آراسته شدن به آن کاری سهل و آسان، و عملی ساده و بی‌زحمت است.

مرد و زن اگر به وقت خطا عفو و گذشت را شیوه خود کنند، و این حقیقت عرشی را مدتی کوتاه به تمرین بگذارند، در آنان قوت می‌گیرد، و پس از اندک زمانی به این صفت ملکوتی آراسته می‌شوند.

\*\*\*

### نظام خانواده در اسلام، ص: 431

#### تغافل یا خود به فراموشی زدن

از صفات بسیار پسندیده و والا و باارزش، که آراسته به آن در میان مردم بسیار کم است تغافل می‌باشد.

دیدن خطا و تقصیر، مشاهده عیب و نقص، و خود را به فراموشی زدن، به شکلی که طرف مقابل یقین کند، انسان از مسئله به هیچ عنوان مطلع و آگاه نشد، از عالیترین حالات روحی و پریمیتم‌ترین صفات انسانی است.

این نهایت مکرمت و بزرگواری و شخصیت است که مرد از زن خود خطائی ببیند، و زن از شوهر خود اشتباهی ملاحظه کند، و خود را در کمال جوانمردی و آقائی و کرامت، عمداً به فراموشی بزند، و این به فراموشی زدن را در تمام پیش‌آمدهای آینده حفظ کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

أَنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ احْتِمَالٌ، وَ نِصْفُهُ تَغَافُلٌ.

نیمی از وجود عاقل و خردمند تحمل و صبر و بردباری، و نیم دیگرش خود به فراموشی زدن است.

و فرمود:

أَشْرَفُ اخْتِلَاقِ الْكَرِيمِ كَثْرَةُ تَغَافُلِهِ عَمَّا يَعْلَمُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 432

شریفترین اخلاق انسان باکرامت، کثرت تغافل او از چیزی است که می داند.

و نیز آن حضرت فرمود:

لَا عَقْلٌ كَالْتَّجَاهِلِ، لَا حِلْمٌ كَالْتَّغَافُلِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 433

تدبیری مانند خود را به بیخبری زدن، و حلمی همچون خود را به فراموشی زدن نیست.

ذره بینی، ذره به حساب آوردن، توقع عصمت همه جانبه داشتن، بی گذشتی، به رخ کشیدن خطا، و به قول معروف مته در خشخاش گذاشتن همه و همه خلاف اخلاق، و به قول امیرالمؤمنین (علیه السلام) باعث ناگواری زندگی است.

عفو و گذشت، و از آن بالاتر تغافل و خود را به فراموشی زدن، برای زن و شوهر امری لازم و واجب است، و با این گونه صفات پسندیده، و اخلاق حمیده عیش و زندگی همراه با لذت و خوشی برقرار، و اعصاب در آرامش کامل، و جسم و جان در مصونیت همه جانبه در مقابل هجوم بسیاری از امراض و بیماریهاست.

عفو و گذشت و تجاهل و تغافل میوه شیرین فروخوردن خشم و به فرموده قرآن مجید کظم غیظ، و دوری از خشم و غضب و فرار از عصبانیت و از کوره در رفتن است.

خشم و غضب و ممارات و لجبازی، و بگو و مگو کردن طولانی و بیجا، مورد نفرت حق، و نشانه‌ای از شعله‌های جهنم، و صفتی ناپسند، و خوئی ددمنشانه، و موجبی برای در هم ریختن بنای زندگی و در نهایت علّت طلاق و جدائی، و غرق شدن در منجلاب بسیاری از معاصی و گناهان، و آلوده شدن به هر شرّ و شرارت است.

در زشتی بگو مگو کردن، و لجبازی با یکدیگر در روایت بسیار مهمی آمده: مردی به حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) با لحنی زننده گفت: بیا بنشین تا در مسئله دین با هم مناظره و مجادله کنیم، حضرت فرمود: ای مرد، من نسبت به دینم آگاهم، و هدایت حق برای من، مانند روز روشن و معلوم است، تو اگر در این زمینه دچار جهلی برو و جهل خود را علاج کن.

مالی وِلْمُمَارَاهِ.

مرا چه نسبت با بگو مگو کردن و جدال و جار و جنجال، که این نیست مگر وسوسه شیطان

نظام خانواده در اسلام، ص: 434

، برای انداختن انسان در گناه و معصیت!!

بگو و مگو و جدال و دعوی لفظی اگر برای اثبات حق باشد، و از مصادیق جدال احسن، بدون تردید مانعی ندارد، بلکه زمینه پیشرفت علم و دانش، و کشف حق و حقیقت است و امری عقلی و علمی و شرعی است، ولی اگر از باب لجبازی، و کوبیدن یکدیگر، و ضربه زدن به شخصیت، و به هم ریختن آرامش باشد، بدون شك حرام، و مرتکب آن عاصی و مستحق عقاب است.

حضرت رضا (علیه السلام) به عبدالعظیم حسنی فرمود:

دوستانم را از طرف من سلام برسان، و به آنان بگو، برای شیطان نسبت به وجود خود راهی قرار ندهید، آنان را به راستی در گفتار، و اداء امانت، و رعایت سکوت، و ترك مجادله و بگو مگو در آنچه که برای آنان سودی ندارد امر کن.

نظام خانواده در اسلام، ص: 437

روایات و معارف اسلامی، به دنبال آیات قرآن، همگان را از خشم و غضب، و عصبانیت و از کوره در رفتن برحذر می‌دارند، و غضب را عاملی نابودکننده، نشانه سبک‌مغزی، علت هلاکت، و آتشی از سوی شیطان، و نوعی جنون و دیوانگی می‌دانند، و آن را منشأ تمام شرور معرفی می‌کنند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جملاتی حکیمانه به این معانی اشاره دارند:

الْعَضْبُ شَرُّ أَنْ أُطْلِقَتْهُ دَمْرٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 438

خشم و عصبانیت شری است که اگر آن را در وجودت آزاد بگذاری نابودت می‌کند.

الْعَضْبُ مَرْكَبُ الطَّيِّشِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 439

خشم، مرکب سبک‌مغزان است.

الْعَضْبُ يُنِيرُ كَوَامِنَ الْحُمْدِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 440

خشم و غضب آتش پنهانی‌های کینه را شعله‌ور می‌سازد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

الْعَضْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 441

خشم کلید هر زبانی است.



آری خشمگین دچار هر نوع اشتباه می شود، به شخصیت طرف مقابل حمله می کند، به اعصاب و قلبش فشار وارد می آید، چهره اش سرخ و خونین رنگ می گردد، می زند، خراب می کند، آتش می زند، طلاق می دهد، ضربه وارد می نماید، خسارت به بار می آورد و ...

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

الْعَصَبُ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 442

خشم آتشی از شیطان است.

علی (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 443

الْحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنَّ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 444

خشم و غضب نوعی از دیوانگی است، همانا دارنده این حالت، پشیمان می شود، اگر نادم نشد دیوانگی او قوی و محکم است.

و آن حضرت فرمود:

الْعَصَبُ يُفْسِدُ الْأَبَابَ وَيُبْعِدُ مِنَ الصَّوَابِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 445

خشم فاسدکننده مغزها و دورکننده انسان از حق و درستی است.

و در حمله شدیدی به این حالت شیطانی فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 446

آنکس که جلودار غضب و خشمش نباشد از ما نیست.

و فرمود:

مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ غَضَبُهُ وَ شَهْوَتُهُ فَهُوَ فِي حَيْرِ الْبَهَائِمِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 447

کسی که خشم و شهوت بر او غلبه دارد در جرگه حیوانات است.

حضرت باقر (علیه السلام) در رابطه با فروخوردن خشم، و خودداری از عصبانیت فرمود:

مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى امْضَائِهِ حَشَا لِلَّهِ قَلْبُهُ اٰمَنًا وَ اِيْمَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 448

کسی که خشم خود را فرو خورد، در صورتی که قدرت خرج کردن آن را دارد، خداوند در قیامت قلبش را از آرامش و ایمان پر می کند.

علی (علیه السلام) فرمود:

مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 449

کسی که غضب خود را نگاهدارد، خداوند عیب او را می پوشاند.

نظام خانواده در اسلام، ص: 450

به حارث همدانی یار وفادارش نوشت:

وَكَظِمِ الْغَيْظَ، وَتَجَاوَزْ عِنْدَ الْمُقَدِرِ، وَاحْلُمْ عِنْدَ الْعَضْبِ، وَاصْفَحْ مَعَ الدَّوْلَةِ، تَكُنْ لَكَ الْعَاقِبَةُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 451

غیظ و غضب را فروخور، به وقت قدرت گذشت کن، به هنگام خشم بردبار باش، با داشتن توان و نیرو بر خطاکار پیوشان، تا برای تو عاقبت بخیری میسر گردد.

در روایات زیادی در کتاب شریف کافی، وسائل، بحار الانوار آمده که مزد فروخوردن خشم نسبت به همگان، ایمن شدن از غضب حق در قیامت، و اتصال به رحمت حق در محشر است.

از حضرت مسیح علت غضب را پرسیدند فرمود:

الْكِبْرُ، وَالتَّجَبُّرُ، وَ مَحَقَرَةُ النَّاسِ.

علت و ریشه و شروع غضب از سه چیز است: کبر و خود بزرگ بینی، خودخواهی، بی ارزش دانستن مردم.

در سفارشات رسول حق به امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده:

لَا تَعْضَبْ، فَإِذَا غَضِبْتَ فَاقْعُدْ، وَتَفَكَّرْ فِي قُدْرَةِ الرَّبِّ عَلَى الْعِبَادِ وَ حِلْمِهِ عَنْهُمْ، وَإِذَا قِيلَ لَكَ اتَّقِ اللَّهَ فَأَنْبِذْ غَضَبَكَ وَارْجِعْ حِلْمَكَ.

غضب مکن، چون غضب کردی بنشین، و در قدرت و تسلط حق نسبت به بندگان و بردباری آن وجود مقدس در برابر آنان فکر کن، و چون در حال غضب داشتنت به تو گفتند: از خدا پروا کن غضب را دور انداز، و به حلم و بردباری و عادی شدن حال برگرد.

\*\*\*

نظام خانواده در اسلام، ص: 452

## فخرفروشی

از زشتی‌های اخلاق فخرفروشی به دیگران است، فخر فروشی در فرهنگ اسلام به عنوان گناه و معصیت شناخته شده، و آلوده به این حالت شیطانی مستوجب عقاب الهی است، مگر اینکه توبه کند و به ادب و وقار و خضوع و فروتنی بازگردد.

زن و شوهری که نسبت به یکدیگر تعهد شرعی و اخلاقی دارند، و با دیدن یکدیگر قبل از ازدواج مورد پسند هم واقع شدند، و با وضعی که از نظر خانواده و مال و جمال و قوم و قبیله هر يك داشتند و مورد قبول واقع شدند، و اکنون با یکدیگر زندگی می‌کنند، اگر موردی پیش آمد باید از به رخ کشیدن خانواده، و حسب و نسب و مال و ثروت و جوانی و زیبایی و علم و دانش، نسبت به یکدیگر سخت بپرهیزند، که فخرفروشی ایجاد آزار روحی و سوز درون می‌کند، و گاهی شرمندگی، و زمینه خشم و نفرت، و کینه و دشمنی و نشان دادن عکس‌العمل در طرف مقابل بهار می‌آورد، و چه بسا که به جنگ و دعوا، و کشمکش و نزاع و تفرقه و طلاق منجر شود، در این صورت بار سنگین این همه تبعات زشت فخرفروشی به گردن فخرفروش است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

لا تُحْمَقَ اعْظَمُ مِنَ الْفَخْرِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 453

حماقتی بزرگ‌تر از فخرفروشی به دیگران نیست.

و در کلامی حکیمانه فرمود:

ضَعَّ فَخْرَكَ، وَاحْطَطُ كِبْرَكَ، وَادْكُرْ قَبْرَكَ.

فخرفروشی را بگذار، و کبر را ترك کن، و بیاد قبرت باش.

آنقدر فخرفروشی زشت و ناباب است که حضرت سجاد در دعای نوزدهم صحیفه به پیشگاه حق عرضه می‌دارد:

وَأَعِصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ.

از اینکه نسبت به دیگران به وضع خود افتخار کنم مرا حفظ کن.

علی (علیه السلام) فرمود:

مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْفَخْرِ، أَوْلُهُ نُطْقُهُ، وَ آخِرُهُ حَيْفُهُ، لَا يَزُرُّكَ نَفْسُهُ، وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 454

فرزند آدم را به فخر فروشی چه، ابتدای او نطفه و پایانش مرداری بدبو است، روزی او در اختیار دیگری است، و قدرت دفع مرگ خویش را ندارد.

کتاب خدا در آیات متعددی متذکر این معناست، که حضرت حق مردم متکبر و فخر فروش را دوست ندارد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 455

در هر صورت زن و شوهر باید نسبت به یکدیگر از افتخار به خانواده، جمال، مال و منال، اندوخته و ثروت، علم و دانش، پرهیزند که همه اینها از بین رفتنی است، و این اخلاق ابلیسی مایه درد سر و زحمت و رنجش خاطر، و موجب از بین رفتن عشق و علاقه، و باعث دعوا و نزاع، و افتادن از نظر رحمت حضرت حق است.

\*\*\*

نظام خانواده در اسلام، ص: 456

حرکات زن و شوهر نسبت به یکدیگر باید محصول ادب و وقار، دوستی و رفاقت، تعاون و همکاری، عشق و علاقه، و تواضع و فروتنی باشد.

کردار زن و شوهر نسبت به هم باید بر اساس احترام متقابل، و ارج نهادن به شخصیت یکدیگر باشد.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 457

مرد باید بداند زن از نظر خلقت و آفرینش ظریف، لطیف، کانون مهر و عاطفه، و منبع عشق و علاقه و حیا و شرم است، در رفتار با او لازم است تمام این خصوصیات را لحاظ کند.

زن باید بداند مرد از نظر خلقت موجودی است قوی، مقاوم، و دارای حالات و احوالاتی سنگین‌ترازن، و خلاصه ساختمان‌هایی که قوام زندگی متکی به وجود اوست.

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 458

مردان قوام زندگی زنانند، به واسطه برتری، که خدا بعضی را بر بعضی دیگر مقرر داشته و به خاطر آنکه از اموال و ثروت خود برای زندگی خانواده و گذران امور همسر و فرزندان خرج می‌کنند.

روی این حساب همسران باکرامت، و زنان بزرگوار، باید در رفتار خود نسبت به شوهران این معانی را رعایت نمایند، که تحقق اصل عالی توافق و همزیستی مسالمت‌آمیز در سایه رعایت این واقعیات از جانب دو طرف امکان‌پذیر است.

سعی کنیم عمل و کردار هر يك نسبت به دیگری مصداق حقیقی عمل صالح و کردار شایسته باشد، تا هم امور زندگی را بگذرانیم، و هم از اجر و ثواب اخروی به خاطر عمل صالح و جلب رضایت یکدیگر بهره‌مند شویم.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 459

زن و شوهر سخن و کلامشان با یکدیگر باید آمیخته به عشق و محبت و بیان عاطفه و احساس، و جلوه شعور و عقل، و وجدان و انصاف باشد.

باید در سخن گفتن با یکدیگر از قول عدل

، قول حسن

، قول لیتن

، قول میسور

، قول احسن

، استفاده نمایند.

سخن وقتی رنگ خدائی داشته باشد، قضاوت وقتی صحیح باشد، کلام وقتی نرم و ساده و سهل باشد، گفتار وقتی ریشه در عدالت و انصاف داشته باشد، به زندگی، گرمی، استحکام، عشق و سلامت می بخشد.

سخن وقتی سخن حق باشد، و لحن آن لحنی گرم و همراه با عاطفه و محبت باشد، مزدش باز شدن چشم بصیرت، و شنیدن آوای حق است.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

لَوْ لَا تَكْتَبُ فِي كَلَامِكُمْ وَ تَمْرِيحُ فِي قُلُوبِكُمْ لَسَمِعْتُمْ مَا سَمِعْتُمْ وَلَرَأَيْتُمْ مَا أَرَى.

نظام خانواده در اسلام، ص: 460

اگر کثرت کلام شما نبود، و سرزمین قلب شما چراگاه شیطان قرار نمی گرفت هرآینه می شنیدید آنچه را من می شنوم، و می دیدید آنچه را من می بینم!

از سخن زیاد و کثرت کلام و اضافه گفتن، و بیان آنچه که سود دنیائی و آخرتی ندارد بپرهیزید.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مِنْ حُسْنِ اسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَعْنِيهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 461

از نیکوئی اسلام مرد، ترك سخن در چیزی است که برای او فایده ندارد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر مردی پرگو گذشت به او فرمود: ای مرد پرونده‌ای را بدست حافظان عمل از سخن اضافی پر می‌کنی، که آن پرونده به حق عرضه می‌شود، سخن در امور فایده‌دار بگو، و از بیان آنچه سودمند نیست پرهیز.

ابوذر فرمود:

اجْعَلِ الدُّنْيَا كَلِمَتَيْنِ: كَلِمَةً فِي طَلْبِ الْحَلَالِ، وَكَلِمَةً لِالْآخِرَةِ وَالتَّالِثَةُ تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ فَلَا تَرِدْهَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 462

دنیا را دو کلمه قرار بده، سخنی در طلب حلال در تمام زمینه‌ها، و سخنی در طلب آخرت، سخن سوم زیانبار و بی‌منفعت است، در آن وارد مشو.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

كُلُّ كَلَامٍ ابْنِ آدَمَ عَلَيْهِ لَا لَهُ إِلَّا امْرٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهْيٍ عَنِ مُنْكَرٍ، أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 463

تمام سخن فرزند آدم به زیان اوست نه به سودش، مگر امر به معروف یا نهی از منکر، یا ذکر خدا.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثَرَ خَطَاؤُهُ، وَمَنْ كَثَرَ خَطَاؤَهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.



## نظام خانواده در اسلام، ص: 464

کسی که سخن و کلامش زیاد شود، خطا و اشتباهش فراوان می‌شود، و آنکه خطایش زیاد گردد، حیا و شرمش اندک می‌گردد، و آنکه حیاءش اندک شود، پارسائی‌اش کم می‌شود، و هر که پارسائی‌اش و ورعش کم شود دلش می‌میرد، و آنکه دلش بمیرد وارد آتش جهنم می‌شود!!

زن و شوهر در خانه با هم سخن از آهنگ زندگی بگویند، از مایحتاج خانه و نیاز یکدیگر و فرزندان حرف بزنند، نسبت به هم اظهار علاقه و محبت کنند، یکدیگر را به حق و صبر توصیه نمایند، اسرار یکدیگر را حفظ کرده و حرف خانه را به خانه پدر و مادر و اقوام و دوستان نبرند، خانه را محل کلام حق، نماز، قرآن و

## نظام خانواده در اسلام، ص: 465

پرهیز از دروغ، غیبت، و فحش و ناسزا، و تحقیر یکدیگر قرار دهند، که از آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود دروغ، غیبت، تهمت، ناسزا و فحش و تمسخر و تحقیر، انسان را از رحمت خدا دور، و مستحق عقاب الهی می‌کند.

مرد از آوردن اهل گناه به خانه، و تشکیل مجالس خلاف حق در منزل پرهیزد که ابتدا زیان و ضررش به خود و زن و بچه‌اش باز می‌گردد، آنگاه آخرت او و اهل بیت وی را به باد می‌دهد.

زن از اسراف در امور حیات، و مخارج بیهوده، و خرج اضافی به بار آوردن که گاهی محصول تلخ چشم همچشمی است پرهیزد، که هر دینار آن در قیامت حساب دارد.

مرد و زن با روش و اخلاق و گفتار و کردار خود، وقار و ادب، و دینداری، و سلامت نفس را عملاً به فرزندان و اطرافیان خود سرایت دهند، که ثواب هدایت يك انسان گرچه فرزند خود آدم باشد بمانند هدایت تمام انسانهای آفریده شده است.

(ولیضربن بخرهنّ علی حیوکنّو لایبدین زینتهنّ...)

«نور / 31»

## نظام خانواده در اسلام، ص: 466

## 13 حجاب و پاکدامنی زن

حجاب و پاکدامنی زن ...

نظام خانواده در اسلام، ص: 467

## منافع حجاب

پوشش یا حجاب، به صورتی که زیباییها و زینت زن را بپوشاند و او را از چشم چرانی مردم هرزه و بی تربیت، و آلودگان به شهوت حیوانی، و حالات شیطانی حفظ کند دستوری قرآنی، و قانونی الهی، و تکلیفی انسانی، و برنامه‌ای اخلاقی است.

حجاب و پوشش اسلامی که بهترین نوع آن چادر است، چادری که یادگار منبع عصمت و عفتی چون فاطمه زهرا (علیها السلام) است، هیچ مانعی در راه دانش طلبی و رشد و کمال زن ایجاد نمی‌کند، بلکه او را از بسیاری از خطرات، و دامهائی که حیوان‌صفتان در راه زیبارویان، و دختران و زنان جوان قرار داده‌اند حفظ می‌کند، و پاکدامنی و سلامت و عفت و حیای او را برای شوهرش یا اگر ازدواج نکرده، برای مرد آینده‌اش محفوظ می‌گذارد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 468

گوهر گرانبها و زیبا و پرقیمتی چون زن وقتی در صندوق الهی حجاب قرار داشته باشد، از دستبرد دزدان، و غارتگران، و آلودگان به لجن معصیت و گناه در امان خواهد بود.

زیبارویان جوان، وقتی دیده نشوند، و چهره پاك و معصوم آنان در معرض دیدگان مردم قرار نگیرد، شعله هوسها و هواها، و آتش امیال و غرائز به سرکشی و سوزاندن پاکی يك ملت، و خراب کردن بنای معنویت يك مملکت بر نمی‌خیزد.

پسران جوان وقتی گوهر زیبایی و زینت، و طنّازی و عشوه‌گری دختران و زنان را در کوچه و بازار، پارک و خیابان، معابر عمومی، فروشگاهها، بیمارستانها، ادارات، مراکز تجارتي نبینند، دچار چشم‌چرانی، هوس، دختربازی، تجاوز به ناموس مردم، کندی ذهن، در هم شکستن اعصاب، بلوغ زودرس، استمناء، لواط، زنا، افکار پریشان،

غصه و نگرانی، بی‌میلی به درس، عشق و عاشقی، بیماری روانی، و در نهایت تعطیل شدن نیروی انسانی خود نمی‌شوند.

بر این اساس باید گفت: حجاب و پوشش برای جنس زن امری واجب، و فریضه‌ای شدید، و بدون تردید منکر آن با آگاهی به اینکه از ضروریات اسلام، و فرمان خدا در قرآن است کافر، و از گردونه اسلام خارج است.

جوانی که با این خصوصیات منکر حجاب است، نمی‌تواند با دختر مسلمان ازدواج کند، زیرا این ازدواج باطل، و عقدی که بین آن دو خوانده می‌شود بی‌اثر، و رابطه آن دو رابطه دو نامحرم و فرزندان آنها نامشروع، و عمل آنان زنا است.

دختری که با این خصوصیت منکر حجاب است، نمی‌تواند همسر جوانی مسلمان شود، زیرا همان احکام در حق او هم جاری است.

حجاب حافظ وقار، شخصیت، کرامت، اصالت، و عظمت زن، و حافظ زیبایی و منافع او برای شوهر است.

زن در عین حجاب داشتن، می‌تواند مدارج تحصیلی، و طریق کمالات و فضائل را پیماید، و اینکه حجاب مانعی برای او در راه رشد و ترقی

### نظام خانواده در اسلام، ص: 469

است، و سوسه‌ای شیطانی، و القاء فکری غلط از جانب استعمارگران غارتگر، و دزدان ناموس، و هرزه‌های کشورهای غربی و شرقی است.

گرمی خانواده‌ها، استحکام رابطه زن و شوهر، تداوم زندگی، آرامش قلوب مردان، ثبات دلپستگی و عشق و علاقه مرد به همسر قانونی و شرعی خود، برپائی خانه و خانواده، بر جائی اعتماد و اطمینان مرد به زن، همه و همه مرهون پوشش و حجاب زنان مملکت است، و اینکه مردان زیبایی چهره و زینت و زیور زنانی غیر از زن خود را نبینند.

مردان اگر به راحتی و به آسانی در تمام صحنه‌های اجتماعی دسترسی به زنان داشته باشند، ضمانتی برای اثبات محبت و دلبستگی آنان به همسرانشان نخواهد بود، و تحریک هوا و هوس و شهوات آنان را از زندگی خود دلسرد، و خود کلنگی برای خراب کردن کانون گرم خانواده خواهند شد.

زنان بی‌حجابی و بدحجابی و آزاد گذاشتن زن، و آزاد بودن زن به صورت غریبی آن به شماره نمی‌آید.

تاکنون بی‌حجابی زن باعث گمراهی میلیون‌ها مرد، و به گناه افتادن دیگران، و پیدا شدن هیولای طلاق در خانواده‌ها، و پدید شدن عشق مرد به زن شوهردار، و روابط نامشروع، شده، و همانطور که یهودیت و مسیحیت می‌خواستند علت خروج بسیاری از مردان و زنان از عرصه‌گاه ملکوتی اسلام و دینداری شده است.

پایه‌گذاران بی‌حجابی خود از این مسئله به ستوه آمده، و عوارض آن را از پدیده‌های شوم قرون اخیر می‌دانند.

نظام خانواده در ایران نظامی قوی، مستحکم، بر اساس حیا و عفت، وقار و ادب، ایمان و تقوا، و نبود طلاق مگر به ندرت بود.

از زمانی که استعمار غرب به دست ولگردی دوره‌گرد، بیسواد پلید، آلوده‌ای خائن، وطن‌فروشی کثیف به نام رضاخان پهلوی حجاب و پوشش قرآن را از بسیاری از زنان به غارت برد، وضع خانه و خانواده به صورت دیگر شد، آمار طلاق فزونی گرفت در حدی که در اواخر

### نظام خانواده در اسلام، ص: 470

حکومت آن خانواده نابکار در هر ماه بین شش تا هفت هزار درخواست طلاق به دادگاهها داده می‌شد، مردان و جوانان زندیده بی‌زن می‌شدند، و زنان شوهردیده بدون شوهر، و این دو طایفه آزاد شده از تعهد زرداری و شوهرداری به جامعه می‌پیوستند، و سفره فساد و افساد را گسترده‌تر می‌کردند.

مرجع بزرگ، حکیم خبیر مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی پس از مسئله کشف حجاب، بدون ترس از حکومت وقت، چنانکه مستمعین آن بزرگوار برایم نقل کردند، بارها در عرشه منبر و در مجالس عمومی و خصوصی فریاد زد: رضاخان با به غارت بردن حجاب قرآن، و کشتن قیام‌کنندگان علیه بی‌حجابی، در مسجد گوهرشاد، و در کنار حرم ملایک پاسبان حضرت رضا (علیه السلام) کمر صد و بیست و چهار هزار پیامبر را شکست.

آری آن عارف عاشق، و هشیار بینا، که در مسائل اسلامی و در فلسفه و حکمت مجتهدی توانا، و بصیری کم‌نظیر بود، کشف حجاب و بدحجابی را شکننده کمر فرستادگان خدا می‌دانست!!

قطب در کتاب بسیار مفید «آیا ما مسلمان هستیم» می‌گوید بر اساس مدارکی که دیدم، یکی از پاچها از تمام کشیش‌ها و کاردینالها در واتیکان دعوت کرد، و از آنها خواست برای کشتن اسلام، و خاموش کردن چراغ دین، به صورتی که برای واتیکان و مسیحیت خرج زیاده نداشته باشد نظر بدهند، کمیسیونها برای این منظور تشکیل شد، و نظریاتی از جانب صاحب‌نظران اظهار شد، از میان تمام آراء و نظریات این رأی مقبول همه کشیشان و کاردینالها و خود پاپ قرار گرفت، که برای کشتن اسلام قوی‌ترین اسلحه و کم‌خرج‌ترین برنامه، بیرون آوردن دختران و زنان مسلمان از حجاب، و قرار گرفتن آنان در اختیار جوانان و مردان به صورت آزاد، در کوچه و بازار، وسایل عمومی، پارکها و سینما، ادارات و مراکز تجاری، تئاترها، و مراکز اجتماعی است؟!!

این برنامه به دست خائنان، انجام گرفت، و هوا و هوس زنان و دختران کم‌ایمان یا بی‌ایمان به این آتش دین‌سوز، و شعله خائنان برانداز کمک کرد، و وضع را در ممالک اسلامی و مملکت ایران به جایی رساند، که نزدیک بود دین خدا که محصول زحمات انبیا و امامان و علما و

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 471

دانشمندان است بمیرد، و چراغ هدایت خاموش گردد، ولی دست حق از آستین مردی از سلاله انبیا و نتیجه امامان یعنی خمینی بت شکن در کشور ایران بیرون آمد و بر سینه ناخرم زد، و دین را از اسارت اشرار نجات و حجاب قرآن را به ناموس اسلام برگرداند.

بر امت اسلام فرض و واجب است که انقلاب آن انسان الهی را حفظ کنند، و از ارزشهای آن نهضت عظیم الهی محافظت نمایند، و نگذارند دشمنان زخم‌خورده، این چراغ روشن را کم‌نور، یا بی‌نور نموده ملت ایران را به وضع سابق برگردانند، تا بتوان با پایمردی و ثبات قدم فرهنگ انقلاب را صادر، و سایر ملت‌های بیرون رفته از مدار اسلام را به اسلام برگرداند.

با توجه به آنچه که بیان شد، به ارزش گفتار آن متفکر شهید، که بارها در سخنرانیها فریاد زد: حجاب مصونیت است نه محدودیت بی می‌بریم.

آری حجاب برای زن و برای شوهر او، و خانواده‌اش، و جامعه، و بخصوص جوانان و آنان که ازدواج نکرده‌اند، مصونیت از هزاران خطر، و انواع فساد و افساد، و مانع از هم پاشیده شدن کانون گرم خانواده‌هاست.

محققین فرموده‌اند مسئله پوشش زن و حجاب او در چهارده آیه قرآن مطرح است، و برخی را عقیده بر این است که از نزدیک بیست و پنج آیه این معنا استفاده می‌شود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به حضرت مجتبی و در حقیقت خطاب به تمام مردم فرمودند: محرم نامحرمی را جداً مراعات کن، زیرا این برنامه برای تو و همه زنان نامحرم مصونیت از افتادن در خیال گناه و خود گناه است، و اگر قدرت داری که زنان خانواده تو مردی غیر تو را نشناسند، این برنامه را انجام بده.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 472

راوی می‌گوید در یک روز بارانی با رسول خدا در بقیع نشسته بودم، زنی سواره بر الاغ از کنار ما گذشت، دست الاغ در گودالی فرو رفت و زن از مرکب بزیر افتاد، رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) رو برگرداند، عرضه داشتم خود را با شلوار پوشانده، حضرت سه بار برای این‌گونه زنان طلب مغفرت کردند، و فرمودند ای مردم اینگونه پوشش برگزید که پوشاننده‌ترین لباس برای بدن است، و زنان خود را به وقت بیرون رفتن از خانه با چنین جامه‌ای بپوشانید.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 474

مقنعه، جلباب، عباء، عناوینی است که در آیات و روایات برای پوشش زن بکار رفته.

زن باید خود را بنده حق بداند، و نمک حق را نسبت به خود رعایت کند، و رعایت نمک منعم و مالک حقیقی، و رب واقعی، به این است که از عظمت او حساب ببرد، و به قیامت و محاکمات او توجه داشته باشد، و با تمام وجود از فرمانهای حضرتش که در قرآن، و در زبان انبیاء و امامان آمده پیروی کند تا خود و خانواده و جامعه‌اش از مضرات بدحجابی و بی‌حجابی در امان بماند.

وَمَا مِنْ خَافٍ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 475

هر کس از مقام حضرت ربّ ترسید، و خود را از هوا و تمایلات بی‌قید و شرط نگاه داشت، همانا بهشت جای اوست.

متأسفانه عده‌ای از دختران و زنان این زمان در چهار گوشه جهان، از مکتب بی‌بندوباری پیروی می‌کنند، و شهوات و تمایلات خود را آزاد نموده، و سفره‌ای از فساد و افساد پهن کرده‌اند که در تاریخ گذشته سابقه نداشته، و با کمال اسف گروهی از دختران و زنان کشورهای اسلامی و امت رسول حق، از آنان تقلید می‌کنند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در رابطه با این زنان فرموده:

يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ، نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ، مُتَبَرِّجَاتُ، مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتُ، فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتُ، مَائِلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ، مُسْرِعَاتُ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَجِلَّاتُ الْمُحَرَّمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 476

در آخر زمان، و نزدیکی قیامت، که بدترین زمانهاست، زنانی ظاهر می‌شوند با این خصوصیات:

بی‌حجاب و برهنه از پوشش لازم، جلوه دهنده زینت و زیبایی در کوچه و بازار، خارج از دین، داخل در فتنه، راغب به شهوات، سرعت گیرنده

نظام خانواده در اسلام، ص: 477

به سوی لذات، حلال شمرنده محرمات الهی، که این زنان با این اوصاف در جهنم ابدی و دائمی هستند.

نظام خانواده در اسلام، ص: 478

### واقعیتی بخت آور

در روزنامه پرتیراژ کیهان، که شماره آن را به یاد ندارم خواندم:

خانم جوانی، نمونه همانها که در روایت امیرالمؤمنین آمده، بر اثر آزادی از سبک غریبی، و به خاطر آمد و رفت دوستان شوهرش به خانه، و در معرض بودن وی با سر برهنه و بدن نیمه عریان، و رفت و آمد به مجالس مختلط از مرد و زن، با

داشتن يك دختر بچه سه ساله، دل به جوانی بست، و در آرزوی رسیدن به او برآمد، جوان غرق شهوت، و هرزه بی دین، که زن جوان شوهردار بیشتر باعث تحريك او شده بود، به زن گفت این کودک مانع برنامه ماست، باید از میان برداشته شود!!

نزدیک به چهار ماه در رابطه با طفل معصوم بین عاشق و معشوقه از خدا بی خبر، و آن دو حیوان صفت درگیری بود، بناچار مادری که کانون مهر و عاطفه، و منبع رحمت و رأفت آفریده شده، بر اثر شهوت، و میل

به آغوش دیگران هویت مادر بودن را فراموش کرد، و دخترک موطلائی و زیبا و بی گناه را به حمام خانه برد و او را با دست جهنمی خود خفه کرد، تا مزاحم شهوت و شهوترانی از میان برداشته شود، و جوان نامحرم آلوده‌ای برای چند لحظه به کام دل برسد، و زن شوهرداری در کمال بی‌عفتی برای چند دقیقه به لذت جنسی دست یابد، و تا ابد دامن آلوده کند، و شوهر بیچاره را برای همیشه به داغی سوزنده، و مصیبتی جانکاه دچار نماید.

اگر شوهر این زن غیرت به خرج می‌داد، و از اینکه زن جوان زیبایش آزاد در دسترس هر دیده‌ای قرار بگیرد، و همه بتوانند او را در زیبایی و زینت و عشوه‌گری و طنز بی‌بند مانع می‌شد، طفلی بی گناه کشته نمی‌شد، داغی دائمی بر دل پدر قرار نمی‌گرفت، زن شوهرداری دامن عفتش برای همیشه لکه‌دار نمی‌گشت، جوانی بدین صورت به بدبختی و بیچارگی دچار نمی‌شد، و کانون گرم خانواده‌ای جوان و تازه ازدواج کرده از هم نمی‌پاشید، آری حجاب مصونیت است نه محدودیت.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 479

#### دیدگاه برجستگان غرب نسبت به اوضاع جامعه غربی

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 480

بیزرائیلی از نخستوزیرهای دولت انگلیس، کشوری که در صف اول فساد و افساد است در مقاله‌ای نوشت: من در خطر ارتکاب بسی حرکات جنون‌آمیز هستم، ولی می‌کوشم که از یکی از آنها حتماً اجتناب کنم، و قدم در آن نگذارم، و آن ازدواج عشقی است، که در کوچه و بازار، دختری را بینم و خوشم بیاید و بگویم این زن ایده‌آل من است.



نابخردان گوهریایک و باقیمت آفرینش را، از حصار عفت و عصمت، و پوشش و حجاب، به عنوان آزادی بیرون کشیدند، و دست او را در هر برنامه‌ای که شهوات اقتضا کند باز گذاشتند، سپس به عنوان فرار از ازدواج عشقی او را دور انداختند، زیرا مشاهده کردند، این گوهر، قیمت و ارزش خود را از دست داده، و هر لحظه با کسی، و هر زمان در آغوش ناهم‌رمی، و هر آن در برنامه‌ای خلاف عفت و ادب و مخالف وقار و انسانیت دست و پا می‌زند.

خانم الزماری که از شعرا و نویسندگان کشور سوئد است در مقاله مهمی در روزنامه اکسپرس درباره جامعه اروپا نوشته:

مردها وفا و صمیمیت را نمی‌دانند، با حقه‌بازی زنان و دختران را به زانو درمی‌آورند!

باید به این خانم گفت، از زمانی که جنس زن را به جن بی‌عفتی و فضای بی‌بند و باری، و بدحجابی و بی‌حجابی سوق دادید، و او را به عنوان آزادی، به اسارت شهوات و تمایلات بی‌قید و شرط درآوردید، و مردان توانستند او را با بدنی نیمه عریان، و در طنز و عشوه‌گری در هر کجا که خواستند سهل و آسان ببینند، وفا و صمیمیت نسبت به همسر خود و خانه و خانواده را از دست دادند، و تبدیل به افرادی حقه‌باز و مکار و حيله‌گر و کلاهبردار شدند.

عوارض بدحجابی و بی‌حجابی، و آزادی زن در روابط با هر که دلش بخواهد یکی دوتا نیست، و محصولات تلخ این مسئله عددی کامپیوتری است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 481

مردان با دیدن این مناظره دست از همسران خود کشیدند، و به قول معروف از زیر بار مخارج خانه که مسئولیتی بر دوش آنان بود فرار کرده، و برای ارضاء خود روی به بازار آزاد آوردند، و جوانان بی‌زن، چون فرونشاندن شعله شهوت را ارزان دیدند، از تشکیل زندگی و ازدواج سر باز زده، دنبال چشم‌چرانی و صید ناموس مملکت رفتند، بدینگونه نظام خانواده در غرب و در مقلدان شرقی آنان از هم پاشید و اوضاعی شبیه اوضاع جنگل بوجود آمد.

خانم الزماری در مقاله خود اضافه می‌کند: هم‌اکنون در سراسر سوئد دوشیزگانی زیبا هستند، که در آرزوی شوهرند، و بسیاری از آنها اجباراً با مردها دوست می‌شوند.

آری در انتظار شوهرند ولی شوهر پیدا نمی‌شود، چون جوانان به هر شکلی که مایل باشند به جنس زن دسترسی دارند، و خود را نیازمند به ازدواج نمی‌بینند، و بسیاری از مردان زن‌دار هم از زن خود جدا شده، تا آزادانه بتوانند به تمایلات خود پاسخ دهند!!

باز خانم الزیماری می نویسد: من به دختران توصیه می کنم که پیش از ازدواج با هیچ مردی ارتباط برقرار نکنند.

چه درخواست مهمی از دختران دارد، درخواستی که با وضع فعلی زن در جهان، و بی بندوباری مرد در جامعه غربی عملی نیست، جهان اگر بخواهد به صلاح و سداد برسد، باید مقررات شرعی و فطری و انسانی اسلام را در رابطه با زن به اجرا بگذارد، و در رأس همه دستورات، زن را به حجاب و پوشش مناسب بازگرداند، و عفت و عصمت و وقار و حیاء او را به او برگرداند، که در غیر این صورت، راه درمانی برای این همه مفسد خانمانسوز وجود ندارد.

ستمی که غرب به زن روا داشته، در تاریخ بشر نظیر ندارد، نیت و اراده و همت زن را به سوی عشوه‌گری و طنازی، و به بیراهه کشیدن مردان، و جلوه کردن در کوچه و بازار و فساد در شئون حیات، جهت داده.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 482

او را تبدیل به کالای شهوت نموده، و از وجود او برای تولید مال و ثروت، و ارضاء شهوات بهره‌برداری می کند.

علی (علیه السلام) در نهج البلاغه فرموده:

انَّ الْبَهَائِمَ هُمُّهَا بُطُوهَا، وَانَّ السَّبَاعَ هُمُّهَا الْعُدْوَانُ عَلَىٰ غَيْرِهَا، وَانَّ النِّسَاءَ هُمُّنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْقِسَادُ فِيهَا، انَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكِينُونَ، انَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ، انَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 483

همت حیوانات شکم، و همت درندگان مخاصمه و دشمنی با غیر، و همت زنان آرایش زندگی و فساد در دنیا است.

این مردان و زنان باایمانند که تسلیم اوامر پروردگازند، و اهل رأفت و مهربانی، و خداترس هستند.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 484

برنامه‌ای از حضرت حسین (علیه السلام)

نقل شده، حضرت حسین قبل از رفتن به میدان به حضرت زینب فرمود، تمام زیورآلات زنان را جمع کن، چون من شهید شدم و دشمن به جانب خیمه‌ها آمد، آنها را بسوی آنان بریز، این دنیا داران بی‌خبر، و

مادیگرایان بدبخت وقتی مشغول جمع کردن آنها شدند، شما در محل امنی پناه بگیرید تا از دید نامحرم دور باشید!!

می‌گویند به وقت حمله یزید با چوب خیزران به لب و دندان حضرت حسین (علیه السلام)، کنیزی در دستگاه او حضرت زهرا (علیها السلام) را پریشان و غصه‌دار در خواب دید، که سخت از یزید و عمل او شکایت می‌کند، کنیزك از خواب پرید، و به خاطر ترس و وحشت و اضطراب و دستپاچگی بدون مقنعه و چادر، به مجلس یزید آمد و فریاد برداشت، یزید وقتی او را به این حال دید با عباى خود او را پوشاند و عریده زد، که چرا با سر و صورت برهنه به مجلس نامحرم در آمدی؟!

چقدر عجیب است که یزید بی‌دین، شرابخوار، سگ‌باز، میمون‌باز طاقت سربرهنه بودن کنیز خود را نداشت، و با عباى خود او را پوشاند و از مجلس نامحرم دور کرد، ولی عجیب‌تر از او مردانی هستند که

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 485

نسبت به ناموس خود غیرت نشان نمی‌دهند، و او را با روی باز و موی باز و در حال آرایش به همه جا می‌فرستند و با خود به همه جا می‌برند!!

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره غیرت فرمود:

إِنَّ الْعَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 486

غیرت از ایمان انسان به خدا و روز قیامت است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَيُّورٌ يُحِبُّ كُلَّ عَيُّورٍ وَمِنْ عَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرِهَا وَبَاطِنِهَا.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 487

همانا خداوند غیور است، و هر غیوری را دوست دارد، و از غیرت اوست که زشتی‌های ظاهر و باطن را حرام کرده است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 488

### حجاب و نظریاتی از نظر قرآن

بدحجابی و بی‌حجابی کاری بسیار زشت و مفاسدش فراوان است، حرمت بدحجابی و بی‌حجابی از غیرت خدا است، خوشا به حال انسانی که به دنبال حق نسبت به ناموسش غیرت نشان دهد.

از آنجائی که مرد و زن از رفت و آمد در کوچه و بازار، و خانه اقوام و شرکت در اجتماعات، و مدارس و دانشگاهها برای تحصیل علم، و سفرهای زیارتی و سیاحتی چاره‌ای ندارند، جهت حفظ سلامت فکری و روانی و قلبی مرد و زن، یک دستور واجب در رابطه با زنان، و یک فرمان واجب در رابطه با هر دو در قرآن مجید آمده.

اما در رابطه با زنان:

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَإِيْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 490

ای پیامبر، به زنان و دختران خود، و به تمام زنان اهل ایمان بگو خویشتن را به چادر بپوشانند، تا به پاکی و عفت شناخته شوند، و از تعرض چشم چرانان، و هوسرانان مصون مانده، آزار نبینند، خداوند در حق عبادش آمرزنده و مهربان است.

اما در رابطه با مرد و زن:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 491

و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهنّ و يحفظن فروجهنّ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 492

ای رسول من مردم مؤمن را بگو، چشم از نگاه به نامحرمان بپوشند، و اندام شهوت را از حرام الهی حفظ کنند، که اینگونه عمل کردن، برای آنان پاکیزه‌تر است، همانا خدا بر هر چه انجام دهید آگاه است.

و ای نبی من، به زنان باایمان بگو دیده از نگاه ناروا بپوشند، و اندام خود را از عمل زشت حفظ نمایند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: عیسی به اصحابش گفت:

إِيَّاكُمْ وَالتَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ، وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً، طُوبَى لِمَنْ جَعَلَ بَصَرَهُ فِي قَلْبِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْ بَصَرَهُ فِي عَيْنِهِ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 493

بر حذر باشید از نگاه آلوده، که در زمین قلب میل به حرام می‌کارد، و برای نظرانداز فتنه ایجاد می‌کند، خوشا به حال کسی که دیده‌اش را در دل قرار داده، و دیده سر را برای امور لازم قرار داده.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلَّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 494

چیزی در بدن کم شکرتر از چشم نیست، آن را از خواسته‌اش محروم کنید، که شما را از یاد خدای بزرگ باز می‌دارد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

لِكُلِّ عُضْوٍ حُطٌّ مِنَ الزُّنَا، فَالْعَيْنُ زِنَاهُ التَّظْرُ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 495

برای هر عضوی بهره‌ای از زنا هست، و زنا‌ی چشم، دیده دوختن به نامحرم است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 496

هنگامی که به فرموده قرآن دختر شعیب به پدرش در رابطه با موسی گفت:

يَا اَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ اِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْاَمِينُ.

پدرم او را اجیر کن، همانا از نظر قدرت و امانت بهترین کسی است که اجیر می کنی.

به او گفت: دخترم آری این جوانی پر قدرت است، قدرتش را از کنار زدن آن صخره بزرگ دانستی، امین بودنش را از کجا شناختی؟

گفت: پدر، از پیش روی او به جانب خانه می آمدم، به من گفت از دنبال من حرکت کن، اگر راه را به خطا رفتم تذکر بده، ما مردمی نیستیم که از پشت سر، زنان را با دیده خود دنبال کنیم.

نظام خانواده در اسلام، ص: 497

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ مَلَآ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامٍ مَلَآ اللّٰهُ عَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ اِلَّا اَنْ يَتُوبَ وَيَرْجِعَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 498

هر کس دیده اش را از حرام پر کند، خداوند در قیامت دیده اش را از آتش پر نماید، مگر اینکه توبه کند، و از عمل خود برگردد.

رسول الهی از حضرت حق نقل می کند:

النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ، مَنْ تَرَكَهَا مِنْ مَخَافَتِي اَبْدَلْتُهُ اِيْمَانًا يَجِدُ خَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 499

نظر حرام، تیری مسموم از تیرهای ابلیس است، هر کس از ترس من دیده از نامحرمان بپوشد، به جای آن ایمانی به او بدهم که لذت آن ایمان را در قلب خود بیابد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 500

#### محرمان زن از نظر قرآن مجید

کتاب خدا که کتاب هدایت، و مایه سعادت، و سازنده شخصیت، و آورنده خیر دنیا و آخرت برای مردم است، در یک آیه آنان را که به زن محرم هستند معرفی می‌کند، تا برای زنان روشن باشد در مقابل چه کسانی آزاد، و در برابر چه افرادی باید زیبایی و زینت خود را بپوشانند.

... و لا یبدین زینتهنّ الا ما ظهر منها، ولیضربن بجمره علی حیوھنّ و لا یدین زینتهنّ الا لبعولتهنّ، او آبائهنّ، او آباء بعولتهنّ، او ابنائهنّ، او ابناء بعولتهنّ او اخوانهنّ او بنی اخوانهنّ او بنی اخواتهنّ، او نسائهنّ او ما ملکت ایمانهنّ او التّابعین غیر اولی الإربہ من الرجال او الطفل الذین لم یظہروا علی عورات النساء، و لا یضربن بارجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ و توبوا الی اللہ جمیعاً ایّہ المؤمنون لعلکم تفلحون.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 501

و زینت و آرایش خود، جز آنچه قهراً ظاهر می‌گردد، برای بیگانگان و نامحرمان آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را با مقنعه بپوشانند، و زینت و جمال خود را آشکار و ظاهر نمایند جز برای:

### نظام خانواده در اسلام، ص: 502

1 شوهران 2 و پدران 3 و پدران شوهر 4 و پسران خود 5 و پسران شوهر 6 و برادران خود 7 و پسران برادر 8 و پسران خواهر 9 و زنان امت 10 و کنیزان ملکی خود 11 و مردانی که به زنان هیچ رغبتی ندارند 12 و یا کودکی که هنوز آگاهی بر مسائل زنان ندارد، از غیر اینان احتراز لازم، و

پوشش و حجاب واجب است، و در هنگام حرکت آنگونه پای بر زمین نزنند، که زینت پنهان پایشان از جانب نامحرمان دانسته شود، ای اهل ایمان همه شما به درگاه حق توبه کنید تا همای فلاح و رستگاری و پیروزی را در آغوش بگیرید.

زنان مسلمان، دختران امت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) به خاطر دنیا و آخرت خود، فرامین حکیمانه حق را گردن نهید، و مردان باغیرت، و جوانان بزرگوار ناموس خود را از تعرض هوس‌بازان، با پوشش اسلامی، و حجاب قرآنی حفظ نمائید، بگذارید همسران همسر شما باشد، نه اینکه همگان از جمال و زیبایی و زینت و بدن او لذت ببرند، که این خلاف غیرت، و جوانمردی و اخلاق و شرف، و وجدان و مروّت است.

(ما اصابك من حسنه فمن الله وما اصابك من سيئه فمن نفسك)

«نساء/79»

نظام خانواده در اسلام، ص: 503

#### 14 امنیت در زندگی

امنیت در زندگی ...

نظام خانواده در اسلام، ص: 504

#### خوبیها و بدیها

انسان موجودی مرکب از عقل و قلب و نفس و جسم است.



برای هر يك از نواحی وجود انسان خوبیها و بدیهائی وجود دارد، همه خوبیها از جانب حق، و تمام بدیها سرچشمه‌اش خود انسان است.

از جانب وجود مقدسی که در قرآن مجید به اوصافی چون رحیم، رحمن، رب، ودود، غفور، کریم، لطیف، رؤوف، باری، مصوّر، قدوس، عزیز، یاد شده جز خیر و خوبی و رحمت و برکت صادر نمی‌شود.

جهل و حقد و حسد و کینه و کم‌ظرفیتی، و حرص و طمع، و سستی و تنبلی، غیر از بدی و شرّ و خسارت و زیان محصولی ندارد.

معرفت و دانش، بصیرت و بینش، حداقل به اندازه‌ای که چرخ زندگی را بگرداند، و حیات باطنی و ظاهری را غرق نور و روشنائی کند، و امور زن و فرزند را اداره نماید، و دیدی صحیح نسبت به هستی و عالم

### نظام خانواده در اسلام، ص: 505

وجود، به انسان بدهد، کسبش برای انسان از جهتی واجب عینی و از جهت دیگر واجب کفائی است.

تحصیل مسائل اصولی مانند معرفت به حق، علم به قیامت، شناخت نبوت و ولایت، امری ضروری و واجب عینی است، کسب مسائل فقهی، و علوم مادی در حدّ نیاز واجب کفائی است.

علم‌ودانش، معرفت و بینش، لقمه‌لذیذ، و خیر و خوبی پرقدرتی است که حضرت حق همراه با توفیق لازم برای رشد و کمال عقل و قوه درك انسان قرار داده است.

عقل که خود خیری از جانب حق است، وقتی با خیر دیگر که توفیق و معرفت است رفاقت کند، دریائی از نور در باطن وجود، بوجود می‌آید که این نورانیت و صفا، قسمتی از امنیت باطن را تأمین می‌کند، و این امنیت بطور طبیعی از جانب انسان به زن و بچه سرایت می‌نماید، و آنها هم در جنب انسان از نعمت آرامش باطن برخوردار می‌گردند، و در نتیجه فضای زندگی به نور آرامش تا حدی منور می‌گردد.

دانش دین به اندازه‌ای که واجب عینی است، و دانش فقه یعنی آگاهی به حلال و حرام، و دانش مادی به مقداری که لازم است، در درجه اول برای سرپرست خانواده، که اداره امور زندگی به دست اوست ضروری است، و در مرحله بعد در سایه مرد خانه که تحقق قسمتی از زمینه‌های لازم به عهده اوست، برای زن و فرزند، تا در مملکت کوچک خانه ملّتی

بامعرفت و باینش و بابصیرت، و آگاه و بیدار در کنار هم زندگی کنند، و از شرّ جهل و زیان بی سوادی، و خسارت نفهمی درامان باشند.

آری معرفت به اندازه سعه وجودیش امنیت ایجاد می کند، و جهل و بی سوادی زیان و خسارت.

نظام خانواده در اسلام، ص: 506

### جهل و بی سوادی

روایات بسیار مهم اهل بیت، جهل را مرگ معنوی، زیانبارتر از لقمه مضر در بدن برای زندگی، بیماری و رنج، کشنده و لغزش آور، و به بار آورنده بدبختی ابدی، و فاسد کننده معاد، و ریشه فساد در

نظام خانواده در اسلام، ص: 507

تمام امور، و معدن شر، و دشمن خطرناک انسان، و علّت کفر و ضلالت، و مانع قبول موعظه و نصیحت، و موجب افراط و تفریط می دانند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

الْجُهْلُ مَوْتُ ...، الْجُهْلُ دَاءٌ وَ عِيَاءٌ، الْجُهْلُ يُرِي الْقَدَمَ، الْجُهْلُ يُفْسِدُ الْمَعَادَ، الْجُهْلُ اصْلُ كُلِّ شَرٍّ، الْجُهْلُ مَعْدِنُ الشَّرِّ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 508

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نشانه های جاهل را پرسیدند پاسخ داد:

أَنْ صَحِبْتَهُ عَنَّاكَ، وَأَنْ اِعْتَرَلْتَهُ شَتَمَكَ، وَأَنْ اِعْطَاكَ مَنْ عَلَيْكَ، وَأَنْ اِعْطَيْتَهُ كَفْرَكَ، وَأَنْ اسْرَزْتَ إِلَيْهِ خَانَكَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 509

اگر با او معاشرت کنی ترا به رنج و زحمت اندازد، اگر از او کناره گیری نمائی ترا سرزنش می کند، اگر چیزی به تو ببخشد منت می نهد، و اگر به او ببخشی ناسپاسی می کند، و اگر اسرار را نزد او بگذاری خیانت میورزد!!

خود به حساب برخیزید که اگر سرپرست خانواده دچار جهل باشد، و از مسائل معنوی و اصولی، و برنامه های مادی و ظاهری خالی باشد، چه منبعی برای اضطراب و ناامنی، و آزار و اذیت، و رنج و عذاب، در خانه و بیرون خواهد بود؟

مال و ثروت، خانه و زندگی، زن و فرزند، در کنار جاهل، با خطر و زیان، و خسارت و ناامنی روبرو هستند.

اصرار اسلام به کسب معرفت، و تحصیل بینش و بصیرت در امور معنوی و مادی به اندازه ای که لازم است، برای ایجاد امنیت در باطن و ظاهر است، و به خاطر این که زن و فرزند بی گناه انسان، در کنار انسان از آرامش برخوردار باشند، و از جانب انسان ضربه و ضرر و خسارت و زیان نبینند، و به دنیا و آخرت آنان لطمه وارد نگردد و هیولای شقاوت چنگ به گلوئی آنان نیندازد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 510

در آثار اسلامی آمده، مسیح با تمام وجود در حال فرار بود، آشنائی از او علت فرار را پرسید، فرمود از دست جاهل فرار می کنم.

آری با تمام وجود از دست جاهل و جاهل به پیروی از نبوت، و برای تأمین سعادت دنیا و آخرت باید فرار کرد.

جاهل با داشتن کیمیا فقیر، و آگاه و عالم در کنار فقر ثروتمند است.

گر کیمیا دهندت بی معرفت گدائی\*\*\* و معرفت دهندت بفروش کیمیا را

### نظام خانواده در اسلام، ص: 511

به فرموده قرآن مجید دانایان، با نادانان در هیچ زمینه مساوی نیستند.

هل یستوی الذین یعلمون، والذین لایعلمون.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 512

و به فرموده رسول اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) روزی که بر من برسد، و دانش و علمی که مرا به مقام قرب حق برساند به من اضافه نشود، در آن روز دمیدن روز بر من مبارک نیست.

اذا اتی علیّ یومٌ لا یردّ فیهِ علماً یفرّینی الی الله تعالی فلا یرکّ لی فی طلوع الشمسِ ذلک الیوم.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 513

و نیز آن حضرت فرمود:

قلْبٌ لیس فیهِ شیءٌ من الحکمه کبیت خرب، فتعلّموا و علّموا و تفقّهوا و لا تموتوا جهلاً فإنّ الله لا یعذر علی الجهل.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 514

قلبی که چیزی از حکمت در آن نیست چون خانه‌ای خراب است، یاد بگیرید، و یاد بدهید، و بفهمید، جاهل از دنیا نروید، همانا خداوند در قیامت جاهل را معذور نمی‌داند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کتاب باعظمت غررالحکم دانش و معرفت را بدین صورت وصف می‌کند:

### نظام خانواده در اسلام، ص: 515

علم پیروزی می‌آورد، دانش سدی در برابر آفات و حوادث است، معرفت بالاترین بی‌نیازی است، دانش چراغ عقل، دلیلی نیکو، برترین هدایت، زیبایی آشکار، بهترین انیس، شریفترین حسب، گمشده مؤمن، راهبر حلم، بامنفعت‌ترین گنج، شریفترین حقیقت است.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در يك جمله تمام واقعیاتی که در دنیا و آخرت محصول علم و معرفت است بیان فرموده:

الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 516

دانش و بینش، بصیرت و معرفت سر تمام خوبیهاست.

علی (علیه السلام) ثروت مادی و معرفت را با هفت فرق اصولی می شناساند.

1 دانش و بینش میراث انبیاء و ثروت و مال میراث فراعنه است، علم با انفاق کم نمی شود، مال با خرج شدن رو به نقصان می رود، ثروت نیاز به نگهداری دارد، معرفت از انسان نگهداری می کند، دانش همراه انسان به آخرت منتقل می گردد، ثروت در دنیا بجا می ماند، بدست آوردن مال برای همگان میسر است، دانش و معرفت و نورانیت و بصیرت مخصوص مردم مؤمن است، تمام مردم در امر دین محتاج صاحب علم و بی نیاز از صاحب ثروتند، دانش عبور از صراط قیامت را تقویت، و ثروت جلوی انسان را برای حساب پس دادن می گیرد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 517

کشتی خالی در میان دریا با خطر موج گرفتگی، شکستن، گم شدن، سرنگون شدن روبروست، کشتی پر و سنگین موج شکن، راهرو، مطمئن و همراه با امنیت، و در مسیر به مقصد رسیدن است.

کشتی خالی مثل انسان جاهل، و کشتی پر مثل انسان بینا و آگاه و بصیر و با معرفت است.

باطنی که به نور توحید منور است، قلبی که به حقیقت مطمئن است، دلی که در گرو قیامت است، و می داند آن روز، روز

فمن يعمل مثقال ذرّة خیراً یره، و من يعمل مثقال ذرّة شراً یره.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 518

است، انسانی که خود را در دنیا مسافر می‌داند، و آخرت را خانه ابدی برای حیات اخروی، آدمی که تمام نعمت‌های حق را امانت به حساب می‌آورد، و خود را نسبت به هر نعمتی موظف و مسئول می‌داند، انسانی که زن و فرزند، خانه و تجارتخانه، ثروت و مال همه و همه را داده حق می‌بیند و خلاصه رابطه‌اش با تمام برنامه‌ها از طریق معرفت است چگونه رفتار می‌کند؟

رفتارش عین حکمت، کردارش عین نورانیت، حرکاتش محض حقیقت، و برخوردش با همه چیز بخصوص با زن و فرزند بر اساس صلاح و سداد و رأفت و رحمت، و اصالت و کرامت است، از چنین انسانی در خانه و

خانواده و در خارج از خانه، دریا دریا امنیت و آرامش می‌ریزد، و همه در کنار او مطمئن و راحت و با آرامش و همراه با اعتماد زندگی می‌کنند، و اسلام مرد خانه، شوهر زن، و پدر فرزندان را اینگونه می‌خواهد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 519

#### قلب منبع حقایق

در آثار اسلامی تعابیر عجیبی از قلب شده: حرم خدا

، چشمه

، امام

، سلطان

، ظرف

، و اوصافی به قلب نسبت داده شده: سلامت، مرض، پاکی، خباثت، نرمی، درشتی، نورانیت، کوری، سرنگونی، اقبال، ادبار، حیات، مرگ، گشادگی، ختم، طبع، زیغ، قسوت، این تعابیر در قرآن مجید و در کتبی همچون کافی، شافی، بحار،

وسائل، مستدرک، تحف العقول، روضه الواعظین، محجّه البیضاء، آمده است، و برای هر کدام از این کلمات معنایی ذکر شده.

واقعاً قلب ظرف است و ظرفی عجیب، اگر در این ظرف، ایمان به حق و قیامت، پاکی، نورانیت، حیات، خوف از عذاب، خشیت، اخلاص، رقت، رأفت، رحمت، محبت، عشق جای داده شود، صاحب آن از آرامش و اطمینان و امنیت برخوردار خواهد بود، و کلّ کسانی که با او در ارتباطند در امنیت و سلامت و راحت خواهند بود، و اگر این ظرف جایگاه طمع، بخل، حرص، حسد، کینه، نفاق، کفر، شرک، قساوت، بدگمانی، و امثال این اوصاف شود، دارنده چنین قلبی موجودی خطرناک مضرّ، آلوده،

### نظام خانواده در اسلام، ص: 520

پلید، ستمکار خواهد بود و احدی در کنار او امنیت نخواهد داشت. باید به جوانانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند گفت: اگر قلب خود را آلوده به این صفات زشت می‌بینید، در صدد اصلاح آن برآئید، سپس ازدواج کنید، تا دختری که با هزار آرزو از خانه و دیار خود و از آغوش پرمهر مادر و پدر خویش دست برمی‌دارد و به خانه شما می‌آید و پس از مدتی هم از شما بچه‌دار می‌شود، تا آخر عمرش در کنار شما احساس امنیت و آرامش کند، و بتواند بخوبی به شوهرداری، و بچه‌داری مشغول باشد، خانه ناامن، و انسان مخرب امنیت، جهنم و عذاب جهنم است، و وای بر مردی که همسر و فرزندان از دست او در امان نباشند، و دائم به تلخی و ناراحتی بگذرانند، و وای بر زنی که شوهر و فرزندان از دست او در زحمت و رنج باشند، و او بدون پروای از حق محیط خانه را تبدیل به

محیط وحشت و اضطراب کند، و وای بر فرزندی که پدر و مادر از دست آنان راحت نیستند، و در کنار آنان امنیت ندارند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) عقیده دارد، اگر انسان قلب را به حق متصل نکند، و آنرا ظرف ایمان و عشق و محبت به حق قرار ندهد، بلاهای عجیبی به سر صاحبش می‌آورد، در صورت دلگرمی به ذلت طمع دچار شود، و اگر به هیجان طمع آلوده گردد بر اثر هجوم حرص هلاک شود، و اگر به دلسردی گراید، غصّه او را می‌کشد، و اگر مورد غضب قرار بگیرد آتش غیظ شعله‌ور شود، و اگر به خوشنودی بنشیند، خودنگهداری را فراموش می‌نماید، و اگر دچار ترس شود، عمرش به پرهیز هدر رود، و اگر در امنیت گشایشی یابد، غرور وجود او را به غارت برد، و اگر به مصیبتی دچار آید، از خود بیخود شدن او را رسوا نماید، و اگر مالی به دست آرد، غنا و دارائی او را به طغیان آلوده نماید، و اگر فقر به او حمله

کند، بلا و ناراحتی سرگرمش کند، و اگر گرسنگی به او فشار آورد، ضعف وی را زمین گیر کند، و اگر در سیری افراط کند، شکم‌پرستی راه نفس بر او ببندد، که هر کمی برای چنین انسانی زیانبار و هر اضافه‌ای برای او فسادآور است.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 521

کلام عجیبی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در رابطه با سلامت و بیماری قلب نقل شده:

فِي الْإِنْسَانِ مُضْعَةٌ إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَصَحَّتْ سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ، فَإِذَا سَقَمَتْ سَقَمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَ هِيَ الْقَلْبُ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 522

در انسان پاره‌گوشتی است، که اگر سالم و صحیح باشد، بقیه جسم سالم، و اگر بیمار باشد سایر اعضا و جوارح بیمار است و آن پاره‌گوشت جز قلب چیزی نیست.

و نیز آن حضرت فرمود:

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 523

إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْأَرْضِ أَوَانِيَّ الْأَوْهَى الْقُلُوبُ، فَاحْبُبْهَا إِلَى اللَّهِ ارْقُهَا وَاصْنَفْهَا وَاصْلُبْهَا، ارْقُهَا لِإِخْوَانِ، وَاصْنَفْهَا مِنَ الذُّنُوبِ، وَاصْلُبْهَا فِي ذَاتِ اللَّهِ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 524

برای خداوند در زمین ظرفهائی است، بدانید که آن ظرفها قلوب است، محبوبترین آن قلوب، نرمترین و صافترین و محکمترین آنهاست، نرمترین دل نسبت به برادران ایمانی، صافترین آنها از گناه، و محکمترین قلب نسبت به حضرت حق.

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) کلام بسیار بسیار مهمی در رابطه با سلامت قلب روایت شده:

لَا يَسْلَمُ لَكَ قَلْبُكَ حَتَّى تُحِبَّ لِلْمُؤْمِنِينَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 525



قلبت برای تو سالم نمی‌شود، مگر برای مردم مؤمن دوست داشته باشی آنچه را برای خودت دوست داری.

چه راه عجیبی برای سلامت دل پیشنهاد شده، چه سخن نورانی و حکیمانه‌ای از سر حلقه اولیاء و عاشقان نقل شده؟!

آری انسان اگر برای دیگران آنچه را برای خود می‌خواهد بخواند، دل به تدریج از تمام رذائل و آلودگیها پاک می‌شود، و تبدیل به قلب سلیم می‌شود.

در این وقت عرصه‌گاه قلب از ایمان و عشق و رأفت و رحمت و کرامت و اخلاص موج می‌زند، و همگان بخصوص زن و بچه در کنار انسان از خیر دنیا و آخرت بهره‌مند می‌شوند.

جوانانی که ازدواج نکرده‌اند اگر در قلب خود عیب و نقص می‌بینند، به اصلاح آن قیام کنند، ورنه پس از ازدواج زن و فرزند را دچار ستم می‌کنند، و مردانی که ازدواج کرده‌اند، اگر در فضای دل خود تیرگی رذائل را مشاهده می‌کنند، به علاج آن برخیزند، و گرنه زن و فرزند از آنان در امان نخواهند بود، و این حقیقت را همه بدانند، که عذاب برزخ

### نظام خانواده در اسلام، ص: 526

دامنگیر آن مردمی است که زن و فرزندشان در جنب آنان به خاطر آلوده بودن به کزخلقی و سوء عمل، در راحت و امنیت نبودند.

عقل اگر با دانش تغذیه شود، و قلب اگر به اخلاق الهی متخلق گردد، نفس نورانی، و تمام حرکات جسم عرشی و ملکوتی گشته، و آدمی تبدیل به منبع خیر و چشمه فضیلت، و مولد امنیت می‌شود، در این زمینه به آیه‌ای از کتاب حق قرآن مجید دقت کنید:

الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن و هم مهتدون.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 527

آنان که ایمان آوردند، و ایمان خود را که حقیقتی قلبی است به ستم نیالودند، برای آنان ایمنی است، و هم اینان بسر منزل سعادت هدایت شده‌اند.

آری چنانکه در اول بحث گفته شد، تمام خوبیها از خدا، و همه زشتی‌ها از خود انسان است.

با روی آوردن به حق به وسیله انبیاء، قرآن، امامان، عالمان ربانی، و بکارگیری قوای ظاهری و باطنی، می توان تمام خوبیها را کسب، و زشتیها را از صفحه وجود زدود.

چون خوبیها کسب شد، وظیفه انسان است خوبیها را تا جائی که قدرت دارد به دیگران بخصوص به زن و فرزند منتقل کند، که بی تفاوتی در این زمینه گناهی بزرگ و موجب عقاب حق است.

ائمه ما فرموده اند نه با زبان بلکه با اعمال خود برای دیگران سرمشق شوید، که هرگاه هر کس زیباییها و جمال باطن را در انسان ببیند، مشتاق کسب آن می شود.

مرد خانه باید برای همسر و فرزندان حجت خدا باشد، مرد خانه باید در خانه اسوه حسنه باشد، مرد خانه در خانه باید الگوی زیباییهای معنوی و اخلاقی و عملی برای زن و فرزند باشد، و مرد خانه اینگونه نمی شود، مگر اینکه عقل و قلب و نفس و جسم را تا جائی که قدرت

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 528

دارد از علم و اخلاق و صافی و پاکی و تقوا و درستی و عمل صالح تغذیه کند، تا خانه اش و اهل او شعبه ای از خانه اهل بیت، و جلوه ای از اولیاء حق شود.

اینجاست که ضرورت شرکت در مجالس مفید مذهبی، و رفت و آمد به مساجد، و همنشینی با فقیه در دین و عالم ربانی حس می شود، که دوری از این واقعیات منشأ تشدید جهل، و ظهور بیماریهای قلبی، و انحرافات نفسی و عملی است.

با جلوه وحی در قرآن، و آثار نبوت انبیاء و امامت امامان در کتابهای پرارزش و محکم، و با بودن این همه مساجد و مجالس مذهبی، و در

اختیار بودن عالمان ربانی برای پیمودن راه خدا و طریق سلامت، و رسیدن به کمالات و تحصیل خیر دنیا و آخرت، برای احدی در پیشگاه خدا، در دنیا و برزخ و محشر عذر و حجّتی نخواهد بود.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 529

## عذاب در عرصه گاه قیامت

آتش فردا، افروخته شده جهل، و فساد قلب، و انحرافات عملی است.

این خدای مهربان نیست که عذاب را اجباراً برای هر کس خواسته اراده کند، این گناه و زشتی و رذائل اخلاقی است که در آخرت به صورت عذاب و آتش ظهور می کند، و وجود گناهکار را اسیر خود می نماید.

اگر گناه و معصیت، و انکار و کفر، و عناد با حق نبود، از عذاب برزخ و قیامت هم خبری نبود.

در دعای شریف کمیل آمده:

به طور قطع و یقین می دانم اگر حکم تو به عذاب اهل انکار و خلود معاند و دشمن در جهنم نبود، تمام آتش را سرد و سلامت می نمودی، و برای احدی در عذاب جا و مقام نبود، ولی قسم یاد کردی که جهنم را از کافران، و ناسپاسان پر کنی.

بنابراین مردم هستند که با آلوده شدن به گناه و معصیت، برای خود عذاب فراهم می کنند، نه خداوندی که رحمت و عفو و مغفرت و کرم

## نظام خانواده در اسلام، ص: 530

است، و برای آراسته شدن بندگانش به حسنات که نتیجه اش امنیت دنیا و آخرت است تمام وسائل لازم را فراهم آورده است.

در هر صورت مرد و زن سعی کنند با کمک ایمان و اخلاق و عمل صالح و صفا و وفا، و راستی و درستی، و حلم و صبر، و حوصله و بردباری امنیت قابل قبولی در زندگی دنیا برای خود و فرزندان شان، و ارحام و اطرافیان شان فراهم کنند، تا به سبب این امنیت در روز قیامت هم از امنیت و آرامش برخوردار شوند، که به فرموده رسول حق:

الدُّنْيَا مَرْعَى الْأَخِيرَةِ.

دنیا کشتزار آخرت است.

و به فرموده حضرت باقر (علیه السلام)

وَلَنِعَمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 531

و هر آینه دنیا نیکو منزلی برای اهل تقوا است.

اهل تقوا از تمام برنامه‌های دنیا توشه آخرت می‌سازند، و با دنیای خود، آخرت خویش را آباد می‌کنند، در دنیا خوش و در آخرت خوشتر هستند.

عبدالله ابن یغفور که از شخصیت‌های کم‌نظیر اسلامی است می‌گوید: به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتم ما عاشق دنیا هستیم، حضرت فرمود با دنیا چه می‌کنید، گفتم از آن برای ازدواج، حج، خرجی زن و بچه، رسیدگی به برادران مؤمن، و صدقه دادن استفاده می‌کنیم، حضرت فرمود: این از دنیا نیست، از آخرت است.

ملاحظه کنید اهل ایمان و تقوا، تجارت و کسب و زراعت و درآمد دارند، ازدواج می‌کنند، خانه و زندگی را به نحو احسن اداره می‌نمایند، به مردم رسیدگی می‌کنند، به سفرهای زیارتی می‌روند، صدقه می‌پردازند

### نظام خانواده در اسلام، ص: 532

و خلاصه دنیا را در فضائی از سلامت و امنیت و ایمان و اخلاق خوش می‌گذرانند، و به دنبال آن از آخرتی خوشتر و بهتر بهره‌مند می‌شوند.

ای کاش همه خانه‌ها دارای امنیت و سلامت بود، ای کاش ایمان و اخلاق و عمل صالح حاکم بر خانه‌ها بود، ای کاش تمام مرد و زن آراسته به حسنات و پیراسته از رذائل بودند، تا برای احدی مشکل پیش نمی‌آمد، و همگان در سایه یکدیگر به سلامت و آرامش زندگی می‌کردند، و از مواهب الهی با لذت و خوشی بهره می‌بردند.

امام ششم (علیه السلام) مؤمن واقعی را در روایتی مهم معرفی می‌کند، که در قسمتی از آن روایت فرموده:

النَّاسُ مِنْهُ رَاحَةٌ وَ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 533

تمام مردم از مؤمن راحت، و خود مؤمن بخاطر ایجاد این امنیت و راحتی، در زحمت است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 534

#### پدران و مادران صالح

زن و شوهری که آراسته به حسنات و پیراسته از سیئات و ردائیل هستند، نسبت به هم منبع آرامش و امنیت، و برای فرزندان خود عامل رشد و کمال و آسایش و راحتند.

هیچ گاه نسبت به نیاز فرزندان، بی تفاوت نیستند، به وقت نیاز به محبت، نیاز به مخارج مادی، نیاز به تحصیل و درس، نیاز به رفت و آمد منطقی، نیاز به گردش و تفریح، نیاز به ازدواج، با کمال محبت و مهر و عاطفه، و وقار و ادب به پاسخ گوئی برمی خیزند، و اگر نسبت به برخی از نیازها امکان نداشته باشند، با اخلاق و حوصله و خوش خلقی و خوشروئی عزیزان خود را قانع می کنند و فرزندان باوقار و باکرامت هم این معنا را از خانواده قبول می نمایند.

فرزندان با اندیشه و درستکار، اگر احیاناً از جانب پدر و مادر به علّت بی توجهی آنان، دعوت به خلاف شدند، با کمال ادب، و رعایت حرمت آنان، از قبول دعوت خودداری می کنند، و خود را در معرض خطا و

### نظام خانواده در اسلام، ص: 535

اشتباه قرار نمی دهند، چنانچه مادری در عهد رسول حق، از مسلمان بودن فرزندش ناراضی بود، و حتی اعتصاب غذا کرد، ولی وقتی شنید خداوند به اسلام فرزندش راضی، و برای ناراضی مادر ارزش قائل نیست، اعتصاب غذا را شکست، و نسبت به فرزند سکوت کرد.

پدران و مادران در صورتی که رسول خدا به جنین سقط شده شما توجه می کند، تا جائی که فرموده به جنین در کنار در بهشت گفته می شود: داخل شو، می گوید، نه تا پدر مادرم پیش از من داخل نشوند وارد نمی شوم

### نظام خانواده در اسلام، ص: 536

، چرا شما از فرزند پرورنده خود، این نعمت و احسان حق به نحو شایسته، در جهات مادی و معنوی جانبداری نکنید؟  
اولادداری و توجه به او، و پاسخ به نیازهای انسانی وی تجارتي است که سود آن در دنیا و آخرت عظیم است.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) (من تزوج لله ولصلى الله عليه وآله بتوجه الله بتاج الملك)

«وسائل چاپ آل البيت، ج 20، ص 51»

نظام خانواده در اسلام، ص: 537

- بقره/ 3.

- ابراهيم / 3234.

- يس / 40.

- آل عمران / 191.

- نجم / 42.

- هود / 56.

- روم / 21.

- فرقان / 54.

- نور / 32.

- هدايه العلم، 651.

- ازدواج در اسلام / 17.

- همان مدرک / 7.

- همان مدرک / 8.

- بحار، ج 103، ص 220.

- بحار، ج 103، ص 219.

- وسائل، ج 14، ص 7.

- ازدواج در اسلام / 14.

نظام خانواده در اسلام، ص: 538

- بحار، ج 103، ص 222.

- مستدرک الوسائل، ابواب مقدمات، باب اوّل.

- بحار، ج 103، ص 221.

- مواعظ عددیه / 180.

- تحریم / 6.

- کافی، ج 2، ص 340؛ محجه البیضاء، ج 5، ص 140.

- نور / 36.

- ازدواج در اسلام / 26.

- بحار، ج 100، ص 221 220.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- ازدواج در اسلام، ص 27.

- همان مدرک.

- نساء/ 28.

- بحار، ج 101، ص 72.

- بحار، ج 101، ص 73.

- بحار، ج 5، ص 157.

- نور الثقلین، ج 5، ص 191، حدیث 19.

- بحار، ج 77، ص 128، روایت 32، باب 6.

- تین/ 4.

نظام خانواده در اسلام، ص: 539

- نمل/ 88.

- سجده/ 7.

- نساء/ 1.

- روم/ 21.

- نجم/ 39.

- بقره/ 229.



- بحار، ج 00، ص 349.

- بقره/ 240.

- بقره/ 241.

- بقره/ 180.

- نساء/ 7.

- نحل/ 97.

- مواعظ العددیه، ص 201.

نظام خانواده در اسلام، ص: 540

- تحريم/ 10.

- انعام/ 151.

- نساء/ 11.

- بقره/ 233.

- قصص/ 7.

- بحار، ج 43، ص 23.

- سفینه البحار، ج 8، ص 580.

- بقره/ 223.

- تفسیر نمونه، ج اول، ص 97.

- وسائل، ج 14، ص 2.

- وسائل، ج 14، ص 11.

- نخل / 58 59.

- قصص / 7.

- بقره / 223.

- بقره / 187.

نظام خانواده در اسلام، ص: 541

- روم / 21.

- روایات نقل شده در وسائل الشیعه باب اولاد.

- همان مدرک.

- بحار، ج 103، ص 218.

- مواعظ العدویه، ص 138.

- روضه کافی، ص 313.

- میزان الحکمه، ج 2، ص 351.

- بحار، ج 77، ص 214.

- مواعظ العدویه، ص 268.

- میزان الحکمه، ج 2، ص 351 352.

- همان مدرک.

- آل عمران/ 56.

- پیشوای شهیدان 328.

- بحار، ج 103، ص 235.

نظام خانواده در اسلام، ص: 542

- رساله توضیح المسائل، آیت الله فاضل لنکرانی، ص 418، مسئله 2236.

- ملك الشعراى بحار.

- اعراف/ 156.

- اعراف/ 23.

- نوح/ 26.

- ابراهيم/ 37.

- قصص/ 24.

- يوسف/ 101.

- انبیا/ 89.

- مؤمنون/ 118.

- آل عمران/ 191.

- مجمع البيان، ج 8، ص 358.

- احزاب / 35.

- میزان الحکمه، ج 9، ص 96.

- بحار، ج 57، ص 299.

- بحار، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، ج 100، ص 245.

- رعد / 21.

نظام خانواده در اسلام، ص: 543

- بحار، ج 77، ص 203.

- میزان الحکمه، ج 6، ص 316.

- ازدواج در اسلام / 18.

- ازدواج در اسلام / 18 19.

- همان مدرک.

- همان مدرک / 20 21.

- همان مدرک / 20 21.

- همان مدرک / 20 21.

- ص / 73، 74.

- اعراف / 13.

- میزان الحکمه، ج 8، ص 298.

- میزان الحکمه، ج 8، ص 302 300.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- بحار، ج 73، ص 231.

- بحار، ج 73، ص 205 201.

- زندگی آیت الله بروجردی نوشته دوانی، ص 79.

- مستدرک الوسائل ابواب مقدمات نکاح، باب 23.

- بحار، ج 103، ص 347.

نظام خانواده در اسلام، ص: 544

- همان مدرک.

- ازدواج در اسلام / 95.

- مجازات نبویه / 182.

- ازدواج در اسلام / 96 97.

- بحار، ج 103، ص 348.

- بینه / 7.

- مؤمنون / 2 9.

- فرقان / 64 74.
- میزان الحکمه، ج اول، ص 333.
- همان مدرک، ص 334.
- بحار، ج 67، ص 293.
- میزان الحکمه، ج اول، ص 330.
- همان مدرک.
- بحار، ج 71، ص 158.
- نور / 26.
- نساء / 3.
- بقره / 221.
- بحار، ج 100، ص 372.
- همان مدرک.
- بحار، ج 100، ص 373.
- نظام خانواده در اسلام، ص: 545
- همان مدرک، ص 375.
- ازدواج در اسلام / 32.
- بحار، ج 100، ص 374.

- بحار، ج 100، ص 373.

- بحار، ج 103، ص 371.

- ازدواج در اسلام / 55.

- بحار، ج 103، ص 235.

- ازدواج در اسلام، ص 54 55.

- همان مدرک.

- بحار، ج 79، ص 142.

- وسائل، ج 17، باب 1، ص 81، روایت 22043.

- بحار، ج 103، ص 232 237.

- همان مدرک.

- ازدواج در اسلام / 75 77.

- همان مدرک.

- بحار، ج 64، ص 198.

- مستدرک کتاب نکاح باب 6 و 8.

- همان مدرک.

نظام خانواده در اسلام، ص: 546

- بحار، ج 100، ص 235.

- بحار، ج 78، ص 327؛ بحار بیروت، ج 75، ص 327.
- بحار، ج 71، ص 173.
- اعراف / 8.
- اعراف / 9.
- آل عمران / 14 17.
- ازدواج در اسلام، ص 45 به نقل از وسائل ابواب مقدمات نکاح.
- بحار، ج 100، ص 240.
- وسائل ابواب مقدمات نکاح، باب 4 بحار چاپ مؤسسه وفا، ج 100، ص 225.
- مستدرک الوسائل، قسمت نکاح، باب 13.
- بحار، ج 100، ص 227.
- همان مدرک.
- ازدواج در اسلام / 47.
- وسائل الشیعه ابواب مقدمات نکاح، باب 36.
- وسائل الشیعه، ابواب مقدمات نکاح، باب 36.
- وسائل الشیعه، ابواب مقدمات نکاح، باب 36.
- ازدواج در اسلام / 49.



- همان مدرک.
- محجه البيضاء، ج 3، ص 54.
- بقره/ 257.
- رعد/ 38.
- بحار، چاپ مؤسسه وفا، ج 100، ص 233.
- بحار، ج 100، ص 237.
- بحار، ج 100، ص 235.
- همان مدرک، ص 231.
- ازدواج در اسلام/ 59.
- بحار، ج 100، ص 232.
- ازدواج در اسلام/ 60.
- بحار، ج 100، ص 236.
- بحار، ج 100، ص 238.
- بحار، ج 100، ص 239.
- ازدواج در اسلام/ 61.
- همان مدرک/ 70.
- بحار، ج 100، ص 238.

نظام خانواده در اسلام، ص: 548

- بحار، ج 100، ص 237.
- ازدواج در اسلام / 67.
- بحار، ج 75، ص 285.
- میزان الحکمه 167 166.
- میزان الحکمه 167 166.
- بحار، چاپ مؤسسه وفاء بیروت، ج 100، ص 349.
- همان مدرک.
- بحار، ج 100، ص 351 350.
- همان مدرک.
- بحار، ج 100، ص 351.
- بحار، ج 43، ص 112 111.
- بحار، ج 100، ص 267.
- بحار، ج 100، ص 266.
- ازدواج در اسلام / 112.
- ازدواج در اسلام / 112.
- ازدواج در اسلام / 114، مستدرک باب نکاح، فصل 31.

- ازدواج در اسلام/ 114، مستدرک باب نکاح، فصل 31.

نظام خانواده در اسلام، ص: 549

- خرما و روغن و کشک یا آرد مخلوط به هم.

- ازدواج در اسلام/ 91.

- بحار، ج 100، ص 280 علل الشرایع، ص 517 514 امالی صدوق ص 566 570.

- بحار، ج 100، ص 285.

- همان مدرک.

- علل الشرایع/ 309.

- بحار، ج 100، ص 287.

- بحار، ج 100، ص 289.

- همان مدرک/ 290.

- همان مدرک/ 290.

- همان مدرک/ 295.

- بقره/ 222.

- میزان الحکمه، ج 5، ص 558.

- همان مدرک.

- نهج البلاغه/ خطبه 160.

- میزان الحکمه، ج 10، ص 92.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

نظام خانواده در اسلام، ص: 550

- همان مدرک.

- میزان الحکمه، ج 10، ص 93.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- میزان الحکمه، ج 10، ص 95.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- میزان الحکمه، ج 10، ص 94.

- میزان الحکمه، ج 4، ص 596.

- بحار، ج 76، ص 131.

- میزان الحکمه، ج 4، ص 597.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- بحار، ج 76، ص 129.

- میزان الحکمه، ج 4، ص 599.

نظام خانواده در اسلام، ص: 551

- همان مدرک.

- بقره/ 172.

- بقره/ 168.

- اعراف/ 31.

- میزان الحکمه، ج 1، ص 117.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- میزان الحکمه، ج 1، ص 117 118.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- وسائل، ج 16، ص 406.

- میزان الحکمه، ج 1، ص 123.

- وسائل، ج 16، ص 520.

- وسائل، ج 16، ص 518.

نظام خانواده در اسلام، ص: 552

- میزان الحکمه، ج 1، ص 125.

- وسائل، ج 16، ص 539.

- بحار، ج 62، ص 324.

- میزان الحکمه، ج 1، ص 116.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- آل عمران/ 159.

- قلم/ 4.

- میزان الحکمه، ج 3، ص 137 138.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- بحار، ج 71، ص 388 389.

- همان مدرک.

- بحار، ج 71، ص 385.

- همان مدرک.

نظام خانواده در اسلام، ص: 553

- بحار، ج 77، ص 58.

- میزان الحکمه، ج 3، ص 149.

- همان مدرک.

- روم/ 21.

- میزان الحکمه، ج 2، ص 205.

- وسائل چاپ آل البيت، ج 16، ص 171.

- میزان الحکمه، ج 2، ص 210.

- کافی، ج 2، ص 199.

- وسائل، چاپ آل البيت، ج 20، ص 22 23.

- همان مدرک.

- آل عمران/ 14.

- وسائل، ج 20، ص 23 24.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- وسائل، ج 16، ص 303 چاپ آل البيت.

نظام خانواده در اسلام، ص: 554

- وسائل، ج 16، ص 304 305.

- همان مدرک.

- انعام/ 160.

- آل عمران/ 134.

- شوری/ 40.

- بحار، ج 71، ص 400.

- میزان الحکمه، ج 6، ص 367.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- میزان الحکمه، ج 6، ص 368 370.

- همان مدرک.

- همان مدرک.



- همان مدرک.

- میزان الحکمه، ج 7، ص 268.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- بحار، ج 2، ص 135.

- بحار، ج 74، ص 230.

نظام خانواده در اسلام، ص: 555

- میزان الحکمه، ج 7، ص 231.

- میزان الحکمه، ج 7، ص 231 230.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- میزان الحکمه، ج 7، ص 232 233.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- کافی، ج 2، ص 110.
- میزان الحکمه، ج 7، ص 236.
- میزان الحکمه، ج 7، ص 236.
- میزان الحکمه، ج 7، ص 414.
- میزان الحکمه، ج 7، ص 414.
- بحار، ج 73، ص 294.
- لقمان / 18.
- نساء / 34.
- انعام / 152.
- بقره / 83.
- طه / 44.
- اسرا / 28.
- فصلت / 33.
- کنز العمال.
- میزان الحکمه، ج 8، ص 434 440.
- همان مدرک.

نظام خانواده در اسلام، ص: 556

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- بحار، ج 77، ص 214.

- میزان الحکمه، ج 2، ص 259.

- نازعات / 40 41.

- وسائل، ج 14، ص 19.

- نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید، ج 9، باب 153، ص 160.

- میزان الحکمه، ج 7، ص 357 358.

نظام خانواده در اسلام، ص: 557

- همان مدرک.

- احزاب / 59.

- نور / 30.

- نور / 31.

- بحار، ج 78، ص 284.

- بحار، ج 104، ص 36.

- بحار، ج 104، ص 36.

- بحار، ج 13، ص 32.

- میزان الحکمه، ج 10، ص 77.

- میزان الحکمه، ج 10، ص 78.

- نور / 31.

- میزان الحکمه، ج 2، ص 154.

- تحف العقول / 28.

- زمر / 9.

- میزان الحکمه، ج 6، ص 449.

- همان مدرک.

- بحار، ج 77، ص 175.

- بحار، ج 1، ص 185.

نظام خانواده در اسلام، ص: 558

- زلزال / 78.

- بحار، ج 70، ص 25.

- میزان الحکمه، ج 8، ص 212.

- بحار، ج 70، ص 53.

- میزان الحکمه، ج 8، ص 216 218.

- همان مدرک.

- بحار، ج 70، ص 52.

- میزان الحکمه، ج 8، ص 216 218.

- همان مدرک.

- بحار، ج 78، ص 8.

- انعام/ 82.

- بحار، ج 73، ص 107.

- بحار، ج 78، ص 37.

نظام خانواده در اسلام، ص: 559

- وسائل، ج 20، ص 14، چاپ آل البیت.

نظام خانواده در اسلام ...

15 جلوه‌های فضیلت در خانواده

خلوص نیت

کلام حکیمانه و مهمی از رسول حق روایت شده که هر کس برای خدا و محض صله رحم ازدواج کند، خداوند فرقتش را به تاج ملائکه آراسته می‌کند.

ازدواج نتایج و محصولات مثبت و فراوانی دارد: انس زن و شوهر به یکدیگر، نجات از تنهایی، زیاد شدن روزی، روشنی چشم دو خانواده، حفظ نصف دین، جلب خوشنودی حق، لذت و بهره جنسی، تجلی فرزند در عرصه گاه زندگی، پیدا کردن پشتوانه و ...

اگر انسان نیت خود را در ازدواج برای خدا خالص کند، علاوه بر این همه بهره و منفعت، به خاطر نیتش دست به عبادتی بزرگ، و طاعتی عظیم زده، که ارزش او را تا حدّ فرشته و ملک بالا می برد، و تاجی همچون تاج ملکوتیان زینده فرقی می گردد.

چرا کاری نکنیم، که نور قبول حق آن را منور کند، و ارزشی مافوق تمام ارزشها به آن بدهد؟

بیائیم از ابتدای کار، بنای ازدواج، و ساختمان تشکیل زندگی را بر پایه اخلاص بنا کنیم.

زن و مرد ما بیایند با تمام وجود به این معنا توجه کنند، تا ظاهر و باطن زندگی به عنایت و رحمت و قبولی خداوند وصل شود.

در کتاب مواظ العددیه از علی (علیه السلام) روایت شده، که هیچ عملی از اعمال انسان، به اندازه عمل قبول شده ارزش ندارد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 560

### اوج خلوص نیت

در این زمینه به داستانی بسیار شگفت آور از موسی بن عمران توجه کنید: زمانی که به دعوت حضرت شعیب، پس از زحمتی که برای آب دادن به گوسپندان او کشیده بود، وارد خانه آن پیامبر بزرگ شد، سفره شام پهن بود، شعیب فرمود ای جوان بنشین و شام تناول کن.

موسی در پاسخ گفت به خدا پناه می برم!

شعیب گفت برای چه؟ مگر تو گرسنه نیستی گفت: چرا، اما می ترسم این شام در عوض آن زحمت من قرار بگیرد، ما اهل بیتی هستیم که چیزی از عمل آخرت را، در مقابل پر بودن زمین از طلای ناب عوض نمی کنیم!!

شعیب به او گفت ای جوان به خدا قسم چنین قصدی در من نیست، من نیت این را ندارم که لقمه سفره من در عوض زحمت تو قرار بگیرد، عادت من و پدراتم پذیرائی مهمان و اطعام طعام بود، پس از این گفتگو، موسی کنار سفره نشست و غذا خورد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 561

#### جلوه‌های فضیلت در خانواده

جداً عجیب است، موسی مدتها بود از مصر بیرون آمده، و بیابان گردی می کرد، در آن مدت غذای مناسب نصیب او نشده بود، از گیاه شیرین بیابان استفاده می کرد، و وقتی وارد بر شعیب شد سفره او را سفره مهیا و مطلوبی دید، در عین اینکه سخت گرسنه بود، از ترس این که مبادا به آن عمل که محض خدا انجام داده بود لطمه بخورد از خوردن غذا خودداری کرد،

اما وقتی از جانب شعیب مطمئن شد، که شعیب هم در پذیرائی از مهمان قصدش لله و نیتش خالص است بر سر سفره نشست!

خلوص شعیب باعث شد که اولوالعزم آینده هشت سال برای او چوپانی کند، و خلوص موسی باعث شد، که شعیب پیامبر پدر زن موسی شود!

#### خلوصی شگفت آور

یکی از علمای بااخلاص و عاشق اهل بیت، که سالها با او انس داشتیم، و از اخلاق و رفتارش درسها گرفتیم برایم نقل کرد، زمانی که از تهران

## نظام خانواده در اسلام، ص: 562

برای تحصیل علوم الهی وارد قم شدم، ریاست حوزه با مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری بود.

پس از مدتی به حاج شیخ معرفی شدم، که در ذکر مصائب اهل بیت و شور و حال وصفی خاص دارم، از من خواست در مواقع معین برای وی متذکر مصائب اهل بیت شوم.

کم کم به این معنا شناخته شدم و افتخار می‌کردم که در صف ذاکران حضرت حسین (علیه السلام) هستم.

روز پنج‌شنبه‌ای مرا به منزل یکی از علمای بزرگ که در پائین شهر منزل داشت بردند، از من درخواست منبر شد، دقایقی در رابطه با چند جمله نهج‌البلاغه درباره مرگ صحبت کردم، صاحب خانه بسیار گریست، تا پایان مجلس هم گریه می‌کرد، از من دعوت شد پنج‌شنبه دیگر هم به آنجا بروم، رفتم، به من گفتند سهل‌تر و عادی‌تر سخن بگو، زیرا این مرد بزرگ وقتی بیاد مطالب هفته پیش می‌افتد به شدت گریه می‌کند، سپس داستانی از اخلاص او برانم گفتند که بخت‌آور بود.

مجرد زندگی می‌کرد، اصرار ما برای ازدواج او فایده نداشت، پس از مدتی به قبول ازدواج تن داد، خانم جوانی که ازدواج نکرده بود به او پیشنهاد شد، يك بار بنا بر اصول فقهی وی را دید، ولی پاسخ او منفی بود، پس از مدتی شنیدیم با بیوه‌ای سیاه‌چهره، زشت و دارای سه فرزند ازدواج کرده است، غرق تعجب شدیم، علت آن را خواستیم، فرمود باکره اول را دیدم، پسندیدم، هر چه کردم نیت خود را در این ازدواج خالص کنم، و به خاطر خدا قدم بردارم میسر نشد، از او گذشتم، این خانم را دیدم، شوهرمرده بود، نان‌آور نداشت، سه یتیم برای او

مانده بود، کسی حاضر به ازدواج با او نبود، در اینجا زمینه خلوص نیت یافتیم، لله ازدواج کردم، بهره واقعی آن در قیامت نصیب می‌شود!!

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

طُوبَى لِمَنْ اخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَ عِلْمَهُ وَ حُبَّهُ وَ بُغْضَهُ وَ اخْذَهُ وَ تَرْكَهُ، وَ كَلَامَهُ وَ صَمْتَهُ وَ فِعْلَهُ وَ قَوْلَهُ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 564

خوشباه حال کسی که عمل و علم و محبت و کینه، و گرفتن و نگرفتن و سخن و سکوت، و حرکت و گفتارش را برای خدا خالص کند.



و نیز فرمود:

الْإِخْلَاصُ أَشْرَفُ نَهَائِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 565

اخلاص شریفترین فرجام است.

و فرمود:

فِي الْإِخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 566

رهائی در اخلاص است.

و فرمود:

الْإِخْلَاصُ مِلَاكُ الْعِبَادَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 567

اخلاص ملاک و قوام عبادت است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

طُوبَى لِلْمُخْلِصِينَ أَوْلِيَاكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى، تَنْجَلِي عَنْهُمْ كُلَّ فِتْنَةٍ ظَلَمَاءَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 568

خوشا به حال مخلصین، آنان چراغهای هدایتند، هر فتنه و تاریکی از آنان زدوده می شود.

امام عسگری (علیه السلام) در ارزش بسیار والای اهل اخلاص فرمود:

لَوْ جُعِلَتِ الدُّنْيَا كُلُّهَا نُقْمَةً وَاحِدَةً وَلَقَمْتُهَا مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ خَالِصًا لَرَأَيْتُ ابْنَ مَقْصَرٍ فِي حَقِّهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 570

اگر تمام دنیا را يك لقمه کنم، و آن را به کسی که به اخلاص، خدا را عبادت می کند بخورانم، نظرم این است که در حقش کوتاهی کرده‌ام.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

اخْلِصُوا أَعْمَالَكُمْ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا خُلِّصَ لَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 571

تمام اعمال خود را برای خدا خالص کنید، همانا خداوند جز آنچه برای او خالص قرار داده شده قبول نمی کند.

علی (علیه السلام) فرمود:

ضَاعَ مَنْ كَانَ لَهُ مَقْصَدٌ غَيْرُ اللَّهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 572

ضایع شد کسی که مقصدی غیر خدا دارد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

تَمَامُ الْأَخْلَاصِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 573

همه اخلاص، پرهیز از همه محرّمات الهی است.

اگر حاکمیت هوا، و شهوات و غرائز، و چشم همچشمی، و دل‌بستگی خارج از حد به امور مادی، و غفلت در کار نباشد، گل اخلاص در هر عملی از گلستان باطن شکوفا می‌شود، و بوی خوشش تمام فضای زندگی را پر می‌کند.

وه که چه نیکوست زندگی زن و مردی که بنای ازدواج را بر پایه اخلاص گذاشتند، و در مسیر زندگی هم در عین همه محدودیت‌ها خلوص را ادامه می‌دهند.

قل انّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 575

ای رسول من اعلام کن، همانا نماز و همه حرکات و زندگی و مرگ من خالص برای خدا است که مالک همه جهانیان است.

ریا و خودنمائی در واجبات موجب بطلان، و در امور مباحه علت کم‌شدن ارزش و قیمت عمل است.

### تقوا و عدالت

زن و شوهر لازم است نسبت به یکدیگر مسائل الهی و دستورات اسلامی را رعایت کنند، رعایت واقعیات امکان ندارد، جز با به‌کارگیری تقوا و عدالت، یعنی پرهیز از سیئات و زشتی‌ها و بدخلقی و رفتار ناپسند، و عدالت یعنی دوری از افراط و تفریط در تمام برنامه‌ها.

ستم به زن از جانب مرد، ستم به مرد از طرف زن به هر اندازه که باشد، گرچه گروهی آن را قابل توجه ندانند قبیح است.

زن از قدرت بدنی و گاهی از توان روحی بالائی برخوردار نیست، مرد باید در برخورد خود با همسرش جهات آفرینشی او را لحاظ کند، چنانچه حضرت حق در پاره‌ای از تکالیف و مسئولیت‌ها، توان و قدرت زن را لحاظ فرموده، و او را معاف نموده است.

جهات ضعف زن، باید با برخوردهای زیبای مرد جبران شود، او در حدی نیست که مرد با وی بچنگد، و خانه را میدان مبارزه و جار و جنجال با او قرار دهد.

در این زمینه به دو روایت بسیار عالی عنایت کنید:

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه‌ای به حضرت مجتبی مسائل مفصل و مهمی را متذکر شدند، از جمله درباره هویت خلقت زن نوشتند:

فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِجَاءَةٌ وَلَيْسَتْ بِعَهْرَمَانَةٍ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 576

همانا زن دسته گل خوشبو است، نه منبع قدرت و نیروی جسمی.

نظام خانواده در اسلام، ص: 577

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

أَكْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ النِّسَاءِ، عَلِمَ اللَّهُ ضَعْفَهُنَّ فَرَحَهُنَّ.

بیشترین اهل بهشت از گروه مستضعفین زنان هستند، حضرت حق آگاه به ضعف آنان بود، به این خاطر در معرض رحمت قرارشان داد.

بنابراین بر مرد است که نسبت به او به پیروی از حضرت حق با رحمت و مدارا، و رأفت و محبت رفتار کند، و در برخورد خود با او حالات جسمی و روحی او را به عنوان اینکه دسته گل خوشبو است رعایت کند، و از افراط و تفریط و ستم در حق او به هر صورت که باشد بپرهیزد، که دستور حضرت حق، آفریننده زن، این است که در حق زنان تقوای الهی را مراعات کنید، و از کنیز خدا

نظام خانواده در اسلام، ص: 578

در منزل خود به نحو شایسته در جهات مادی و معنوی پذیرائی کنید.

اما زن توجه داشته باشد که مرد برای اداره امور خانه، باید متحمل کارهای بسیار سخت، و حادثه‌های فراوان شود، او ناچار است برای راحت بودن زن و فرزند، و گذران امور آنها، در صدد تهیه مسکن و پوشاک و خوراک مطلوب باشد، و این امور تهیه نمی‌شود، مگر با سختی و زحمت و تن دادن به کار، و چشیدن رنج سفر و حضر، و برخورد با این و آن، بنابراین وقتی به خانه می‌آید، زن باید با برخورد کرمانه، و بکارگیری اخلاق حسنه، و پذیرائی از او، و تمکین بی چون و

چرا نسبت به خواسته طبیعی وی، به استقبال شریک زندگی بیاید، و فضای خانه را با رفتار پسندیده، و جلب عواطف شوهر، و لبخند به او، و تشکر از زحمات بیرون او، معطر نماید.

آری تقوا و عدالت، اخلاق حسنه، کردار پسندیده، لبخند رضایت، تشکر از زحمت، حفظ آرامش، پذیرائی شایسته، همه و همه از فضائلی هستند که در طول زندگی باید از مشرق وجود مرد و زن نسبت به یکدیگر طلوع کند، تا عرصه گاه حیات زن و شوهر از برکت این واقعیات نورباران شود.

حسن معاشرت زن با همسرش، و مرد با اهل بیتش، در روایات شیعه فصل بسیار مهمی است، که شماره روایات آن اعجاب انگیز است چه رسد به متن و مفهوم آن سخنان عرشی و ملکوتی.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 579

ستم از جانب هیچیک به دیگری گرچه به اندازه خردل باشد روا نیست، و ستمکار باید بداند عقوبت سختی به انتظار اوست.

مرد مالک زن نیست، تا به هر برنامه‌ای که بخواهد دست بزند، و زن نسبت به شوهر صددرصد آزاد نیست تا هر برنامه‌ای بخواهد پیاده کند برای او بی مانع باشد.

برای هر يك از زن و شوهر از جانب حضرت حق و رسول اسلام و امامان معصوم، وظایف و تکالیفی است، که تنها در چهارچوب آن تکالیف حق برخوردار با یکدیگر را دارند، خارج از حدود الهی و وظائف انسانی و اخلاقی، هر برنامه دیگر ستم و ظلم است، و در دنیا و آخرت دارای عکس العمل می‌باشد.

در رابطه با ستم زن به شوهر و شوهر به زن که کاری شیطانی و بدور از کرامت و فضیلت است روایت بسیار مهمی از رسول خدا رسیده، که توجه به آن جداً واجب است.

مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يُقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَتُرْضِيَهُ وَأَنْ صَامَتِ الدَّهْرَ، وَقَامَتِ، وَاعْتَمَتِ الرَّقَابَ وَانْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَانَتْ أَوَّلَ مَنْ تَرِدُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرِ وَالْعَذَابِ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا ...

### نظام خانواده در اسلام، ص: 580

آن کس که زن آزاردهنده‌ای دارد، نماز و حسنه‌ای از حسنات آن زن قبول حق نمی‌شود، مگر یار و مددکار شوهر شود و رضایت او را جلب کند، آن زن آزاردهنده باید بداند در صورت ادامه آزار اول کسی است که وارد جهنم می‌شود، گرچه تمام روزگار را به عبادت شب سپری کند، و بنده در راه خدا آزاد نماید، و مال و ثروت در راه خدا انفاق کند، سپس رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

چنین عذاب و وزر و وبالی هم برای مرد هست اگر همسرش را اذیت کند، و به او ستم روا بدارد، چنین مردی اگر عمر روزگار روزه باشد، و شبها را به عبادت صبح کند، و در راه حق بنده آزاد نماید، و اموالش را فی سبیل الله انفاق کند، اول کسی است که از گروه عاصیان و ستمکاران وارد آتش می‌شود!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 581

چنین زن و مردی باید بدانند، که حضرت حق در قرآن مجید نسبت به ستمکار اعلام نفرت نموده، و او را از دایره محبت و عشقش طرد کرده:

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 582

خداوند ستمکاران را دوست ندارد.

زن و مرد به این واقعیت توجه داشته باشند که ستم تنها ستم بدنی و آزار جسمی نیست نگاه غضب‌آلود، کم‌محلی، بدخلقی، گفتن سخن زشت، درشت‌گوئی، فحش، تحقیر، عدم تمکین، همه و همه از مصادیق ظلم و ستم است.

زنی که به مرد خود ستم می‌کند، مردی که همسرش را مورد ستم قرار می‌دهد، مسلمان واقعی نیست. و از دایره هدایت خارج، و در جنزار گمراهی غرق است.

بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالْعَبْدِ سَبْعُ عِقَابٍ، أَهْوَتْهَا الْمَوْتُ قَالَ أَنَسٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا اصْعَبُهَا؟ قَالَ: الْوُقُوفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِذَا تَعَلَّقَ الْمَظْلُومُونَ بِالظَّالِمِينَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 583

بین بهشت و عبد هفت گردنه وجود دارد، آسانترینش مرگ است، انس به حضرت گفت: سخت‌ترین آن کدام است؟ فرمود: ایستادن در پیشگاه خدا، زمانی که مظلومان گریبان ستمکار را بگیرند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

يُنْسَ الزَّادُ إِلَى الْمَعَادِ، الْعُدْوَانُ عَلَى الْعِبَادِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 584

توشه بدی به سوی معاد است، ستم بر بندگان.

الظُّلْمُ يُزِلُّ الْقَدَمَ، وَ يَسْلُبُ النَّعْمَ، وَيُهْلِكُ الْأُمَّةَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 585

ستم قدم را می‌لغزاند، نعمت را سلب می‌کند، ملت‌ها را هلاک می‌نماید.

مولا فرمود:

به خدا قسم اگر هفت اقلیم را به من بدهند، تا خدا را با گرفتن پوست جوی از مورچه معصیت کنم، قبول نخواهم کرد، و این ستم را بر آن

حیوان روا نخواهم داشت، رسول خدا از خوردن آنچه مورچه با دهان و دست و پایش حمل می‌کند نهی فرمود.

نظام خانواده در اسلام، ص: 586

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّهُ ظَلَمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 587

از ستم پرهیزید، همانا ستم تاریکیهای روز قیامت است.

مردی به رسول حق گفت دوست دارم روز قیامت در روشنائی و نور محشور شوم فرمود: به احدی ستم مکن، قیامت در نور محشور شو.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

كُلُّ ظَلَمٍ الْحَادِّ وَ صَرَبُ الْحَادِمِ فِي غَيْرِ ذَنْبٍ مِنَ ذَلِكَ الْأَحَادِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 588

هر ستمی کفر است، و زدن خدمتکار بی گناه از این کفر است.

#### چهره‌های بافضیلت

مردان مؤمن و زنان مؤمنه را ویژگیها و خصوصیتی است که آثار عملی آن خصوصیات، در زندگی آنان جلوه می کند، و باعث شیرینی

نظام خانواده در اسلام، ص: 589

زندگی، و لذت بردن از حیات، و موجب پیدا شدن نسلی پاک و علت آبادی آخرت آنان است.

والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و يطيعون الله و رسوله اولئك سيرحمهم الله ان الله عزيز حكيم.

نظام خانواده در اسلام، ص: 590



مردان و زنان باایمان دوستدار یکدیگرند، امر به معروف می‌کنند، و از کار زشت باز می‌دارند، اقامه نماز می‌نمایند، و زکات پرداخت می‌کنند و حکم خدا و رسول را اطاعت می‌کنند، اینان را خداوند مشمول رحمت خود نماید، همانا خداوند عزیز و حکیم است.

من فکر می‌کنم از مجموعه آیات قرآن در رابطه با اهل ایمان، همین يك آیه برای شناخت باطن و ظاهر آنان کافی است. چنین مردان و زنانی وقتی با یکدیگر زندگی مشترک تشکیل دهند، زندگی آنان مجموعه‌ای از نور، صفا، پاکی، خیر و برکت، صدق و راستی خواهد بود، مرد در این زندگی مرد ایده‌آل و زن در این زندگی زن ایده‌آل، و حیات آنان حیات طیبه، و دنیا و آخرتشان آباد است.

مرحوم مجلسی می‌فرماید: بودند مردانی که وقتی برای کسب و کار می‌خواستند از منزل خارج شوند، زن و بچه آنان می‌گفتند:

إِيَّاكَ وَكَسْبَ الْحَرَامِ.

از اینکه وارد کسب حرام شوید، بپرهیزید، پوشاک و خوراک و نفقه ما را بمانه قرار ندهید، تا مجوزی برای تحصیل حرام شود.

فَأَنَا نَصِيرٌ عَلَى الْجُوعِ وَالضَّرِّ وَلَا نَصِيرٌ عَلَى النَّارِ.

ما بر گرسنگی و سختی طاقت می‌آوریم، ولی بر عذاب قیامت صبر و طاقت نداریم.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 591

راستی چه فضیلتی از این بالاتر، صبر و استقامت بر مشکلات و سختی‌ها، به قیمت حفظ خود از عذاب روز قیامت!

من خودم بزرگواری را دیده بودم، که با لحن نرم، و کلامی لین هر چند وقت يك بار، زن و فرزند خود را از درخواست‌های بیش از طاقت اقتصادی خود منع می‌کردند، و به آنان وعده می‌دادند در زمان گشایش کار، به خواسته‌های آنان پاسخ دهند، و زن و فرزند آنان هم تسلیم شده، و از آزار روحی مرد و در فشار گذاردن او خودداری می‌کردند، بر این اساس يك زندگی آرام، الهی، نورانی و باصفا را می‌گذرانند.

خدایچه کبری زنی بود، که در ایام سختی و شدت با همسر باکرامتش ساخت، و با رنج و غصه او شریک بود، و آنچنان با حضرت زندگی کرد، که پیامبر پس از مرگ او هر وقت از او یاد می کرد برایش طلب رحمت می نمود و اشک از دیده می ریخت.

او در ابتدای ازدواج با رسول حق، تمام ثروت کلان و کم نظیر آن روز خود را نثار قدم پیامبر کرد، و آن حضرت به تدریج آن ثروت را در راه

حل مشکلات نیازمندان و حرکت آئین حق خرج نمود، چیزی از آن اموال باقی نماند، خدیجه در اواخر عمر همراه همسرش در خانه ای محقر، کم اثاث، و در عین سختی و شدت زندگی کرد، تنها حرفی که به شوهر باکرامتش در آن روزگار سخت زد، در لحظات پایان عمر بود، و آن این بود که با اشک دیده از حضرت پرسید: آیا خداوند از من راضی است؟ امین وحی نازل شد، عرضه داشت ای رسول اسلام خداوند فرمود سلام مرا به خدیجه برسان و رضایت من را از او اعلام کن، خدیجه فوق العاده خوشحال شد و به پیامبر عرضه داشت: الآن زندگی و مرگ برای من بسیار شیرین است.

وقتی فاطمه زهرا که در آن وقت بیش از چهار سال نداشت، جای خالی مادر را در خانه دید، از پدر مهربان پرسید: مادرم کجاست؟ رسول حق پاسخ داد با ملکوتیان همراه و همنشین است!

آری زن مؤمنه که آثار ایمانش در اعمال و اخلاقش آشکار است، موجودی ملکوتی و عرشی، و منبع رضایت و خوشنودی حق، و چشمه فضائل و کمالات است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 592

داستانی آموزنده

پدر و مادر مادرم نزدیک به هفتاد سال با یکدیگر در کمال صفا و سلامت، و صدق و درستی، و ایمان و اخلاق زندگی کردند.

در واجبات و مستحبات اصرار عاشقانه داشتند، از نماز شب و قرائت قرآن، و زیارت ائمه، و برگزاری مجالس مذهبی، و مهمانداری، و حل مشکلات مردم، و سرکشی به اقوام، و نماز جماعت تا روزهای پایانی عمر غافل نبودند، چنانکه پدر و مادر پدرم به همین صورت و شدیدتر بیش از پنجاه سال در کنار یکدیگر زیستند.

اوائل محرم در ایام عزاداری سید مظلومان نزدیک اذان ظهر مادر مادرم با توجه به واقعیات الهیه از دنیا رفت، در حالی که پدر مادرم در سلامت و صحت بود.

پس از دفن مادر مادرم، فرزندان و اقوام در صدد نوشتن اعلامیه جهت ختم بودند، پدر مادرم به آنان گفت زحمت نوشتن اعلامیه و برگزاری

ختم را به خود ندهید، صبر کنید من هم فردا شب پس از نماز عشا از دنیا می‌روم برای هر دوی ما یکجا مجلس برگزار کنید!!

همه نگران شدند، آنان را دلداری داد، برای کسی قابل باور نبود، ولی فردا شب پس از سلام نماز، با حضرت حق راز و نیاز کرد، عرضه داشت یا رب وعده دادی که به فریاد نیازمند برسی و اکنون که مسافر قیامتم نیازمندم، مرا کمک کن، سپس کلمه طیبه را گفت و در کنار سجاده نماز از دنیا رفت.

هر دو را در يك قبر دفن کردند، شیئی او را در عالم رؤیا زیارت کردم به او گفتم کجائید پاسخ داد سه روز من و همسر در محلی که دفن شدیم مستقر بودیم، پس از آن ما را به محضر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) بردند، و الآن در فضای ملکوتی برزخ زندگی خوشی داریم!

#### واقعه‌ای عجیب

در ایام کودکی و نوجوانی به دنبال حالات دینی پدرم، و برخوردهائی که آن بزرگوار با اهل علم و مسجد و مجالس مذهبی داشت، عاشق عالم ربانی و مسجد و مجالس الهی شدم، رفت و آمدم به مراکز مذهبی، و

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 593

نشست و برخاستم با عالم واجد شرایط، در دوران طاغوت که کشور، و درصدی از مردم بخصوص جوانان غرق فساد بودند، برای من و شکل‌گیری باطنم بسیار مؤثر بود، بر اساس همان مایه‌ها که از خانواده و مسجد و عالم ربانی گرفتم در

سنین 16 و 17 در سال 42 با عشقی خالص به سوی حوزه علمیه قم کشیده شدم، و طبعاً در حوزه علمیه قم برخورد وسیعتری با علم و عالم پیدا کردم.

در ایام تحصیل علوم اسلامی به دیدار اهل حال، و چهره‌های برجسته موفق شدم، به یاد ندارم داستان شگفتی که می‌خواهم نقل کنم از کدام عالم شنیدم، ولی داستانی جالب و آموزنده است، و نشانگر موقعیت فکری و روحی زن، آنگاه که خاک وجودش با باران ایمان و اخلاق حسنه و عمل صالح عجین شود.

آن بزرگ‌مرد می‌گفت: سازنده مسجد گوهرشاد، در کنار مرقد مطهر حضرت رضا (علیه السلام)، که از بامنفعت‌ترین مساجد روی زمین است، و شبانه‌روز هزاران رکعت نماز، و هزاران بار زیارت در آن

خوانده می‌شود، و دهها مجلس درس جهت تعلیم علوم اسلامی و تربیت عالم ربانی در آنجا برپا می‌گردد؛ زن باکرامت، باسواد، متدیّنه، اندیشمند و پاکدامنی بود.

پیش از ساختن مسجد به معماران و دست‌اندرکاران گفت اولاً از محل آوردن مصالح ساختمانی تا مسجد جهت حیواناتی که بناست حمل مصالح کنند ظرف‌های آب و علف بگذارید، مباد که حیوانی در حال گرسنگی و تشنگی حمل بار کند، که این پسند خدا و وجدان نیست، صاحبان مراکب حقّ زدن حیوانات را ندارند، ساعات کار باید معین باشد، اما نسبت به بنا و کارگر، رأفت و محبت اعمال کنید، مزد آنان را مطابق زحمتشان بدهید، با زبانی نرم و لینّ به وقت نیاز به تذکر، به آنان تذکر دهید، دل کسی را مرنجانید، خانه‌های اطراف را به قیمت بخرید، چراکه می‌خواهیم خانه عبادت و مرکز زیارت، و محل درس و بحث علوم الهی بسازیم، مباد که ذره‌ای ستم به حیوان و انسانی برسد، که به ارزش عمل و قیمت کار لطمه خواهد خورد!!

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج‌البلاغه فرموده:

نظام خانواده در اسلام، ص: 594

فَأَنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ.

همانا همه شما در برابر قطعات زمین و چهارپایان مسئول هستید.

آن عالم می‌گفت: اغلب اوقات گوهرشاد خانم به مسجد جهت سرکشی و دستورات لازم می‌آمد.

روزی یکی از کارگران به طور ناگهان چهره او را دید، دل بسته به او شد، جرأت اظهار نمود، موقعیت به نظرش خطرناک می نمود، گوهرشاد خانم همسر شاهرخ میزرا و عروس تیمور کورکانی بود، این دلبستگی و علاقه جا نداشت، ولی کارگر ساده این مسائل برایش مفهوم نبود.

مریض شد، در گزارش کار روزانه مسجد از بیماری آن کارگر که در خانه ای خرابه با مادرش زندگی می کرد آگاه شد، به عیادت او رفت، بیمار در بستر بیماری با رنگ پریده و ضعف حال ناله می کرد، پس از احوالپرسی و اصرار نسبت به علت بیماری، بناچار مادر آن کارگر ساده

که ساده تر از فرزندش بود مسئله را فاش کرد، گوهرشاد خانم بدون اینکه خشمگین شود، و از موقعیت بالای مملکتی خود استفاده نماید از مادر کارگر جوان سخت گلایه کرد و سپس به او گفت من حاضرم پس از جدائی از همسرم با او ازدواج کنم، ولی باید قبل از این برنامه مهر و صداق مرا بپردازد، صداق و مهریه من این است که این جوان چهل شبانه روز در محراب این مسجد نیمه کاره خدا را عبادت کند.

شنیدم رهروی در سرزمینی \*\*\* چنین گفت این معما با قرینی

که ای صوفی شراب آنکه شود صاف \*\*\* که در شیشه بماند اربعینی

جوان پذیرفت، چند روزی از پی هیجان عشق و دلبستگی عبادت کرد ولی پس از آن با عنایت حق و توجه حضرت رضا (علیه السلام) تغییر حال داد، واقعیتی که گوهرشاد خانم به آن واقف بود.

پس از چهل روز از حال او جویا شد، به فرستاده گوهرشاد خانم گفت:

اگر لذت ترك لذت بدانی \*\*\* دیگر لذت نفس لذت نخوانی

### نظام خانواده در اسلام، ص: 595

می توانیم فضای خانه را با بهره گیری از ایمان به خدا و توجه به قیامت، و به کارگیری اخلاق حسنه و رفتار پسندیده جلوه گاه فضائل معنوی و آثار الهی و انسانی کنیم، و این برنامه سختی نیست، که توفیق خدا یار هر کس شود، طی راه هرچند برای دیگران از سخت ترین امور باشد برای او آسان خواهد بود.

(یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالا طیبا)

و لا تتبعوا خطوات الشيطان ...)

«بقره/ 168»

## 16 اسلام و مسائل مادی خانه و خانواده

### خیر و شر ثروت

نیاز انسان به مال و ثروت، جهت اداره امور زندگی علی‌الخصوص با مسئولیت سنگینی که از جانب زن و فرزند بر عهده اوست نیازی صد در صد طبیعی است.

ثروت و مال، کسب و تجارت، به خودی خود و بدون اتصال به انسان رنگی از خیر و شر ندارد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 596

به عنوان مثال، آهن از اموال است، خاصیت شکل‌گیری دارد، انواع وسایل را از آن می‌سازند، ولی تا در اختیار بشر نباشد ماده‌ای است بی‌خیر و شر، وقتی در اختیار انسان مؤمن، باادب، باوقار، باکرامت قرار بگیرد خیر است، و زمانی که به دست فردی شریر، بی‌تربیت، غافل، هواپرست بیفتد شر است.

آهن را وقتی ابن‌ملجم به دست بگیرد امام موحدان، مولای عاشقان، معلم عارفان را در شب قدر، کنار محراب مسجد از پا درمی‌آورد، و مصداق شقی‌ترین اشقیای می‌شود، پس آهن در دست او به خاطر وضع باطنی او منبع شر و فساد و خسارت است، خسارتی که قابل جبران نیست.

آهن وقتی در اختیار امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرار بگیرد، موجب بقای دین و گسترش هدایت می‌گردد، و ثواب يك بار بکارگیری آن به فرموده رسول حق برتر از عبادت جن و انس می‌شود:

ضَرَبُهُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخُنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ.

پول و مال‌التجاره برای مردم مؤدب به آداب الهی، و عاشقان حضرت حق، سکوی پرواز به سوی ملکوت، و وسیله رسیدن به قرب حق، و

موجب صلوات و رحمت پروردگار، و علت جلب ثواب عظیم و بهره ابدی است.

آری مؤمن که متصف به جود و کرم، سخاوت و رأفت، و متخلق به اخلاق حق است مال برایش مال‌التجاره آخرت، و مرکب حرکت به سوی نعم ابد حق، و مورث خیر دنیا و آخرت است.

مگر نه اینکه در سوره مبارکه بقره، حضرت حق از مال باقیمانده انسان مؤمنی که از دنیا رفته تعبیر به خیر بجا مانده می‌کند؟

نظام خانواده در اسلام، ص: 597

آری جلوه ایمان مؤمن، و کرامت و سخاوت و رحمت و رأفت او، ثروت و مالش را به عنوان خیر بجا مانده قرار می‌دهد، که يك سوم آن مطابق وصیتش باید در راه خیر، و دو سوم دیگرش برابر با آیات قرآن در اختیار وارث اوست.

نظام خانواده در اسلام، ص: 598

در توضیح آیه شریفه: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً.»

نظام خانواده در اسلام، ص: 599

حضرت صادق (علیه السلام) فرموده:

اسلام و مسائل مادی خانه و خانواده ...

رِضْوَانُ اللَّهِ وَالْجَنَّةُ فِي الْآخِرَةِ، وَالسَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَالْمَعِاشِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 600

خیر و خوبی آخرت رضای حق و بهشت، خیر و خوبی دنیا زیادی رزق و معاش و حسن خلق است.

بر این اساس پول و مال، ثروت و مکتب کارگاه و کارخانه‌ای برای تولید رضای حق و بهشت عنبرسرخشت جهت مردم مؤمن است.

چراکه مؤمن از طریق کسب مشروع، و رعایت مسائل فقهی، و گریز از معاملات حرام، و پابرجائی در معاملات حلال و خلاصه در سایه طاعت حق پول به دست می‌آورد، و آن را در نفقه واجب زن و فرزند، پرداخت حقوق واجبه حق مانند خمس و زکات، کمک به سائل و محروم، دستگیری از ضعیف و مظلوم، یاری به اقوام و آشنایان بکار می‌برد.

بکارگیری مال به دست آمده از راه مشروع، در این امور طبیعی و شرعی در حقیقت طاعت و عبادت، و به فرموده قرآن مجید خیر دنیا و آخرت است، و به همین سبب است که در کتاب خدا از مال و ثروت تعبیر به خیر و حسنه شده، و کسب و خرجش برای مؤمن عبادت حق، و موجب اجر عظیم و ثواب بی‌بایت است.

نظر وجود مبارك امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره ثروتی که به دست مردم بی‌دین، و اسیر هوای نفس است شنیدنی است:

الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ، الْمَالُ نَهْبُ الْحَوَادِثِ، الْمَالُ يُقْوَى الْأَمَالَ، الْمَالُ سَلْوَةُ الْوَارِثِ، الْمَالُ يُكْرِمُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 602

مال اصل شهوات، تاراج حوادث، تقویت کننده آرزوها، سرگرمی وارث است، مال در دنیا دارنده‌اش را رفعت می‌دهد، و در آخرت او را پست می‌نماید.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِنَّ الدِّينَارَ وَالذَّرْهَمَ أَهْلَكَمَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَهُمَا مُهْلِكَاكُمْ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 603

طلا و نقره، گذشتگان شما را هلاک کرد، و شما را هم هلاک می‌کند.

إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ عِجْلًا وَعِجْلًا هَذِهِ الْأُمَّةِ الدِّينَارُ وَالذَّرْهَمُ.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 604



برای هر امتی گوساله‌ای است، و گوساله این امت دینار و درهم است.

آری مردم ضعیف‌الایمان در کنار مال دچار شهوات حرام، هیجان آرزوها، خزی دنیا و آخرت، و به تعبیر رسول اسلام گرفتار گوساله‌پرستی در قیافه مال‌پرستی می‌شوند.

### حلال و حرام

بدون تردید آنچه که محصول زحمت انسان، از طریق تجارت و کسب مشروع است، کسب و تجارتي که حضرت حق دستور داده، و تفصیل آن را فقه اهل بیت بیان نموده حلال، و هر آنچه که از راه غیرمشروع، بمانند رشوه، غصب، دزدی، زور، خدعه، حيله، غارت، و ربا به دست می‌آید حرام است.

قدم برداشتن برای تحصیل حلال عبادت و موجب اجر و ثواب و حرکت کردن برای تحصیل حرام، معصیت و باعث عذاب و نفرت خدا است.

اگر کسی از راه حلال سرپیچد، و در طریق حرام گام بردارد، و در برابر نصیحت ناصح بگوید چکنم خداوند برای من اینگونه مقرر کرده، قطعاً به حضرت حق و دستگاه خلقت تهمت زده، و سخنی صد در صد شیطانی به زبان جاری کرده و متوسل به دروغی شاخدار شده است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 605

آیات زیادی در قرآن مجید ناطق به این معناست، که حضرت حق روزی همگان را رزق حلال قرار داده و دعوت به کسب حلال و خوردن حلال فرموده، و برای احدی روزی حرام مقرر ننموده، که منبع حرام انحراف فکری و اخلاقی انسان و ضعف ایمان اوست.

نسبت دادن حرام به حضرت حق نسبتی ناروا، و تهمتی بیجا، و گناهی بزرگ است که عقاب و عذابش در قیامت سخت است.

خلاف عدل و حکمت و رحمت و رأفت است که روزی از جانب حق از منابع حرام اراده شود، ولی دستور اکید او این باشد که از حلال طیب بخورید، می‌دانید که اگر اینطور می‌بود در اراده و دستور او تناقض بود، در حالی که اینطور

نیست، در حریم مقدس او تناقضی وجود ندارد، این انسانهای بی‌خبر هستند که به حضرت او ناجوانمردانه و از پی حماقت و بی‌خبری خود تهمت می‌زنند.

قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ.

أَمَّا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَإِنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 606

ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید، و قدم جای قدمهای شیطان نگذارید، و دچار وسوسه‌های او نشوید، همانا او دشمن آشکار شماست.

او به شما دستور به بدکاری و زشتی می‌دهد، و وادارتان می‌کند از روی جهل و نادانی سخنانی به خداوند نسبت دهید.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ.

و به تحقیق فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و راه به خشکی و دریا را برای آنان باز گذاشتیم، و از پاکیزه‌ها روزی آنان قرار دادیم.

نظام خانواده در اسلام، ص: 607

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

لَيْسَ مِنْ نَفْسِ الْإِلَهِ وَقَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَهَا رِزْقَهَا حَلَالًا يَأْتِيهَا فِي عَافِيَةٍ، وَعَرَضَ لَهَا بِالْحَرَامِ مِنْ وَجْهِ آخَرَ، فَإِنْ هِيَ تَنَاوَلَتْ مِنَ الْحَرَامِ شَيْئًا قَاصَّهَا بِهِ مِنَ الْحَلَالِ الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ لَهَا وَ عِنْدَ اللَّهِ سَوَاهُمَا فَضْلٌ كَبِيرٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 608

انسانی نیست مگر اینکه خداوند روزی و رزق او را از حلال واجب کرده، این روزی حلال در عین عافیت به او می‌رسد، راه حرام ربطی به حق ندارد، مسیر حرام مسیری دیگر، و برنامه آن شیطانی است، انسان اگر چیزی از حرام به دست

آورد، به اندازه آن از رسیدن حلال به او جلوگیری می‌شود، منهای حلال و حرام نزد حضرت حق فضل کبیر برای انسان مقرر شده.

### خود را از حلال محروم مکنید

امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد مسجد شد، به‌مردی فرمود استر مرا نگاه‌دار، آن مرد در نبود حضرت مولا دهنه استر را بازکرد و با خود برد، علی (علیه السلام) درحال بیرون آمدن از مسجد دو درهم آماده فرمود تا به عنوان مزد زحمت به آن مرد بدهد، استر را بدون دهنه دید، دو درهم را به خدمتکارش داد و فرمود دهنه‌ای برای این مرکب بخر، خدمتکار همان دهنه‌بند را از دزد به دو درهم خرید در حالی که او را نمی‌شناخت، آنگاه به محضر علی (علیه السلام) آمد، حضرت تا دهنه را دید فرمود:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَحْرِمُ نَفْسَهُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ وَلَا يَزِدُّهُ عَلَى مَا قُدِّرَ لَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 609

عبد، خود را از رزق حلال به خاطر بی‌صابری محروم می‌کند، ولی از اندازه‌ای که از جانب حق برای او مقدر شده چیزی بیشتر به او نمی‌رسد.

\*\*\*

نظام خانواده در اسلام، ص: 610

### نفقه زن و فرزند را از حلال تهیه کنید

در حلال و حرام يك سلسله آثار ظاهری و باطنی هست که احدی را از ظهور آن آثار، چاره نیست.

در طبیعت حلال رضای حق، نورانیت، تأمین قدرت برای عبادت، نشاط روحی و روانی، صیقل قلب، و شفای درد قرار داده شده، و حرام به طور کامل برعکس حلال است.

از جمله مسائل بسیار مهم فقهی که در قرآن مجید و روایات اهل بیت بطور فوق العاده مطرح است وجوب نفقه زن و بچه می باشد که بر عهده مرد خانه است.

تهیه مسکن، لباس، مرکب، خوراک، در حدّ قدرت برای زن و فرزند، از واجبات الهیه و شرعیّه‌ای است که مرد مکلف به آن واجب است.

در کنار این وجوبی که به عنوان يك تکلیف الهی بر عهده سرپرست خانه است، وجوب دیگری می باشد، و آن وجوب طلب حلال برای مخارج زندگی است.

سرپرست خانه از این دو دستور حق باید با تمام وجود قدردانی کند، زیرا در این دو وجوب هم شکوفائی واقعیات اخلاقی وجود دارد، که این شکوفائی از راه توجه به امور زندگی زن و فرزند میسر است، و هم عبادت بسیار مهم و پرتوایی در برابر انسان است و آن، قدم برداشتن برای طلب روزی حلال است، که نوعی از جهاد در راه خدا است!

وقتی حلال و طیب به زن و بچه برسد، آثار مثبت و ملکوتی آن در وجود آنان ظهور می کند، و از این راه به امنیت و آسایش قلبی و روانی خانواده کمک به سزائی می شود.

\*\*\*

### پیامبر اسلام و مسئله غذای حلال

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 611

در روایتی آمده: شخصی با ظرف شیر خدمت رسول اکرم رسید، عرضه داشت با این شیر افطار کنید، فرمود این شیر از کیست؟ گفت: زنی برای شما هدیه فرستاده، فرمود با ظرف شیر برگرد و از او بپرس این شیر را از کجا تهیه کرده‌ای؟ آن شخص به خانه آن زن رفت و سؤال رسول خدا را مطرح کرد، زن پاسخ داد از گوسپند خودم، مرد به محضر پیامبر آمد و

ماجرا را گفتم، فرمود بازگرد و بپرس آن گوسپند از کجا آمده؟ برگشتو پرسید، زن گفت از زحمت کار و کوشش خودم، آن مرد این معنا را به رسول حق خبر داد، حضرت فرمود: اکنون با این شیر افطار می کنم.

فردای آن روز صاحب ظرف شیر به محضر حضرت آمد، عرضه داشت چه شد این ظرف را شب گذشته چند بار برگردانید؟ فرمود: خداوند متعال به ما پیامبران دستور داده، غیر حلال نخورید!!

کار رسول اسلام باید عبرتی برای تمام مردم مسلمان باشد، به این معنا که در حلال و حرام دقت کافی به خرج بدهند، مبدا برای این دو روزه زندگی زودگذر، با خود وزر و وبالی بردارند، که سبک کردن دوش وجود از آن بسیار سخت یا غیرممکن باشد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 612

جستجوی حلال فریضه‌ای بر هر مرد و زن مسلمان است.

طَلَبُ الْحَلَالِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 613

جستجوی حلال بر هر مسلمانی واجب است.

طَلَبُ الْحَلَالِ جِهَادٌ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 614

جستجو کردن از حلال نوعی جهاد است.

مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا فَتُخِلُّ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 615

آنکس که با عرق جبین و زحمت دست خود حلال بخورد، درهای بهشت به روی او باز می شود از هر دری که خواست وارد می گردد.

الْعِبَادَةُ عَشْرُهُ اجزاء في طلبِ الحلالِ.

عبادت ده جزء است، نه قسمت آن در طلب حلال است.

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

أَنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ اعْظُمَ اجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 616

همانا کسی که از فضل خدا روزی می جوید، تا به وسیله آن خانواده اش را تأمین کند، اجرش از رزمنده در راه خدا بزرگ تر است.

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِعْفَافًا عَنِ النَّاسِ وَسَعِيًّا عَلَىٰ أَهْلِهِ وَتَعَطُّفًا عَلَىٰ جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 617

کسی که در طلب دنیا است، به خاطر اینکه عفت نفسش را در برابر مردم حفظ کند، و خانواده اش راحت باشد و به همسایگانش مهربانی و رحمت ورزد، خدا را در قیامت ملاقات می کند، در حالی که چهره اش مانند ماه شب چهارده است.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ فَيَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضَىٰ بِهِ دَيْنَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 619

خیری نیست در کسی که علاقه به جمع مال ندارد به خاطر اینکه آبرویش را حفظ کرده و قرضش را ادا کند.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ بَاتَ كَالاً مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَعْفُوراً لَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 620

کسی که شب را از خستگی طلب حلال بخوابد، آمرزیده خوابیده.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى عَبْدَهُ تَعَباً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 621

خداوند دوست دارد، بنده‌اش را در زحمت طلب حلال ببیند.

در روایات آمده کمی و زیادی روزی فقط و فقط محض امتحان عبد برای به دست آوردن درجات از جانب خدا است.

آنکه بر کمی و قلت روزی صبر کند، و دست به حرام برای گشایش آلوده نکند، و آنکه بر رزق فراوان شکر کند از امتحان سرپلند بیرون آمده.

نظام خانواده در اسلام، ص: 622

مؤمن به وقت قلت رزق پست نمی‌شود، و به وقت وسعت رزق مست نمی‌کند، آنگاه که کم است به کم حلال می‌سازد، و آن وقت که فراوان است، می‌خورد و می‌خوراند، و در ادای حقوق واجب مالی سرعت به خرج می‌دهد.

\*\*\*

علی را برای زیاد شدن روزی در قرآن مجید و روایات مشاهده می‌کنیم، که اجرای آنها علاوه بر زیاد کردن روزی موجب رشد اخلاقی و عاطفی مردم در خانواده و جامعه است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 623

گنج‌های روزی در عرصه‌گاه گشاده‌خلقی است.

الْعَسْرُ يُفْسِدُ الْأَخْلَاقَ، التَّسَاهُلُ يُدِيرُ الْأَرْزَاقَ.

سختگیری فاسدکننده اخلاق و آسان گرفتن جلب‌کننده روزیهاست.

مُوَاسَاةُ الْآخِ فِي اللَّهِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 624

همیاری و مساعدت با برادر ایمانی روزی را زیاد می‌کند.

اسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 625

امانت‌داری رزق را اضافه می‌نماید.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ أَهْلَ بَيْتِهِ زَيْدٌ فِي رِزْقِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 626



کسی که نیکی و نیکوکاریش با زن و فرزند مطلوب باشد، به رزقش اضافه می شود.

أَنَّ الْبِرَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 627

نیکی به روزی اضافه می کند.

حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 628

اخلاق خوب روزی را اضافه می کند.

عَلِي (عَلِيهِ السَّلَام) فَرَمُود:

اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 629

با صدقه دادن روزی را به سوی خود سرازیر کنید.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

عَلَيْكَ بِالذُّعَاءِ لِأَخْوَانِكَ بِظَهْرِ الْعَيْبِ فَإِنَّهُ يُهَيِّلُ الرِّزْقَ.

پشت سر برادرانت دعا کن، همانا این عمل روزی را برای تو می ریزد.

امام پنجم (علیه السلام) فرمود:

الرَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 630

زکات روزی را اضافه می کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتَهُ زَيْدًا فِي رِزْقِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 631

کسی که نیتش خوب باشد روزیش زیاد می شود.

\*\*\*

### مال حرام

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: خداوند فرموده:

مَنْ مَتَّيَّلًا مِنْ آيٍ بَابِ اكْتَسَبِ الدِّينَارِ وَالذَّرْهَمِ لَمْ يُبَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ آيٍ ابْوَابِ النَّارِ ادْخَلْتُهُ.

کسی که در کسب مال پروا ندارد، از کجا می آورد، من در قیامت پروا ندارم که از کدام در او را وارد آتش کنم!

مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ أَفْقَرَهُ اللَّهُ.

کسی که از غیر حلال به کسب مال برخیزد، خداوند او را دچار فقر می کند.

مَنْ اكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ كَانَ زَادُهُ إِلَى النَّارِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 632

کسی که از غیر حلال کسب مال کند، آنان مال توشه او به سوی جهنم است.

ثروتی که زکات، خمس، حق سائل، حق محروم، و دیگر حقوق شرعی آن پرداخت نشده، حلال مخلوط به حرام است، و تصرف در آن جایز نیست، و خوراندن حرام یا حلال مخلوط به حرام به زن و بچه و دیگران خود معصیتی غیر از معصیت به دست آوردن حرام، یا حبس حقوق واجب است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

شَرُّ الْأَمْوَالِ مَا أُمِّنَّجَ مِنْهُ حَقُّ اللَّهِ سُبْحَانَهُ.

بدترین اموال آن مالی است که حق خدا «خمس زکات» از آن خارج نشده.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

خداوند روز قیامت مردمی را از قبورشان به محشر می آورد، که دستانشان به گردنشان بسته، به اندازه يك مورچه قدرت گرفتن چیزی را ندارند، ملائکه به شدت آنان را سرزنش می کنند، و می گویند: اینان مردمی هستند که خداوند به آنها ثروت عطا کرد، ولی حق خدا را از مال خود به صاحبان حق ندادند.

امام مجتبی (علیه السلام) فرمود:

از نشانه های جوانمردی اصلاح مال است ...

### نظام خانواده در اسلام، ص: 633

برادران عزیز، ای کسانی که امروز عهده دار مخارج مادی و تربیت روحی زن و فرزند هستید، و ای کسانی که فردا تشکیل زندگی می دهید، زن و فرزند از شما طلبکار حق واجب هستند، حقی که در کتب فقهی به عنوان نفقه بحث شده، آنان مسئول کار و کسب و تجارت شما نیستند، و در قیامت در حالیکه از وضع شما خبر نداشتند، کسب حرام مرد خانه را به عهده نخواهند گرفت، جهنم کسب حرام مربوط به کاسب حرام است، که باید دچار دو عذاب شود، عذابی برای کسب حرام، و عذابی برای خوراندن حرام به دیگران، سخت مواظب درآمد خود باشید، به حلال خدا قناعت کنید، از حرام بپرهیزید، حقوق واجب مال را ادا کنید، تا دنیا و آخرت شما آباد شود.

تائب حبیب خدا است

سفری به مشهد مقدس داشتم، يك شب به وقت اذان با مردی برخورد کردم که گوئی سالهاست مرا می شناسد، پس از چند دقیقه صحبت، از من خواست به محلی که مستقر است بروم، با این که اولین بار بود او را می دیدم دعوتش را پذیرفتم، معلوم شد گاهی از مستمعین سخنرانیهای ایام محرم و صفر بوده، او مرا می شناخته ولی من از هویت وی بی خبر بودم.

چند دقیقه ای که از مجلس غایب شد، از شخصی که همراه او بود پرسیدم کیست، وقتی نامش را گفتم او را شناختم، سالهای جوانی و میان سالی مردی بود قوی، پر قدرت، زورگو، در حدی که زورگویان تهران و قلدران و پهلوانان از او حساب می بردند.

در کار مشروب و قاجاق و باج گیری از قمارخانه ها و مشروب فروشی ها بود، کسی در تهران یارای مقابله با او را نداشت، ثروتی کلان از طریق حرام کسب کرده بود، نور الهی به قلبش تابید، توفیق حق رفیق راهش شد، حملات وجدان و فطرت و عقل او را از صولت و سطوت انداخت، تمام املاک و اجناس خود را تبدیل به

### نظام خانواده در اسلام، ص: 634

پول نقد کرد و همه را در چمدانی جای داد، و يك سر به قم به محضر آیت الله العظمی بروجردی رفت، مرجع بزرگ شیعه با چهره باز و لبی خندان پس از اطلاع از وضع وی به وسیله خادمش او را پذیرفت، به آن مرد خدا گفت آنچه در این چمدان است حرام قطعی است، من طاقت حساب و کتاب قیامت را ندارم، این بار سنگین را از دوشم بردار.

آقا به او فرمود اگر قصد توبه واقعی داری لباس از تن بیرون کن و تنها با يك پیراهن و زیرجامه به تهران برگرد. لباس از تن بیرون آورد، مرجع شیعه به شدت متأثر شد، توبه او را جدی یافت، لباسش را برگرداند، از مال خالص خود در آن زمان پنج هزار تومان به او مرحمت فرمود، و وی را به آینده ای روشن، پاك، بابرکت نوید داد.

از حرام با تمام وجود دست کشید، با همان پول پاك به تهران برگشت، تمام بساط گذشته را پایان داد، با آن پول بابرکت مشغول کسب حلال شد، وضعش به سامان آمد، سخت منقلب شده بود، زن و فرزند را در راه حق قرار داد، بنیانگذار یکی از جلسات پربار مذهبی شد، به سال هزار و سیصد و هفتاد و يك به پایان عمر رسید، ساعت دوازده شب جمعه چند لحظه به آخر عمرش مانده بود، با چشمی گریان خطاب به حضرت سیدالشهداء کرد، که قسمت عمده ای از عمرم

را خرج دستگاه شما کردم، در این لحظه حساس به امید عنایت شمام، زن و فرزندش گفتند یکبار به گوشه‌ای از اطاق خیره شد، سلامی عاشقانه به محضر حضرت حسین (علیه السلام) داد، و با لبخندی شیرین جان به جان آفرین تسلیم کرد.

آری عزیزانم راه توبه برای همگان باز است، توبه شستشوی باطن، نورانیت دل، تصفیه اخلاق، پاکسازی ظواهر حیات و اصلاح مال از حرام است، چرا از این تجارت پرسود بهره نگیریم، و چند روزه باقی مانده از عمر را از ظلمت به سوی نور حرکت نکنیم، که داشتن تمام ثروت دنیا به ماندن در فضای معصیت نمی‌ارزد، توبه کنیم که تائب حبیب خداست:

أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ ...

نظام خانواده در اسلام، ص: 635

همانا خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد.

رسول حق فرمود:

لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ أَوْ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ.

چیزی نزد خدا محبوبتر از مؤمن تائب و مؤمنه تائبه نیست!

أَمَّا وَاللَّهِ لِلَّهِ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنَ الرَّجُلِ بِرَأْسِهِ.

به خدا قسم هر آینه خداوند نسبت به توبه بنده‌اش خوشحال‌تر از انسانی است که به زاد و توشه‌اش رسیده.

لِلَّهِ أَفْرَحُ بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنَ الْعَقِيمِ الْوَالِدِ، وَمِنَ الضَّالِّ الْوَاجِدِ، وَمِنَ الظَّالِمِ الْوَارِدِ.

خداوند به توبه بنده‌اش از عقیمی که پدر می‌شود، از گم‌کرده‌ای که گمشده‌اش را پیدا می‌کند، از تشنه‌ای که به آب می‌رسد خوشحال‌تر است.

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ.

توبه‌کننده از گناه همانند کسی است که گناه مرتکب نشده.

علی (علیه السلام) می‌فرماید:

التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ وَتَغْسِلُ الذُّنُوبَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 636

توبه پاک کننده دلها، و شستشودهنده گناهان است.

توبه واقعی دارای آثاری است که رسول اسلام به آن آثار اشاره فرموده، چنانچه آن آثار ظهور کند باید به تحقق توبه یقین کرد، ورنه دوباره باید به نور توبه متوسل شد.

التَّائِبُ إِذَا لَمْ يَسْتَبِينَ أَثَرَ التَّوْبَةِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ: يُرْضَى الْخُصَمَاءُ، وَيُعِيدُ الصَّلَاةَ، وَيَتَوَاضَعُ بَيْنَ الْخَلْقِ، وَيَتَّقِي نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ، وَيُهْزِلُ رَقَبَتَهُ بِصِيَامِ النَّهَارِ.

توبه کننده اگر اثر توبه را ظاهر نکند تائب نیست اثر توبه عبارت است از: جلب رضایت طلبکاران، خواندن نمازهای ترک شده، تواضع و فروتنی در میان مردم، حفظ نفس از شهوات، لاغر کردن بدن به روزه گرفتن.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: توبه مقام علین است، و آن مرگب از شش حقیقت است:

1 پشیمانی از گذشته 2 اراده ترك گناه در آینده 3 برگرداندن حقوق مردم به مردم 4 بجا آوردن واجبات ضایع شده 5 آب کردن آنچه بر بدن در ایام گناه روئیده 6 چشاندن رنج عبادت و طاعت به جسم آنگاه گفتن استغفرالله.

(تعاونوا على البرِّ والتقوى ولا تعاونوا

على الاثم و العدوان واتقوا الله)

«مائدة/ 2»

نظام خانواده در اسلام، ص: 637

### نعمت‌های معنوی

برای پاك بودن، و پاك ماندن، و پاك زیستن، از جانب حق نعمت‌هایی به انسان عنایت شده، که جز حضرت حق احدی ارزش آن نعمت‌ها را نمی‌داند.

قسمتی از این نعمت‌ها عبارت است از عقل، قرآن، نبوت، امامت، عالم ربانی، و مجموعه آثاری که از این منابع به صورت يك سلسله مسائل اعتقادی، عملی و اخلاقی ظهور دارد.

لازم است جهت آگاهی عزیزان به مفهوم و معنای هر يك از این واقعیات، در حد اختصار اشاره شود.

### عقل

مراد از عقل نیروی ادراک است، ادراک حق و باطل در امور نظری، و ادراک خیر و شر و سود و زیان در امور عملی.

این نعمت بی‌نظیر مجهز به حواس ظاهر است، که به وسیله آنها ظواهر اشیاء را می‌فهمد، و مجهز به حواس باطن است، که توسط آنها به امور معنوی و باطنی همچون اراده، دوستی، دشمنی، امید، ترس، و امثال اینها آگاهی می‌شود، و هر يك را به مقتضای حال و زمان بکار می‌گیرد، برای عقل در امور نظری قضاوت نظری و علمی، و در امور عملی، حکم عملی است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 638

فعالیت نورانی عقل تا زمانی است که در مملکت وجود انسان قدرت برتر باشد، و سایر قوا و نیروهای انسان رعیت او باشند، اما اگر قدرتی در کشور وجود انسان مافوق عقل قرار بگیرد، عقل دچار ضعف و ازکارافتادگی می‌شود، و انسان از جاده اعتدال منحرف، و دچار افراط و تفریط می‌شود.

آنان که در امور زندگی دچار افراط یا تفریط هستند، نتیجه غلبه شهوت و غضب و حرص و طمع آنان بر عقل است.

میدان دادن به شهوات، آزاد گذاردن غرائز و امیال، نشست و برخاست با اهل بدعت و معصیت، بی توجهی به واقعیات، عواملی هستند که عقل را دچار ضعف و سستی می کنند، و این نیروی عرشی و نور ملکوتی را از کار می اندازند، با از کار افتادن عقل، تشخیص حق و باطل، و شناخت حقایق معنوی کاری مشکل یا غیرممکن می شود، در این صورت انسان مستحق خزی دنیا و عذاب آخرت می گردد، گرچه با زد و بند و هزار حيله و مکر به خیر مادی برسد، و از شرور ظاهری در امان بماند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 639

اصول معنویت در خانواده ...

کارگردانان جهنم به اهل جهنم می گویند: برای شما پیامبری که شما را از وضع امروز بترساند نیامد؟ می گویند: چرا به تکذیب از او برخاستیم، و قوانین حق را منکر شدیم، سپس به کارگردانان جهنم می گویند:

لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 640

اگر در دنیا به ندای حق گوش می کردیم، و دعوت رسول خدا را می شنیدیم، و در تمام امور زندگی خود تعقل می کردیم، امروز از اصحاب جهنم نبودیم!

تعقل وقتی ممکن است، که نیروی دیگری در وجود انسان حرف اول را نزند، اگر حرف اول با شهوت و هوای نفس باشد عقل برای هدایت انسان قدرت و نیروئی ندارد.

از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال شد، عقل چیست؟ فرمود:

مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَكَتُسِبَ بِهِ الْجِنَانُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 641

چیزی است که به وسیله آن خدا عبادت می شود، و بهشت به دست می آید!

گفتند آنکه در معاویه بود چیست؟ فرمود: زیرکی، شیطنت، چیزی شبیه به عقل نه عقل.



چه نعمت عظیمی است، که در سایه آن انسان بنده حقیقی حق، و کاسب بهشت می‌شود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

هَمَّةُ الْعَقْلِ تَرْكُ الذُّنُوبِ، وَاصْلَاحُ الْعُيُوبِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 643

اراده و همت عقل در وجود انسان ترك گناهان، و اصلاح عیوب ظاهر و باطن است.

نورانیت این نعمت به اندازه‌ای شدید و قوی است که علی (علیه السلام) فرمود:

لَوْ لَمْ يَنْهَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنْ حَرَامِهِ لَوْجَبَ أَنْ يَجْتَنِبَهَا الْعَاقِلُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 644

اگر خداوند از محرّمات نهي نفرموده بود، هرآینه واجب بود عاقل از تمام آنها اجتناب کند.

عقیده حضرت بر این است که این قوه معنوی از درك بسیار بالائی برخوردار است.

در کتاب شریف غررالحکم در باب عقل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده:

الْعَاقِلُ مَنْ عَلَبَ هَوَاهُ وَ لَمْ يَبِيعْ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ، الْعَاقِلُ مَنْ عَصَى هَوَاهُ فِي طَاعَةِ رَبِّهِ، الْعَاقِلُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ إِذَا عَضِبَ وَإِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ، شِيمَةُ الْعُقَلَاءِ قَلَّةُ الشَّهْوَةِ وَقَلَّةُ الْعُقَلَاءِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 645

عاقل کسی است که بر هوای نفسش غالب باشد، و آخرتش را به دنیایش نفروشد، عاقل برای طاعت رب نسبت به هوای نفس عاصی است، عاقل به وقت خشم، رغبت، و ترس مالک خویش است، اخلاق عاقلان شهوت اندک، و کمی غفلت است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَمَّا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ، وَوَلَادِينَ لِمَنْ لَاعَقَلَ لَهُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 646

تمام خیر به وسیله عقل به دست می‌آید، و آنکه عقل ندارد، دین ندارد.

در روایات بسیار مهم آمده، ثواب و عقاب انسان در قیامت منوط به عقل اوست، زیرا عقل ملاک مسئولیت و تکلیف و وظیفه است،

### نظام خانواده در اسلام، ص: 647

و این انسان است که باید در تشخیص حق و باطل و خیر و شر و روی آوردن به واقعیات از عقل استفاده کند، تعطیل عقل گناهی بزرگ و ناجشودنی است.

بر سرپرست خانواده لازم است جهت بهره‌گیری از عقل، که چراغ حق، رسول الهی در باطن، مایه درک حق و باطل و خیر و شر می‌باشد، به حفظ آن از هجوم طوفان شهوات، آمال، غرائز، مفسد بکوشد، و نگذارد عقل خود و خانواده‌اش اسیر هوای نفس و شهوات خارج از حد شود، که از کارافتادن عقل، انسان را از رتبه آدمیت ساقط، و به میدان حیوانیت می‌برد.

در این زمینه از رفت و آمد اهل فساد و بدعت در خانه و خانواده جلوگیری کنید، و از رفتن به خانه اهل فساد نیز خودداری نمائید.

معاشرت و رفت و آمد و مهمانی نمودن و مهمانی رفتن را با اصول عالی اسلامی هماهنگ کنید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 648

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: حواریون به حضرت عیسی گفتند با چه انسانی معاشرت کنیم و نشست و برخاست نمائیم؟

فرمود:

مَنْ يُدْكِرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيَيْتُهُ، وَزَيْدٌ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ، وَ يُرْعِبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ.

کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد، و گفتارش به دانش شما بیفزاید، و عملش شما را به آخرت راغب کند.

امام چهارم (علیه السلام) فرمود:

مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ.

نشستن با بندگان صالح حق کشاننده انسان به سوی صلاح است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

نشستن در خدمت عالم واجد شرایط شما را از پنج برنامه به پنج برنامه می‌رساند:

از شك به یقین، ریا به اخلاص، شوق بیجا به ترس، کبر به فروتنی، غش به خیرخواهی.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

لَا يَأْمَنُ بِمَجَالِسِ الْأَشْرَارِ عَوَائِلُ الْبَلَاءِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 649

جلسات اشرار و بدکاران از آشوب و حوادث ناگوار بلاها درامان نیست.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِيَّاكُمْ وَمُجَالَسَةَ الْمُؤْتَى، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ الْمُؤْتَى؟ قَالَ كُلُّ عَنِّي اطْعَاهُ غِنَاهُ.

از نشستن با اموات خودداری کنید، عرضه داشتند کیانند؟ فرمود: هر ثروتمندی که ثروتش او را به طغیان کشیده.

علی (علیه السلام) فرمود:

جَانِبُوا الْأَشْرَارَ وَجَالِسُوا الْأَخْيَارَ.

از بدان پرهیزید، و با نیکان معاشرت کنید.

اگر حاکمیت عقل را می‌خواهید، خود و زن و فرزند را از برخورد با اشرار، و رفت و آمد با اهل فساد، و غلبه شهوات حفظ نمائید.

امروز از جمله شروری که دامنگیر تمام مردم جهان است، فیلم‌های ویدئویی و کانالهای ماهواره‌ای است، که نشستن در کنار این دو منبع فساد، عقل را فاسد و خصوصیات اخلاقی را خراب، و بنای انسانیت را ویران می‌کند.

نظام خانواده در اسلام، ص: 650

\*\*\*

### قرآن

قرآن کتاب الهی، نور هدایت، شفای سینه از دردهای اخلاقی، راهنما بسوی زندگی برتر، ذکر حق، مفسر حقایق، نظم‌دهنده امور، منبع پند و عبرت، مولد آگاهی و بصیرت، علاج کوردلی، صراط مستقیم، میزان تشخیص حق و باطل، مبین مسائل عالی اخلاقی، نشان دهنده حیات نیکان و پاکان، و حجت حضرت حق در دنیا و آخرت است.

مرد و زن در برابر این نعمت بی‌نظیر الهی مسئول و مکلفند، تکلیف آنان یادگرفتن قرآن و عمل به آیات آن در تمام شئون حیات است.

بی‌تفاوتی نسبت به کتاب خدا گناهی بس بزرگ، و معصیتی بس عظیم است.

قرآن نامه حق بسوی عبد است، که پاسخ این نامه به وسیله عبد واجب است، و پاسخ آن از جهت قلب، آراسته‌شدن به عقاید حقه، و از جهت نفس متّصف‌شدن به حقایق اخلاقی، و از جهت جسم قرارگرفتن در گردونه عمل صالح است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

در هجوم فتنه‌ها که همچون شب تاریک به شما حملهور می‌شود، به قرآن پناه ببرید، و صولت هجوم فتنه را با عمل به قرآن در هم شکنید و مگذارید فضای زندگی با حکومت فتنه تیره و تار شود.

قرآن شفیعی است که شفاعتش در پیشگاه حق قبول، و شکایت کننده‌ای است که شکایتش پذیرفته است.

آنکه قرآن را راهبر خود قرار دهد، از برکت قرآن به بهشت می‌رسد، و هر که نسبت به کتاب خدا بی تفاوت باشد، مسیرش به طرف جهنم است، قرآن دلیل و راهنمای بسوی بهترین راه است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 651

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

أَفْضَلُ الذِّكْرِ الْقُرْآنُ بِهِ تُشْرَحُ الصُّدُورُ، وَ تَسْتَنْبِرُ السَّرَائِرُ.

برترین ذکر قرآن است، با قرآن شرح صدر و نورانیت باطن حاصل می‌گردد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقَّ مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَّكَبِ الْفِتْنَةَ.

کسی که حق را از قرآن نشناخت، از فتنه کناره نگرفت.

علی (علیه السلام) فرمود:

أَنَّ أَحْسَنَ الْقَصَصِ وَأَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ وَأَنْفَعَ التَّذَكُّرِ كِتَابُ اللَّهِ حَلٌّ وَعَزٌّ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 653

همانا نیکوترین داستانها، و بلیغ‌ترین موعظه، و سودمندترین تذکر کتاب خدای بزرگ و عزیز است.

أَنَّ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَالنَّفَاقُ، وَالْعَمَى وَالضَّلَالُ.

همانا در قرآن مجید درمان از بزرگترین دردهاست، و آن کفر و نفاق و گمراهی ضلالت است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

الْقُرْآنُ عَنِّي لَأَغْنِي دُونَهُ، وَلَا فُقْرَ بَعْدَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 654

قرآن ثروتی است که غیر آن ثروتی نیست، و پس از آن فقری نمی باشد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلُمِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 655

سزاوار است مؤمن نمیرد، تا قرآن را بیاموزد، یا در حال آموزش آن باشد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

حَيَاةُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ.

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آموزش دهد.

با توجه به این روایات بسیار مهم، مسئولیت سنگین سرپرست خانه روشن تر می شود.

سرپرست خانه لازم است قرآن را فرا بگیرد، و زمینه فراگیری زن و فرزند را نیز فراهم کند، آنگاه همه با هم به کتاب خدا عمل کنند، تا عرصه گاه خانه از آلودگی ها پاک، و به حسنات و نیکی ها آراسته شود، و در نتیجه خانه و خانواده نمونه ای از بهشت آخرت گردد.

خانه ای که از ظلم و عدوان پاک، و از برّ و تقوا بهره مند، و فضایش از آسایش و امنیت، و صدق و راستی، و درستی و امانت معطر است.

خانه ای که اهلش اهل قرآنند، از برکت قرآن رشد عقلی و فکری پیدا می کنند، که عقل هماهنگ با قرآن مجید عقل ملکوتی، و مایه عرش و آخرتی است، و سودش عبادت حق، و تحصیل بهشت جاودانی است.

انبیا هادی انسان به سوی صراط مستقیم، دعوت کننده به جانب توحید، بیان کننده واقعیات ظاهری و باطنی هستند.

انبیاء دعوت کننده به عبادت حق، و برحذر دارنده مردم از عبادت طاغوتند.

انبیاء راه سالم زیستن، آراسته شدن به معروف، پیراسته شدن از منکر را به انسان نشان می دهند.

دعوت انبیاء دعوت به حق، و نتیجه اجابت دعوت آنان زنده شدن به حیات معنویست.

علی (علیه السلام) در ارتباط با رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 656

لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ، وَمِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 657

برای اینکه بندگان خدا را از پرستش بتها به عبادت حق سوق دهند، و از ذلت طاعت شیطان به عزت طاعت حق برسانند.

رسول حق برای تلاوت آیات حق جهت رشد مردم، و تزکیه نفوس از آلودگیها، و تعلیم قرآن و حکمت مبعوث به رسالت شد.

رسول حق برای خارج کردن مردم از ظلمات، و وارد نمودن آنان به منطقه نور قیام کرد.

او برای امر به معروف و نهی از منکر، و حلال کردن طیبات، و حرام نمودن خبائث و برداشتن بار سنگین فرهنگهای تحمیلی از دوش مردم، و باز کردن زنجیرهای شیطانی که بر گردن زندگی بسته شده بود به میدان آمد.

آنانکه به او ایمان آوردند، و حرمت و عزتش را نگاه داشتند، و به یاری او برخاستند، و از قرآنش متابعت نمودند، اهل فلاح و رستگاری اند.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 658

آمدند تا حجت حق بر مردم تمام باشد، و فردای قیامت اهل ضلالت نگویند اگر پیامبر داشتیم به شقاوت و گمراهی دچار نمی شدیم.

خداوند مهربان کردار، گفتار، و اخلاق انبیاء را برای تمام مردم حجت قرار داد، و از آنان به عنوان اسوه و سرمشق و الگو یاد فرمود.

نیکوکاری، سخاوت، صبر بر حوادث، قیام به حق مؤمن، پاکیزگی، شادی چهره، دوست داشتن زنان، برپا کردن نماز، و استفاده از عطر از اخلاق انبیای الهی است.

انبیاء مردم را به تقوا، پاکی، امانت، صدق، شجاعت، وفا، درستی، رشد، رأفت، رحمت، مهربانی، نیکوکاری دعوت کردند، و آنان را از هر عمل زشت و اخلاق بد برحذر داشتند.

انبیاء در قیامت میزان اعمالند، وضع مردم با وضع آنان سنجیده می شود، اگر در حد لازم بین آنان و انبیاء هماهنگی باشد اهل نجات ورنه مستحق عذابند.

## امامت

حضرت حق برای اتمام نعمت و اکمال دین، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و یازده امام بعد از او را انتخاب، تا مردم پس از پیامبر با توسل به قرآن، و اهل بیت، در صراط مستقیم ثابت بمانند، و تا ابد روی گمراهی را نبینند.

امامان بزرگوار در عین اینکه در زمان حیات خود، دچار اشرار، و دولت های طاغی بودند، ولی لحظه ای از بیان حق، امر به معروف و نهی از منکر، و نیایش هایی که مبیّن تمام معارف الهی برای تربیت مردم بود باز نایستادند، و حجت خدا را با عمل و تقریر و گفتار و شهادت خود بر مردم تمام کردند.

امامان هم چون انبیاء در روز قیامت ترازوی سنجش حقند، اگر حیات مردم با آنان موافق درآید اهل نجات ورنه محکوم به عذاب الهی هستند.



## علمان دین

## نظام خانواده در اسلام، ص: 659

فقهاء و متخصصان معارف الهیه و آشنایان به قرآن مجید و روایات نیز پس از انبیاء و امامان حجت خدا بر مردمندها و بر مردم پیروی از آنان لازم، که اقتدای به عالم واجد شرایط اقتدای به امام و پیامبر، و موجب نجات و رستگاری است.

سرپرست خانواده باید به این معنا توجه داشته باشد، که ساعتی را برای شناساندن قرآن و نبوت و امامت و ولایت فقیه اختصاص دهد و خود یا یک متخصص این مسائل، زن و فرزندش را با این حقایق آشنا کند، که توسل نظری و عملی به کتاب خدا و نبوت انبیاء، و امامت امامان، و ولایت علمان واجد شرایط، موجب خیر دنیا و آخرت و طلوع حیات طیبه است.

دوری از عقل و جدائی از قرآن، و غفلت از نبوت و امامت و بی‌خبر ماندن از عالم ربانی زیانبار و هلاک‌آور، و موجب خزی دنیا و آخرت است.

زن و فرزند در این زمینه باید سرپرست خانه را کمک کنند، و از برنامه پاک و سودمند وی قدردانی نمایند، و در حد مطلوب با حقایق الهی آشنا شوند، که معنای تعاون بر نیکی و تقوا غیر از این نیست.

در صورتی که سرپرست خانه نسبت به این واقعیات سست باشد، بر زن و فرزند است که او را ترغیب و تشویق نمایند، و به زمینه‌سازی برای تحقق این حقایق وادارش کنند، و اگر مخالفت کرد، با حفظ ادب و وقار از وی اطاعت نکنند و خود دنبال شناخت قرآن و پیامبر و امام معصوم و عالم ربانی بروند، تا از پی این ارادت سعادت ببرند.

سرپرست خانه فضای خانه را از قرائت قرآن، دعا، مناجات، حال، ذکر خدا و بخصوص نماز معطر نماید، تا دین و دنیا به هم درآمیزند و عاقبتی محمود و خوش برای اهل خانه ایجاد شود.

## نماز

خواندن نماز صحیح و با حال تنها وظیفه سرپرست خانه نیست، بلکه از نظر قرآن، خداوند مسئولیت سرایت نماز را به زن و بچه به عهده او گذاشته، و بر اوست که با لحنی ملائم زن و فرزند را به میدان نماز وارد نماید، و آنان را به این بهترین عمل تشویق کند.

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَنْسَأَلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى.

نظام خانواده در اسلام، ص: 660

اهل بیت خود را به نماز امر کن، و خود نیز بر این عبادت صبر و استقامت داشته باش، ما از تو روزی کسی را نمی طلبیم، بلکه روزی دهنده ایم، و عاقبت محمود و پایان نیک از آن اهل تقواست.

در قرآن می خوانیم که از ویژگیهای اسماعیل دعوت زن و فرزند به نماز بود:

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ ...

و نیز در قرآن مجید می خوانیم که حضرت ابراهیم اقامه نماز را برای خود و نسلش تا قیامت از خداوند درخواست کرد.

رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي.

رسول حق در روایات متعددی از نماز به عنوان نور چشم یاد فرموده است.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 661

... مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ.

چیزی را بعد از معرفت نمی دانم که با نماز برابری کند.

علی (علیه السلام) فرمود:

أَوْصِيكُمْ بِالصَّلَاةِ وَحِفْظِهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَهِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 662

شما را به نماز سفارش می‌کنم که بهترین عمل و ستون دین شماس.

قرآن مجید نماز را بازدارنده انسان از زشتی‌های ظاهر و باطن می‌داند:

أَنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.

چرا زن و بچه را به نماز نخوانیم، و زمینه مناسبی برای اقامه نماز جهت آنان برقرار نکنیم تا فضای خانه از فحشا و منکرات پاک باشد، و خود و آنان با خیال راحت زندگی کنیم.

حضرت باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

أَنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا.

اول برنامه‌ای که در قیامت نسبت به آن انسان را به محاسبه می‌کشند نماز است، اگر قبول شود بقیه اعمال هم قبول می‌شود.

ضایع کردن نماز، و سبک شمردن آن، و ترك این عبادت بزرگ باعث محرومیت از شفاعت پیامبر، و ورشکستگی در قیامت، و مطرود شدن از رحمت حق، و ممنوع شدن از دخول در بهشت است.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 663

از نماز خود و زن و فرزندان غافل نشویم، که قیامت دچار شکایت زن و فرزند در پیشگاه حق نگردیم، بدین گونه که به حضرت حق عرضه بدارند اگر دعوت به نماز شده بودیم اجابت می‌کردیم، نبود نماز در پرونده ما در مرحله اول تقصیر شوهر و پدر ماست و در مرحله بعد خود ما مقصرتیم.

خداوندا چون بی‌توجهی او ما را نسبت به نماز غافل کرد، انتقام ما را از او بگیر، و وی را به لعنت خود دچار کن، و عذابش را دو برابر عذاب ما قرار بده!!

کودکان عکس برداران عجیبی هستند، آنان تمام رفتار و کردار و اخلاق و حالات و حرکات بزرگترها را تقلید می کنند، اگر نماز بخوانید، روزه بگیرید، قرآن تلاوت کنید، خوشرو باشید، محبت کنید، وقار و ادب نشان بدهید، همه و همه را تقلید و پس از مدتی قدم این حقایق در سرزمین وجود آنان ثابت می شود.

در روایت بسیار مهمی آمده:

عیسی (علیه السلام) به قبری گذشت که صاحبش عذاب می شد، سال بعد به همان قبر گذشت مشاهده کرد صاحبش از عذاب نجات یافته، سبب آن را از حضرت حق پرسید، به او وحی شد، فرزند صالحی پیدا کرد که راهی را اصلاح و یتیمی را پناه داد، به خاطر عمل فرزندش او را آمرزیدیم.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 665

عزیزان تربیت اولاد صالح و فرزندی که اهل عبادت و کار خیر باشد نه تنها بهره دنیائی بلکه سود برزخی و قیامتی دارد، سعی کنید از این تجارت بامنفعت غافل نمانید.

(یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا ...)

«تحریم/ 6»

### 18 مسئولیت عظیم سرپرست خانواده

مسئولیت عظیم سرپرست خانواده ...

خود و اهل بیت خود را از آتش قیامت حفظ کنید

در يك آیه در سوره مبارکه تحریم مسئولیت بسیار سنگینی را متوجه سرپرست خانواده می‌کند، که در عین سنگینی دارای منابع دنیائی و آخرتی است.

اگر تمام مردم بخصوص آنان که عهده‌دار مسئولیت زن و فرزند هستند به این آیه شریف توجه می‌کردند، درصد عمده‌ای از مشکلات خانواده‌ها حل می‌شد، وی‌نظمی واضطراب و ناامنی از محیط‌خانه رخت می‌بست، و نابسامانیها به سامان می‌رسید.

یا ایّها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم ناراً وقودها الناس والحجاره علیها ملائکه غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم ویفعلون ما یرؤمرون.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 666

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خود را از آتش دوزخ نگاه دارید، آتشی که آتش‌افروزش انسان و سنگ است، بر آن آتش ملائکه خشن و نیرومند و پر قدرت مأمورند، امر و دستور خدا را نافرمانی نکنند، آنچه به آنان حکم شود انجام دهند.

آری، این مسئولیت عظیم بر عهده سرپرست خانواده است، که اهل بیت خود را با سوق دادن به توحید، ایمان به قیامت، ترساندن از عذاب الهی، آراستن به تقوا، مؤدب نمودن آنان به آداب و اخلاق اسلامی، ایجاد زمینه رشد و کمال، و تربیت و تعلیم، از عذاب روز قیامت حفظ کند.

اینکه آیه شریفه می‌فرماید آتش‌افروز آن آتش انسان است، مسئله بسیار بسیار ظریف و مهمی است.

از آیات قرآن مجید به صراحت استفاده می‌شود، که عذاب روز قیامت مادّه و ریشه‌اش گناه و معصیت است، در حقیقت ماهیت جرم و جریمه یکی است.

بر خلاف جرم و جریمه در دنیا که اختلاف ذاتی و ماهیتی دارند، اگر کسی خلاف دستورات راهنمایی و رانندگی جرمی مرتکب شود مثلاً از دست چپ خیابان براند، یا به خیابانی ورود ممنوع وارد شود، چند هزار تومان او را جریمه می‌کنند، در اینجا جرم، عملی انسانی، ولی جریمه برنامه‌ای مالی است، بین عمل و مال اختلاف ماهیت وجود دارد، ولی در نظام هستی ماهیت جرم و جریمه یکی است به این معنا که جریمه قیامتی متخلف همان تخلف است که به صورت آتش از وجود خود او زیانه می‌کشد.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 667

هر گناهی چه عملی چه اخلاقی، چه رابطی، چه مادی، چه معنوی وقتی از انسان صادر شود به این معناست که انسان قبول آتش کرده، ولی ظهور این آتش و سوزندگی آن مربوط به روز قیامت است.

بسیاری از مردم عمری است مرتکب انواع گناهان می شوند، عضو سالم از گناه برای خود باقی نگذاشته اند، اینان در حقیقت آتش فراوانی در وجود خود انبار کرده اند، که روز کنار رفتن پرده ها و حجابها این آتش به صورت آتش مادی ظهور می کند، و صاحبش را برای ابد اسیر خود می کند.

در این زمینه به دو آیه از قرآن مجید توجه کنید.

انَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَكْتُمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

آنانی که آیاتی از کتاب نازل شده را کتمان کردند، تا نور هدایت به مردم نرسد، و آن را به بهای اندک فروختند، تا شکمی سیر کنند، بدانند که این خوراک آنان نیست مگر آتش، خداوند در قیامت با آنان سخن نگوید، و از پلیدی پاکشان ننماید، و برای آنان عذاب دردناک است.

انَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 668

آنان که اموال یتیمان را به زور و ستم می خورند، در حقیقت آتش می خورند، به زودی آتش جهنم آنان را خواهد گرفت.

در هر دو آیه خوردن حرام را خوردن آتش دانست، گرچه امروز بصورت لقمه لذیذ است ولی فردا حقیقت ذاتی خود را به صورت آتش آشکار نشان می دهد.

این گفتار وجود مقدسی است که هستی و آفرینش و جن و ملک و عرش و فرش و مرد و زن جلوه اراده او هستند.

اوست که گناه و معصیت را آتش می بیند، گرچه ما آن را عملی لذت بخش و لقمه ای لذیذ می نگریم، او خوردن آتش را در همان زمان انجام معصیت مشاهده می کند، گرچه ما آن را نبینیم، او برای این آتش سوزندگی عجیبی می بیند، گرچه ما این سوزندگی را حس نکنیم.

فردای قیامت است، که از دیده مردم به خاطر دیدن نامحرم، از گوش مردم به خاطر شنیدن حرام، از زبان مردم به خاطر غیبت و تهمت و فحش و باطل گوئی، از شکم مردم به خاطر خوردن حرام، از شهوت مردم به خاطر زنا، لواط، استمناء از دست مردم به خاطر ظلم و ستم، تقلب و حيله، امضای ناحق، نوشتار گمراه کننده، و از قدم مردم به خاطر رفتن در مجالس حرام آتش شعله می کشد، و صاحب این اعضا و جوارح بدکار دچار درد و رنج و ناراحتی می گردد، و نجاتی برای او نیست.

ای سرپرست خانواده ها، خانواده خود و خود را از چنان آتشی که محصول گناه و معصیت است حفظ کنید، و تقوای الهی را در تمام زمینه های زندگی مراعات نمائید، خود و اهل بیت خود را برای چند روزه دنیا و لذات تمام شدنی، و ثروت از دست رفتنی دچار عذاب ابد الهی که آتش افروزش وجود خود انسان است ننمائید.

از جمله از مواد آتش زا سنگ است، ذغال سنگ را همه می شناسید، ماده سخت و محکمی است، حرارتش زیاد و زمان سوختنش طولانی است.

در دل زمین میلیون ها سال است ذغال سنگ و مواد مذاب و آتشین در کار است، فشار این مواد مذاب گاهی به صورتی است که از قله کوه های آتش فشان ظاهر می شود، و هرچه را در راه خود می بیند می سوزاند و

### نظام خانواده در اسلام، ص: 669

نابود می کند، آتش این مواد تمام شدنی نیست، بلکه به فرموده قرآن مجید در آینده نسبت به همه جای زمین فراگیر است، تا جایی که تمام دریاها شعله ور گردند:

واذا البحار سجرت.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 670

این حقیقتی است که دانشمندان امروز هم پیش بینی کرده اند، که در آینده زمین تبدیل به يك گلوله آتشین می شود.

یوم تبدل الأرض غیر الأرض.

روزی که زمین غیر از این زمین شود.

با توجه به وضع درون زمین که دریائی شگفت‌آور از مواد مذاب و آتش‌زا است، و با توجه به آینده زمین که گلوله‌ای آتشین است، به قبول روایاتی که می‌گویند جهنم و طبقاتش در همین زمین است تن می‌دهیم.

آتش آن روز، آتش‌افروزش انسان و سنگ است، انسان مواد آتش‌زایش گناه و زمین ماده آتش‌زایش سنگ است، سنگهای درون و برون زمین که حجم و وزنش کم نیست علاوه بر آن دائمی و همیشگی است و ابدی شدن این سنگ آتش‌زا به اراده حضرت اوست، چنانکه ابدی شدن انسان در جهان آینده به اراده وجود مبارك اوست.

بنابر این واقعیات، سرپرست خانه و خانواده به این ندای ملکوتی و آسمانی بیش از پیش گوش جان بسپارد که:

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا انْفُسَکُمْ وَاَهْلِکُمْ نَارًا.

دست و پنجه نرم کردن با سرپرست‌های آتش‌قیامت که ملائکه غلاظ و شداد هستند کار احمقانه نیست، اهل جهنم ضعیف و ذلیل و محکوم و راه فراری برای آنان وجود ندارد.

مردم سبک‌وزن و ذلیل و پست، جایگاه قیامتی آنها هم پست است، جهنم، جهنمی که روی همین زمین است، جهنمی که آتش‌افروزش انسان و سنگ است، جهنمی که کارگردانانش خشن و سخت‌گیرند، جهنمی که عذابش فراگیر، سنگین، سوزنده و دائمی است، و اهلش نه مرگ دارند نه حیات مطلوب.

ثُمَّ لَا یَمُوتُ فِیْهَا وَلَا یَحِی.

نظام خانواده در اسلام، ص: 671

در آن جایگاه نه بمیرد، و نه زنده برخوردار از زندگی باشد.

بَهشتِ عنبرسَرشت



سرپرست خانواده وقتی به حفظ خود و خانواده‌اش از آتش جهنم اقدام کرد، یعنی آنان را از گناهان بدنی، مالی، اخلاقی بازداشت و به واجبات و انجام برنامه‌های خیر تشویق نمود، راه خود و خانواده‌اش به بهشت هموار می‌گردد، بهشتی که در سدره المنتهی است و عرض آن همانند عرض تمام آسمانها و زمین است.

عند سدره المنتهی، عندها جنَّة المأوی.

معلوم می‌شود سدره‌المنتهی جهانی وسیع است، در حدی که بهشت الهی، که هم‌عرض همه آسمانها و زمین است در آن جای دارد!!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 672

قرآن به همه دستور می‌دهد با آراسته‌شدن به ایمان و عمل صالح و اخلاق حسنه به سوی بهشت بشتابند:

سارعوا الی مغفره من ربکم و جنَّة عرضها السموات والارض اعدت للمتقین.

به سوی مغفرت خدا بشتابید، و بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین است، و برای اهل تقوا مهیا شده.

عزیزان توشه جهنم گناه و معصیت، توشه بهشت ایمان و عبادت و خدمت به بندگان خدا است.

خود و اهل بیت خود را از جمع کردن توشه برای جهنم حفظ کنید، و به جمع‌آوری زاد و راحله برای بهشت تشویق نمائید، که وظیفه شما اکنون که عهده‌دار مسئولیت خانواده هستید بسیار عظیم است.

رسول خدا را در برخورد با اهل خانه‌اش، از زن و فرزند و خدمتکار سرمشق خود قرار دهید، تا از عذاب قیامت ایمن شوید، و به نعمت ابد حق یعنی بهشت عنبرسرشت برسید.

آن بزرگوار در رعایت حق زنان از تمام مردم روی زمین گوی سبقت برد، و در رعایت حق بچه‌ها قیامت کرد.

او اهل افراط و تفریط نبود، در محبت و مهر و رأفت، نسبت به اهل خانه، و در اخلاق و عمل اعتدال و میانه‌روی را پیشه خود کرده بود، و در عین رفیق بودن با اهل خانه و نرخی بودن نسبت به آنان، از نصیحت به آنان، و تشویقشان به عبادت و بندگی، و ترساندنشان از عذاب قیامت غفلت نمی‌کرد.

با زنان در خانه در حد زن بودنشان رفتار داشت، و با بچه‌ها بچه می‌شد.

او برای همه نمونه ادب و سرمشق فضیلت، و الگوی اخلاق، و نشان توحید، و شعار حق پرستی، و چراغ هدایت بود.

### چهار وظیفه مهم

از طریق علامه مجلسی (ره) در کتاب شریف بحارالانوار ج 71، ص 86 در توضیح آیه شریفه:

قوا انفسکم و اهلیکم ناراً.

به چند مسئله بسیار مهم به عنوان وظیفه و مسئولیت سرپرست خانه اشاره شده، که از طریق این چند مسئله حفظ خانواده و اهل بیت از آتش فردا میسر است.

### 1 بِدُعَائِهِمْ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ

بر سرپرست خانه است که تا زنده است خانواده خود را به طاعت خدا، و فرمانبری از دستورات حق که به صلاح دنیا و آخرت انسان است دعوت کند، و دعوت به صورتی باشد که اجابتش از جانب آنان سخت نباشد، دعوت توأم با مهر و محبت، زبان نرم، با خوشروئی و متانت و دعوت به زیان و عمل، به صورتی که زن و فرزند عاشق و علاقه مند به طاعت حق شوند، و آن را بر تمام وظائف خود مقدم بدانند.

من این معنا را در خانه به امتحان گذاشته‌ام، سودمند بوده، شما هم به امتحان بگذارید سودمند خواهد بود.

طغیان چون به طاعت خدا روی آورند، آنان را تشویق کنید، جایزه بدهید، ببوسید، در آغوش بگیرید تا پای طاعت در فضای وجودشان ثابت و پایجا شود.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 673

زنان عنایت کنند، که وقتی از جانب شوهرشان دعوت به طاعت رب شدند، با شوق و رغبت بپذیرند، تا اثر این پذیرش از مشرق وجود فرزندان طلوع کند.

### 2 وَتَعْلِيمِهِمُ الْقُرْآنَ

تا جایی که برای سرپرست خانواده امکان دارد، واجبات حق را که قسمتی از آن در رساله‌های عملیه و قسمتی در کتب اخلاقی و فقهی آمده به خانواده‌اش تعلیم دهد.

اگر از عهده‌اش برنیامد، زمینه فراگیری آنان را با بردن به مساجد و مجالس مذهبی فراهم نماید، یا عالمی ربانی را به خانه دعوت کند تا فرائض حق را به آنان آموزش دهد.

ممکن است خواندن متن رساله برای بعضی مشکل باشد و توضیح آن مشکل‌تر، به همین خاطر نوبت به واگذاشتن بچه‌ها به کلاسهای مربوطه می‌رسد، تا دختران و پسران در نزدیکی بلوغ و تکلیف به وظائف شرعی خویش آگاه شوند.

### 3 وَنَهَيْهِمْ عَنِ الْفَبَائِحِ

بر سرپرست خانواده فرض و واجب است اهل خانه را از زشتی‌ها نهی کند، و از عواقب گناهان و معاصی بترساند، و زمینه تولید گناه را در خانه از بین ببرد.

### 4 وَحَثَّهِمْ عَلَىٰ اَفْعَالِ الْخَيْرِ

بر سرپرست خانواده واجب است اهل بیت خود را به کلیه کارهای خیر، از صدقه دادن در راه خدا، تواضع به افراد، احترام به بزرگتر، رعایت کوچکتر، ایجاد صلح و مسالمت بین افراد، حق گوئی، حق جوئی، حق خواهی و خلاصه آنچه که خیر است، تشویق و ترغیب کند.

بکارگیری این چهار حقیقت به فرموده علامه مجلسی (ره) تحقق قوا انفسکم و اهلیکم ناراً است.

بدین صورت قدم برداشتن برای هدایت عباد خدا به اندازه‌ای ثواب دارد که جز خدا کسی نمی‌داند.

رسول خدا امیرالمؤمنین را برای هدایت مردم بمن گسیل داشت قبل از سفر به او فرمود:

وَإِنَّ اللَّهَ لَأَنَّ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَىٰ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ ...

نظام خانواده در اسلام، ص: 674

قسم به خدا اگر حضرت حق به دست تو يك نفر را هدایت کند برای تو از آنچه که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند بهتر است.

چه تجارت شگفت آوری، چه سود کلانی، به نظر من باید گفت خوشا به حال آنان که تشکیل زندگی داده و برای زن و فرزند خود معلم خیر و خوبی‌اند، که با هدایت هر يك از آنان، ثوابی بسیار به صورتی که رسول حق به امیرالمؤمنین فرمود نصیب آنان می‌گردد، و این غیر ثواب رفتن به دنبال کسب حلال برای اداره امور زندگی است که دنبال کردن امور مادی برای گذراندن زندگی زن و بچه ثوابی، و دنبال کردن امور معنوی، برای هدایت زن و بچه ثوابی دیگر است، که وضع اینگونه سرپرست‌ها ثواب اندر ثواب، و رحمت اندر رحمت است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 675

(تلك حدود الله و من يطع الله و رسوله يدخله

جنت تجرى من تحتها الانهار خالدین فیها

وذلك الفوز العظيم)

«نساء/13»

19 حقوق زن و شوهر در اسلام

دورنمائی از حقوق خانواده

حقوقی که زن و شوهر نسبت به یکدیگر دارند در قرآن مجید و روایات به طور مفصل ذکر شده، و در این زمینه چیزی فروگذار نشده.

انسان وقتی این حقوق متقابل را مطالعه می‌کند، آن را از معجزات فرهنگ پاک اسلام می‌بیند.

در هیچ مکتب و مدرسه‌ای بدین صورت به حقوق زن و شوهر اشاره نشده، و هیچ مکتبی هم توان ارائه بهتر از آن را تا قیامت ندارد.

قسمتی از این حقوق متقابل واجب، و قسمتی هم مستحب است، ترك حقوق واجب بدون گذشت طرف مقابل موجب عذاب، و ترك مستحب باعث کم شدن شیرینی زندگی است.

قسمت عمده‌ای از حقوق واجب و مستحب زن و شوهر نسبت به یکدیگر در کتاب شریف وسائل، جلد 20 و 21 و 22 چاپ مؤسسه آل‌البیت ذکر شده، که من تا جایی که نیاز باشد نقل می‌کنم، و مطالعه مفصل آن را به عزیزانم در آن کتاب سفارش می‌نمایم.

ابتدا برای تبرک متوسل به چند آیه قرآن در رابطه با این مسئله می‌شوم، سپس به ذکر روایات می‌پردازم.

وعاشروهنَّ بالمعروف.

با همسران خود خوشرفتاری کنید.

ولهنَّ مثل الذی علیهنَّ بالمعروف.

نظام خانواده در اسلام، ص: 676

و مانند همان حقوقی که مردان بر زنان دارند، زنان به نحو معروف بر مردان دارند.

قد علمنا ما فرضنا علیهم فی ازواجهم.

ما هرآنچه را در رابطه با زنانشان بر آنان واجب کرده‌ایم، می‌دانیم.

نظام خانواده در اسلام، ص: 677

اسحاق بن عمار می‌گوید: به حضرت صادق (علیه السلام) گفتم:

ما حقُّ المرأة علی زوجها الذی اذا فعله كان محسناً؛ قال يُشبعها ويكسوها وأن جهلت عقر لها وقال ابو عبد الله كانت امرأة عند ابی تُوذیه فیعقر لها.

حق زن بر شوهرش چیست که وقتی آن را ادا کند مردی محسن و نیکوکار است؟ فرمود او را با غذای مطلوب سیر کند، و لباسش را تأمین کند و چون کاری جاهلانه از او سرزد وی را ببخشد، حضرت فرمود: پدرم زنی داشت آزاردهنده ولی آن حضرت او را می بخشید.

امام ششم (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند:

أَوْصَانِي جِبْرِئِيلُ بِالْمَرْأَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي طَلَاقُهَا إِلَّا مِنْ فَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ.

چندان امین وحی نسبت به زن سفارش کرد، که گمان کردم طلاق او جز با ارتکاب زنا جایز نیست.

و نیز آن حضرت فرمود:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ مَلَكَهُ نَاصِيَتَهَا وَجَعَلَهُ الْقَيْمَ عَلَيْهَا.

رحمت خدا بر کسی که تمام برنامه‌های بین خود و همسرش را نیکو انجام دهد، چه خداوند اختیار زن را به مرد داده، و شوهر را سرپرست او نموده.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعْوَلُ.

کسی که حقوق عائله خود را ضایع کند از رحمت خدا دور است.

و نیز آن حضرت فرمود:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي.

بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد، و من برای خانواده‌ام از تمام شما بهترم.

و نیز فرمود:

عِيَالُ الرَّجُلِ أُسْرَائِهِ وَاحِبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَحْسَنُهُمْ صُنْعًا إِلَى أُسْرَائِهِ.

عائله شخص در قید اویند، محبوبترین بندگان نزد خدای عزوجل کسی است که با افراد در قیدش بهتر رفتار کند.

\*\*\*

### حقوق زن بر شوهر

نظام خانواده در اسلام، ص: 678

#### 1 تهیه لوازم زندگی

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

فَعَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.

خوراک و پوشاک زنان به نحو معروف بر شما واجب است.

امام سجاد (علیه السلام) فرمود:

لَنْ ادْخُلَ السُّوقَ وَمَعِيَ دِرْهَمٌ اِتْبَاعٌ بِهِ لِحَمَاءِ اِجْبَالِي وَقَدْ قَرِمُوا اِلَيْهِ اِحْبُ اِلَى مِنْ اَنْ اَعْتِقَ نَسَمَةً.

وارد شدن به بازار و خرید يك درهم گوشت برای عائله‌ام که آن را هوس کرده‌اند، برای من محبوبتر از بنده آزاد کردن است.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ اَنْ يَكُونَ الْقَيِّمَ عَلَى عِيَالِهِ.

سرپرستی زن و بچه و رسیدگی به امور آنان از خوشبختی مرد است.

#### 2 مباشرت

از امام هشتم (علیه السلام) پرسیدند: شخصی زن جوانی دارد، به خاطر مصیبتی که بر مرد وارد شده چند ماه و شاید یک سال است با او نزدیکی نکرده، البته نیت آزار زن را نداشته، عذرش مصیبت زدگی بوده، آیا این مرد گناهکار است؟ فرمود: آری پس از چهارماه معصیت کار است.

ابوذر از رسول حق پرسید، آمیزش مرد با همسرش در عین اینکه لذت دارد، ثواب هم دارد؟

فرمود: آری، اگر از راه نامشروع کام دل بجوئی حرام نیست؟ عرضه داشت چرا، فرمود: پس حلالش هم ثواب دارد!

در معارف الهیه آمده مستحب است مرد هر چهار شب یک شب جهت آمیزش در کنار همسرش باشد.

### 3 گشایش در زندگی

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

کسی که به بازار می رود و برای عیالش تحفه می خرد، مانند کسی است که در خانه مستمندان صدقه می برد، او باید تحفه خریده شده را وقتی به خانه برد ابتدا به دخترانش بدهد، زیرا هرکس دخترش را خوشحال کند چنان است که بنده ای از نسل اسماعیل آزاد کرده، و هرکس دیده پسرش را با بردن تحفه روشن کند، گویا از ترس خدا اشک ریخته، و کسی که از ترس خدا گریه کند حضرت حق او را وارد بهشت های پر نعمت کند.

موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود:

عِيَالُ الرَّجُلِ أُسْرَائِهِ فَمَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيُوسِّعْ عَلَى أُسْرَائِهِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَوْشَكَ أَنْ تَزُولَ تِلْكَ النِّعْمَةُ.

عائله مرد در اختیار و قید اویند، خداوند به هر کس نعمت داده بر عائله خود گشایش دهد، وگرنه ممکن است آن نعمت از او سلب شود.

نظام خانواده در اسلام، ص: 679

عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَنَّهُ نَهَى أَنْ يَشْبَعَ الرَّجُلُ وَ يُبَيِّعَ أَهْلَهُ.

رسول خدا از اینکه مرد سیر باشد و همسرش گرسنه نمی فرمود.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:



أَنَّ الْمَرْءَ يَخْتِاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَعِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ حِلَالٍ يَتَكَلَّمُهَا وَأَنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبَعِهِ ذَلِكَ: مُعَاشِرَةٌ جَمِيلَةٌ، وَسَعَةٌ بِتَقْدِيرٍ، وَعَيْرَةٌ بِتَخَصُّنٍ.

مرد باید در برنامه خانه و خانواده سه چیز را بر خود تحمیل کند، هر چند خلاف میلش باشد: خوشرفتاری، توسعه در معاش بدون اسراف، و غیرت ناموسی.

امام چهارم (علیه السلام) فرمود:

أَنَّ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اسْبَعُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ.

هر که بر خانواده اش بیشتر توسعه دهد، حضرت حق از او خوشنودتر است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِذَا انْفَقَ الْمُسْلِمُ عَلَى أَهْلِهِ نَفَقَةً وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةً.

آنچه را مسلمان به خاطر خدا برای همسرش می خرد ثواب صدقه دارد.

#### 4 احترام به زن

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا.

کسی که زن می گیرد، باید او را احترام کند.

و فرمود:

أَيُّمَا رَجُلٍ صَرَبَ امْرَأَتَهُ فَوْقَ ثَلَاثِ أَقَامَةٍ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤْسِ الْخَلَائِقِ فَيَفْضَحُهَا فَضِيحَةً يَنْظُرُ إِلَيْهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ.

هرکس همسرش را بیش از سه مشت بزند، خداوند در قیامت در برابر اولین و آخرین رسوایش کند.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَيضْرِبُ أَحَدَكُمْ الْمَرْأَةَ ثُمَّ يَظَلُّ مُعَانِقَهَا.

آیا روز، زن را به باد کتک می گیرید، و شب او را به آغوش می خوانید؟!

و نیز فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 680

أَمَّا الْمَرْأَةُ لُغْبَةٌ مَنِ اتَّخَذَهَا فَلَا يُضَيِّعُهَا.

همانا زن لعبت است، کسی که با او ازدواج می کند او را ضایع ننماید.

و فرمود:

إِنِّي أَعَجَبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَىٰ مِنْهَا لِاتَّضَرَّبُوا نِسَائِكُمْ بِالْحَشَبِ فَإِنَّ فِيهِ الْقِصَاصَ.

در شگفتم کسی که همسرش را می زند، با اینکه خود او به کتک خوردن سزاوارتر است، زن را با چوب مزیند که موجب قصاص است.

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود:

... وَأِنَّهُنَّ أَمَانَةٌ فَلَا تُضَارُّوهُنَّ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ.

زنان در دست شما امانت هستند، بر آنان سخت نگیرید، و بلا تکلیفشان مگذارید.

حولا از رسول حق پرسید: زن را بر مرد چه حقی است؟

فرمود: برادرم جبرئیل آنقدر سفارش زنها را کرد، که تصور کردم مرد حق ندارد اف به او بگوید.

گفت: محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره زنان از خدا بترسید، اینان رنج و سختی زندگی را تحمل می کنند، به مقتضای دستور حق و نص قرآن و سنت و شریعت محمدی بر شما حلال شده اند، در برابر این که تن در اختیار لذت های شما می نهند و فرزندان را در اندرون خود حمل می کنند، تا آنجا که به وقت زائیدن دچار دردهای خطرناک

می‌شوند، حقوق واجبی بر عهده شما دارند، با آنان مهربان باشید، آنان را دلخوش دارید، تا با شما بسازند، از آنان اظهار کراهت و ملال نکنید در آنچه به عنوان مهر به آنان داده‌اید طمع نورزید، و چیزی از آن را به زور استرداد ننمائید.

## 5 آراسته و پاکیزه بودن

همانطور که مرد، زن خود را دوست دارد زیبا، پاکیزه، خوش‌لباس، معطر ببیند، زن هم از مرد خود همین توقع را دارد، نظافت، پاکی، حمام، مسواک، سرشستن، شانه‌زدن، ناخن گرفتن، عطر زدن، لباس منظم و پاکیزه پوشیدن و سایر زینت‌های حلال بر اندام مرد، زن را خوشدل و راضی می‌کند، و به عفت و پاکدامنی او می‌افزاید، و از چشم‌دوختن به دیگران و در خیال گرفتن غیرشوهر حفظ می‌کند.

حسن بن جهم می‌گوید: امام هفتم (علیه السلام) را حضاب کرده دیدم، عرضه داشتم قربانت شوم حضاب کرده‌ای؟ فرمود: آری، آمادگی و خودآرائی مرد موجب افزایش عفت زن است، زنانی که ترك عفت کردند، به این خاطر بود که شوهر خود را آرایش کرده ندیدند، سپس از من پرسید، تو دوست داری همسرت را آشفته و درهم و برهم ببینی؟

حضرت رضا (علیه السلام) از پدران بزرگوارش روایت می‌کند:

أَنَّ نِسَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ خَرَجْنَ مِنَ الْعَفَافِ إِلَى الْفُجُورِ، مَا خَرَجَهُنَّ إِلَّا قِلَّةٌ تَهَيَّبُهُنَّ إِزْوَاجَهُنَّ وَقَالَ أَهْلًا تَشْتَهِي مِنْكَ مِثْلَ الَّذِي تَشْتَهِي مِنْهَا.

زنان بنی‌اسرائیل از عفت و پاکی دست کشیدند، و این مسئله هیچ علتی نداشت جز اینکه شوهران آنها خود را نمی‌آراستند، سپس فرمود: زن هم از مرد همان انتظاری را دارد که مرد از او دارد.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 681

بعضی از مردان واقعاً بی‌انصافند، به خود نمی‌رسند، دیر به دیر اصلاح می‌کنند، اهل دود هستند، دندان و دهانشان کثیف و بدبو است، لباس مناسبی به تن ندارند، به قیافه خود نمی‌رسند، و از این بدتر توقع دارند زن آنها به هر شکلی درست در اختیار آنان باشد، اینان مردانی ستمگر، و مستحق عتاب و سرزنش هستند.

## 6 خوش‌زبانی و مدارا

درشت‌گوئی، بدزبانی، تندى، سخت‌گیری طرف مقابل انسان را هر که باشد وادار به عکس‌العمل می‌کند.

حال و مقال وقتی خارج از حدود باشد، زن را دلگیر، و روحیه او را کسل و در نتیجه فضای زندگی به تلخی و سردی می‌گراید.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه به مردان، چنین دستور می‌دهد:

قَدْ أَرَاهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَاحْسِنُوا.

با آنان در همه حال مدارا کنید، خوش‌زبان و نرم‌خو باشید، و در تمام امور نیکی نمائید، که عکس‌العمل آنان با شما به همین صورت است.

### 7 رعایت اراده و اختیار خود را بنماید

بعضی از مردان از آزادی خداداده، و اراده و اختیار خود چشم می‌پوشند، و درست در اختیار زنان خود قرار می‌گیرند، و بعضی از زنان با تسخیر اراده و اختیار شوهر، حاکمیت بر زندگی را به دست می‌گیرند، و مرکب حیات را به هر کجا که خاطرخواه آنهاست می‌رانند.

این نوع زندگی به طور اغلب به يك زندگی شیطانی تبدیل شده، و موجی از گناه و معصیت، و اسراف و تبذیر، و خواسته‌های نامشروع زندگی را پوشانده، و معنویت را فراری داده، و خانه و خانواده را از اصول الهی و انسانی منحرف نموده است.

درصد بالایی از خانواده‌ها در این زمان دچار این بلای خانمانسوز هستند، به جای اینکه قیام زندگی بستگی به مرد داشته باشد، بستگی به زن دارد، به عوض اینکه شوهر باید شوهر زن باشد، زن شوهری برای شوهر خود است، و خدا نکند مرد از خواسته زن هر چند نامشروع و خلاف خدا اطاعت نکند، آن زمان است که جنگ و دعوا شروع می‌شود، و آتشی خانمانسوز با دست زن روشن می‌گردد، و تا مرد تسلیم نشود، یا او را طلاق ندهد، آن آتش جهنمی فرو نمی‌نشیند.

علی (علیه السلام) در رابطه با چنین مردان اختیار از دست داده، و ضعیف و زبون شده فرمود:

كُلُّ امْرِئٍ تُدَبِّرُهُ امْرَأَةٌ فَهِيَ مَلْعُونٌ.

هر مردی اختیارش را به دست زن دهد ملعون است.

و فرمود:

مَنْ اطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فِي النَّارِ قِيلَ وَمَاتِلَكَ الطَّاعَةُ قَالَ تَطْلُبُ إِلَيْهِ ... الثِّيَابَ الرَّقَاقَ فَيُحْيِيهَا.

آن مردی که در دست تسلیم زن شود، خداوند او را با روی به آتش جهنم درافکند، پرسیدند، چگونه، فرمود: لباس بدن نما از مرد بخواهد و او بپذیرد!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 682

و درباره اینگونه زنان در زمانی که مردی از زن خود شکایت کرد، در حضور مردم خطبه‌ای بدین صورت ایراد فرمودند:

مردم به هیچ صورت از زن اطاعت نکنید، هیچ مال به دست او ندهید، تدبیر امور زندگی را به وی وامگذارید، اگر این طایفه به اختیار خود باشند همه را دچار مهلکه می‌کنند، سر از فرمان شوهر بپسند، ما اینگونه یافتیم که این جماعت به هنگام نیاز، تقوا را رعایت نکنند، در برابر شهوت به سرعت از پای درآیند، تا دوران پیری به فکر زر و زیورند، و به وقت ناتوانی خودبین و مغرور و خودپسند، اگر گوشه‌ای از

خواسته‌های آنان انجام نگیرد تمام لطف و محبت‌ها را نادیده گیرند، و شر و بدی را در گوشه خاطر جا دهند، بدون پروا همت زنند، از سرکشی و طغیان دست نکشند، و مدام بر سر راه شیطان نشینند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 683

#### حقوق شوهر بر زن

قسمت عمده‌ای از استحکام پایه‌های زندگی، در گرو رعایت حق شوهر از جانب زن است.

در این زمینه زن لازم است فقط و فقط حضرت حق و قیامت را لحاظ کند، و از دست‌ورگیری از دیگران نسبت به شوهرش، و قبول دخالت اطرافیان پرهیزد.

چه بسا که دیگران در فرمانها و دستورات خود در خطا و اشتباه باشند، یا نسبت به جمال و جلال زندگی و امنیت زن و شوهر نظر سوئی داشته باشند، و چه بسا که مایه دخالت دیگران در زندگی زن و شوهر جوان و تازه عروسی کرده حسادت باشد.

نفوذپذیری و اثرگیری زن زیاد است، بنابراین به این حالت طبیعی خود، و امکان اشتباه و حسادت دیگران توجه عمیق داشته باشد، و در رعایت حق شوهر، که رعایت حق ایمانی و اسلامی و انسانی است خدا را ملاحظه کند، و قیامت خود را در نظر بگیرد.

مرد دوست دارد زن، زن او باشد، حالات زن بودنش محفوظ باشد، از اینکه بالاخره زن است و زن آفریده شده دست بر ندارد، لطافت، ناز، طنز، عشوه‌گری خود را برای شوهر حفظ کند، مقلد دیگران و قبول کننده دخالت اقوام نزدیک و دور و همسایه و معاشر نباشد.

در هر صورت زن شوهر باشد، و بر محور خواسته‌های مشروع او زندگی کند، امور خانه را مطابق میل شوهر اداره کند و برای فرزندانش مادر باشد.

بعضی از زنان زن بودن خود را فراموش می‌کنند، ضمخت و خشن و تند و قهرمان مسلک می‌گردند، که این حالات کام مرد را فوق‌العاده تلخ و او را از ازدواج و زندگی پشیمان و گاهی از عمر خود سیر می‌کند.

تمکین زن از شوهر به وقت نیاز مرد، اطاعت او از همسر در تمام امور شرعی و اخلاقی حق بیرون رفتن از خانه و مسافرت، منهای سفر حج واجب از حقوق واجبه شوهر بر عهده زن، و قسمتی هم مستحب است.

## 1 اطاعت

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تُعْصِيَهُ.

زنی به محضر رسول حق آمد و گفت حق شوهر بر زن چیست؟ فرمود: اطاعت از شوهر و پرهیز از عصیان نسبت به او.

نظام خانواده در اسلام، ص: 684

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

اِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ حَمْسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَحَجَّتْ بَيْتَ رَبِّهَا، وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا، وَعَرَفَتْ حَقَّ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَلْتَدْخُلَنَّ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ.

هنگامی که زن نماز واجب پنج وقت را بخواند، و روزه رمضان را بگیرد، و حج خود را انجام دهد، و از شوهرش فرمان برد، و حق علی (علیه السلام) را که امام واجب اطاعه است بشناسند، از هر دری از هشت در بهشت که می خواهد به بهشت درآید.

به این روایت بسیار مهم که از رسول باکرامت اسلام رسیده توجه کنید:

كُلُّ امْرَأَةٍ صَالِحَةٍ عَبْدَتْ رَبَّهَا وَادَّتْ فَرَضَهَا، وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا دَخَلَتْ الْجَنَّةَ.

هر آن زن شایسته‌ای که خدا را عبادت کند، واجبات را ادا نماید، از شوهر فرمان برد، وارد بهشت می شود.

مِمَّنْ امْرَأَةٌ صَلَّتْ صَلَوَاتَهَا وَزَيَّمَتْ بَيْتَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهَا ذُنُوبَهَا مَاقَدَمَتْ وَآخَرَتْ.

هر آن زنی که نماز بگذارد، بدون نیاز از خانه بیرون نرود، از شوهر اطاعت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را ببامزد.

به زنی به نام حولا فرمود:

به آن خدائی که مرا به راستی مقام نبوت داده، مرد بر زن حق دارد، چون شوهر او را طلب کند اجابت نماید، اگر دستوری دهد سرنیچد، و با او ستیزه و مخالفت نکند.

و در گفتاری بسیار مهم و کوبنده فرمود:

لَا تُؤَدِّي الْمَرْأَةُ حَقَّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتَّى تُؤَدِّيَ حَقَّ زَوْجِهَا.

زن تا حق شوهر را ادا نکند، حق خداوند را ادا نکرده!!

در این روایات ملاحظه کردید که تنها اطاعت از شوهر ملاک نجات نیست، بلکه ایمان زن و عبادت او و ادای واجبات و ترك محرّمات نیز دخالت قابل توجه در نجات او دارد، به این معنا که وقتی همه این واقعیات در وجود زن جمع باشد عامل رستگاری و فلاح او در دنیا و آخرت است.

## 2 تمکین

زن در غیر مواردی که از نظر شرع محدودیت دارد، واجب است نسبت به خواسته مرد، در مسئله کام‌گیری تسلیم باشد، حتی مستحب است در این زمینه پیش‌قدم شده آمادگی خود را اعلام نماید.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِطَيِّبٍ طَيِّبِهَا، وَتَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا، وَتُزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا، وَتَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدْوَةً وَعَشِيَّةً وَأَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ حُقُوقُهَا.

بر زن لازم است از بهترین عطر استفاده کند، زیباترین لباسش را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش دهد، و صبح و شب همچون طاووس خرامان خود را به شوهر عرضه نماید، باز هم حقوق شوهر بیش از اینهاست!

## نظام خانواده در اسلام، ص: 685

اگر زن به همین صورت به دستور رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) عمل کند، شوهرش را برای خود حفظ کرده، و او را از چشم‌چرانی، و هوس نسبت به دیگران، یا رفتن دنبال این و آن حتی به صورت مشروع بازداشته.

عمده‌ای از اختلافات از همین ناحیه مایه می‌گیرد، زن عطر و بهترین لباس و نیکوترین آرایش را به وقت رفتن مهمانی و عروسی برای خود می‌خواهد، و نسبت به شوهر روش و منش او معمولی است، تازه وقتی از مهمانی و عروسی برمی‌گردد، برای شوهر مهلت دیدن او را به آن صورت نمی‌گذارد، بلافاصله لباس زیبا را از تن درآورده لباس خانه می‌پوشد، و زینت و آرایش را جمع کرده به صورت عادی درمی‌آید، کاری که شوهر را دل‌زده، رنجیده، و ناراحت می‌کند و باعث سست شدن رابطه، و فراهم کننده امور دیگر می‌گردد.

بسیاری از مردان جوان، و متوسط نزد خود من از عادی بودن، بی تفاوت بودن، بی میل بودن زنانشان به مسئله تمکین، و دوری کردنشان از آرایش برای شوهر و لباس زیبا پوشیدن، و جلوه دادن خود شکایت کرده، و میل به رفتن دنبال متعه، یا ازدواج مجدد را اظهار کرده، و درخواست حل مشکل نموده‌اند.

من تنها سفارشی که به بانوان دارم این است که در این مرحله با تمام وجود از دستورات رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) اطاعت کنید تا مشکلی پیش نیاید، و مرد بیرون از خانه را هوس ننماید، و گرنه بنای زندگی ویران می‌شود، و گناه نابخشودنی ویرانی خانه و خانواده در روز قیامت به عهده شماست!



در رابطه با میل مرد به زن و تمکین زن نسبت به شوهر رسول خدا دستور عجیبی دارند، این دستور را در پاسخ زنی که از حق شوهر از رسول خدا پرسید فرمودند:

وَلَا تَمْنَعُهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ.

او را از کام گیری منع نکند هر چند بالای شتر باشد، کنایه از اینکه این مسئله مهم است و عامل پابرجائی محبت شوهر و حفظ او از امور خارج از خانه.

و باز آن حضرت فرمودند:

لَا تُطَوِّلَنَّ صَلَوَاتِكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ أَرْوَاحَكُنَّ.

برای اینکه شوهر را به وقت نیازش از سر واکنید نماز را که بالاترین عبادت است طولانی نکنید.

### 3 بیرون رفتن از خانه

متأسفانه این واقعیت بسیار سوادمند، یعنی وجوب اطاعت زن از شوهر در بیرون رفتن از خانه از جانب بسیاری از زنان، که از حیثیت الهی زن بودن خود دست برداشته‌اند، و برای خود نسبت به شوهرشان مردی قائلند تعطیل شده.

اگر بیرون رفتن زن از خانه به طور آزاد و دلخواه مصلحت بود، خداوند مهربان، آن را گره به زلف اجازه شوهر نمی‌زد.

بی‌اجازه بیرون رفتند، و مایه فتنه و فساد شدند، پاکی و متانت جامعه را به هم زدند، عادی هم بیرون رفتند، زیباترین لباس را پوشیدند، به بهترین وجهی آرایش کردند، موی و روی را بیرون انداختند، در برابر مردم کوچک و بازار طنزازی کرده به عشوه‌گری برخاستند، و گاهی در این زمینه چراغ غیرت مرد را هم خاموش کردند، تا به بازیگری‌های او اعتراض نکند، از فرهنگ شیطان‌یهود و نصاری و به قول خودشان تمدن و تجدد پیروی نمودند، و بلاهائی به سر اسلام و مسلمین آوردند که تا قیامت جبران نمی‌شود!

نظام خانواده در اسلام، ص: 686

هَي رَسُوْلُ اللّٰهِ اَنْ تُخْرِجَ الْمَرْءَةَ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ اِذْنِ رَوْحِهَا فَاِنْ خَرَجَتْ لَعْنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَكُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِبِّ وَالْاَنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ اِلَى بَيْتِهَا.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از بیرون رفتن زنان از خانه بدون اجازه شوهر نمی کردند، اگر زن بدون اجازه و رضای شوهر خارج شود تمام ملائکه آسمان و هر جن و انسی که بر او می گذرد لعنتش می کنند تا به خانه بازگردد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

مردی از انصار به مسافرت رفت و به همسرش تأکید کرد تا من برنگردم از خانه بیرون نرو، پدر آن زن در ایام سفر شوهرش بیمار شد، زن کسی را نزد رسول حق فرستاد، و اجازه عیادت خواست فرمود از شوهر اطاعت کن و در خانه بنشین، حال بیمار سنگین شد باز پیام داد ولی رسول اسلام همان جواب را داد، پدر از

دنیا رفت، زن قاصدی نزد پیامبر فرستاد، که برای نماز به جنازه پدر بروم حضرت همان جواب را داد، پدر را به خاک سپردند و زن در خانه ماند، پیامبر پیام دادند، ای زن خداوند پیاس این فرمانبرداری از شوهرت، پدرت و تو را آمرزید!

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مردان سفارش آکید می کند:

بانوان را از دیدن اجانب حفظ کن، زیرا محبوب بودن آنان عفتشان را بیشتر حفظ می کند، بیرون رفتن آنان و در مناظر عمومی قرار گرفتنشان، فسادش بیشتر از این نیست که افرادی را که مورد اعتماد نیستند به خانه ببری، اگر توانستی کاری کنی که جز ترا نشناسند این کار را انجام بده.

#### 4 پرهیز از آزار شوهر و تندخویی و بدزبانی

رسول اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه سخنرانی عجیبی دارند، این سخنرانی را برای زنان ایراد فرمودند:

ای زنان در راه خدا صدقه دهید گرچه از زیور و زینت خود، گرچه يك دانه خرما، چه اینکه بیشتر شما هیزم جهنم هستید، لعنت می کنید، و نسبت به خدمات شوهر سپاسگزار نیستید.

زنی عرضه داشت: مگر ما نیستیم که مادری می کنیم، کودک را ماهها در شکم می پرورانیم، به او شیر می دهیم، مگر این دختران سرپرست خانه ها، و این خواهران دلسوز برادرها از جنس ما نیستند؟ فرمود: چرا، باردار هستید، فرزند می آورید، شیر می دهید، مهربان و باعاطفه اید، اگر ناسازگاری با شوهر و آزار دادن به او نبود هیچ زن نمازگزاری به آتش قیامت نمی سوخت.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

نماز سه نفر قبول نیست؛ خدمتکار گریخته تا وقتی دست به دست صاحبش بگذارد، زنی که شب تا صبح شوهر از او ناراضی باشد، پیشوائی که مردم او را نخواهند و او امامت کند.

علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (علیه السلام) پرسید:

الْمَرْأَةُ الْمُغَاضِبَةُ زَوْجَهَا هَلْ لَهَا صَلَاةٌ وَمَا حَالُهَا؟ قَالَ لَا تَزَالُ عَاصِيَةً حَتَّى يَرْضَى عَنْهَا.

زنی که با سوء خلق، بدزبانی، درشت گوئی مردش را خشمگین کند نماز و حالش نزد خدا چگونه است؟ فرمود: در معصیت بسر می برد تا وقتی که شوهر راضی شود.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به حولا فرمود: به آن خدائی که مرا به صدق و راستی به مقام رسالت انتخاب کرده، هنگامی که مرد بر زن خشم بگیرد خداوند نیز بر او خشم گیرد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 687

رسول حق از زنان می خواهد بیش از قدرت و توانائی مرد بر مرد تحمیل نکنند، شکوه او را نزد احدی چه خویش و چه بیگانه نبرند.

امام ششم فرمود:

مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَتَعْتَمُهُ، وَسَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَتُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ اَحْوَالِهِ.

ملعون است ملعون زنی که همسرش را بیازارد و وی را غمگین و غصه دار کند، و خوشبخت است خوشبخت زنی که احترام شوهر را نگه دارد و وی را نیازارد و در هر حال از وی اطاعت نماید.

### 5 خدمت در خانه

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) به حولا فرمود: زنی که غذای خوشگوار برای شوهر آماده کند، خداوند خوراکهای گوناگون در بهشت برایش مهیا نماید و بگوید بخور و بنوش به پاداش زحماتی که در دنیا کشیدی.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَيُّ امْرَأَةٍ دَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئاً مِنْ مَوْضِعِ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحاً نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ.

هر زنی در خانه شوهر، به منظور زیباسازی چشم انداز چیزی را جابجا کند، خداوند به او نظر رحمت اندازد، و هر که مورد نظر رحمت باشد از عذاب درامان است.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صَمِنَتْ لِعَلِيٍّ عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجِينَ وَالْحُبْزَ وَقَمَّ الْبَيْتِ، وَصَمِنَ لَهَا عَلِيٌُّّ مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ نَقْلَ الْحُطْبِ وَإِنْ يَجِيءُ بِالطَّعَامِ.

حضرت زهرا (علیها السلام) کارهای داخلی منزل، و خمیر کردن، و نان پختن را به عهده گرفت، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) کارهای خارجی مانند هیزم آوردن، و خرید مایحتاج منزل را.

## 6 احترام به شوهر و خوشرفتاری با او

امام هفتم (علیه السلام) فرمود:

جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ.

جهاد زن، نیکو شوهرداری است.

سپاس از زحمات مرد، با محبت و مهربانی با او سخن گفتن، صبر بر نداری و فقر او، پذیرائی عاشقانه از وی، استقبال از او به وقت آمدن، بدرقه او به وقت رفتن، تمکین بی چونوچرا در ایامی که مجاز است، آرایش و زینت و خوب پوشیدن برای او، اداره امور زندگی به نحوی شایسته و مناسب، قناعت در مخارج، تحمیل نمودن بیش از حد قدرت بر شوهر، و امثال این امور که رسول اسلام و امامان معصوم به عنوان وظیفه زن در برابر شوهر معین فرموده اند جهاد زن و نیکو شوهرداری اوست.

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 688

لَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ الْجَحُّعِ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا.

زن در حریم حضرت حق شفيعی با قدرت تر و نجات دهنده تر از رضایت شوهر ندارد.

امام ششم (علیه السلام) می فرماید:

گروهی خدمت رسول اسلام آمدند، عرضه داشتند مردمی را دیدیم که برای بزرگانشان سجده می کردند، شما هم به ما چنین اجازه‌ای می دهید؟ فرمود: نه، اگر بنا بود چنین دستوری بدهم می گفتم زن برای شوهر سجده کند.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) به حولا فرمود:

هر زنی در سختی و رفاه با شوهرش بسازد، و از وی اطاعت کند، خداوند او را با همسر ایوب محصور کند، هر زنی گفتار تلخ و زننده شوهرش را تحمل کند خداوند برای هر کلمه‌ای اجر روزه‌دار مجاهد به او عنایت فرماید.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ انْزَارُهُ السَّرَّاجَ، وَاِصْلَاحُ الطَّعَامِ، وَاَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فُتْرَحَّبَ، وَاَنْ تُقَدِّمَ اِلَيْهِ الطَّسْتِ وَالْمِنْدِيلَ وَاَنْ تُوَضِّأَهُ، وَاَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا اِلَّا مِنْ عِلَّةٍ.

حق مرد بر زن این است که چراغ خانه را روشن کند، غذا را آماده کند، هنگام ورود تا در خانه استقبالش کند، و خوش آمد بگوید، آفتابه و لگن و حوله حاضر نماید، آب روی دستش بریزد، و بدون عذر، خود را از او دریغ ننماید.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از وفات حضرت فاطمه (علیها السلام) کنار جنازه او ایستاد و عرضه داشت:

اللَّهُمَّ اِنِّي رَاضٍ عَنِ ابْنَةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اِنَّمَا قَدَّوْحَشْتِ فَاِنْسِهَا.

الهی من از دختر پیامبرت راضی هستم، الهی تو مونس او باش، و وحشت او را جبران کن.

## 7 برای غیر شوهر خود را نیاراید

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) به حولا فرمود:

زر و زیور خود را در منظر و دیدگاه غیرشوهر مگذار، در غیاب شوهر خود را خوشبو مکن، روسری خود را که جلب نظر می کند، و میچ دست را نشان مده، اگر چنین کنید دینتان را تباه و خدا را به خشم آورده‌اید.

نَهَى النَّبِيُّ اَنْ تَلْبَسَ الْمَرْأَةُ اِذَا خَرَجَتْ تَوْبًا مَشْهُورًا اَوْ تَتَحَلَّى بِمَا لَهُ صَوْتٌ يُسْمَعُ.

رسول حق از اینکه زن در خارج از خانه لباس چشمگیر بپوشد، به صورتی که نظر دیگران را جلب کند نهی فرموده، و از اینکه زیور صدادار باخود بردارد قدغن نمود.

حدیثی بسیار مهم از رسول خدا روایت شده، که باید به نحو فوق العاده‌ای مورد توجه مردم مسلمان باشد.

أَمَّا رَجُلٌ تَتَزَيَّنُ امْرَأَتُهُ وَتَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهِيَ دَيُّوْثٌ، وَلَا يَأْتُمُ مَنْ يُسَمِّيهِ دَيُّوْثًا، وَالْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيَّنَةً وَالزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ يُبْنِي لِرَّوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٌ فِي النَّارِ، فَقَصِّرُوا اجْنِحَةَ نِسَائِكُمْ وَلَا تَطْوُلُوها فَإِنَّ فِي تَقْصِيرِ اجْنِحَتِهَا رِضًى وَسُرُورًا.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 689

مردی که در برابر دیدگانش، و با رضایت و اجازه او، زنش آرایش کند و از خانه بیرون رود، به صورتی که در معرض دید همگان قرار گیرد ديوث است، هرکه آن مرد را ديوث بنامد گناهی نکرده.

زنی که بدین صورت بیرون رود و همسرش راضی باشد، به هر قدمی که آن زن برمی دارد خانه‌ای از آتش برای شوهرش بنا می‌شود، بال و پر زنان خود را در این زمینه بچینید، نگذارید در این امور پر بگیرند، که بی‌بال و پر بودنشان در این مسائل موجب خوشنودی و سرور برای شما و کل خانواده است.

### 8 بدون اجازه شوهر در اموال او تصرف نکند

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ امْرُءٌ مَعَ زَوْجِهَا فِي عَتَقٍ وَلَا صَدَقَةٍ، وَلَا تَدْبِيرٍ وَلَا هَبَةٍ وَلَا نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي زَكَاهٍ أَوْ بَرٍّ أَوْ صِلَةٍ قَرَابَتِهَا.

زن مجاز نیست بدون اذن شوهر برده آزاد کند یا صدقه دهد، یا چیزی ببخشد، یا نذر مالی کند، اما زکات واجب و صله رحم، و احسان نیاز به اجازه ندارد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

وَلَا تُعْطَى شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ فَعَلَتْ فَعَلَيْهَا الْوِزْرُ، وَلَهُ الْأَجْرُ.

منهای اجازه شوهر از مال مرد به کسی نبخشد، اگر بخشید گناهِش از او و ثوابش مربوط به شوهر است.

در پایان این قسمت باز هم تذکر این نکته را لازم می‌دانم که مجموع روایات مربوط به حق زن و شوهر از کتاب شریف وسائل جلد بیست تا بیست و دوم چاپ آل‌البیت و یکی چند روایت هم از جلد 103 بحارالانوار استفاده شد، که این مجموعه گوشه‌ای اندک از روایات دریاوار این فصل است، طالبین تفصیل بیشتر می‌توانند به آن کتب پرارزش مراجعه کنند.

(حمله اتمه وهنا علی وهن وفصاله فی عامین)

«لقمان/14»

## 20 دوران بارداری، رضاع و نامگذاری

### دوران بارداری

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 690

دوران حمل مادر در عین اینکه مادر به عنوان کانون مهر و عاطفه، و نشانه رحمت خداوند، عاشق فرزنددار شدن، و دیدار دسته‌گل پاک و چهره زیبا و معصومانه کودک خود است، دورانی سخت، سنگین، توأم با دلهره و اضطراب، و روبرو شدن با عارضه‌های گوناگون جسمی و روحی است.

شوهر زن، و اطرافیان حسبی و نسبی او، و زن و مرد خانواده دو طرف، به طور کامل باید از او نگهداری، جانبداری، و لحظه به لحظه او را رعایت کنند.

زیرا کمترین برخورد ناسالم، داد و فریاد، سخنان دهرآور، کلام ناباب، نشان دادن بدخلقی، و هر نوع آزار و اذیت نسبت به زن باردار، علاوه بر اینکه در او اثر منفی می‌گذارد، در طفل بی‌گناه رحم هم اثر نامطلوب بجا می‌نهد.

اگر عروس و داماد در خانه پدر شوهر و مادر شوهر زندگی می‌کنند، یا در خانه پدر و مادر عروس، پدر و مادر دو طرف وظیفه شرعی، و تکلیف واجب و مسئولیت اخلاقی دارند که اولاً از تحریک شوهر نسبت به زن باردارش پرهیزند، و ثانیاً حال زن حامله را به هر شکل ممکن رعایت نمایند.

مادر شوهر و پدر شوهر جداً از هرگونه دخالت در زندگی آرام عروس و داماد پرهیزند، و پدر و مادر عروس از اندک‌بینی نسبت به داماد حذر کنند، و زندگی آن دو نوجوان را به هم نریزند، زیرا تمام اطرافیان نسبت به هر دوی آنان و بخصوص طفلی که در رحم است شدیداً مسئول هستند.

اگر بر اثر کژخلقی اطرافیان، و بگومگوها، و توقعات بیجای مادر شوهر، یا پدر شوهر، یا پدر و مادر عروس، یا خواهر شوهر، از طریق آزار دیدن عروس حامله کمترین لطمه و ضربه‌ای به کودک در رحم وارد شود، بدون تردید باید آزاردهندگان در دادگاه عدل الهی جوابگوی حضرت حق باشند، که نیستند، آن وقت که وقت عدل و داد است، دچار انتقام سختی به خاطر ستمگری خود خواهند شد.

قرآن مجید همگان را در برابر کوچکترین تا بزرگترین عمل و اخلاق و حرکات و سکنتات و برخوردهایشان مسئول می‌داند.

فَو رَّبِّكَ لِنَسْئَلَتِهِمْ اِجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

قسم به پروردگارت هرآینه از همه انساها از آنچه که انجام دادند مؤاخذه خواهم کرد.

وقفوههم اَهم مسئولونَ.

تمام انساها را در موقف حساب نگاهدارید که در آنچه انجام دادند مسئولند.

اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ اُولٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُوْلًا.

همانا چشم و گوش و دل نسبت به برنامه‌هایی که داشتند مسئول هستند.

من نامه‌های زیادی در ایام تبلیغ در ماه رمضان و محرم و صفر در اغلب مناطق ایران از نوعروسان و جوانان تازه‌ازدواج کرده به دستم رسیده، و در حل اختلاف بسیاری از خانواده‌ها شرکت داشته‌ام، درصد بالائی از تقصیرات مربوط به بزرگترها و اطرافیان بوده، علت اختلاف به طور اغلب توقعات بیجای پدر شوهر و بخصوص مادر شوهر، یا ذره‌بینی پدر و مادر عروس نسبت به داماد، یا به فرموده حضرت صادق (علیه السلام) منشأ برخوردها و درگیری‌های خلاف اخلاق و خلاف دین متأسفانه حسد بوده است، البته بعضی از نوعروس‌ها هم در ایجاد پاره‌ای از درگیری‌ها بی‌تقصیر نبوده‌اند، که



به خاطر سن کم آنها، و عدم تجربه‌شان قابل گذشت بوده، که بزرگترها گذشت نمی‌کردند، و در نتیجه آتش اختلاف شعلهور می‌شده، و کمبودهای اخلاقی و دینی هم به شعلهورتر شدنش بیش از پیش کمک می‌کرده تا جایی که گاهی زندگی دو جوان از گل تازه‌تر، به هم می‌پاشید، و آرزوها بر باد می‌رفت.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 691

می‌دانید که هر انسانی چه مرد و چه زن فطرتاً طالب استقلال، و عاشق آزادی خداداده است، سلب این آزادی و استقلال از نظر اسلام به وسیله هر کس، یا نسبت به هر انسانی باشد گناهی بزرگ و معصیتی زشت است. طرح توجه به زن حامله، و حفظ امنیت او، در این بحث به معنای این نیست، که در دوران غیربارداری، بی‌توجهی به او، یا بدخلقی با وی بی‌مانع است، به خاطر ارتباط با بحث نظام خانواده از نظر اسلام است، و حساسیت موقعیت زن باردار، وگرنه در هر زمان و در هر شرطی از شرایط رعایت آزادی و استقلال انسانها از طرف همگان لازم و واجب است.

اگر برای خانواده‌ها واقعاً امکان هست، و در مضیقه و سختی قرار نمی‌گیرند، از ابتدا سعی کنند، زندگی عروس و داماد را مستقل و جدا قرار دهند، و با آنان برخوردی بدون توقع، و برخوردی همراه با گذشت و خلاصه برخوردی اسلامی، انسانی و عاطفی داشته باشند.

پدر و مادر دو طرف با آنان به‌عنوان دیدن فرزند واقوام به‌عنوان صله رحم رفت و آمد کنند، و آنان را در خانه خود با آغوش باز بپذیرند، و در این رفت‌وآمدها از غیبت و تهمت و دخالت و چون‌وچرا، و دلسرد کردن عروس یا داماد از یکدیگر بپرهیزند، که اینگونه امور از خوی حیوانیت بدتر و شباهت به یک نوع درندگی دارد!

و اگر امکان تهیه مکان مستقل برای هیچ یک از دو خانواده، جهت عروس و داماد نیست، قسمتی از منزل خود را در اختیار آنان قرار دهند، و سعی داشته باشند زندگی شیرین آن هم در بهترین وقت، که عشق آن دو نفر نسبت به هم موج می‌زند، به کامشان تلخ نشود.

عروس در خانواده داماد، امانت الهی است، که با هزاران آرزو و با دل‌خوشی دست از زندگی قبل شسته و به زندگی جدید قدم گذاشته، و داماد در خانواده عروس نعمت حق است، که باید از این نعمت همچون فرزندان خودشان رعایت نمایند، که اینگونه رعایت‌ها بنا بر آیات قرآن مجید و روایات عبادت است، و اجر عبادت رضای حق و بهشت جاوید قیامت است.

پدر و مادر داماد، و همچنین پدر و مادر عروس، در ایام عروسی خودشان یا از دست اطرافیان و نزدیکان خیر و کرامت دیده و در جنب آنان زندگی را در ابتدای کار و در بهار جوانی شیرین تر از عسل گذرانند، یا برعکس در آن موقعیتی که عروس و داماد باید شیرین ترین روزگار را می گذرانند، از دست پدر شوهر و مادر شوهر و خواهر شوهر، و از دست پدر و مادر عروس تلخی ها دیدند، و رنج فراوان کشیدند، در هر صورت امروز که خود عروس دار و داماد دار شده اند، خود را جای آن دو جوان بگذارند، و حساب کنند که حفظ امنیت و آرامش آن دو، و پرهیز از دخالت های بیجا در زندگی آن نوگلان تازه به هم رسیده چگونه صفا و صمیمیت و عشق و علاقه و دلبستگی را در فضای زندگی آنان حفظ می کند، و زمینه می دهد که ایام را به کام بگذرانند، و از مواهب الهی با شادی و خوشی بهره ببرند، و بالعکس دخالت های بیجا، و بگومگوها، و روتزش کردنها، و توقعات خارج از حدود، و بدخلقی ها، چگونه کام آنان را تلخ، و از زندگی دلسرد، و گاهی باعث به هم خوردن آرامش و امنیت، و ایجاد کینه بین دو خانواده، و در نتیجه آتش گرفتن بساط زندگی دو جوان بی گناه است.

یادم می آید که در اصول شریف کافی این روایت بسیار عالی را دیدم، که وقتی حضرت آدم لحظات اول زندگی را در زمین شروع کرد، امام ششم (علیه السلام) می فرماید اولین سخنی که در همان اولین لحظات حیات او، حضرت حق به عنوان نصیحت، و مایه و سرمایه برای یک زندگی پاک به وی فرمود این بود.

آنچه را برای خود می خواهی برای دیگران هم بخواه، و آنچه را برای خود نمی پسندی برای دیگران هم مپسند.

آری پدران و مادران داماد، پدران و مادران عروس، اطرافیان و بستگان عروس و داماد، آنچه را در زندگی برای خود می پسندید، برای آن دو نفر هم پسندید، و هر چه را برای خود نمی خواهید برای عروس و داماد

### نظام خانواده در اسلام، ص: 692

هم نخواهید، که این اصل اگر از طرف همه مردم، نسبت به همگان رعایت شود، مشکلی پیش نمی آید، و مشکل پیش آمده هم به آسانی حل و فصل می شود.

اکنون به دو آیه از قرآن مجید در رابطه با ایام بارداری زن عنایت کنید:

ووصینا الانسان بوالديه حملته أمه وهنأ علی وهن.

ما سفارش پدر و مادر را به انسان نمودیم، خصوصاً مادر که به او حامله شد و در آن مدت حاملگی دچار ناتوانی روی ناتوانی بود.

ووصینا الانسان بوالديه احساناً، حملته أُمّه کرهأً ووضعتہ کرهأً.

و انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم، مادرش نه ماه بار حمل را با رنج و زحمت تحمل کرد، و با درد و مشقت هم او را به زمین گذاشت.

به نظر شما در این دوران سخت، دوران ضعف روی ضعف، دوران رنج و مشقت، و اضطراب و دلهره نباید از زن باردار حرمت نگاه داشت، و تمام مسائل لازم را در حق او رعایت کرد، رعایت حال او در درجه اول از نظر شرعی و عرفی و اخلاقی بر عهده شوهر و در مرحله بعد بر عهده تمام اطرافیان اوست، تا سلامت مادر و طفل در رحم از نظر جسمی و روانی حفظ شود.

#### وظایف دوران بارداری

در این که دوران حمل برای هر زنی ناراحت کننده و کسالت آور است شکی نیست، مادرانی که رنج این دوران را چشیده‌اند و ناراحتی آن را دیده‌اند، اگر به خاطر عشق فرزند نبود، از حامله شدن دوباره می‌گریختند، چه در این دوران دستگاہهای مختلف بدن زن به فعالیت عجیبی می‌افتد.

بعضی از غدد مترشحده داخلی، ترشحات فراوان‌تر دارند، و سوخت و ساز بدن بیشتر و سریعتر می‌شود، ولی اغلب به علت بی‌میلی‌های ظاهری یا تهوع‌های بیجا، زن باردار نمی‌تواند غذا بخورد و خود را سالم نگهدارد.

عده‌ای از خانم‌ها نیز برای حفظ سلامت خود و جلوگیری از چاقی و یا بزرگ شدن جنین در شکمشان رژیم‌های مخصوص و سخت می‌گیرند و سعی می‌کنند در این دوران، خود را از اغلب غذاهای لازم محروم سازند تا حتی الامکان وزنشان زیاد نشود، و یا نوزاد خیلی رشد نکند، که پوست شکم آنها خراب شود، و چین بخورد، یا موقع حمل ناراحتی‌ها را دوچندان سازد، غافل از اینکه زن حامله باید در نظر بگیرد که از ابتدای حاملگی دیگر یک نفر نیست، بلکه دو نفر است، و در تمام دوران حمل لازم است رژیمی داشته باشد، که سلامتی خود و فرزندش را تأمین کند، نه این که از خودش پس از خاتمه حاملگی رگ و پوستی مانده باشد، و نوزادش نیز به علت بی‌غذائی ضعیف و ناتوان به دنیا آید.

برای این که دوران حمل به راحتی بگذرد، و زن باردار نه زیاد چاق شود که بیمار گردد، و نه آنقدر لاغر بماند که نتواند بار حمل و رشد کودک را تحمل کند، باید میزان غذای روزانه او را با دستور صحیح تعیین کرد، و کالری مورد نیاز یومیه را با کمال دقت به او رساند.

در زنان حامله به علت ازدیاد ترشحات غدد مترشحه داخلی سوخت و ساز بدن سریعتر می شود، لذا خودبخود اغذیه مصرفی بهتر و زودتر جذب می گردند، و بنابراین اگر وجود جنین نبود، زن فوراً چاق می شد، ولی ازدیاد فعالیت فقط به علت وجود جنین است، و بنابراین برای رشد سریع اوست، و در صورت کسر تغذیه بدن مادر، مجبور است از ذخائر سابق که در کبد و مغز استخوان و سایر نقاط بدن مادر مانده استفاده کند و کسری خود را جبران نماید.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 693

کودک در رحم برای تشکیلات مختلف وجود خود احتیاج به مواد آهنی و آهنی دارد، و برابر یک مثل مشهور، عقیده دارند که نوزاد خود را از آهن و کلسیم می سازد.

آهن برای ساختمان خون نوزاد مورد نیاز است و بدون آن هموگلوبین که هسته اولیه گلبولهای خون است ساخته نخواهد شد، و نوزاد مجبور است از آهن ذخیره مادر مصرف کند، لذا مادر به تدریج کم خون می شود، و بدون تردید نوزاد نیز پس از ولادت کم خون خواهد بود.

برای اینکه مادر، خوب بتواند آهن مورد نیاز خود و نوزادش را تأمین کند، باید روزانه مقدار لازم حبوبات مثل لوبیا، باقلا، عدس، و یا سایر اغذیه آهن دار مثل جگر سیاه، گوشت، و بالاخره میوه های آهن دار مثل سیب، انگور، خرما و امثال آنها را مصرف کند.

مواد آهنی اولین سنگ بنای ساختمان بدن نوزاد هستند، چه نوزاد برای تشکیلات استخوانی خود در دوران زندگی داخل رحم، لاقل به 40 50 گرم مواد آهنی نیازمند است و مادر باید این مقدار کلسیم را به تدریج همراه غذای روزانه بخورد، تا به مصرف استخوان بندی جنین برسد، و در غیر این صورت جنینی که برای تشکیلات خود احتیاج به مواد آهنی دارد سعی می کند، از کلسیم موجود در بدن مادر استفاده کند، لذا مادر به تدریج استخوانهای سست می شود، دندانهایش کرم خورده می گردد، موهای سرش می ریزد، و روز به روز به طرف ضعف و ناتوانی می رود.

مواد آهنی را به صورت لبنیات و اقسام مختلف آن مثل شیر، پنیر، و ماست، و سرشیر و یا حبوبات مثل گندم و جو یا میوه ها مانند گلابی و سیب و امثال اینها می توان به مادر خوراند و از این راه به تغذیه جنین و رشد او کمک کرد.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 694

اسلام عزیز جهت حفظ سلامت مادر در دوران بارداری، و رشد جنین از جهت جسم و عقل، و زیبا ازکاردرآمدن کودک در رحم دستورات خاص دیگری در تغذیه مادر، و تغذیه طفل پس از ولادت دارد، که آنها را در کتب مربوطه مطالعه کنید.

نوع لباس، رنگ لباس، کفش، رفت و آمد مادر، رفت و آمد افراد محرم و نامحرم در خانه در ایام بارداری زن، و آنچه که باید در آن دقت شود، مسائلی است که فرهنگ پاک حق نسبت به آن راهنمایی دارد.

مادر در ایام حمل، اگر از ذکر خدا، شرکت در مجالس الهی، خواندن قرآن، توجه به واجبات، حفظ آرامش غفلت نوزد، در روان و مغز کودک، و رشد روحی و معنوی او اثر بسزائی دارد.

خود بارداری در آئین الهی نوعی عبادت، و ثوابی عظیم بر آن مترتب است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

بَلَى إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ...

## نظام خانواده در اسلام، ص: 695

آری وقتی زن حامله می شود، به منزله انسان روزه دار، شب بیدار برای عبادت، و مجاهد به جان و مال و در راه خدا است.

البته زن و مرد با رضایت یکدیگر می توانند خود را از بچه دار شدن معاف کنند، ولی با این کار تجارت بسیار پرسودی را از دست خواهند داد، و در مسئله بچه دار شدن هم نباید بی قید و شرط زیست، بلکه لازم است توان و تحمل روحی و بدنی، و حوصله و استقامت خود را نسبت به تربیت اولاد و توجه به او، و

## نظام خانواده در اسلام، ص: 696

به عهده گرفتن مخارجش ملاحظه کرد، مبدا تعداد اولاد به اندازه ای شود، که پدر و مادر از عهده رعایت آنها برنمایند، و خدای ناخواسته افرادی بارآیند، که مردم از دست آنان بر پدر و مادرشان نفرین کنند.

## وضع حمل

لحظات ولادت طفل گرچه برای مادر در درجه اول و سپس پدر، و در مرحله بعد برای اطرافیان بسیار شیرین است، ولی از سخت‌ترین لحظات عمر زن به حساب می‌آید، چه آنکه درد شدید، و رنج سنگین، و مشقت فوق‌العاده‌ای را باید برای به‌زمین‌گذارن طفل تحمل کند.

این تحمل برای او عبادتی بزرگ و اجر و ثوابش به فرموده معصومین بسیار سنگین است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَتْ لَهَا مِنَ الْآخِرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعِظَمِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 697

زمانی که حمل خود را به دنیا آورد، برای او اجری است، که عظمت و بزرگیش قابل درک نیست!

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

النُّفْسَاءُ تُبْعَثُ مِنْ قَبْرِهَا بِعَيْرِ حِسَابٍ لِأَنَّهَا مَاتَتْ فِي غَمٍّ نَفَاسِهَا.

زنی که به وقت وضع حمل از دنیا برود، برای او در قیامت هیچ حسابی نیست، زیرا در غم به دنیا آوردن فرزند از دنیا رفته!

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

به محض فارغ شدن زن به او خرما بدهید، که خداوند به مریم کبری به وقت وضع حمل دستور داد خرما بخورد، هفت عدد خرما از خرمای مدینه اگر نبود از خرمای شهرهای خودتان که خداوند فرموده: به عزت و جلال و عظمت و رفعت، اگر زن روز زائیدن طفل خرما بخورد در صورتی که فرزندش پسر باشد، بردبار و در صورتی که دختر باشد نیز بردبار خواهد شد.

مسئله زایمان، اطاق زایمان، قابله، افرادی که در آن وقت جمع هستند، به شدت مورد توجه اسلام قرار گرفته، تا بهداشت تن و روان مادر و نوزاد به طور کامل رعایت شود.

### اولین غذای نوزاد

کلینی بزرگوار، صاحب کتاب شریف کافی در روایتی نقل می کند:

حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَ بِتُرْبَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ، فَبِمَاءِ السَّمَاءِ.

کام کودک خود را به آب فرات و تربت قبر حسین (علیه السلام) بردارید، اگر نبود، با آب آسمان کامش را بردارید.

### اذان و اقامه

می گویند اولین عضوی که از نوزاد کار خود را شروع می کند گوش اوست، قرآن برای گوش جایگاه ویژه ای قائل شده.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 698

گوش در همان لحظات اول ولادت می شنود، و مغز شنیده را می گیرد و در خود حفظ می کند.

صدا در مشاعر طفل اثر می گذارد، خانه باید از صدای ناباب و حرام، و آلوده پاک باشد، وگرنه کودک را از نظر فکری و روانی آلوده می کند.

شیوه رسول خدا و امامان معصوم اذان گفتن و اقامه در لحظات اول تولد، در گوش راست و چپ نوزاد بود.

آوای توحید، نبوت، امامت، و زمزمه شتاب به سوی فلاح، و نماز باید گوش کودک را نوازش بدهد، تا زندگی و حیات را با این واقعیات شروع، و با آنها ختم کند، مسلمان به دنیا وارد گردد، و مسلمان از دنیا برود.

نگوئید يك روزه است، نمی فهمد، نمی بیند، شعورش نمی رسد، و قدرت گیرندگی ندارد، که همه اینها را به صورتی نو، فعال، قوی، پر قدرت دارا می باشد.

از استاد محیط طباطبائی که خدایش رحمت نماید، شنیدم: دختری بیست و سه ساله، اهل امریکا، دچار بیماری مغزی شد، او را عمل کردند، اوائل بهوش آمدن زمزمهوار سرودی مذهبی ولی با لهجه فرانسوی از او شنیده شد، پدر و مادر او غرق تعجب شدند، طبیب علت تعجب را پرسید، گفتند دختر ما يك كلمه فرانسو بلد نیست، کتاب به زبان فرانسه ندارد، دوست فرانسوی در زندگی او نیست، که ناگهان مادر آن دختر معما را حل کرد.

دخترم سه ماهه بود، تعدادی از فراریان فرانسوی جنگ دوم جهانی به امریکا آمدند، در میان آنان خانمی بود دارای شغل پرستاری، و متعصب در آئین کلیسا، در همسایگی ما منزل گرفت، گاهی به خانه ما می آمد، کودک را به آغوش می کشید، و برای آرام کردن او از گریه برایش زمزمه می کرد، معلوم بود آنچه را زمزمه می کند، رنگ مذهبی دارد، از آن روز، نقش این سرود در مغز بچه ماند، در 23 سالگی به وقت بهوش آمدن نقش سرود از مغز به زبان آمد، و بدون اختیار بر زبان جاری شد!

پس اذان و اقامه در لحظات اول تولد، و تلقین در دقائق اول مرگ بی اثر نیست، که گوش اولین عضوی است که بکار می افتد، و آخرین عضوی است که از کار می افتد!

\*\*\*

### به هنگام ولادت کودک این آداب را رعایت کنید

معصوم (علیه السلام) به نقل صاحب مکارم الاخلاق فرمود: هفت خصلت به وقت ولادت کودک سنت است:

مقدم ترین آنها نامگذاری است، تراشیدن سر، صدقه دادن به وزن موی تراشیده شده، عقیقه، آغشته کردن سر کودک به زعفران، پاك نمودن او به ختنه، خوراندن عقیقه به همسایگان.

نظام خانواده در اسلام، ص: 699

امام صادق (علیه السلام) عقیقه کردن را مستحب بسیار مؤکد دانسته، تا جائی که نسبت به آن لفظ واجب را استعمال کرده است.

العقیقه واجبٌ.



از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در رابطه با ختنه سؤال شد، فرمودند: ختنه در روز هفتم ولادت کودک از سنت است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 700

### شیر مادر

شیردادن مادر به طفل به مدت دو سال مسئله‌ای است که در کتاب خدا قرآن مجید مطرح است.

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ ...

وَفَصَالَهُ فِي عَامَيْنِ.

آری، روزی کودک در سینه مادر است، و مادر به خاطر جهات شخصی، یا خیالات خام، یا حفظ بعضی از امور جسمی حق ندارد طفل را از روزی خداداده محروم کند، و او را به شیر خشک، و به شیر حیوان و اموری از این قبیل حواله دهد.

باید دانست بهترین عامل برای وادار کردن پستان به ترشح شیر مکیدن طفل است، و هیچ دارویی بهتر از مکیدن طفل نمی‌تواند پستان را به ترشح وادارد.

از شروع مکیدن ترشح شیر کم کم منظم می‌شود، و حالت عمومی مادر رو به بهبود می‌رود.

شیری که از پستان زن ترشح می‌شود شامل  $1/6$  گرم درصد مواد آلبومینوئیدی،  $4\%$  مواد چربی و  $3/8$  گرم درصد قند و اندکی املاح و ویتامین است، که این ترکیب در هیچ ماده‌ای در جهان یافت نمی‌شود، تنها سینه مادر است که به اراده حق توان ساختن چنین غذائی را برای مهمان تازهوارد دارد!

ترکیب شیر حیوانات اندکی با این ترکیب فرق دارد، بدین معنی در حیواناتی که رشدشان سریعتر است مانند گوساله مقدار، آلبومینوئید شیرشان بیشتر است و بالعکس.

در ماههای مختلف شیردادن ترکیبات شیر زن همیشه در تغییر است، به قسمی که قند و چربی آن روز به روز رو به نقصان است و اما مواد آلبومینوئیدی آن رو به ترقی است.

مکیدن طفل علاوه بر اینکه او را سیر می کند و وسیله ادامه حیاتش می شود، سبب ازدیاد ترشح و به کار انداختن غدد پستان نیز می گردد.

تعداد دفعات شیردادن در پانزده روز اول تولد هفت مرتبه در روز است که از ساعت 6 صبح شروع و به فاصله سه ساعت یک دفعه تا 12 شب ادامه می یابد و طفل در پانزده روز اول زندگی از ساعت 12 شب تا 6 صبح را باید استراحت کند، پس از پانزده روز لازم است تعداد دفعات شیردادن را به شش مرتبه در روز تقلیل داد، یعنی ساعت 9 شب بچه را از شیر گرفت و وادار به خواب کرد، تا هم مادر استراحت کند و هم دستگاه گوارش کودک بتواند خود را برای گوارش بعدی آماده کند.

مادر در هر دفعه شیرخوردن طفل باید دقت کند کودک خود را خوب سیر کند، و این امر با اندکی حوصله و صبر قابل اجرا است، پس از سیر شدن طفل، او را به پهلوی راست بخواباند و به دنبال کار روزمره خود برود.

کودکی که پس از هر بار شیرخوردن به راحتی می خوابد و بی تابی نمی کند، و به خصوص با آزمایش وزن 25 تا 30 گرم بر وزنش افزوده می شود، کودک سالمی است و از داشتن چنین فرزندی باید کاملاً خوشحال بود.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 701

رسول خدا با کثرت کار، توجهی مخصوص به وضع شیر فرزندان داشت، به خانه فاطمه زهرا (علیها السلام) می آمد، انگشت سبابه به دهان حسین (علیه السلام) می گذاشت، با مکیدن او اشتهای او را امتحان می کرد تا اگر اشتهای صادق است مادر به او شیر بدهد، اگر کاذب است محض گریه و ناآرامی برای ساکت کردن طفل

### نظام خانواده در اسلام، ص: 702

به او شیر ندهد، زیرا شیر روی شیر بیماری تخمه می آورد، و دستگاه گوارش کودک را تنبل، و در نتیجه در تمام وجود طفل اثر منفی می گذارد، و او را خمود، سست و ضعیف بار می آورد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ.

برای کودک شیری بهتر از شیر مادر نیست.

این جمله قره‌قابل، از رسول گرامی اسلام صادر شده، حقیقتی است که دانشمندان بزرگ تازه به آن پی برده‌اند، در تحقیقات دانشمندان غرب، غری که اکثر خانواده هایش کودک خود را به شیر خوارگاه می‌سپارند، تا با شیر مصنوعی بزرگ شود آمده: که شیری و غذائی برای کودک بهتر و سودمندتر از شیر مادر نیست.

اگر مادر شیر نداشته باشد، که کم اتفاق می‌افتد، روایات تأکید فراوان دارند، در انتخاب دایه کمال دقت را به خرج دهید، که شیر در جسم و جان و فکر کودک، فوق‌العاده مؤثر است.

در روایات آمده که از انتخاب دایه بدکاره، روانی، احمق، کم‌دید، یهودیه، نصرانیه، مجوسیه، مشروب‌بخوار پرهیزید، که وضع اینان از طریق شیر به کودک منتقل می‌شود.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 703

امانکته بسیار مهم در مسئله شیردادن ثواب آن است که انسان را شگفت زده می‌کند.

رسول حق در پاسخ سخن ام‌سلمه که گفت مردان تمام خیر را می‌برند، زنان بیچاره چه کنند؟ فرمود:

ایام حاملگی ثوابش ثواب روزه و عبادت شبانه، و جهاد با مال و جان در راه خدا است، زائیدن به اندازه‌ای بهره الهی دارد که احدی را قدرت آگاهی بر آن نیست اما شیردادن: به هر مرتبه که طفل سینه مادر را می‌مکد، معادل ثواب آزاد کردن یک برده از اولاد حضرت اسماعیل در نامه عمل زن شیرده نوشته می‌شود، و چون از شیردادن فارغ شود فرشته‌ای کریم بر پهلوی زن می‌زند و می‌گوید: عملت را از سر بگیر، که آمرزیده شده‌ای!!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 704

مادران لازم است به نکته‌ای که در شیردادن، امام صادق (علیه السلام) به آن توجه داده‌اند عنایت کنند، حضرت به زنی به نام ام‌اسحاق فرمودند:

لَا تُرْضِعِيهِ مِنْ نَدَى وَاحِدٍ وَارْضِعِيهِ مِنْ كِلَيْهِمَا يَكُونُ أَحَدُهُمَا طَعَامًا وَالْآخَرُ شَرَابًا.

از يك پستان شیر مده، از هر دو پستان كودك را تغذيه كن، كه يكي برای او غذا و ديگري به منزله نوشيدنی است!

### نامگذاری

گروهی تصور می کنند نامگذاری امری عادی و معمولی است، و به هر نامی که بخواهند مانعی ندارد كودك را نامگذاری کنند، ولی اینطور نیست، نامگذاری امری بسیار مهم، و دارای اثر در مشاعر كودك، و آینده اوست، به همین خاطر باب مفصّلی در روایات اختصاص به این معنا پیدا کرده.

امام هفتم (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 705

أَوَّلُ مَا يَبْرُؤُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنٍ، فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 706

اول نیکی مرد نسبت به فرزندش این است که او را به نام نیک نامگذاری کند، بر هر کدام از شما لازم است برای فرزندش نام نیک انتخاب کند.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

نامهای خود را نیکو انتخاب کنید، که روز قیامت به همان نامها خوانده می شوید.

راوی می گوید خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسیدم کنار گهواره موسی بن جعفر بود، نشستم تا حضرت از برخوردش با كودك فارغ شد، مرا خواست، به حضرت سلام کردم، جواب داد، سپس سر من فریاد کشید و فرمود: الآن برو و نامی که برای فرزندت دیروز انتخاب کردی عوض کن.

همانا اسمی است که حضرت حق آن را دشمن دارد، واقعیتی بود، برای من دختری متولد شده بود که نامش را حمیرا گذارده بودم، به دستور حضرت برگشتم و نام او را تغییر دادم.

حضرت صادق (علیه السلام) از پدران‌ش روایت می‌کند:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يُعَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي الرِّجَالِ وَالْبُلْدَانِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 707

همانا رسول خدا اسما زشت انسانها و شهرها را تغییر می‌دادند.

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

اصْدَقُ الْأَسْمَاءِ مَا سَمِّيَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَفْضَلُهَا اسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 708

صادق‌ترین نامها، نامهایی است که بوی بندگی حق دارد، و برترین نامها برای فرزندان شما نام انبیاء است.

موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمود:

لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتاً فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرَ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 709

در خانه‌ای که نام پسران، محمد یا احمد یا علی یا حسن و حسین و جعفر و طالب و عبدالله و نام دختران فاطمه باشد، فقر داخل نمی‌گردد.

اگر نامی غیر از نام انبیاء یا امامان یا مادران انبیاء و ائمه به روی فرزندان شماست، برای جلب رضای حق و خوشنودی انبیاء و امامان عوض کنید، مبادا که در قیامت فرزندان شما به خاطر نامهای زشتی که یادآور زشتی‌های قهرمانان گناه و آلودگی است دارند، از شما شکایت کنند.

- بحار، ج 13، ص 21.

- میزان الحکمه، ج 3، ص 56 58.

- همان مدرک.
- همان مدرک.
- همان مدرک.
- میزان الحکمه، ج 3، ص 59 62.
- همان مدرک.
- همان مدرک.
- همان مدرک.
- میزان الحکمه، ج 3، ص 63.
- انعام/ 162.
- وسائل، ج 20، ص 168.
- این تعبیر لطیف درباره زن که نشانگر عنایت و رحمت خاص خدا به اوست، در روایت بسیار مهمتی در جلد 1 htm.20 وسائل، ص 13، چاپ آل البیت در رابطه با ازدواج آدم و حوا آمده.
- نظام خانواده در اسلام، ص: 710
- وسائل، ج 20، ص 163، چاپ آل البیت.
- آل عمران/ 57.
- لقمان/ 11.
- میزان الحکمه، ج 5، ص 596.
- میزان الحکمه، ج 5، ص 595 596.

- همان مدرک.

- میزان الحکمه، ج 5، ص 599 600.

- همان مدرک.

- توبه/ 71.

- بقره/ 180.

- بقره/ 201.

- بحار، ج 71، ص 383.

- میزان الحکمه، ج 9، ص 277 278.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- بقره/ 168 169.

نظام خانواده در اسلام، ص: 711

- بحار، ج 5، ص 147.

- میزان الحکمه، ج 4، ص 123.

- بحار، ج 103، ص 79؛ میزان الحکمه، ج 4، ص 119.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- بحار، ج 78، ص 339.

- وسائل، ج 12، ص 11.

- بحار، ج 103، ص 7.

- بحار، ج 103، ص 2.

- میزان الحکمه، ج 4، ص 119.

- نهج البلاغه، خطبه 91.

- بحار، ج 77، ص 389.

- میزان الحکمه، ج 4، ص 117.

نظام خانواده در اسلام، ص: 712

- بحار، ج 74، ص 395.

- بحار، ج 75، ص 172.

- بحار، ج 69، ص 407.

- بحار، ج 74، ص 81.

- بحار، ج 71، ص 396.

- بحار، ج 78، ص 60.



- بحار، ج 76، ص 60.
- بحار، ج 66، ص 15.
- بحار، ج 103، ص 21.
- بحار، ج 103، ص 11.
- میزان الحکمه، ج 9، ص 308.
- بحار، ج 7، ص 197.
- بحار، ج 103، ص 6.
- بقره/ 222.

- میزان الحکمه، ج اول، ص 541 540.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

نظام خانواده در اسلام، ص: 713

- همان مدرک.

- بحار، ج 6، ص 36 35.

- همان مدرک.

- برگرفته‌ای مختصر از مقاله‌ای مفصل در میزان، ج 2، ص 250 247.

- ملك / 10.

- بحار، ج 1، ص 131.

- میزان الحکمه، ج 6، ص 419.

- همان مدرک.

- غرر الحکم، باب عقل.

- بحار، ج 77، ص 158.

- کافی، ج 1، ص 26.

- بحار، ج 77، ص 147.

- بحار، ج 78، ص 141.

- بحار، ج 74، ص 189.

- میزان الحکمه، ج 2، ص 63.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

نظام خانواده در اسلام، ص: 714

- بحار، ج 92، ص 17.

- میزان الحکمه، ج 8، ص 67 69.

- همان مدرک.

- همان مدرک.
- نهج البلاغه، خطبه 176.
- بحار، ج 92، ص 19.
- همان مدرک، ص 189.
- نهج البلاغه، خطبه 147.
- خلاصه‌ای از آیات نبوت در قرآن مجید.
- طه / 132.
- مریم / 55.
- ابراهیم / 40.
- بحار، ج 77، ص 77.
- بحار، ج 69، ص 406.
- بحار، ج 82، ص 209.
- عنکبوت / 45.
- مدثر / 43 بحار، ج 83، ص 9 19.
- وسائل، چاپ آل‌البیت، ج 16، ص 338.
- تحریم / 6.

- بقره / 174.

- نساء / 10.

- تکویر / 6.

- ابراهیم / 48.

- تحویم / 6.

- اعلی / 13.

- نجم / 14 15.

- آل عمران / 133.

- بحار، ج 21، ص 361.

- نساء / 19.

- بقره / 228.

- احزاب / 50.

- وسائل، ج 20، ص 180، چاپ آل البیت.

- بحار، ج 103، ص 249.

- حجر / 92 93.

نظام خانواده در اسلام، ص: 716

- صافات / 24.

- اسرا/ 36.
- لقمان/ 14.
- احقاف/ 15.
- راهنمای مادر/ 6.
- بحار، ج 101، ص 106.
- بحار، ج 101، ص 106 107.
- بحار، ج 101، ص 116.
- وسائل، ج 21، ص 409.
- وسائل، ج 21، ص 407.
- وسائل، ج 21، ص 411 413.
- همان مدرک.
- وسائل، ج 21، ص 439.
- بقره/ 233.
- لقمان/ 14.
- راهنمای مادر/ 30.
- بحار، ج 103، ص 323.
- بحار، ج 103، باب رضاع؛ وسائل، ج 15، باب رضاع.

نظام خانواده در اسلام، ص: 717

- وسائل آل البيت، ج 21، ص 451.

- وسائل، ج 21، ص 389.

- همان مدرک.

- وسائل، ج 21، ص 389.

- وسائل، ج 21، ص 390 391.

- همان مدرک.

- وسائل، ج 21، ص 396.

(من سعادة الرجل ان يكون له ولد يستعين بهم)

«حضرت سجاد (علیه السلام) کافی، ج 6، ص 2»

نظام خانواده در اسلام، ص: 718

21 ... نظام خانواده در اسلام

فرزندداری در اسلام

جایگاه و ارزش فرزند

اولاد چه دختر و چه پسر از بزرگترین و بامنفعت‌ترین نعمت‌هایی است که حضرت حق به بندگان مؤمنش عنایت می‌کند.

ابراهیم (علیه السلام)، فرزند نداشت، از این بابت اندوهگین بود، خداوند مهربان به عبد شایسته‌اش در ایام کهولت اسماعیل و اسحاق را مرحمت کرد.

اسحاق ریشه انبیاء الهی تا زمان مسیح، و اسماعیل ریشه خاتم‌انبیاء و امامان معصوم و هزاران حکیم و عارف و فقیه است.

فرزند نعمت فوق‌العاده‌ای است، منبع خیر است، منبع کرامت و سود دنیا و آخرت برای انسان است، البته انسانی که مؤمن به حق است، و به خاطر ایمانش فرزندان خود را مؤمن و صالح و شایسته تربیت می‌کند.

ابراهیم به خاطر فرزندان شدن به حمد کامل حق برخاست، که فرزندان شدن به راستی اقتضای حمد می‌کند، حمدی که با زبان و قلب و اعضاء و جوارح تحقق پیدا کند.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ. [1]

خدای را سپاس که در زمان پیری به من اسماعیل و اسحاق را بخشید، همانا پروردگار من شنوای دعای بندگان است.

از آیه شریفه استفاده می‌شود، که آنقدر فرزند جایگاه مهمی در زندگی دارد، که ابراهیم به وقت پیری از حضرت حق درخواست فرزند کرد، و دعایش مستجاب شد.

زکریا به هنگام پیری در محراب عبادت از حضرت حق درخواست فرزند کرد:

فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ. [2]

مرا از جانب خود جانمینی صالح عطا فرما که از من و آل یعقوب ارث ببرد.

اسحاق بن عمار از امام ششم (علیه السلام) روایت می‌کند: شخصی گفت در داشتن فرزند بی‌رغبت بودم، تا توفیق وقوف در عرفات نصیبم شد، در کنارم نوجوانی را دیدم دعا می‌کرد و اشک می‌ریخت و می‌گفت:

يَا رَبِّ وَالِدَيَّْ وَالِدَيَّْ فَرَعَبْنِي فِي الْوَلَدِ حِينَ سَمِعْتُ ذَلِكَ. [3]

خداوندا پدر و مادرم، پدر و مادرم، با شنیدن دعای او نسبت به پدر و مادرش شوق پیدا کردن فرزند در من پدید آمد.

پدران و مادران از دنیا رفته، از عبادت و مناجات، و کار خیر فرزندانیشان در صورتی که اهل ایمان بودند بهره کامل می‌برند.

فرزندداری در اسلام ...

از رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده:

خَمْسَةٌ فِي قُبُورِهِمْ وَتَوَابُهُمْ يَجْرِي إِلَى دِيْوَانِهِمْ: مَنْ غَرَسَ حَجَلًا، وَمَنْ حَفَرَ بَيْرًا، وَمَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا، وَمَنْ كَتَبَ مُصْحَفًا، وَمَنْ خَلَّفَ ابْنًا صَالِحًا. [4]

پنج نفر از دنیا رفته‌اند، ولی پرونده آنان بسته نشده، دائم به آنان ثواب می‌رسد: کسی که درختی کاشته، چاه آبی برای بهره‌برداری مردم حفر کرده، مسجدی ساخته، قرآنی نوشته، فرزند شایسته‌ای از او به جا مانده.

امام ششم (علیه السلام) می‌فرماید:

وقتی یوسف برادر مادری خود را دید، به او گفت چگونه بعد از من زمینه ازدواجت را فراهم کردی؟ گفت: پدرم یعقوب مرا امر کرد و گفت:

أَنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثَقِّلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَأَفْعَلْ. [5]

اگر بتوانی فرزندان بی‌آوری که زمین حق را به تسبیح و ثنای خود نسبت به پروردگار سنگین کنند، این کار را انجام بده.

حضرت سجاد (علیه السلام) فرمود:

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَكُونَ مَتَجِرُهُ فِي بِلَادِهِ، وَيَكُونَ خُلَطَاؤُهُ صَالِحِينَ، وَيَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِ. [6]

خوشبختی مرد مسلمان در سه چیز است: محل تجارت و کسبش در شهر خودش باشد، که پس از پایان روز نزد زن و فرزند خود برود، و دوستانش شایسته و صالح باشند، و فرزندان داشته باشد که از کمک آنان سود جوید.

چقدر نعمت وجود فرزند بارز است که در قرآن مجید آمده:



والله جعل لكم من انفسكم ازواجاً وجعل لكم من ازواجكم بنين وحفده ورزقكم من الطيبات. [7]

خداوند از گوهر وجود شما همسرانتان را قرارداد، و از همسرانتان فرزندان و نوه و داماد نصیب شما نمود، و روزی شما را از پاکیزه‌ها قرار داد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 720

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

فرزندان مسلمانان در قیامت شفاعت می‌کنند، شفاعت آنان پذیرفته است، چون به دوازده سالگی برسند، حسنات آنان ثبت می‌شود، و چون به تکلیف برسند، گناه بر آنان نوشته می‌شود. [8]

امام هفتم (علیه السلام) فرمود:

سَعِدَ امْرُؤٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى خَلْفاً مِنْ نَفْسِهِ. [9]

خوشبخت شد مردی که نمرد تا فرزندی از خود دید.

سود فرزند داشتن تا کجاست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

فِي الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ أَنَّهُ كَفَّارَةٌ لِوَالِدَيْهِ. [10]

بیماری فرزند کفاره گناهان پدر و مادر اوست.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ قَسَمَهَا بَيْنَ عِبَادِهِ ... [11]

فرزند شایسته دسته گلی خوشبو از جانب خدا است که بین بندگانش قسمت کرده.

و فرمود:

الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيحَانِ الْجَنَّةِ. [12]

فرزند شایسته دسته‌گلی خوشبو از گلهای بهشت است.

در روایت آمده: رسول خدا بر منبر مسجد مدینه در حال موعظه بود، حسن و حسین (علیهما السلام) وارد مسجد شدند، پیراهن قرمز رنگ به تن داشتند در حال آمدن به زمین خوردند، پیامبر به سرعت از منبر به زیر آمد و هر دو را به آغوش گرفت، [13] سپس این آیه را تلاوت فرمود:

أَمَّا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فَمَنَّهُ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ. [14]

مال و اولاد شما از جانب خداوند آزمایش است، نزد حق برای شما در این آزمایش اجر بزرگ است.

در تهران قناتی حفر شد که حفرکننده آن مردی بود به نام حاج علیرضا، بیش از صد سال است که مردم یکی از مناطق تهران از آن آب استفاده می‌کنند، یکی از علمای بزرگ می‌فرمود، شخصی او را به خواب دید در باغی بزرگ کنار نهری عظیم، به او گفت این باغ یکی از باغهای بهشت است و این نهر هم نهر بهشتی، این هر دو به مزد آن قنات به من عطا شده، ولی ای کاش برایم فرزندی بود که يك بار «لااله الا الله» می‌گفت و می‌مرد، که بهره‌ای عظیم از اقرار او به توحید نصیب من می‌شد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 721

عشق به اولاد

امام ششم (علیه السلام) از رسول خدا روایت می‌کند:

أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم. [15]

فرزندانان را دوست بدارید، و به آنان رحمت آورید.

بعضی از مردم علاقه چندانی به کودکان خود نشان نمی دهند، یا اگر علاقه دارند اظهار نمی کنند، و در رفتار با آنان خشن و تند، و سخت گیرند، اینان بدانند که با این روش، که روشی غیرانسانی و اسلامی است خود را از رحمت حق محروم می کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشَدَّ حُبَّهُ لَوْلَدِهِ. [16]

همانا خداوند به بنده اش محض شدت عشقش به فرزندانشان رحم می کند.

امام هفتم (علیه السلام) فرمود:

... إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيْسَ يَعْضِبُ لَشَيْءٍ كَعَضْبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ. [17]

خداوند بزرگ، به چیزی مانند خشمش به نفع زنان و کودکان خشم نمی گیرد.

خشم حق محصول بیوفائی و بدرفتاری مردان نسبت به خانواده است.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

موسی در کوه طور به حضرت حق عرضه داشت:

أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ قَالَ حُبُّ الْأَطْفَالِ. [18]

خداوندا چه عملی در نزد تو برترین عمل است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن اطفال.

#### بوسیدن فرزندان

فتال نیشابوری که از دانشمندان بزرگ شیعه است در کتاب بارزش روضه الواعظین از معصوم روایت می کند:

اَكْتَبُوا مِنْ قُبُلِهِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبُلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ. [19]

فرزندان خود را زیاد ببوسید، که به هر بوسیدنی درجه‌ای در بهشت نصیب شما می‌شود، درجه‌ای که طول مسیر آن پانصد سال راه است.

مردی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و گفت: تاکنون فرزندم را نبوسیده‌ام.

حضرت فرمود: همانا که این مرد اهل آتش جهنم است.

در این زمینه فرقی بین دختر و پسر نیست، دختر و پسر عنایت خدا، و هر دو فرزند انسانند، آنان که دختردار می‌شوند، و به این خاطر چهره درهم می‌کشند، روحیه‌ای همانند روحیه اعراب زمان جاهلیت دارند، و وجودشان آلوده به حماقت است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 722

به خواست حق در بحث آینده به مسئله دخترداری اشاره خواهم کرد، تا معلوم شود که جایگاه و ارزش دخترداری در اسلام چه جایگاه رفیع و بلندی است.

سفارش دیگری نسبت به فرزندان از معصومین رسیده که رعایتش از نظر اخلاقی بسیار مهم است:

يُفَرِّقُ بَيْنَ الصَّبِيَّانِ وَالنِّسَاءِ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ. [20]

جایگاه خواب دختر و پسر را به سن ده‌سالگی از هم جدا کنید.

رسول اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) سفارش بسیار مهمی در این زمینه دارند که قابل توجه است:

الصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ، وَالصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ، وَالصَّبِيُّ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ. [21]

محل خواب پسر و پسر، دختر و دختر، دختر را به هنگام ده‌سالگی از هم جدا کنید.

آری در يك رختخواب مصلحت نیست دو كودك پسر، يك پسر و يك دختر و دو دختر بخوابند، که دین تیزبین اسلام این برنامه را نمی‌پسندد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَالزِّمْمَةُ نَفْسُكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَالْآ فَائَةٌ لِاخْتِيَرِ فِيهِ. [22]

تا هفت سال کودکت را برای بازی آزاد بگذار، و هفت سال بعد با تمام وجود از او مواظبت کن، اگر به قبول دینداری و تربیت تن داد، تن داده، ورنه خیری در او نیست.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَالرِّمَائِيَّةَ. [23]

به فرزندانان شما و تیراندازی یاد بدهید.

و نیز آن حضرت فرمود:

اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَاحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرَ لَكُمْ. [24]

با گرمی داشتن فرزندانان، و به نیکی کشاندن رفتارشان خود را در معرض مغفرت خداوند قرار دهید.

مالك دنیار می گوید: فردی بی قید و بند بودم، از اسلام خبری نداشتم، سه بار ازدواج کردم، به خاطر نازائی زانم آنان را طلاق دادم، از همسر بعدی فرزندی پسر پیدا کردم، در شش سالگی او را به مکتب بردم، عصر که به خانه برگشت او را به حالت بیماری دیدم، معلوم شد اولین مطلبی که معلم به او تعلیم داده این آیه بوده:

يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا. [25]

قیامت کودکان را پیر می کند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 723

بیماری او علاج نشد، از دنیا رفت، ملازم قبر او شدم، شبی در عالم خواب دیدم یکه و تنها در بیابانی مخوف قرار دارم هیولائی عجیب و غریب به من حمله کرد، پا به فرار گذاشتم، به دیواری رسیدم، خواستم از دیوار بالا رفته به پشت دیوار بروم تا خود را از دست آن هیولا نجات دهم، ناگهان تعدادی بچه را در حال بازی دیدم، سراغ فرزندم را گرفتم، او را صدا زدند، به او گفتم عزیزم در کجائی؟

گفت بعد از مردن مرا به کلاس قرآن برده‌اند، تا با یادگرفتن قرآن مستحق ورود به بهشت و رحمت حق شوم، به او گفتم این هیولا چیست مرا دنبال کرده؟ گفت پدر این ظهور اعمال و اخلاق زشت خود توست، از ترس بیدار شدم، تمام زشتی‌ها را کنار گذاشتم، به توبه و انابه موفق شدم و در راه حق قدم گذاشتم.

(قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): نعم الولد البنات، ملطفات، مجهزات، مؤنسات، مبارکات، مفلیات)

«فروع کافی، ج 6، ص 5»

نظام خانواده در اسلام، ص: 724

## 22 ارزش دخترداری در اسلام

### اراده حق در عطا کردن فرزند

وجود مقدس حق، فعال مایشاء، مالک آسمانها و زمین، علیم و قدیر، حکیم و عادل، و رحمان و رحیم است.

تصمیم و اراده او نسبت به بندگان عین لطف، و محض محبت، و جلوه عشق و رحمت، و تجلی کرامت و حسن انتخاب است.

او هرچه را برای بنده‌اش بخواهد به مصلحت دنیا و آخرت عبد است، و عبد نسبت به حکمت و عدالت و رحمت و اراده او باید تسلیم باشد، که این حالت تسلیم بالاترین عبادت باطن، و از اخلاق انبیاء و اولیاء، و نشانه عشق و معرفت عاشقان و عارفان به حضرت اوست.

آن را که عقیم قرار داده، به کسی که دختر می‌دهد، به آنکه پسر عنایت می‌فرماید، در دامن مادری که دوقلوئی از پسر و دختر می‌گذارد، همه و همه عین رحمت و لطف، و جوشش عشق او به بندگان است.

لله ملك السموات والارض، يخلق مايشاء، يهب لمن يشاء اناثاً، و يهب لمن يشاء الذكور، او يُؤوِّجهم ذكراً و اناثاً، و يجعل من يشاء عقيماً انه عليه السلام. [26]

پادشاهی و ملك آسمانها و زمین تنها و تنها برای خدا است، هرچه بخواهد می آفریند، به هرکه بخواهد دختر، و به هرکه بخواهد پسر می بخشد، یا در يك رحم دو فرزند یکی پسر و یکی دختر قرار می دهد، و هرکه را بخواهد عقیم و نازا می گذارد، همانا خداوند دانا و تواناست.

بر اساس این آیه شریفه فرزند دختر، جلوه سلطنت و پادشاهی، تجلی اراده او در آفرینش، و نور دانائی و توانائی او نسبت به انسان است.

دانش و قدرت، فعل و اراده، حکومت و مالکیت او اقتضا کرده که پدر و مادری دارای دختر شوند.

چهره درهم کشیدن نسبت به تولد دختر، چهره درهم کشیدن نسبت به الوهیت، مالکیت، خلقت، انتخاب و دانائی و توانائی حضرت اوست، که گناهی بزرگ، و حالتی احمقانه، و برنامه ای بدور از منطق و حکمت است.

طفل اگر بمیرد، به فرموده امام صادق (علیه السلام)، در جهان برزخ به ابراهیم و ساره سپرده می شود، تا در دامن آنان تربیت شود، و برای آخرت پدر و مادر ذخیره گردد.

شهید در مسکن الفؤاد نقل می کند که امام ششم (علیه السلام) فرمود صبر بر مرگ طفل و دوری از جزع و فرح ثوابش بیشتر از آن است که طفل زنده می ماند و در رکاب حضرت قائم (عج) در حال جهاد در راه خدا شهید می شد.

حضرت حسین (علیه السلام) شش ماهه شهید خود را به خیمه برگرداند، و در آغوش خواهرش زینب نهاد، و خود روی خاک نشست و عرضه داشت الهی این شهید شش ماهه را ذخیره روز آخرت من قرار بده.

جائی که طفل مرده به این اندازه برای انسان قیمت داشته باشد کودک بجا مانده و بزرگ شده، در حالی که تربیت و وقار و ادب و ایمانش، نتیجه زحمات سنگین پدر و مادر است برای انسان چه اندازه قیمت دارد؟ دختر یا پسر هیچ فرقی نمی کند، منظور اولاد انسان است.

به فرموده قرآن مجید در سوره انفال آیه 28: فرزندان انسان برای انسان آزمایش حقند، اگر انسان در برابر این آزمایش و ابتلا سرفراز بیرون آید، به این معنا که بوجود او خوشنود و راضی باشد، در تعلیم و تربیت

دینی او بکوشد، و سائل ازدواجش را در حدّ قدرت فراهم کند، احترام او را پاس بدارد، در بزرگداشت وجود او و حق او اقدام نماید، به اجری عظیم، و ثوابی فوق العاده رسیده.

مگر قرآن مجید نفرموده:

المالُ والبنونَ زينة الحَيوةِ الدُّنيا والباقياتُ الصّالحاتُ خیر عند ربِّكَ ثواباً وخیراً املاً. [27]

مال و فرزندان زیب و زینت زندگی دنیایند، حرکات شایسته‌ای که دوام و بقا دارد، نزد خداوندت بسی بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.

کسی که برای تربیت فرزند خود زحمت می‌کشد، و او را آشنای با حق و با انبیاء و با ولایت و با قرآن بار می‌آورد، باقیات صالحاتی است که در بین تمام برنامه‌هایش نظیر ندارد، و همین است که نزد خداوند بهتر و عاقبتش برای انسان نیکوتر است.

مگر مریم کبری، خدیجه بزرگوار، آسیه باکرامت، فاطمه زهرا (علیها السلام) و زینب کبری برای پدران خود بهترین باقیات صالحات نیستند؟

چرا کسی از دختردار شدن کسل شود؟ مگر فرزندی که در رحم مادر قرار دارد به اراده کسی جز خدا دختر می‌شود، دختر شدن فرزند در رحم عین لطف و رحمت حق و عنایت و مرحمت اوست، باید تسلیم اراده و لطف او بود، و بر نعمت وجود دختر تا پایان عمر با تمام وجود به شکر و سپاس برخاست.

به این واقعیت حتماً توجه کنید: رسول حق دارای چند پسر به نام قاسم، طیب، طاهر، و ابراهیم شد، گرچه هیچ کدام زنده نماندند، ولی به خاطر پسر دار شدن، از جانب خداوند تبریک و تهنیت به او داده نشد، و آیه‌ای هم در قرآن مجید به این سبب نازل نشد، ولی وقتی دختری چون فاطمه در رحم پاک خدیجه تکون پیدا کرد، سوره کوثر نازل شد، و بشارت خیر کثیر، و نیکی دائم به او داده شد!!

### روایات بسیار مهم باب دختر داری

مستحب است انسان، در صورتی که از دختر داشتن محروم است، دست نیاز به جانب حق بردارد، و برای دختردار شدن با حال اخلاص به درگاه حق دعا کند و بنالد.



ابراهیم خلیل آن پیامبر بزرگ با داشتن فرزندی چون اسماعیل و اسحاق به درگاه حق جهت دختردار شدن نالید. امام صادق (علیه السلام) دعای او را بدین صورت نقل می کند:

اِنَّ اِبْرَاهِيْمَ سَأَلَ رَبَّهُ اَنْ يَّرْزُقَهُ ابْنَةً تَبْكِيهِ وَتَنْدُبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. [28]

از حضرت حق درخواست دختر کرد تا حداقل پس از مرگش گریه کننده و ناله کننده و خلاصه مجلس گرم کن و یادآور داشته باشد.

هدفی که در این روایت بازگو شده خیلی مهم نیست، آنچه مهم است اصل مطلب است که پیغمبری اولوالعزم از داشتن دختر محروم بود، برای رسیدن به این نعمت دعا کرد.

اینکه انسان پدر دختر باشد افتخار دارد، چراکه رسول باکرامت اسلام پدر دختر بود، این هم‌رنگی با رسول خدا در زندگی، که با عنایت شدن دختر به انسان تحقق پیدا می کند واقعاً افتخار دارد، امام صادق (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 726

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ اَبَا بَنَاتٍ. [29]

پیامبر بزرگوار خدا پدر دختران بود.

اگر کسی دختر نداشت ولی دارای خواهر بود، باز هم دری از رحمت حق بر وی باز شده، امام ششم (علیه السلام) می فرماید:

مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ اَوْ ثَلَاثَ اَخَوَاتٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. [30]

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ، مُلَطِّفَاتٌ، مُجَهِّزَاتٌ مُؤْنِسَاتٌ، مُبَارَكَاتٌ، مُفَلِّئَاتٌ. [31]

دختران چه خوبند، مهربان و نرخیو، مددکار و آماده به کار، انیس انسان، بابرکت، و علاقه مند به پاکیزگی.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

مَنْ عَالَ ابْنَتَيْنِ، أَوْ أُخْتَيْنِ، أَوْ عَمَّتَيْنِ أَوْ خَالَتَيْنِ حَجَبَتْهُ مِنَ النَّارِ. [32]

کسی که دو دختر، یا دو خواهر، یا دو عمه، یا دو خاله را سرپرستی کند، سرپرستی آن دو او را از آتش جهنم حفظ می کند.

مردی به مردی که نزد رسول حق نشسته بود خبر داد همسرت دختر آورد، رنگ آن مرد تغییر کرد، رسول اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: چه شده عرضه داشت: خیر است، فرمود: بگو چه اتفاقی افتاده. گفت: از خانه بیرون آمدم در حالی که همسرم درد زائیدن داشت، این مرد به من خبر داد دختردار شده ام، حضرت فرمود: زمین حمل کننده او، آسمان سایه سرش، و خداوند روزی دهنده اوست، دختر دسته گیاه خوشبوئی است که آن را می بوئی، سپس رو به اصحاب کرد و فرمود:

کسی که دارای يك دختر است، مشکل دارد «تربیت و حفظ او، تهیه جهازیه، آماده کردن مقدمات عروسی، دلهره دامادداری» و برای هر کس دو دختر است، خدا را به فریاد او برسید، و هر کس دارای سه دختر است جهاد و هر کار مکروهی را معاف است، و هر آن که چهار دختر دارد، ای بندگان خدا او را کمک دهید، به او قرض دهید، و به او رحمت آورید. [33]

چقدر دختر عزیز است، که رسول حق یارانش را به یاری دخترداران دعوت کرده، و کمک به دخترداران را وظیفه الهی امت قرار داده.

مردی در زمان امام صادق (علیه السلام) دختردار شد، خدمت امام رسید، حضرت او را ناراحت و خشمگین دید به او فرمود فکر کن خداوند به تو وحی می کرد من برای تو انتخاب کنم که خدای تو هستم، یا تو با بودن من انتخاب می کنی؟ چه جواب می دادی عرض کرد می گفتم ای خدای من تو برای من انتخاب کن، حضرت فرمود: هم اکنون خداوند مهربان دختر برای تو انتخاب فرموده، ای مرد در داستان موسی و خضر آمده که وقتی خضر به مصلحت آن خانواده به دستور خدا كودك را کشت، به موسی گفت:

فَارْدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَهْمًا خَيْرًا مِنْهُ زَكْوَةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا. [34]

خواستم تا به جای او خداوند فرزندی بهتر و متوجه تر به رعایت رحم به او بدهد.

حضرت حق به جای آن کودکی که بدست خضر کشته شد، و موسی معترض شد و خضر به او گفت خدا بهتر از آن را به پدر و مادرش می دهد، دختری عنایت فرمود که هفتاد پیغمبر از نسل او بوجود آمد!! [35]

نظام خانواده در اسلام، ص: 727

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَالْبَنُونَ نِعْمَةٌ، وَالْحَسَنَاتُ يُثَابُ عَلَيْهَا وَالنِّعْمَةُ يُسْأَلُ عَنْهَا. [36]

دختران حسناتند، پسران نعمت حقند، بر حسنات بهره می دهند، و از نعمت بازپرسی می کنند.

شب معراج به رسولش فرمود:

... قُلْ لِإِبَاءِ الْبَنَاتِ: لَا تَضَيِّقَنَّ صُدُورَكُمْ عَلَى بَنَاتِكُمْ فَإِنِّي كَمَا خَلَقْتُهُنَّ ارْزُقُهُنَّ. [37]

به دخترداران بگو، بر دختر داشتن بی حوصلگی نکنید، همانگونه که آنها را آفریدم، روزی هم می دهم.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که مرگ دخترش را بخواهد، قیامت بر خدا وارد می شود، در حالی که او را جزء عاصیان به حساب می آورند. [38]

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْأُنَاثِ ارْزُقُ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ، وَمَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَهُ عَلَى امْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا حُرْمَةً إِلَّا فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [39]

خداوند به دختر مهربانتر از پسر است، کسی که باعث خوشحالی دخترش شود، خداوند روز قیامت او را خوشحال می کند.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) نهایتاً درباره ارزش دختر داشتن فرمود:

خَيْرُ أَوْلَادِكُمُ الْبَنَاتُ. [40]

بهترین فرزندان شما دختران هستند.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

هر کس سه دختر یا سه خواهر را سرپرستی کند بهشت بر او واجب است، عرضه داشتند دو نفر را اگر سرپرستی کند؟ فرمود: باز هم، گفتند اگر يك دختر یا يك خواهر را فرمود: باز هم. [41]

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى نُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَهُ إِلَى قَوْمٍ مُحَاوِيحٍ وَلَيَبْدَأُوا بِالْأَنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ فَإِنَّ مَنْ فَرَّحَ ابْنَتَهُ فَكَأَنَّمَا اغْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ. [42]

واقعاً روایت عجیبی است، فرهنگی در تمام تاریخ بشر بدین صورت از دخترداری جانبداری نکرده، بلکه بعکس، وضع دختران و زنان در جنب اقوام و ملل وضع خوبی نبوده، این زحمات بی شائبه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بود، که انقلاب معنوی عظیمی در مسئله حیات دختران و زنان و زرداری و دخترداری ایجاد کرد، در هر صورت معنای روایت بدین مضمون است:

کسی که به بازار رود، و چیزی بخرد و آن را به خانه برای زن و فرزند ببرد، مانند کسی است که بار مستمندان را به دوش کشیده، او در خانه دختران را در گرفتن تحفه مقدم بدارد، همانا کسی که دخترش را خوشحال کند به مانند این است که برده‌ای از اولاد اسماعیل در راه خدا آزاد کرده!!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 728

مسئله عجیب‌تر این که رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: فرزندان را به خاطر گریه و ناله‌ای که به جهت کودکی دارند کتک ننید زیرا گریه طفل معنادار است.

گریه آنها در چهار ماه اول شهادت به توحید، و در چهار ماه دوم صلوات و درود بر پیامبر و آل، و چهار ماه سوم دعا برای پدر و مادر است. [43]

بنابراین شهادت‌دهنده به وحدانیت حق، و درود فرستنده به نبی و آل و دعاکننده به پدر و مادر را زن، نه اینکه مستحق کتک نیست، بلکه به خاطر گریه معنادارش، واجب است با تمام وجود از او رعایت کنی، و لطف و محبت خود را از او دریغ نمایی.

به این روایت بسیار مهم عنایت کنید:

سکونی که از یاران امام صادق (علیه السلام) است می گوید در حال غم و غصه و حزن و اندوه وارد بر امام ششم (علیه السلام) شدم، فرمود: سکونی سبب غصه تو چیست؟ عرض کردم دختردارشدم، فرمود بارش را زمین می کشد، رزقش را خدا می دهد، زمان زندگیش با تو فرق می کند، و رزق خودش را می خورد، به خدا قسم غصه و رنج از من برطرف شد، سپس حضرت از من پرسید: چه نامی براو نهاده ای؟ گفتم: فاطمه حضرت صدازد: آه آه آه. آنگاه دست بر پیشانی گذاشت و آه کشیدن را ادامه داد، سپس فرمود: اکنون که نام او را فاطمه گذاشته ای، به او ناسزا مگو، لعنتش مکن، او را کتک نزن. [44]

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ كَانَ لَهُ أُثَى فَلَمْ يَنْبِذْهَا وَلَمْ يُهْنِهَا وَلَمْ يُؤْتِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا ادْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. [45]

آنکه دارای دختر است، او را از خود نراند، اهانتش نکند، پسران را بر او مقدم ندارد، خداوند وی را وارد بهشت می کند.

و فرمود:

مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ وَاجِدَةٌ كَانَتْ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَلْفِ حَجَّةٍ وَأَلْفِ غَزْوَةٍ وَأَلْفِ بَدَنَةٍ وَأَلْفِ ضِيَاءَةٍ. [46]

کسی که يك دختر دارد اجر او از هزار حج، و هزار جهاد، و هزار قربانی و هزار مهمانی بیشتر است!!

(قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): الجنة تحت الاقدام الامهات)

«میزان الحکمه، ج 10، ص 712»

نظام خانواده در اسلام، ص: 729

23 نقش مادر در تربیت فرزند

فرزند یا حاصل وجود مادر

کلمه امّ که در قرآن و روایات به طور فراوان ذکر شده، به معنای ریشه و سرچشمه است، و به خاطر این که کودک حداقل شش ماه و حداکثر نه ماه در رحم زن است، و با تمام قوا جسم و روح خود را از مایه‌های وجود زن می‌گیرد، و به طور دائم از کارگاه جسم و اعصاب و جان زن تغذیه می‌کند، از وجود او نسبت به کودک تعبیر به امّ شده است.

در حقیقت مادر اصل، ریشه و سرچشمه وجود کودک است، و کودک انعکاسی از واقعیات جسمی و روحی مادر، و میوه‌ای از آن شجره مبارکه است.

مدت اقامت نطفه در صلب پدر، بسیار اندک، ولی در رحم مادر نزدیک به دویست و هفتاد روز مهمان است.

روی این حساب تمام یا اغلب گیرندگی و اثرپذیری او از مادر است، و به همین علت حسابی که اسلام برای مادر باز کرده برای غیر او باز نکرده است.

آثار وجودی مادر از جسم و روان، در وجود کودک ظهور می‌کند، و طفل در اکثر اطوار و برنامه‌های حیاتش خودآگاه، یا ناخودآگاه بر طینت مادر می‌طنند.

دختر قبل از اینکه ازدواج کند باید توجه داشته باشد، یا به او توجه بدهند که مادر فرداست، و مادر فردا باید از امروز در غذا، رفت و آمد، معاشرت، برخورد، تربیت، ادب و ایمان دقت کند، تا موجد و مولّد نسلی پاک، سالم، باارزش و مؤدب به آداب باشد.

این جمله زیبا را که از امپراطور فرانسه ناپلئون نقل می‌کنند در کتابی در رابطه با زن دیدم.

از او پرسیدند کدام مملکت در نزد تو ارزشش از همه ممالک بالاتر است؟ گفت کشوری که تعداد مادرانشان بیشتر باشد!

حیثیت مادر بودن باید برای زن ثابت و پابرجا بماند، و گرنه نسل خوبی بوجود نخواهد آمد.

مادر در فرهنگ اسلام باید مادر بودن خود را برای تربیت و رشد فرزندان حفظ کند.

مادر باید برای فرزندان مادری کند، تا فرزندان از نظر فکری و عاطفی کمبود پیدا نکنند.

زن اگر خصوصیات مادری را از دست بدهد، و خود را در عرصه‌گاه آزادی به معنای غربی بیندازد، و با هرکس و ناکسی بگوید و بخندد و بنشیند، و رفت و آمد کند، به خود و به شوهر و به فرزند، به خاطر لذائذ جسمی و مادی بی‌اعتنا

باشد، مادر نیست، درنده‌ای است که به جان خانواده افتاده، و گرگ خطرناکی است که شرف و کرامت و عفت و پاکی خانواده را به باد خواهد داد.

مادر برای تحویل دادن فرزندی وزین، مؤدب، پاك، باصلابت، خردمند، باید دارای وجودی پاك، و فکری سالم، و اخلاقی انسانی باشد.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّائِخِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 730

قطعه‌ای از زیارت وارث است، خطاب به سرور شهیدان:

همانا در اصلاّب شایخه و ارحام مطهره نور بودی، نوری که از مقامی شامخ، و جایگاهی پاك طلوع کرد، و جهانی را به نور علم و عدل و حکمت و رهبری صحیح روشن و پس از شهادت، آخرت را روشن‌تر نمود.

در همان زیارت وجود مقدس او را به عنوان خدیجه کبری و فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌خوانیم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى.

اینکه رسول اسلام به جوانانی که قصد ازدواج دارند سفارش می‌کند دختر از خانواده‌ای اصیل، متین، و دیندار بگیری، به خاطر این است که جلوی فساد نسل گرفته شود.

دختری که اصالت خانوادگی از دست داده، جلف و سبک، بی‌ادب و بی‌تربیت، بیوقار و بی‌نظم، و از همه بدتر شهوت‌ران و بی‌حجاب و بدحجاب، و هر ساعت با یک دوست پسر بسر می‌برد، قابلیت ازدواج ندارد، او هدف حق را از آفرینش و خلقتش زیر پا گذاشته، شئون زن بودن و مادربودن را از کف داده، لیاقت بوجود آوردن فرزند صالح و شایسته را ندارد، که رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) در روایتی درباره اینان فرموده: اگر آنها در آخر زمان مار و عقرب بزیاند تر از این است که فرزند بزیاند، چرا که در کارگاه فکر و روح و روان خود به خاطر لذت‌طلبی ایجاد اخلال کرده، و این کارگاه مختل از ساختن انسان سالم عاجز است.

این معنا را از زبان نوح پیغمبر بشنوید:

وقال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکافرین دياراً أنّک ان تذرهم یضلّوا عبادک ولا یلدوا الا فاجراً کفّاراً. [47]

خداوندا از این ناسپاسان و این مرد و زنی که دست از عناد و لجبازی بر نمی دارند، احدی را در روی زمین باقی مگذار.

همانا اگر از این ملت کسی را باقی بگذاری بندگان را گمراه می کنند، و از اینان فرزندی جز بدکار و ناسپاس بوجود نمی آید.

اگر در میان قوم نوح مادر فراوان بود، اگر زن باایمان و سپاسگزار، و پاک و باادب زیاد بود، نمی فرمود از اینان جز فاجر کافر بوجود نمی آید.

آری اگر دختر و زن بفرموده رسول حق خضراء دمن [48] باشد، یعنی گیاه روئیده شده روی مزبله، از این گیاه نمی توان توقع بوجود آمدن میوه شیرین و محصول الهی و انسانی داشت.

مادر نباید در هر مجلسی گرچه مربوط به اقوام باشد شرکت کند، زیرا پاره‌ای از مجالس مجلس معصیت است و در روحیه مادر اثر می گذارد و چه بسا که هویت مادر بودن را از او بگیرد.

مادر نباید به هر شکلی که میل و طبعش اقتضا می کند از مواد خوراکی استفاده کند، چه بسا که غذا از منبع حلالی تهیه نشده، و از نظر آثار برای او و فرزندش زیان داشته باشد.

مادر مسائل مربوط به طهارت و نجاست را رعایت کند، و بر فرائض و واجبات و مسائل اخلاقی اصرار داشته باشد، تا کارگاه وجودش منبع نور و سبب طلوع نور شود.

چنانکه از امامان معصوم ما رسیده: حضرت زهرا (علیها السلام) را اسوه خود قرار داده بودند، و از تمام شئون فکری و روحی و اخلاقی و ایمانی آن بزرگوار پیروی می کردند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 731

فاطمه (علیها السلام) در تمام هستی مادری نمونه و نمونه اعلای مادری است، زنان ما و دختران ما باید آن حضرت را اسوه و الگوی زندگی خود قرار دهند، که مادر ریشه و سرچشمه و اصل وجود فرزند است.

مادرانی که اخلاق اسلامی را رعایت می کنند، مادرانی که از وقار و سنگینی و ادب برخوردارند، مادرانی که کانون مهر و محبت و عاطفه و عشقند، فرزندان آنها تا وقتی در رحم هستند از این خصوصیات مایه می گیرند، و پس از دنیا آمدن با نگاهی که دائم به مادر دارند، و گوشه‌ای که تا مدتی وقف صدای مادر است از مادر بدون تردید شکل می گیرند.



حضرت حسین (علیه السلام) وقتی سر حرّ بن یزید را به دامن گرفت، حریت و آزادی او را از هوا و هوس و حاکمیت بنی امیه به مادرش نسبت داد:

أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سَمَّيْتَكَ أُمَّكَ حُرًّا.

تو آزادی، و این آزادی را از مادر نشانه داری.

وقتی عمر سعد اصرار بر بیعت کردن حضرت حسین با یزیدیان ورزید، امام عدم بیعت خود و یارانش را به مادران پاکیزه و پاک دامن نسبت داد.

حُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ.

### میوه باغ پاکی

عبدالله مبارک انسانی حکیم، فرزانه، دانشمند و عارف بود، در ایام جوانی جهت باغداری و باغبانی به استخدام یک باغدار درآمد.

صاحب باغ در فصل انار تعدادی مهمان به باغ آورد، فریاد زد مبارک انار بیاور، مبارک سبیدی انار آورد، انارها ترش بود، صاحب باغ گفت انار شیرین بیاور، آورد باز هم ترش بود، گفت مبارک مگر نگفتم انار شیرین بیاور، در این مدت شش ماهی که در این باغی خبر نداری انار شیرین از کدامین درخت است؟! گفت: نه خبر ندارم. گفت: چرا؟ جواب داد: روزی که با هم قرارداد بستیم قرار باغبانی بستیم نه باغ خوری، من از وضع میوه‌های این باغ در جهت شیرینی و ترشی خبر ندارم!!

آری نطفه پاک، رحم پاک، مادر پاک، تربیت پاک حافظ مال می‌سازد نه مال مردم خور، باغبان بوجود می‌آورد نه باغ خور.

### مادر علت بدبختی من شد

نوشته‌اند جوانی محکوم به اعدام شد، از او خواستند اگر وصیت دارد بنویسد، گفت: وصیت ندارم، ولی بسیار مایلم در این لحظات آخر عمر مادرم را ببینم.

مادرش را آوردند، هنگام وداع مادر زبان و لب مادر را چنان گاز گرفت که مادر از شدت درد ضعف کرد، به او حمله کردند که ستمگر ظالم این چه کاری بود کردی؟

گفت: ستمگر ظالم این مادر است، این دار اعدام من برپاشده مادر است، آن روزی که کودک بودم از همسایه يك عدد تخم مرغ دزدیدم مرا تشویق کرد تا شتر دزد شدم، و سپس قاتل از آب درآمد!

### نظام خانواده در اسلام، ص: 732

آری بهشت زیر پای مادر، و دلال و واسطه عذاب قیامت هم تا اندازه‌ای مادر است.

علی (علیه السلام) پس از حضرت زهرا (علیها السلام) به برادرش عقیل که آگاه به انساب عرب بود فرمود:

انظُرْ امْرَأَةً قَدْ وَلَدَتْهَا الْفُحُولَةُ الْعَرَبُ.

برای من زنی انتخاب کن که از مادران شجاع عرب به دنیا آمده باشد.

عقیل پس از مدتی به حضرت عرضه داشت:

تَزَوَّجْ فَاطِمَةَ الْكَلَابِيَّةَ، لَيْسَ فِي الْعَرَبِ اشْجَعُ مِنْ آبَائِهَا.

با فاطمه کلابیه ازدواج کن، که در عرب شجاع‌تر از پدران او نیست.

حضرت او را به همسری انتخاب کرد. نتیجه آن ازدواج چهار پسر رشید، شجاع، باصلابت، مؤمن چون قمر بنی‌هاشم و برادرانش شد.

امیرالمؤمنین پس از شهادت مالک اشتر بر فراز منبر مسجد کوفه فرمود:

مادران را نمی‌یابم که فرزندی همانند مالک بیاورند، مالک چه مالکی؟ اگر کوه بود کوهی استوار، اگر سنگ سنگی باصلابت، مالک برای من همانند من برای پیامبر بود!

نور عبادت گاهی کمرنگ می‌شود

جوانی به مادر مراجعه کرد، به او گفت مادر گاهی از اوقات حال عبادتم ضعیف می‌شود، پاره‌ای از اوقات حسّ می‌کنم رشته تاریکی بر نورانیت باطنم می‌دود، حرام‌خور نیستم، با بدان معاشرت ندارم، از عوامل کسالت در عبادت پرهیز می‌کنم، در تحقیق و جستجو نسبت به این مسئله به این نتیجه رسیدم که از شما سؤال کنم، احتمالاً عامل این کسالت و تاریکی از شما به من منتقل شده، حقیقت را به من بگو، تا من به علاج داستان برخیزم.

مادر گفت: پسر، زمانی که به تو حامله بودم پدرت در سفر بود، زمان فراوانی زردالو رسیده بود، من از خانه بیرون نمی‌رفتم، زمینه خریدن زردالو برایم نبود، برای پهن کردن رخت به بام رفتم، چشمم به زردالوی

زیادی افتاد که همسایه برای خشک کردن پهن کرده بود، به اندازه چشیدن، اندکی از یکی از آن زردالوها را خوردم، و بعد پشیمان شدم، ولی روی رضایت گرفتن نداشتم، جوان گفت مادر علت مسئله پیدا شد، اجازه می‌خواهم در خانه همسایه بروم، و این مسئله را با او حل کنم، تا از این پس بدون حمله شیطان بتوانم خدا را عبادت کنم!

\*\*\*

### ازدواجی نورانی

در ایام نوجوانی از یکی از علما در مسجد جامع شهر شنیدم، پدر مرجع بزرگ و انسان کم‌نمونه مقدس اردبیلی وقتی برای خواستگاری دختر یکی از همشهریانش رفت، پدر دختر گفت دختر من کور، کر، و علیل دست و لنگ است، با این شرایط اگر می‌خواهی با او ازدواج کن، جوان گفت من با چنین عنصری چگونه

### نظام خانواده در اسلام، ص: 733

زندگی کنم، پدر دختر گفت فرزندم منظور از کوری او این است که چشم دیدن نامحرم ندارد، و منظور از کوری این که گوش شنیدن صدای نامحرم ندارد، و مقصودم از علیلی دست این که دست او نامحرمی را لمس نکرده، و مقصودم از لنگی پا، این که قدم به مجلس حرام نگذاشته، با چنین دختری ازدواج کرد، و نتیجه این ازدواج چنان انسان والا و بزرگی شد.

### مادر شیخ شوشتی

شیخ جعفر شوشتری از نظر علم و عمل به مقامات عالیہ رسید، نفوذ او در مردم به وقت نصیحت نفوذی عجیب بود. از مادرش پرسیدند به داشتن چنین فرزندی دلخوشی گفت: نه، گفتند: چرا؟ گفت: من برای يك بار در مدت دو سال او را بدون وضو و طهارت شیر ندادم و در آغوش نگرفتم، آرزویم این بود حضرت امام جعفر صادق شود، ولی جعفر شوشتری شد!!

### جلوه طهارت ظاهر و باطن در تربیت

برای تبلیغ به مدت ده شب در شهر بروجرد رفته بودم، دوست داشتم به توسط قدیمی‌های شهر از احوالات مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی مطلع شوم.

پیرمردی نودساله برایم تعریف کرد، تمام کوشش مادر آن حضرت این بود که او را به وقت شیر خوردن با وضو و طهارت شیر بدهد.

شبی سرد نیاز به غسل داشت، امکان بیرون آمدن از خانه نبود، با توکل و توسل با آب سرد غسل کرد، آنگاه پستان به دهان بچه گذاشت، توجه معنوی مادر، و زحمات مخلصانه پدر، کسی را به دنیای اسلام تحویل داد، که باعث تحولات عظیمی از نظر علمی و عملی و اخلاقی در حوزه‌های علمیه شیعه شد.

دختران جوان خود را همراه با شرایط الهی و اسلامی و انسانی آماده مادر شدن کنید، مادران بزرگوار هویت مادر بودن خود را حفظ کنید، که تربیت و بارآمدن چنان فرزندان خدا می‌داند برای دنیا و آخرت شما چه اندازه سودمند است.

از جمله کسانی که در قیامت حق شفاعت دارند مؤمن و عالم ربانی و شهید است، در جهت شفاعت برای این سه نفر تعدادی معین نشده، آنان اجازه دارند هرکس مستحق شفاعت است، از او شفاعت کنند، بدون تردید اولین کسی که از شفاعت این سه انسان والا بهره‌مند می‌شود مادر است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيُشَفَّعُونَ: الْأَنْبِيَاءُ، ثُمَّ الْعُلَمَاءُ، ثُمَّ الشُّهَدَاءُ. [49]

سه نفر نزد خدا شفاعت می‌کنند، و شفاعت آنان مورد قبول واقع می‌شود:

انبیاء، سپس عالمان، آنگاه شهیدان.

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 734

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَشْفَعُ فِي مَثَلِ رِبِيعَةَ وَمُضَرَ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَشْفَعُ حَتَّىٰ لِحَادِمِهِ ...

همانا مؤمن بمانند جمعیت دو قبیله ربیعه و مضر شفاعت می کند، مؤمن حتی برای خدمتگذارش در پیشگاه حضرت حق شفاعت می نماید.

دختران و مادران چرا آنچنان نباشید، که فردای قیامت بتوانید از شفاعت فرزندان عالم، شهید و مؤمن خود استفاده کنید، حیف نیست هویت مادری را برای چند روزه زندگی مادی از دست بدهید، و به دست خود بنای باطن فرزندان خود را که امانت حق در دست شماست، خراب کنید، و آنان را همزنگ شیاطین غربی و شرقی بار آورید!

(یا اخت هرون ما کان ابوک امرأ سوء)

«سوره مریم / 28»

نظام خانواده در اسلام، ص: 735

24 نقش پدر در رشد فرزند

به چهار واقعیت توجه کنید

از آیات سوره مبارکه آل عمران، آیات 33 تا 37 و آیه 28 سوره مبارکه مریم استفاده می شود، که رشد و کمال انسان بستگی به ارتباط او با چهار واقعیت دارد.

پدر باایمان، مادر مؤمنه، معلم پاك و دلسوز، غذای حلال.

یهودیان وقتی مسیح را در دامن مریم دیدند، مریمی که دختر او بود، و شوهر نداشت، با تعجب به او گفتند:

یا اخت هارون ماکان ابوک امرأ سوء و ما کانت اُمک بعیاً. [50]

ای خواهر هارون تو را نه پدری ناصالح، و نه مادری بدکار بود!

آنان خبر از حقیقت مسئله نداشتند، که مسیح کلمه خدا است که بر مریم پاك و باکرامت القا شده بود، تصور می کردند در این برنامه خلاف شرعی واقع شده با شناختی که از پدر مریم داشتند که مردی مؤمن، باوقار، مؤدب به آداب حق، بزرگوار و باکرامت است، و مادر او که زنی پاکدامن، مؤمنه، باعفت و عصمت، گمان این معنی نمی رفت که با چنان پدری، و آن مادر بزرگواری، فرزند او دست به آلودگی بزند، این مسئله برای مردم ثابت بود، که فرزند انعکاسی از روحيات و خلیات و حقایق وجودی پدر و مادر است، تا وقتی به وسیله سخن گفتن مسیح در گهواره، روشن شد، که از آن پدر، و مادر، باید چنین فرزند شایسته ای با این مقامات عالی، که مادر پیامبر اولوالعزم شود بوجود بیاید.

ملاحظه کردید توقع پاکی را از مریم در درجه نخست به خاطر پاکی پدر او داشتند، به همین جهت به او گفتند:

ما کَانَ ابُوكِ امْرَأً سُوًّا.

پدرت مرد ناصالحی نبود، تا عمل خلاف صلاح و سداد از تو صادر شود.

مسئله مادر هم که از ویژگی خاصی برخوردار است مورد نظر آنان بود، به همین علت به او گفتند:

وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا.

مادرت را می شناسیم، زنی است باعفت، اصیل، تربیت شده، با وجود بستگی تو به آن مادر، توقع خطا از تو نمی رفت.

من در بحث گذشته به تفصیل درباره مادر و وظایف او مطالبی را عرضه کردم، در این قسمت نیازی به توضیح بیشتر نمی بینم، و در مباحث گذشته راجع به حلال و حرام و رزق طیب و طاهر، مسائلی را متذکر شدم، مسئله تأثیر وجود معلم و اطوار و اخلاق او در فرزندان مردم هم از نظر کسی پوشیده نیست.

آنچه در این گفتار توضیح بیشتر لازم دارد، تأثیر وضع پدر در اخلاق و اعمال و تربیت فرزند است.

پدر در درجه اول باید به تربیت دینی، و اخلاق و دانش اندوزی فرزند توجه کند، و در مرحله دیگر با همسرش آنچنان زندگی کند، که شیرینی حیات را در کام فرزندان تلخ نکند، و در جهت دیگر با تمام وجود مواظب باشد، که لقمه‌ای از حرام سر سفره اهل بیت و فرزندان نبرد.

در روایات اهل بیت آمده چند طایفه بی حساب وارد عذاب می‌شوند، یکی از آنها پدرانی هستند که به تربیت دینی و اخلاقی فرزندان‌شان توجه نداشتند.

خداوند متعال تمام انسانها را برای رسیدن به مقام خلافت از خدا، هدایت، دانش، بصیرت و نهایتاً ورود به بهشت خلق فرموده.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 736

این خود مردم هستند که با دست خود زمینه عذاب خود را فراهم می‌کنند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) گریه می‌کند

پس از اینکه در معرکه جمل، جنگ به نفع امیرالمؤمنین تمام شد، و آتش برنامه سردگشت، حضرت به میان کشتگان دشمن آمد، و با دیدن آنان زار زار گریست!

کاری که از هیچ نظامی پیروزی در تاریخ بشر سابقه ندارد، علت گریه حضرت را پرسیدند، فرمود: اینان که اسلام را پذیرفتند، اهل نماز و روزه و عبادت بودند، باید به بهشت می‌رفتند، دلم از این می‌سوزد، که بر خلاف حق به جنگ با امام معصوم برخاستند، و به پیروی از هوای نفس، خود را دچار عذاب ابد کردند.

### اهل عذاب

گرفتاران در عذاب پنج بار از حضرت حق تقاضای نجات می‌کنند، ولی هر پنج مرتبه به آنان جواب ردّ می‌دهند، و برای بار پنجم دهان آنان را از سخن گفتن تا ابد می‌بندند.

یکی از موارد پنج‌گانه در این آیه شریفه آمده:

وهم یصطرخون فیها، ربنا اخرجنا نعمل صالحاً غیر الذی کنا نعمل اولم نعمرکم ما یتدکر فیہ من تدکر وحاءکم التذیر فذوقوا فما للظالمین من نصیر. [51]

و ایشان در دل عذاب فریاد برمی دارند، خداوندا ما را نجات بده، عمل شایسته و صالح انجام دهیم، غیر آنچه در گذشته انجام دادیم، پاسخ می شنوند آیا به شما عمر ندادیم، و در آن زمانی که در دنیا بودید برای شما ترساننده قرار ندادیم، انبیاء خود را برای هدایت شما مبعوث نکردیم، پس این عذاب را که حق شماست بچشید، که برای ستمکاران یآوری نیست.

پدران از مهم ترین اعمال توجه بر تربیت و رشد و کمال فرزند است، پدران نسبت به اولاد خود بی تفاوت نباشید، خانه را برای آنان پاک نگاه دارید، غذای حلال برای آنان ببرید، حق همسر خود را رعایت کنید، تا عمل شما و اخلاق نیک شما و طریقه کسب حلال شما به فرزندان سرایت کند، و آنان هم روزی مانند شما برای فرزندان پدر مطلوب شوند.

پدران تمام اعمال و برنامه های شما در معرض دید خدا و پیامبر و ائمه بزرگوار است:

فسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون. [52]

دقیق زندگی کنید، رفتار و گفتار و کردار خود را مواظب باشید، که همه حرکات شما در اهل خانه اثر می گذارد.

رسول خدا، پدران را به موقعیت خطیری که دارند توجه داده، امامان بزرگوار به پدران سفارشات زیادی کرده اند، پدر در خانه همچون امیر مملکت که مسئول همه جامعه است مسئول زن و فرزند است، فردای قیامت پدر در معرض مؤاخذه حق است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 737

فرزندان خود را آراسته به نیت پاک کنید، آنان را به کار خیر ترغیب نمائید، عشق به علم و دانش و عالم و دانشمند را در قلب آنان ظهور دهید، آنان را با خود به مجالس الهی ببرید، به تکلیف نرسیده مسائل واجب را به آنها تعلیم دهید، با آنان رفیق باشید و با نرخواستی و کرامت و اخلاق خوش رفتار کنید.

پیامبر و امیرالمؤمنین برای تمام پدران بهترین اسوه و سرمشق هستند.

احوال و زندگی این دو بزرگوار را مطالعه کنید، سپس در زندگی خود برنامه های آن دو معصوم را سرایت دهید، بگذارید فرزندان در انتخاب الگو و اسوه به جای انتخاب چهره های مبتذل خارجی و داخلی، رسول حق و مولای



عارفان و عابدان و پرهیزکاران و مؤمنان را انتخاب کنند، زمینه‌سازی کنید که خانه و اهل آن بوی نبوت و ولایت بگیرند، تا خیر دنیا و آخرت شما تأمین شود.

### نکته‌ای عجیب از زندگی شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری

آن مرد بزرگ و مجاهد فی سبیل‌الله، و مرجع تقلید، و دلسوز ملت، از دامن مادری پاك و صلب پدری باکرامت قدم به عرصه هستی گذاشت، پدر و مادر در تربیت او سخت کوشیدند، پدر با تمام وجود خود را وقف رشد و کمال و تربیت فرزند کرد، چون فرزندش را در سایه کرامت پدریش عاشق علم و عمل دید او را به نجف فرستاد، اساتید بزرگی دید، از تالی تلو معصوم، حضرت شیخ انصاری و میرزای شیرازی، و حاج میرزا حسین نوری بهره‌های فراوان گرفت، با کوله‌باری از دانش و فضیلت، و علم و عمل، و اخلاق و تقوا به تهران برگشت، در رأس علمای بزرگ قرار گرفت، جرّقه مبارزه با ظلم و زور و ستم را در سایه مشروطه مشروعه او زد، انقلاب به ثمر رسید، ولی خودباختگان آلوده در رگ و پی حکومت نفوذ کردند، انقلاب مشروطه را بسوی رنگ‌گیری از لندن سوق دادند، از میان همه علما او نسبت به این واقعیت تلخ تیزبین‌تر بود، فریاد کشید، هجرت کرد، اعلامیه داد، ولی به جایی نرسید، گرفتار شد، محکوم به اعدام شد، اعدامش به علت این بود که مشروطه مشروعه و مجلس شورای اسلامی، مجلسی متکی به قرآن و روایات و نهج‌البلاغه و فقه شیعه می‌خواست، نیتش خالص بود، خواسته‌اش خدائی بود، سوزدل داشت، بینائی و بصیرت داشت و این همه را از پدر و معلمان آموخته بود و ثبات آن را از دامن مادر گرفته بود، و تمام را با نوری که از لقمه حلال به دست می‌آید به هم آمیخته بود.

پای چوبه دار روز 13 رجب روز ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاطر خواسته‌های مشروعه‌ش به دست فراماسیونها اعدام شد.

آنان تصور کردند با اعدام او نیتش را هم اعدام کردند، آنان از این آیه شریفه غافل بودند:

یریدون لیطفتوا نورالله بافواهم والله متمّ نوره ولو کره الکافرون. [53]

می‌خواهند نور خدا را با فوت دهن‌هایشان خاموش کنند، خدا متمّم نور خود است گرچه مشرکان از بودن آن نور کراهت داشته باشند.

حدود هشتاد سال از اعدام او گذشت، روز سیزدهم رجب ساعت ده صبح نزدیک میدان توپخانه محل اعدام آن مرد الهی ثمره انقلاب ملت شهیدداده ایران با افتتاح مجلس شورای اسلامی در سایه پیام خمینی کبیر خود را نشان داد، و نیت شهید بزرگ شیخ فضل الله نوری به کرسی نشست، من آن روز جزء مدعوین آن مجلس بودم، برایم اعجابی نداشت زیرا خداوند یار و یاور مؤمن، و تحقق دهنده نیت پاک اوست گرچه او را اعدام و

به شهادت برسانند، به حقیقت که خوشا به حال پدر آن شهید باکرامت، که فردای قیامت با داشتن چنین فرزندی از چه آبروی سنگینی در محضر حق و محضر انبیاء و امامان برخوردار است.

### جوانان بیدار باشید

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 738

جوانان عزیز، فرزندان اسلام، وابستگان به رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) سفارش مهمی به شما دارم، و آن این است که قبل از ازدواج شرایط یک پدر خوب و مطلوب را در خود تحقق دهید، زمان ازدواج دیر است، از هم اکنون به فکر تصفیه خود از رذائل اخلاقی، و تصفیه عمل خود و معاشران خود، و رفت و آمد خود، بخصوص غذای خود باشید، چراکه در نطفه شما ماده‌ای است بنام ژن که تمام خصوصیات شما را به نسل شما منتقل می‌کند، این معنا تنها ثمره تحقیق علما و دانشمندان غرب نیست که بعضی از شما به آن اهمیت ندهید، و بگوئید ممکن است این نظریه در آینده باطل شود، یک مسئله طبیعی و ذاتی است، که اسلام عزیز از همان هنگام طلوع به آن توجه داشته، در این زمینه به روایتی بسیار مهم عنایت کنید:

جوانی سراسیمه و مضطرب به محضر پیامبر آمد، عرضه داشت من و همسر دو سپید پوست هستیم، به همسر اطمینان کامل دارم، ولی فرزندی که برای ما متولد شده سیاه‌چهره است، برای من معماست!

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِنَّ الْعِرْقَ دَسَاسٌ.

معادل لغوی عرق همان ژن، و لغت دساس به معنای انتقال دهنده است.

جوان را با این جمله از اضطراب و بدگمانی نجات داد، آری صفات و خصوصیات پدران به فرموده رسول خدا، که امروز هم با ابزار و وسائل علمی ثابت شده به فرزندان منتقل می‌شود.

بنابراین قبل از ازدواج سعی کنید آن خصوصیتی که اسلام از يك پدر می‌خواهد در شما تحقق پیدا کند، مباد که بدون توجه به واقعیات و فقط به قصد لذت و زندگی مادی ازدواج کنید، و فرزندان شما برای شما و برای جامعه محصول خوبی نباشند.

رسول حق و امامان بزرگوار از انتساب به ابراهیم بت‌شکن خوشحال بودند، آثار وجودی آن مرد بزرگ به ذریّه و نسل پاکش منتقل شد.

ما در زیارت وارث که زیارتی صحیح و محکم است حضرت حسین را وارث آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌خوانیم، این ارثی که به حضرت رسیده مال و ثروت که نیست، حالات معنوی، علوم الهی، و اخلاق حسنه، و کرامت و فضیلت و شرافت است، چرا ما پدران از این همه سرمایه معنوی بهره‌مند نباشیم، تا فرزندانمان بهره‌مند شوند؟

### پدران گمراه و وظیفه فرزندان

ممکن است در خانواده‌ای، پدر خانواده از قبول تربیت دینی روی برتافته باشد، و از اجرای دستورات حق شانه خالی کند، به واقعیات علاقه نشان ندهد، و حوصله قبول حقایق الهی را نداشته باشد، فرزندان به عقل رسیده در درجه اول موظف هستند با زبانی نرم، و اخلاقی خوش آنان را به حقیقت دعوت کنند، و وی را از خزی دنیا و عذاب آخرت برهانند، اگر قبول نکرد خود را در جنب او حفظ کنند، و دامن پاك حیات را به آلودگی او آلوده نکنند.

در این زمینه جوان پاك و مؤمن و مجاهد و عاشقی چون مصعب بن عمیر را که در جنگ احد در سنین جوانی در رکاب رسول حق شهید شد الگو و اسوه خود قرار دهند.

پدر و مادر مصعب مشرک بودند، مصعب شدیداً مورد علاقه آنها بود، او از پی فطرت و عقل به پیامبر ایمان آورد، و به دستور رسول الهی قبل از اینکه مسئله هجرت پیامبر پیش بیاید برای تبلیغ دین بنابر درخواست مردم مدینه به آن شهر رفت، زمینه دین‌دار شدن بسیاری از مردم را او فراهم کرد، مدینه برای هجرت پیامبر

## نظام خانواده در اسلام، ص: 739

و گسترش اسلام با زحمات او آماده شد، نبی اکرم به مدینه آمد، روزی مصعب را با پیراهنی از پوست دباغی نشده گوسپند دیدند رو به اصحاب کردند و به مصعب اشاره نمودند و فرمودند:

انظروا الى رجل قد نور الله قلبه ولقد رأيتُهُ وهو بين أبويه، يُعَدِّيَانِهِ بِاطْيَبِ الْأَطْعِمَةِ وَالْيَنِ اللَّبَاسِ فَدَعَاهُ حُبُّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى مَا تَرَوْنَ. [54]

به مردی نظر کنید که خداوند دلش را روشن کرده، من او را در کنار پدر و مادرش در مکه دیدم، که بختبرین غذا و نرم‌ترین لباس را برایش آماده می‌کردند، ولی عشق خدا و رسول خدا او را به این شکل زندگی که می‌بینید کشید.

جوانانی که پدران شما جدای از معنویت زندگی می‌کنند، و نمی‌خواهند شما اهل معنی، متدین به دین، متخلق به اخلاق باشید، همه همت آنان این است که یا در علوم مادی به جایی برسید یا در به چنگ آوردن مال دنیا، با آنان برخورد نیک داشته باشید، جنگ و دعوا نکنید، که درگیری با آنان خلاف خدا و رسول خدا است، فقط از آنان رنگ نگیرید، و خدا و پیامبر و امامان و قیامت را، در کنار دعوت باطل و پوچ آنان از دست ندهید، در این زمینه جوانی پاک، مؤمن، عابد، مجاهد، بزرگواری چون محمد بن ابوبکر را ملاک خود قرار دهید، و همچون او که با عشق علی و عمل به قرآن و سنت پیامبر زیست و عاقبت هم جان شیرین در راه حق و استقرار دین الهی در باخت با عشق خدا و انبیاء و امامان زندگی کنید، و اعمال و رفتار و اخلاق خود را هماهنگ با مسائل الهی نمائید.

\*\*\*

## پدری بافضیلت

خاله‌زاده مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه باعظمت قم، در منطقه مهرجرد، به هنگامی که دو سه شب برای تبلیغ رفته بودم تعریف کرد:

پدر شیخ پانزده سال بچه‌دار نشد، غصه می‌خورد، شغل او هم قصابی بود، و آن شغل آنچنان نبود که سرگرمش کند، همسر باکرامتش به او گفت احتمالاً عیب بچه‌دار نشدن در من باشد، من رنج تو را تحمل نمی‌کنم، و غصه تو را در قیامت قدرت جواب دادن ندارم، از نظر من ازدواج مجدد برای فرزنددار شدن هیچ مانعی ندارد، بلکه خودم دنبال همسری

مناسب برای تو می‌روم پس از مدتی زن جوان شوهرمرده‌ای را در چند فرسخی محل پیدا کرد، و به شوهر خود پیشنهاد ازدواج با او را داد.

ازدواج صورت گرفت، شب عروسی، عروس و داماد را طبق مراسم قدیم دست به دست دادند، دختر بچه سه ساله عروس خانم که از شوهر سابقش مانده بود، از مادر جدا نمی‌شد، خاله دختر او را بغل زد که ببرد، صدای ناله بچه یتیم بلند شد، آن مرد با کرامت تکان خورد، به آن خانم گفت تحمل ناله یتیم را ندارم، علاوه بر این بودن من با تو و بچه‌دار شدن از من امکان لطمه زدن به این یتیم را دارد، من از خیر این ازدواج گذشتم، مهر زن را پرداخت و شبانه به مهرجرد برگشت، همان شب در کنار همسر اولش قرار گرفت و نطفه حاج شیخ عبدالکریم به مزد آن کرامت و گذشت بسته شد، فرزندی بوجود آمد که پایه گذار حوزه علمیه قم شد، معلم نزدیک به هزار عالم واجد شرایط شد، مراجع بعد از خود را تربیت کرد، از تربیت شدگان او خمینی کبیر بود، که انقلاب اسلامی ایران از دم او صورت گرفت و شرق و غرب را تحت تأثیر قرار داد، و اسلام را از نابود شدن حفظ کرد، و می‌رود که جهان را زیر سیطره بابرکت اسلام ببرد، خمینی بزرگ محصول حاج شیخ و حاج شیخ محصول قصّابی بافضیلت و موجودی الهی و نورانی و مردی مخلص بود، این پدر بافضیلت در قیامت از کنار فرزندش و شاگردان فرزندش و انقلاب اسلامی ایران چه بهره‌ای خواهد برد، فقط و فقط خدا می‌داند و بس.

نظام خانواده در اسلام، ص: 740

### پدرانی نابکار، فرزندان صالح

حجاج بن یوسف ثقفی چهره‌ای پست، پلید، خائن، ستمگر، قاتل و موجودی نابکار بود، ذریّه او مورد قبول نبودند، ولی از نسل او در زمان مرجعیت سید مرتضی انسانی والا و بافضیلت، شاعری شایسته، حکیمی باکرامت، عاشقی وارسته، محبّ اهل بیت، مداح امامان معصوم (علیهم السلام) خصوصاً امیرالمؤمنین و حضرت سیدالشهداء بنام ابوعبدالله کاتب بوجود آمد.

او بریده از صفات و حالات پدران گذشته‌اش بود، او از نور عقل و فطرت استفاده کرد، حق را پذیرفت، به رنگ حق در آمد، مورد توجه اهل بیت شده به صورتی که بنا بر نقل ریاض العلماء میرزا عبدالله افندی، به علتی سید مرتضی به او تندی کرد، سید شب رسول خدا و ائمه بزرگوار را خواب دید، سلام کرد، پیامبر با او به سردی برخورد فرمود، عرضه داشت مرا

چه تقصیر است، فرمود با شیعه و شاعر ما برخورد نامناسبی داشتی، از او عذرخواهی کن، با دمیدن آفتاب روز سید بزرگوار با پای پیاده به در منزل ابوعبدالله کاتب آمد، از او عذرخواهی و دلجوئی نمود.

جوانان بزرگوار این قدرت را حضرت حق به شما مرحمت فرموده که استقلال خود را حفظ کنید، و از آلودگان و ناپاکان گرچه پدر شما باشد رنگ نگیرید، پس رنگ نگیرید، و در صراط مستقیم حق بمانید، یا وارد شوید و استقامت کنید.

### پدری باکرامت

صدرالمتأهلین شیرازی فیلسوف بی نظیر و حکیم اندیشمند، و عارف وارسته، که انقلابی عظیم در فلسفه بوجود آورد، و در این زمینه علمی ترین کتابها را نوشت، فرزند ثروتمندی معروف در شهر شیراز بود، پدرش در شغل عتیقه فروشی، و خرید و فروش لؤلؤ و مرجان و شغل دولتی مقامی بس ارجمند داشت.

علاقه شدیدی قلب او را تسخیر کرده بود، که فرزندش همپای خودش در شغل خرید و فروش لؤلؤ و مرجان وارد شود، مدتی نزد پدر بود، مدتی هم در بوشهر جهت ادامه شغل پدر مقیم شد، چندی هم در بصره بسر برد، پس از یکی دو سال به شیراز برگشت، به پدر خود همراه با احترامی خاص پیشنهاد ترك شغل، و حضور در حوزه علمیه شیراز را داد، پدر باکرامت به فرزندش گفت آنچه را به مصلحت خود می دانی در پذیرفتنش حاضریم، به مدرسه آمد، ثروت و تجارتخانه را رها کرد، از خانه و لذت مادی و خوشی چشم پوشید، چیزی نگذشت که در سایه گذشت و محبت پدر در سنین جوانی دانشمندی بنام شد، در حوزه شیراز فردی را نیافت که وی را از نظر علمی تغذیه کند، از پدر اجازه سفر به اصفهان گرفت، بلافاصله مورد قبول واقع شد، به اصفهان آمد، به درس شیخ بهائی، میرداماد، و میرفندرسک رفت و پس از مدتی صدرالمتأهلین شد.

آری، اخلاق پدر، نرخیوی سرپرست خانواده، و فهم و بینش او، وی را از شاگردی در مغازه عتیقه فروشی، به استادی فلاسفه و حکما رساند.

راستی يك پدر باکرامت، يك پدر بابصیرت، يك پدر دلسوز و آگاه، چه محصولی شیرین تحویل جهان بشریت، و علم و دانش می دهد؟!\*

حرام خوری علی اکبر تربیت نمی کند

نظام خانواده در اسلام، ص: 741

در ایام کودکیم پیرمردی بزرگوار، باتقوا، منظم، در محل ما زندگی می کرد، در بازار تهران واسطه بود، تاجر به خاطر تدین و ادب و سلامت او عجیب به خرید و فروشش اعتماد داشتند، سه وقت به نماز جماعت می آمد، جاذبه عجیبی برای جذب بچه ها به مسجد داشت، من از جمله کودکانی بودم که به عشق او حتی به نماز جماعت صبح می رفتم، داستانهای عجیبی از دوران هشتاد ساله عمرش برای ما تعریف می کرد که عجیب آموزنده و بیدارکننده بود، می گفت جوانی مؤمن و نورانی در منطقه ناصر خسرو، همراه با پدر و مادرش زندگی می کرد، پدرش مسائل شرعی را رعایت نمی کرد، او که با اهل علم و مجالس مذهبی سر و کار داشت از وضع پدرش رنج می برد، نصیحت های دلسوزانه اش در پدر اثر نمی کرد، به حالت قهر به شهر ری کنار مرقد حضرت عبدالعظیم رفت، سالی را در آنجا دست فروشی کرد، و برای مردم بازار مسائل شرعی گفت، سحر عاشورا جهت دیدن پدر و مادر به تهران آمد، پدر و مادرش جهت عزاداری به تکیه دولت رفته بودند، خود او هم روانه آن محل شد، از قضا شمر تعزیه مریض شده بود، و به معرکه حاضر نشد، رئیس تعزیه خوانها آن جوان را دید، چون با او سابقه آشنائی داشت، او را دعوت به انجام مراسم کرد، پذیرفت، لباس پوشید، وارد میدان شد با مهارت بازی کرد، پدرش در میان جمعیت او را شناخت از این که در نقش شمر درآمد بود ناراحت شد، پس از پایان مجلس همگی به خانه آمدند، پدر از پسر سؤال کرد غذا خوردی؟ پاسخ داد نه، گفت در پستوی خانه خمره شیره، و ظرف ماست هست، بیاور و بخور، وقتی به سر خمره شیره آمد موشی را در آن مرده یافت، ماست خالی آورد، مشغول خوردن شد، پدر گفت چرا شیره نیاوردی؟ جواب داد موش مرده ای در آن یافتم، نجس بود، خوردن نجس حرام، با لحنی تند به پسر گفت: هنوز دست از این مقدس بازی برنداشته ای؟ پس از چند لحظه سکوت گفت: پسر، اکنون که پس از يك سال بازگشته ای چرا شمر شدی، و در نقش علی اکبر قرار نگرفتی؟ پسر با لحنی زیبا و جالب گفت: پدر شیره ای که موش مرده در آن افتاده، توقع نداشته باش هر که از آن بخورد نطفه اش تبدیل به علی اکبر شود، نتیجه غذای حرام شمر است!!

جوانان سعی کنید پدر واجد شرایط شوید، تا فرزندان شما صالح و شایسته شوند، پدران اگر در شما عیبی هست، که آن عیب باعث خرابی ساختمان باطنی فرزند شما می شود، به رفع آن عیب برخیزید، که قیامت برای همه انسانها روز عجیبی است.

(قال عليّ (عليه السلام): حق الولد على الوالد ان يحسن اسمه، و يحسن ادبه، و يعلمه القرآن.)

«نهج البلاغه حکمت / 399»

نظام خانواده در اسلام، ص: 742

## 25 حقوق فرزند بر پدر و مادر

### راهی بسوی خیر

در ابتدای کلام اشاره به قطعه‌ای پربار، حکیمانه، ملکوتی، که از مشرق قلب عرشی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، جهت راهنمایی انسان به سوی خیر طلوع کرده، لازم است.

آن حضرت در جواب کسی که پرسید خیر چیست؟ فرمود:

لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَوَلَدُكَ، وَلَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ، وَأَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَأَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ فَإِنَّ  
اِحْسَنَتْ حَمْدَتَ اللَّهِ وَأَنْ اسَأَتْ اسْتَعْفَرْتَ اللَّهَ وَلَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ، رَجُلٌ اذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ، وَرَجُلٌ  
يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ وَلَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى وَكَيْفَ يَقِلُّ مَا يَتَقَبَّلُ. [55]

خیر در این نیست که ثروت و فرزندان زیاد شوند، خیر در زیاد شدن علم و حلم و بردباری توست، و اینکه به بندگی و عبادات پروردگارت مباحات کنی، اگر رفتار و کردار و اخلاقت خوب بود، خدا را بر این خوبی سپاس کن، و اگر بد کردی از حضرت او طلب مغفرت نمائی، در این دنیا خیر نیست مگر برای دو نفر: کسی که مرتکب گناهیانی شده و آن را با توبه تدارک کرده، و کسی که به سوی تمام خوبیها سرعت کرده، عملی که همراه با تقواست کم و اندک نیست، چگونه کم و اندک باشد عملی که پذیرفته شده؟



در این فرازهای عرشی به سه حقیقت اشاره شده: دانش، بردباری، بکارگیری هر دو که عبادت حق است، و در پایان به این معنی توجه داده شده که علم و حلم و بکارگیری آن باید همراه با پرهیز از گناه، و خودداری از معصیت باشد، تا به قبولی حضرت حق برسد.

علمی که صاحبش تقوا ندارد، حلمی که همراه با پرهیز از گناه نیست، عبادتی که تقوا در آن نقشی ندارد، کارگاه تولید ضرر و خسارت، و آب میان غریال است.

آنان که در این دنیا به جایی رسیدند از طریق دانش و بصیرت، عبادت و توبه، تقوا و پرهیز رسیدند.

بی‌خبران و بی‌خردان، کم‌ظرفیت‌ها و بی‌حوصله‌ها، بردگان هوا و هوس، غرق شده‌های در لجنزار معصیت، فراریان از خیر و برّ و نیکوکاری، مردمی عاقل و باطل، و منابعی از ضرر و خسارت هستند.

در هر صورت در رابطه با حقوق فرزند بر پدر و مادر، از این جملات نورانی و ملکوتی چنین استفاده می‌شود که پدر و مادر در مرحله اول باید به وظائف و مسئولیت‌های خود نسبت به فرزندان از نظر اسلام بصیرت و آشنائی پیدا کنند، و در درجه بعد برای اجرای آن حوصله و بردباری به خرج دهند، و بکارگیری آن دستورات که عبادتی بزرگ است، به آن عبادت در باطن خود مباهات داشته و خوشحال باشند، و حضرت حق

### نظام خانواده در اسلام، ص: 743

را در توفیق توجه به فرزندانشان، و رعایت حقوق آنان سپاس گویند، و اگر در این زمینه تقصیری از آنان سرزده، از پیشگاه مولا طلب مغفرت نمایند، و در تمام جوانب مسئله تقوا را رعایت کنند، که زحمات آنان بر باد نرود.

توجه به حقوقی که فرزند بر عهده انسان دارد، و زحمت کشیدن برای ادای آن حقوق، بدون تردید عبادتی بزرگ، و خیری عظیم است، که ثمره آن در دنیا و آخرت نصیب خود انسان می‌شود.

### حقوق فرزندان بر پدر و مادر

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ، وَالسَّبَّاحَةَ، وَالرَّمَايَةَ، وَأَنْ لَا يَزُوقَهُ إِلَّا طَيِّبًا. [56]

بر پدر لازم است به فرزندش نوشتن، شنا و تیراندازی تعلیم دهد، و جز روزی پاك و حلال به او ندهد.

البته در بعضی از این امور دخالت مستقیم و مباشرت لازم نیست، همین که پدر فرزندش را به مدرسه بفرستد، و به مراکز پاک‌سازی که شنا و تیراندازی یاد می‌دهند حق او را رعایت کرده، در زمینه غذای پاك و حلال وظیفه سنگین است، نسبت به این وظیفه به هر نحو ممکن باید دقت شود، که در دنیا و آخرت مشکلی پیش نیاید.

چه اندازه عالی بود، اگر در کنار تمام مدارس، باشگاه ورزشی، و مسجد وجود داشت، تا فرزندان مملکت، پس از درس، برای تعلیم‌گیری شنا و تیراندازی به باشگاه، و سپس برای یادگیری مسائل شرعی و عبادت به مسجد می‌رفتند، تا به موازات رشد فکری و بدنی به رشد روحی و تربیتی هم می‌رسیدند.

کتابت یا به معنای اعم سواد، و شنا و تیراندازی، و حلال‌خوری چهار منبع قدرت و نیرو برای فرزندان کشور است، که با مجهز شدن آنان به این قوای عالی، از بسیاری از خطرات درامان می‌مانند.

دنبال کردن این امور وقت جوانان و کودکان را پر می‌کند، و در تعدیل نیروهای باطنی آنان، و بخصوص شهوات و غرائزشان بسیار مؤثر است.

شیخ بهائی در کتاب مخلّاه در رابطه با مال حلال از بزرگی بنام حسن، که ندانستم منظورش کدام حسن است نقل می‌کند، اگر گرده نان حلالی به دستم آید، آن را خشک می‌کنم، سپس می‌کوبم، و به صورت گرد نرمی درمی‌آورم. آنگاه آن را در جایی حفظ می‌کنم، تا اگر مریضی که مرضش صعب‌العلاج است به من مراجعه کند، ذره‌ای از آن حلال خالص را به او بدهم، تا از بیماری با خوردن آن ماده حلال برخیزد!

### آثار حلال و حرام

یکی از علمای بزرگ و خدمتگزار به دین و به مردم برابم نقل کرد، در ایامی که در قم خدمت حضرت امام خمینی «ره» تحصیل می‌کردم در دهه عاشورا جهت تبلیغ به بخش‌ها و شهرها می‌رفتم.

نزدیک دهه عاشورا خدمت آن مرد بزرگ رسیدم، عرضه داشتم امسال به محل جدیدی دعوت دارم مرا دعا کنید و اجازه رفتن مرحمت نمائید، امام مرا دعا کردند، و در زمینه برخورد با مردم و تبلیغ دین نصیحت فرمودند.

به محلی که باید می‌رفتم رفتم، در ابتدای ورودم به آن منطقه که دو سه هزار نفر بیشتر جمعیت نداشت مردی کشاورز، بیل بدوش، با چهره‌ای نورانی به من برخورد، پرسید برای تبلیغ آمده‌ای گفتم: آری، گفت: در اینجا فقط از حلال و حرام خدا بگو، زیرا مردم این منطقه نیازشان به اینگونه مسائل بیش از مسائل دیگر است، اکثر اینان حلال و حرام را رعایت نمی‌کنند، سپس به من گفت در این ده شبانه‌روز جز خانه من جائی نرو، من با کمال دقت حلال و حرام الهی را مواظبت می‌کنم، خوردن غذای من قلب تو را نورانی‌تر کرده، و سخنرانیت به خوبی اداره می‌شود.

به خانه او رفتم، همانطور بود که از او شنیدم، عادی و راحت و بدون لکنت زبان و با القاء مطالبی عالی منبر می‌رفتم.

او صبح زود به صحرا می‌رفت، و وقت نماز مغرب به مسجد می‌آمد، و پس از سخنرانی با هم به خانه باز می‌گشتیم.

یک روز بی‌خبر از او با اصرار شخصی به مهمانی رفتم، شب آن روز به وقت سخنرانی احساس سنگینی و محدودیت در مطلب و بیان کردم، گرچه مستمعین متوجه نبودند، ولی من در بیان مطالب بجان‌کندن افتاده بودم، دهاتی مهماندار دو سه بار از میان جمعیت با حالت خشمگین به من نظر کرد، در نگاه او این معنا را می‌خواندم که به من اعتراض داشت، پس از پایان مجلس به خانه برگشتیم، با لحنی تند به من گفت کارد به شکم خورده امروز از خانه من جای دیگر رفتی، من از وضع سخنرانی تو این معنا را فهمیدم، تا اینجائی حق رفتن جای دیگر نداری، و تا پایان عمر هم در غذای خود، و رفت و آمدت به خانه مردم دقت کن، که حلال نورانیت می‌آورد، و حرام تاریکی ایجاد می‌نماید.

یک بار دیگر به سخن عرشی و ملکوتی رسول خدا در زمینه نان و آداب بردن به خانه دقت کنید.

وَأَنْ لَا يَرْزُقَهُ إِلَّا طَيِّبًا.

جز روزی پاک و حلال برای فرزندان به خانه نبرد.

\*\*\*

شیخ زاهد

عالم بزرگواری در تهران به نام آشیخ محمدحسین زاهد داشتیم، که مفهوم زهد در او عملاً جلوه‌گر بود.

بسیاری از جوانان را جذب مسجد و جلسات مذهبی کرد، و آنان را به تربیت دینی آراست.

می گفت جانی دعوت شدم، باید نمی رفتم، ناخودآگاه رفتم، فقط يك عدد بستنی با اکراه خوردم، شب برای نماز و عبادت برخاستم، در راه وضو و تطهیر از پله‌ها افتادم و پیشانیم به شدت شکست، همسرم پیشانی شکسته‌ام را مرهم گذاشت و بست، از شدت درد نتوانستم به عبادت ادامه دهم، سر به بالین گذاشتم، خوابم برد، در عالم خواب این جمله را شنیدم آشیخ تو را به بستنی چکار؟ بیدار شدم و سر شکستن خود را به جرمه آن جرم دیدم!

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيُزَوِّجَهُ إِذَا أَدْرَكَ، وَيُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ. [57]

حق فرزند بر پدر این است که برای او نام نیکو انتخاب کند، و اگر زمانش رسیده زمینه ازدواج او را فراهم نماید، و به او نوشتن یاد دهد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 745

مردی از رسول خدا پرسید: حق فرزندم بر من چیست؟ فرمود:

حَسِّنْ اسْمَهُ وَادِّبْهُ، وَتَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا. [58]

نامش را نیکو انتخاب کن، بخوبی او را ادب نما، و وی را در جایگاهی نیکو بگذار.

و نیز آن حضرت فرمود:

مَنْ بَلَغَ وَلَدُهُ النَّكَاحَ وَعِنْدَهُ مَا يُنْكِحُهُ فَلَمْ يُنْكِحْهُ ثُمَّ أَحْدَثَ حَدَثًا فَأَلَامْتُمْ عَلَيْهِ. [59]

کسی که فرزندش آماده ازدواج است، و پدر قدرت بر فراهم آوردن برنامه ازدواج را برای فرزند دارد، ولی اقدام نکند، اگر گناه و معصیتی برای فرزندش پیش آمد به عهده پدر است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ، وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ. [60]

حق فرزند بر پدر سه چیز است: انتخاب نام نیکو، تربیت خوب، و تعلیم قرآن.

مردی از انصار به حضرت صادق (علیه السلام) گفت:

مَنْ ابْرُؤُ؟ قَالَ وَالِدَيْكَ، قَالَ قَدْ مَضَيَا، قَالَ بَرِّ وَوَلَدِكَ. [61]

در حق چه کسی خوبی کنم؟ فرمود: پدر و مادرت، عرضه داشت از دنیا رفته‌اند، فرمود: در حق فرزندان.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

ادَّبُوا اَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ حِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ. [62]

فرزندان خود را به سه خصلت بیارائید، عشق به پیغمبرتان، عشق به اهل بیت، و قرائت قرآن.

شناساندن رسول خدا و اهل بیت طاهرین او به فرزندان وظیفه پدران است، کودک از زمان کودکی باید رسول حق و امامان معصوم را بشناسد، و به آنان علاقه‌مند شود، تا در کنار شناخت آنان و عشق به آن بزرگواران رشد کند، و در تمام شئون زندگی هم‌رنگوهمراه آنان گردد، و جز آنان‌الگو واسوه و سرمشق پیدانکند که بهترین خیر برای انسان عشق به رسول حق و امامان، و اقتدای به آن اولیاء الهی است.

### خاطره‌ای شیرین

اولین باری که برای تبلیغ به تبریز دعوت شدم، با دعوت‌کننده شرط کردم، در محله‌ای فقیرنشین، و در خانه‌ای معمولی، برایم تهیه جا ببیند، پذیرفتند، وقتی به تبریز رفتم به وعده عمل شده بود، خانه‌ای معمولی در محله‌ای متوسط، خانه دو طبقه داشت در طبقه‌ای خانواده‌اش زندگی می‌کردند، و طبقه دیگر جنبه حسینیه داشت، صاحب‌خانه کسی عادی و درآمدی معمولی داشت، اهل عبادت و نماز شب بود، انسان عجیبی به نظر می‌رسید، به من گفت علت آمدنت را به این خانه می‌دانی؟ گفتم خودم در تهران با دوستان

دعوت کننده این وضع را شرط کردم، گفت نه ارتباطی به شما ندارد، من روز عرفه در مشهد در دعای عرفه شما شرکت داشتم، پس از پایان دعا در غروب آفتاب به حرم حضرت رضا (علیه السلام) رفتم و با گریه و ناله به حضرت عرضه داشتم، این شخص اگر بنا شد روزی به تبریز بیاید به خانه من بیاید، این برنامه تنظیم شده حضرت رضا (علیه السلام) است! و شما به دعوت امام هشتم به خانه من آمده‌اید، این خانه و من و زن و بچه‌ام متعلق به اهل بیت هستیم، و خدمتگزار خدمتگزاران به اهل بیت، سپس مطلب عجیبی از پدرش نقل کرد، گفت: پدرم در تمام عمر اهل نماز شب و عبادت بود، مرا هم از سن سیزده یا چهارده سالگی با محبت و لطف بیدار می‌کرد می‌گفت: پسر من همه مردم خوابند، وقت بسیار مناسبی است، بیا با هم گوشه‌ای گرفته و ساعتی برای مظلومیت حضرت سیدالشهداء گریه کنیم، ما حسینی بوده و حسینی بار آمده‌ایم، و دست از حسین بر نمی‌داریم، تا در قیامت در خدمت او قرار بگیریم!

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

الْعُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ، وَيَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ. [63]

کودک در خانه پدر و مادر هفت سال بازی کند، هفت سال دیگر قرآن بیاموزد، هفت سال دیگر زمینه یادگیری حلال و حرام برایش فراهم شود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ. [64]

از فرزندان خود بخواهید به دنبال علم و دانش بروند.

و نیز فرمود:

عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ. [65]

به فرزندان نماز بیاموزید، و به هنگام رسیدنشان به تکلیف مسئله نماز را جدی بگیرید.

در سه روایت بسیار مهم از رسول خدا روایت شده، همانطور که فرزندان بر اثر آزارکردن به پدر و مادر، عاق پدر و مادر می‌شوند، پدران و مادران هم در صورت عدم رعایت حقوق فرزندان عاق فرزندان می‌گردند، و همانگونه که رعایت حقوق پدران و مادران بر فرزند واجب است، رعایت حقوق فرزندان بر پدران و مادران لازم و واجب است. [66]

#### پدران و مادران توجه کنند

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ قَبَلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً، وَمَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبْوَيْنِ فَيَكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يُضِيئُ مِنْ نُورِهِمَا وَجُوهَ أَهْلِ الْجَنَّةِ. [67]

کسی که فرزندش را ببوسد، حسنه‌ای برای او ثبت می‌شود، و هر که اولادش را خوشحال کند، خداوند او را قیامت خوشحال می‌کند، و هر کس به فرزندش قرآن تعلیم دهد، پدر و مادرش را در قیامت می‌خوانند، و به آنان دو لباس می‌پوشانند که از نور آن دو چهره، اهل بهشت روشن می‌گردد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَّ لَهُ. [68]

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 747

آنکه بچه کوچک دارد، با او بازی بچه‌گانه داشته باشد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَادَّبَهَا، وَاحْسَنَ ادَّبَهَا، وَعَلَّمَهَا فَاحْسَنَ تَعْلِيمَهَا فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِي اسْبَغَ عَلَيْهَا، كَانَتْ لَهُ مَنَعَةٌ وَسِتْرًا مِنَ النَّارِ. [69]

کسی که دختر دارد، او را به نیکی مؤدب به آداب نماید، و به نیکی باسوادش کند، و از نعمتی که خدا به او داده، بر دختر بریزد و نسبت به او گشایش دهد، برای خود مانع و حجابی از آتش دوزخ فراهم آورده.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) در رابطه با فرزندان این سفارشات را دارند:

تقوای الهی را مراعات کنید، و مابین فرزندانان به عدالت رفتار نمائید. [70]

در تحفه و هبه بین فرزندانان فرق نگذارید، چنانکه دوست دارید بین شما در نیکی و رأفت عدالت به خرج دهند. [71]

خداوند دوست دارد بین فرزندان حقی در بوسیدن عدالت را مراعات کنید. [72]

رسول خدا مردی را با دو فرزندش دید، یکی را می‌بوسید و به دیگری توجه نداشت، فرمود: چرا بین آن دو در بوسیدن مراعات نداری؛ اگر بنا باشد هر دو را ببوس. [73]

(وقضى ربك ألا تعبدوا الا اياه و بالوالدين احساناً)

«اسراء / 23»

## 26 حقوق پدر و مادر بر فرزندان

### وظیفه‌ای سنگین

ادای حقوق پدر و مادر به اندازه‌ای سنگین، ظریف و دقیق، و نیازمند به تحمل و طاقت بالا و فوق‌العاده‌ای است، که جز از مؤمن واقعی به حق و قیامت ساخته نیست.

کدام مؤمن، مؤمنی که اوصاف و خصوصیات او در قرآن مجید بیان شده:

نظام خانواده در اسلام، ص: 748

أَمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

ومن يطع الله ورسوله ويخش الله ويتقنه فأولئك هم الفائزون. [74]



سخن و گفتار مردم مؤمن غیر از این نیست که وقتی به سوی خدا و رسول خدا دعوت شوند، تا بین آنان حکم کند از دل و جان بگویند، می‌شنویم و اطاعت می‌کنیم، اینان رستگاران واقعی هستند.

هر کس فرمان خدا و رسولش را اطاعت کند و خداترس و اهل تقوای الهی باشد، به فوز واقعی رسیده.

اکنون حکم حضرت حق را نسبت به پدر و مادر در سوره مبارکه اسرا ملاحظه کنید:

وقضى ربك ألا تعبدوا إلا إياه، وبالوالدين إحساناً أما يبلغنَّ عندك الكبر أحدهما، أو كلاهما، فلا تقل لهما أفٌ، ولا تنهرهما وقل لهما قولاً كريماً، واخفض لهما جناح الذلِّ من الرِّحمه وقل ربَّ ارحمهما كما ربياني صغيراً. [75]

تفسیر و توضیح و معنای واقعی این آیه شریفه که حق پدر و مادر را به دنبال حق خدا قرار داده، و این ترتیب دلیل بر عظمت مسئله است، در کتاب بسیار پرقیمت کافی جلد دوم صفحه 157 روایت اول از قول امام به حق ناطق حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده.

کتاب شریف کافی به خاطر مؤلف بزرگوارش مرحوم کلینی (ره) که در عصر غیبت صغری می‌زیسته، و به خاطر محتویات و روایاتش، که از روایان نزدیک به عصر معصوم گرفته شده، و به خاطر ترتیب و نظمش، و به جهت توجهی که از روز تألیف تاکنون به آن شده، و محض اینکه از مصادر و منابع بسیار مهم اصول دین و فقه اهل بیت است، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است، که کتب دیگر از چنین اعتباری برخوردار نیستند.

من فکر نمی‌کنم بعد از تفسیر این آیه، آن هم از قول حضرت صادق (علیه السلام)، در کتابی چون کافی نسبت به حقوق پدر و مادر عذری برای کسی باقی بماند.

راوی می‌گوید از حضرت صادق معنای آیه را پرسیدم حضرت فرمود:

احسان به پدر و مادر یعنی بخوبی و به شیرینی و با حالی خوش و با صبر و حوصله با آنان نشست و برخاست کنی، با کسالت و چهره درهم با آنان روبرو نشوی، و هرچه نیاز دارند گرچه مستغنی باشند، بدون اینکه وادار شوند از تو بخوانند برای آنان فراهم آوری، و هر وقت به دیدنشان می‌روی با دست پر بروی.

مگر خداوند نفرموده:

لن تنالوا البرَّ حتَّى تنفقوا ممَّا تحبُّون. [76]

به نیکی نمی‌رسید مگر از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید.

و اما گفتار حضرت حق که فرمود: اگر یکی از آنها یا هر دوی آنها پیر بودند، در صورتی که به خاطر پیری و ضعف و کم‌حوصلگی تو را ناراحت و دلتنگ کردند به آنان اف نگوئی، و اگر ترا زدند صدایت را بلند نکن با آنان با سخن کریمانه، قول بزرگوارانه روبرو شو، و اگر باز بروی تو دست بلند کردند، به آنان بگو خداوند هر دوی شما را مورد مغفرت قرار دهد، و این گونه سخن نیست مگر قول کریم.

سپس می‌فرماید نهایت تواضع و فروتنی را نسبت به آنان رعایت کن، و جز به رحمت و رأفت به آنان نظر مینداز، و صدا و دست بالای صدا و دست آنان بلند مکن، و جلوتر از آنان منشین و بر ایشان مقدم مشو.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 749

به آنان دعا کن و بگو خدایا این دو نفر را مورد رحمت قرار بده، چنانکه در کودکی مرا پرورش دادند تا به اینجا رسیدم. در آیه دیگر می‌فرماید:

ان اشکر لی ولوالدیک الی المصیر، وان جاهداک علی ان تشرک بی مالیس لك به علم فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفاً واتبیع سبیل من اناب الی ثم الی مرجعکم فانبتکم بما کنتم تعملون. [77]

مرا نسبت به تمام نعمت‌هایم شکر کن، و سپس از پدر و مادرت در مقابل زحمات طاقت‌فرسایی که برای تو کشیدند تشکر نما، بازگشت همه در قیامت به من است، آنجا نسبت به تمام وظائفی که داشتید مؤاخذه خواهید شد.

اگر از تو دعوت به شرک کنند، چیزی که آن را حق نمی‌دانی، از آنان اطاعت مکن، ولی با آنان در عین اینکه مشرکند معاشرتی نیکو داشته باش، و از راه آنکه رجوع و انابه‌اش به من است پیروی کن، که بازگشت همه شما پس از مرگ به من است، و من همه شما را به آنچه انجام داده‌اید آگاه می‌کنم.

### نکته‌ای عجیب

چون موسی مبعوث به رسالت شد، دستور گرفت که در برخورد با فرعون با زبان نرم و لین با او سخن بگوید، سبب پرسید، پاسخ شنید، او پانزده سال زحمت تو را کشید، و از ایام شیرخوارگی تا جوانی برای بزرگ کردن تو متحمل رنج و

مشقت شد، بنابراین نسبت به تو بوی حق پدری می‌دهد، و تو نباید با او بلند بلند صحبت کنی، و با خشونت با او روبرو شوی.

### مسئله‌ای ظریف

در تفسیر منهج در توضیح آیه شریفه

الم یجدك یتیمًا فأوی. [78]

آورده که خداوند متعال به رسولش فرمود من قبل از ولادت تو پدرت را از دنیا بردم، و در ایام کودکی تو مادرت را به آخرت منتقل کردم، زیرا اگر زنده می‌ماندند، تحمل بار نبوت و بار ادای حقوق پدر و مادر برای تو کمر شکن بود.

\*\*\*

### روایات باب حقوق پدر و مادر

راوی از حضرت صادق (علیه السلام) پرسید:

أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ الصَّلَاةُ لَوْ قَتَبْتَهَا، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. [79]

نظام خانواده در اسلام، ص: 750

چه عملی در میان اعمال از برترین‌هاست؟ فرمود: نماز در وقت خودش، نیکی به پدر و مادر، جهاد در راه خدا.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبِرَّ وَالِدَيْهِ حَيًّا وَمَيِّتًا.

چه مانعی در راه شماسست، که به پدر و مادر نیکی کنید، زنده باشند یا مرده.

از حضرت پرسید برای پدر و مادر از دنیا رفته چه کنیم؟

يُصَلِّي عَنْهُمَا وَيَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَ يَحُجَّ عَنْهُمَا، وَيَصُومَ عَنْهُمَا. [80]

از جانب آنها نماز خوانده شود، صدقه بدهند، حج بجا بیاورند، و روزه بگیرند.

اسلام آوردن زکریا بن ابراهیم و خدمت او به پدر

و مادر

زکریا می گوید مسیحی بودم و در مسیحیت متعصب، مسلمان شدم، و خوشحال بودم، به مکه رفتم، خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسیدم فرمود اگر پرسشی داری، پرس. عرض کردم: خانواده ام مسیحی هستند، تنها مسلمان آن خانواده منم، مادرم کور شده، من به ناچار با آنان زندگی می کنم، زیرا پدر و مادرم جز من کسی را ندارند، دوست دارند با آنها هم غذا شوم و از ظرف آنان آب بخورم، فرمودند پدر و مادرت گوشت خوک می خورند گفتیم نه، با خوک تماسی دارند؟ گفتیم: نه. فرمود: از آن خانه بیرون شو. از پدر و مادرت جدا شو، به مادرت خدمت کن، کارهایش را انجام بده، او را به حمام و دستشویی ببر، لباسهایش را عوض کن، لقمه به دهانش بگذار!

وقتی به کوفه برگشتم تمام دستورات حضرت را نسبت به مادر عمل کردم، به من گفت حقیقت را به من بگو آیا مسلمان شده ای؟ گفتیم: آری و این همه خدمت و محبت به دستور امام زمام فرزند رسول الله حضرت صادق (علیه السلام) است، مادرم گفت: او خود پیامبر است. گفتیم: نه او امام ششم و زاده رسول حق است، گفت: نه، این کارهایی که در حق من انجام می دهی دستور انبیاء خداست، در هر صورت من کورم، در عین کوری می فهمم که دین تو از دین من بهتر است، من را هم به دین خودت راهنمایی کن، مادرم را به عرصه گاه مسلمانی آوردم. نماز ظهرش را با من خواند، وقت مغرب به من گفت باز نماز بخوان تا با تو بخوانم، زیرا من از برنامه ظهر لذت بردم، نماز مغرب را با من خواند و پس از نماز از دنیا رفت، یادم آمد که حضرت فرمود اگر مادرت از دنیا برود خودت دفنش کن، شیعیان را اول صبح خبر کردم، گفتند به کشیش بگو، گفتیم مسلمان شده بود، به من کمک کردند تا کارهایش انجام گرفت. [81]

جابر جعفی می گوید: در محضر امام صادق (علیه السلام) بودم، مردی عرضه داشت پدر و مادرم از اهل سنت اند و بسیار متعصب، با آنها چگونه رفتار کنم؟ امام فرمود: با شیعیان واقعی ما چگونه برخورد می کنی؟ عرض کرد: با عشق و محبت، و با اقدام به حل مشکلات آنان، فرمود: با پدر و مادرت به همین صورت رفتار کن. [82]

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

جوایی در زمان زنده بودن پدر و مادرش به آنان زیاد خدمت می کند، پس از مرگ در وصیت پدر و مادر این جمله را می بیند، فرزندانم مقداری مدیون هستیم، از عهده پرداختش برنیامدم، تو از جانب ما این دین را ادا کن،

### نظام خانواده در اسلام، ص: 751

پسر می گوید: به من هیچ ربطی ندارد، می خواستند خودشان در زمان حیات بدهی خود را ادا کنند، او از حضرت حق حتی برای آنان طلب مغفرت هم نمی کند، خداوند دستور می دهد وی را از جمله عاق شده ها ثبت کنند!

و فرزندى در حیات پدر و مادر عاق است ولی پس از مرگ آنها دینشان را ادا می کند، و برای آنان طلب مغفرت می نماید، جزء نیکوکاران به پدر و مادر ثبت می شود. [83]

در کتاب امالی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند موسی (علیه السلام) در سایه عرش چهره ای زیبا دید عرضه داشت:

مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أَظْلَمَ عَرْشِي.

اینکه عرش سایه بر سرش انداخته کیست؟

خطاب رسید شخصی است که به پدر و مادرش زیاد نیکی کرده، و پرونده اش از تمامی و دو به هم زنی پاک بوده است.

امام ششم (علیه السلام) می فرماید: اگر می خواهید مرگ بر شما آسان شود، به اقوامتان سر بزنید، و به پدر و مادر نیکی کنید، که به ملک الموت خطاب می رسد به او سخت نگیر، و نیز فقر را از شما تا آخر عمر دور می کند.

مردی در کنار کعبه به ابوذر گفت: به چهره علی زیاد نگاه می کنی، جواب داد کنار پیامبر بودم، بین من و حضرت فاصله نبود، خطاب به من فرمودند:

النَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عِبَادَةٌ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَرَحْمَةٍ عِبَادَةٌ. [84]

نگاه به چهره علی و نظر به رأفت و رحمت به پدر و مادر عبادت است.

علی (علیه السلام) فرمود:

سخن پدر و مادر را در تمام برنامه‌ها بپذیر، مگر در معصیت خدا.

امام هفتم (علیه السلام) فرمود: مردی به رسول خدا عرضه داشت حق پدر را برایم بگو. حضرت فرمود:

لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ، وَلَا يَسْتَسَبُّ لَهُ. [85]

او را بنام نخواند، جلوتر از او راه نرود، قبل از او ننشیند، و عامل فحش به او نگردد.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: بر عهده فرزندان نسبت به پدر و مادر سه چیز واجب است: از آنان در همه حال

تشکر کنند، در غیر معصیت خدا امر و نهی آنان را بپذیرند، و در پنهان و آشکار خیرخواه آنان باشند. [86]

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: به عاق گفته می‌شود:

اعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنِّي لَا أَعْفُرُ لَكَ. [87]

هر چه می‌خواهی بکن، که من تو را نمی‌بخشم.

نظام خانواده در اسلام، ص: 752

و نیز آن جناب فرمود:

أَنْتَانِ يُعَجِّلُهُمَا اللَّهُ فِي الدُّنْيَا، الْبُعْثُ وَعُقُوبَةُ الْوَالِدَيْنِ. [88]

نسبت به عقوبت دو چیز در دنیا عجله می‌شود: زنا و عاق پدر و مادر بودن.

و نیز آن حضرت فرمود:

مَنْ أَحْزَنَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ عَمَّهُمَا. [89]

کسی که پدر و مادر را غصه‌دار کند، عاق آنها شده.

امام ششم (علیه السلام) فرمود: تند نظر کردن به پدر و مادر از عوامل عاقی است.

مردی به حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) گفت:

مَا مِنْ عَمَلٍ قَبِيحٍ إِلَّا قَدْ عَمِلْتُهُ فَهَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟

کار زشتی نیست مگر آنکه من انجام داده‌ام، برای من راه توبه باز هست؟

فرمود: پدر و مادرت زنده هستند؟ گفت: مادرم از دنیا رفته ولی پدرم زنده است، حضرت فرمود اگر می‌خواهی تمام گناهانت بخشیده شود برو به پدرت نیکی کن، آن مرد وقتی از مسجد بیرون رفت، حضرت فرمود:

لَوْ كَانَتْ أُمَّهُ.

اگر مادرش زنده بود با نیکی به او به مغفرت خدا نزدیک‌تر بود. [90]

موسی سه بار از خداوند طلب سفارش کرد خطاب رسید تو را دوباره به مادر سفارش می‌کنم و یک بار به پدر. [91]

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: در سه چیز برای کسی آزادی نیست:

اداء امانت به خوب و بد، وفاء به عهد به خوب و بد، نیکی به پدر و مادر به خوب و بد. [92]

### شیخ انصاری و مادر

شیخ اعظم، فقیه بزرگ، خاتم مجتهدان مادرش را تا نزدیک حمام به دوش می‌گرفت و او را به زن حمامی سپرده، می‌ایستاد، تا بعد از پایان کار او را به خانه برگرداند.

هر شب به دست‌بوسی مادر می‌آمد، و صبح با اجازه او از خانه بیرون می‌رفت.

پس از مرگ مادر به شدت می‌گریست فرمود گریه‌ام برای این است که از نعمت بسیار مهمی چون خدمت به مادر محروم شدم، شیخ پس از مرگ مادر با کثرت کار و تدریس و مراجعات تمام نمازهای واجب عمر مادرش را خواند، با آنکه مادر از متدیته‌های روزگار بود.

## عاق مادر

جوانی در حال مرگ بود، رسول خدا به عیادتش آمد، شهادتین را به او تلقین فرمود، جوان رو برگرداند، و از گفتن خودداری کرد، رسول حق فرمود مادر دارد عرضه داشتند آری، مادر را خواست فرمود از فرزندت ناراضی هستی؟ گفت آری، فرمود راضی شو زیرا زبانش از گفتن شهادتین بسته شده، عرضه داشت دلم را سوزانده، از او ناراحتم، فرمود به خاطر من راضی شو، محض رسول خدا از او اعلام رضایت کرد، حضرت فرمود: به وحدانیت حق و رسالت من شهادت بده، شهادت داد، فرمود چرا بار اول نگفتی عرض کرد هیولای وحشتناکی به من حمله می کرد من از گفتن باز می ماندم، اکنون آن هیولا از من دور می شود که من توانستم سهل و آسان شهادتین بگویم. [93]

امام سجاد (علیه السلام) فرمود:

نسبت به مادر این معانی را توجه داشته باش: تو را نه ماه یا کمتر چون بار سنگینی حمل کرد، که احدی نسبت به احدی آن را تحمل نمی کند، از ثمره قلبش خرج تو کرد، که کسی برای کسی انجام نمی دهد، با تمام وجودش تو را حفظ کرد، تو را سیر کرد و به گرسنگی خود توجه نکرد، تو را سیراب کرد، و تشنگی خود را لحاظ ننمود، تو را پوشاند، خود را به حساب نیاورد، گرما خورد ولی تو را از آن حفظ کرد، به خاطر تو از خواب شیرین چشم پوشید، از سرما و گرما تو را محافظت نمود، تا فرزندی چون تو را داشته باشد، تو طاقت سپاس از او را در برابر این همه زحمات جز به توفیق خداوند مهربان نداری. [94]

حکم نامی می گوید به امام ششم (علیه السلام) عرضه داشتم، پدرم خانه ای به من بخشید، فعلاً قصد برگشتن به آن را دارد، فرمود: پدرت کار بدی کرده، اگر با تو به دعوا برخاست، تو صدایت را در برابر او بلند نکن، اگر او داد و بیداد کرد، تو با او آهسته صحبت کن. [95]

(... ما انفقتم من خیر فللوالدین والاقربین ...)

«بقره/ 215»



## 27 وظیفه زن و شوهر نسبت به بستگان یکدیگر

## اقوام و بستگان

برای زن و شوهر بستگان و اقوامی است، که هیچ يك از زن و شوهر آنجا که شرع مطهر مانعی نمی بیند، حق چشم پوشی از آنان را ندارند، و هیچ کدام هم حق ندارد دیگری را از دیدار آنان و حقوقی که دارند منع کنند.

برای هر يك پدر و مادر، خواهر و برادر، عمو و دایی، عمه و خاله، خواهرزاده و برادرزاده، عموزاده و دایی زاده، عمه زاده و خاله زاده، پدربزرگ و مادربزرگ و عده ای دیگر از بستگان حسبی و نسبی هست.

دیدار آنان عبادت، و زیارت آنها حسنه، و رفت و آمد با آنان کاری بسیار عالی، و حل مشکلات آنان دارای اجری عظیم است.

زن نباید نسبت به اقوام شوهرش حساسیت نشان بدهد، و از پذیرفتن آنان در خانه شوهر مانع شود، یا زمان آمدن آنان روی برتابد و اوقات تلخی کند، یا بدتر از همه شوهر را از رفت و آمد با آنان یا کمک به حل مشکلاتشان منع نماید و بالعکس.

خانه ملك شوهر است، و ثروت و مال اختیارش از جانب حضرت حق به عهده شوهر است، و اطاعت از شوهر بر زن واجب شرعی و آزار شوهر حرام قطعی است، و کنترل کردن شوهر از رفت و آمد با پدر و مادرش، و با خواهر و برادرش و سایر اقوامش، صد در صد خلاف اخلاق، و خلاف فطرت و روحيات

## نظام خانواده در اسلام، ص: 755

انسانی است، و مانع شدن شوهر از زن برای رفت و آمد با پدر و مادرش و اقوام و بستگانش عملی خلاف محبت و عاطفه انسانی است.

اگر زن و فرزند مانع از اجرای خیر، نیکی، عبادت، رفت و آمد با اقوام و کمک به آنها باشند به فرموده قرآن این زن و فرزند دشمن انسانند، نه دشمنی که در قلبش کینه موج بزند، بلکه دشمنی که می‌خواهد انسان روی سعادت و نیک‌بختی را در دنیا و آخرت نبیند، مرد در امور خیر، در حل مشکلات مردم، در رفت و آمد با بستگان، در دعوت آنان به خانه، در کمک به پدر و مادر و خواهر و برادر، نباید تسلیم خواسته غلط زن یا فرزند شود.

البته زنان مؤمنه، زنانی که ایمان به قیامت دارند، زنانی که احساس مسئولیت داند، زنانی که به آبادی قیامت خود علاقه دارند، زنانی که می‌دانند رعایت حق شوهر واجب شرعی است، زنانی که مؤدب به آداب الهی هستند با شوهران خود در تمام امور خانه و امور اخلاقی، و در انجام کار خیر توافق صد در صد دارند، بلکه اگر ببینند، شوهر در این زمینه سستی می‌کند او را تشویق و ترغیب به خوبی و رفت و آمد با بستگان، و کمک به آنان می‌کنند.

اما زنانی که بر خلاف خواسته حق در حرکتند، یا فرزندان که خلاف شرع مطهر درخواست‌هایی دارند، قرآن مجید آنان را دشمن مرد قلمداد کرده و در این زمینه دستوراتی به مرد می‌دهد که آن دستورات فقط و فقط جنبه عاطفی و اخلاقی و انسانی دارد.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ، وَأَنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا، وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. [96]

ای اهل ایمان بعضی از زنان و فرزندان شما، که می‌خواهند شما را از اطاعت و عبادت و جهاد و کار خیر بازدارند دشمن شما هستند، از آنان حذر کنید، به منع آنان توجه ننمائید، مطیع آنان نباشید، در برابر اینگونه زن و فرزند سه وظیفه دارید:

آنان را از این اخلاق و کردارشان عفو کنید، و بر آنان بپوشانید، و از آنان بگذرید، که همانا خداوند غفور و رحیم است.

با چنین زن و فرزندی درگیری مصلحت نیست، به هم زدن صلاح نیست، جار و جنجال لازم نیست، خشم و خشمگینی نمی‌خواهد، آنان در اصرار بر خواسته خود باشند، و شما هم در راه اطاعت از حق و خرج کردن مال در راه خدا، و جهاد و کوشش در راه حق، و انجام کار خیر در هر زمینه‌ای ثابت قدم باشید.

در این زمینه بعضی از زنان واقعاً سختگیر هستند، اینان خود محروم از رحمت حقند، و می‌کوشند که دیگری را هم از رحمت حضرت حق محروم کنند!

بعضی از مردان هم در این زمینه نسبت به همسران خود سختگیرند، سختگیرهای بی جا و بی مورد، که حاصلی جز محرومیت از عنایت و لطف حق ندارد.

چه علتی دارد که بعضی از زنان در مقابل شوهران ایستادگی شدیدی می کنند که اقوام شوهر به خانه شوهر نیایند، و شوهر هم بدیدار آنان نرود، یا شوهر کمک مالی به بستگان خود ننماید، ولی باید تمام بستگان زن به آن خانه که ملک شوهر و در تصرف اوست، و رفت و آمد دیگران باید با اجازه او باشد، رفت و آمد کنند و به هر شکلی که زن مایل است ریخت و پاش کنند.

ماهها و سالها می گذرد، شوهر در حسرت آمدن پدر و مادر، و خواهر و برادر به خانه اش می سوزد، ولی در همان ماهها و سالها تمام اقوام زن به آن خانه رفت و آمد دارند.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 756

این ظلم به شوهر و به اقوام شوهر نیست؟ این ظلم همان حالت خطرناک روانی نیست، که هرکس گرفتارش باشد، ملعون و از رحمت خدا دور، و عاقبت خوشی در قیامت برای او نخواهد بود.

و این چه اخلاقی است که بعضی از مردان از رفت و آمد زن به خانه پدر و مادرش و خواهر و برادرش منع می کنند، و او را هم چون اسیری ذلیل در بند خود دارند، اخلاقی که قطعاً شیطانی، و مورد نفرت حضرت حق، و باعث ممنوعیت انسان از رحمت الهی است.

قرآن مجید نزدیک به بیست و سه بار از اقوام و بستگان انسان منهای آیات مربوط به صله رحم نام برده، و نسبت به آنان سفارشات مهمی نموده.

انسان مؤمن با توجه به اینکه مأمور است از روش رسول خدا در تمام جهات پیروی کند، و آن حضرت را اسوه خود قرار دهد، یک وظیفه اش هدایت اقوام و انداز آنان است، اگر نیاز به هدایت و انداز داشته باشند، که انسان تا لحظه آخر عمر این نیاز را دارد.

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ. [97]

چه عمل خداپسندانه‌ای است که انسان گاهی اقوام خود و همسرش را در خانه‌اش جمع کند، و آنان را اگر قدرت و تخصص دارد، نصیحت نماید، و با حلال و حرام آشنا کند، و از عواقب عمل زشت و اخلاق ناپسند بترساند، و آنان را با مسائل فقهی و شرعی آشنا نماید.

هدایت افراد به حقایق الهیه کاری همانند کار انبیاء و امامان، و از نظر ثواب برنامه‌ای شگفت‌آور است.

می‌گویند علامه مجلسی شبهای جمعه این برنامه را برای زن و فرزند و بستگانش داشت، و آن را بر خود لازم می‌دانست، چرا که انفاق علمی هم مانند انفاق مالی کاری پسندیده و مورد عنایت خداوند است.

در قرآن مجید احسان و نیکی به بستگان را در طول عبادت خدا و احسان به پدر و مادر قرار داده، و با این برنامه خواسته عظمت پیوند داشتن با اقوام را بیان کند:

... لا تعبدون الا الله وبالوالدين احساناً وذی القربى ... [98]

جز خدا را عبادت نکنید، و به پدر و مادر و خویشان خود احسان نمائید.

مال دوستی و علاقه به ثروت فطری انسان است، اگر عشق به مال نبود، کسی دنبال کار و کوشش و هنر و صنعت و تجارت و زراعت نمی‌رفت.

مالی که از طریق زحمت به دست می‌آید معشوق انسان می‌شود.

قرآن مجید از مؤمن می‌خواهد برای حل مشکل بستگان و اقوام، و به جریان افتادن زندگی آنان از این معشوق خود دست بردارد، و در عین محبت به مال و ثروت آن را در راه زندگی اقوام و بستگان خود قرار بدهد، که از علائم صادقان و مؤمنان پرداخت مال به اقوام و بستگان است.

... واتى المال على حبه ذوى القربى ... [99]

اقوام و بستگان چه نسبی و چه حسبی، به اندازه‌ای موقف و موضعشان در زندگی و رابطه با انسان مهم است که جزء ارث‌بران بعد از مرگ انسانند، در این زمینه به آیه‌ای از کتاب خدا که سند تمام حقایق است عنایت کنید:

وَإِذَا حضر القسمة اولوا القربى ... [100]

## نظام خانواده در اسلام، ص: 757

چون در تقسیم ماترك میت بستگان و خویشان حاضر شوند.

رعایت شأن اقوام، و حیثیت آنان از نظر کتاب خدا تا حدی است که کتاب خدا دستور می دهد در سخن گفتن خود نسبت به اقوام عدالت را مراعات نمائید.

وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ. [101]

و هرگاه سخنی گوئید عدالت را گرچه درباره اقوام و بستگان باشد رعایت کنید.

تحقیر آنان، سبک یاد کردن از آنان، سبک شمردن آنان سبک حرف زدن با آنان خلاف شرع، و عملی دور از اخلاق و کرامت است.

خداوند مهربان همه را به عدالت و احسان و بذل و عطا امر می کند، و به خصوص در این زمینه از اقوام و بستگان اسم می برد:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ ... [102]

کوتاهی در بخشش و انفاق نسبت به آنان که استحقاق دارند، مخصوصاً اقوام و بستگان، به وسیله کسی که از ثروت و مال بهره مند است پسندیده خدا نیست، و از نظر شرع مطهر و عقل و منطق و اخلاق و فطرت مردود است.

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ ... [103]

نباید صاحبان نعمت و ثروت از بخشش و انفاق در راه خدا به اقوام و بستگان و ...

به وقت عدالت و شهادت در دادگاه دستور اکید است که عدالت کنید و شهادت به حق دهید، و از کتمان شهادت پرهیزید، گرچه به ضرر شما و پدر و مادر و بستگان باشد.

... كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ. [104]

و دستور است تا بستگان و اقوام در عرصه شرکند، و از حضرت حق جدا، و از دین خدا روگردان، برای آنان طلب مغفرت نکنید.

ما كان لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا ان يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا اُولَىٰ قُرْبَىٰ. [105]

و دستور است اگر پدران و فرزندان، و برادران و اقوام دشمن خدا و رسول الهی هستند با آنان دوستی نکنید. [106]

گذشته از این دو مورد، یعنی ممنوعیت طلب مغفرت برای اقوام مشرک و دوستی با آنان، اقوام و بستگان با انسان پیکر واحد و هم‌خون هستند، و زن و شوهر حق منع یکدیگر را از دیدار آنان، یا رفت و آمد به خانه خود ندارند، و بخصوص زن نمی‌تواند شوهر خود را از این فیض عظمی و خیر کبیر که معادل با عبادت حق است بازدارد.

سفارش من به زن و شوهر این است که بر اساس 23 آیه قرآن نسبت به اقوام خود و اقوام یکدیگر احترام را رعایت، و با آنان رفت و آمد کنند، و از ایشان به منزل خود دعوت نمایند، و با مال و ثروت خویش اگر دارند، به حکم قرآن مجید در صورت نیاز به کمک آنها بشتابند.

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 758

زن در این زمینه مواظب باشد شوهر خود را نگران نکند، که خشم و غضب شوهر و نارضایتی او بر اساس روایات خشم خدا و نارضایتی حضرت حق است، و زنی که شوهر از او راضی نباشد هیچ عمل واجب و مستحبی از او قبول نمی‌شود.

[107]

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَتَعْمُهُ ... [108]

ملعون است، ملعون است زنی که شوهر را اذیت کند، و او را غمناک نماید.

قسمتی از آزار شوهران و غصه آنان در رابطه با مسئله اقوام و بستگان، بخصوص بستگان شوهر است، که زن بدون علت منطقی و شرعی در برابر شوهر ایستادگی می‌کند، و از این طریق خود را از رحمت حضرت محبوب دور می‌نماید.

(الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل ...)

«رعد/ 21»

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 759

## 28 صله رحم

## قرآن و صله رحم

از کارهای بسیار نیک، و اعمال پسندیده که حضرت حق و انبیاء و امامان نسبت به آن اصرار ورزیده‌اند صله رحم است.

علامه خبیر، محدث کبیر، فیلسوف بزرگ، عارف عاشق ملامحسن فیض که عمری را با قرآن مجید و روایات بسر برد، صله رحم را به زیارت ارحام، و رفع کمبودهای مادی، حل مشکلات اقتصادی، کمک به کار و کسب، و ازدواج پسران و دختران آنان معنا فرموده، اگر در آیات قرآن مجید و روایات دقت شود، از مسئله صله رحم همین معانی استفاده می‌شود. روش انبیاء، و اخلاق امامان شیعه در صله رحم انجام همین واقعیات عالی بوده است.

قرآن مجید به صله رحم سفارش می‌کند، و آن را عمل صاحبان خرد می‌داند، و قطع با رحم را به عنوان فسق و قاطع را فاسق می‌شمارد.

در سوره مبارکه نساء حکم می‌کند تقوای الهی را نسبت به خداوند و ارحام مراعات کنید، خیلی عجیب است که ارحام را پس از خود ذکر فرموده است:

وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ الْاِرْحَامَ. [109]

رعایت تقوای الهی نسبت به ارحام رعایت آبرو و هویت آنها و شتافتن به دیدارشان، و رفع نواقص زندگی آنهاست.

در سوره مبارکه رعد مسائلی را به عنوان خصوصیات صاحبان خرد بیان می‌کند و سود قیامتی آن را پیشواز ملائکه از آنان در محشر، و سلام فرشتگان به ایشان، و عاقبت بخیری می‌داند، از جمله آن مسائل صله رحم است.

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا امر الله به ان يوصل ... [110]

در سوره بقره در رابطه با قطع رحم می‌فرماید:

... و یقطعون ما امر الله به ان یوصل ویفسدون فی الأرض اولئک هم الخاسرون. [111]

نظام خانواده در اسلام، ص: 760

و رشته‌ای که آنان را به پیوند آن امر کرده «صله رحم» می‌گسلند، و در زمین فساد می‌کنند، اینان در حقیقت زیانکارانند.

آری، قطع رحم زیانکاری است، و زیان و خسارت آن هم کم نیست.

در سوره رعد درباره قطع رحم آیه‌ای کمرشکن قرار دارد:

... و یقطعون ما امر الله به ان یوصل ویفسدون فی الأرض اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار. [112]

و آنان که قطع می‌کنند آنچه را خدا به پیوند آن دستور داده، و فساد در زمین می‌نمایند بر اینان است لعنت و برای آنان است دوزخ.

در سوره محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید:

فهل عسیتم ان تولیتم ان تُفسدوا فی الأرض وتقطعوا ارحامکم. [113]

شما اگر از فرمان حق روی بگردانید و فساد در زمین کنید، و به قطع رحم برخیزید باز هم امید نجات دارید؟

راستی صله رحم چه اندازه اهمیت دارد، که انجماش موجب استقبال فرشتگان از انسان در قیامت، و سلام آنها، و عاقبت بخیری و قطعش باعث لعنت، و سوء عاقبت، و ممنوعیت از نجات است.

رفع کمبود اقتصادی ارحام با پرداخت مال به آنان همراه با حفظ آبرو و هویت و کرامتشان بهره‌ای عظیم دارد.

و مثل الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله وتبیتاً من انفسهم کمثل جنه برّوه اصابها وابل فأتت اکلها ضعفین فان لم یصبها وابل فطلّ والله بما تعملون بصیرٌ. [114]



و مثل آنان که مال خود را در راه به دست آوردن رضای حق انفاق می کنند، و با کمال اطمینان، دل به لطف حق شاد دارند، مانند بوستانی است که در جای بلندی باشد، و بارانهای زیادی به موقع بر آن ببارد، و حاصلی دو برابر دهد، و اگر باران بسیار نیاید، اندک اندک بارد تا به ثمر رسد، خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

ان تبدوا الصَّدَقَاتِ فِعْمًا هِيَ وَاِنْ تَخْفَوْهَا وَتَوْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَاِنْ كَفَّرْتُمْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.  
[115]

اگر به اهل استحقاق آشکارا صدقات خود را پردازید کاری نیکوست، و اگر در پنهانی به نیازمندان آبرومند برسانید برای شما بهتر است، خداوند به پاداش آن کار پنهان گناهان شما را ببوشاند، و خدا بر اعمال شما آگاه است.

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. [116]

آنان که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می کنند، نزد خداوند دارای اجر هستند، و برای ایشان خوف و غصه نیست.

نظام خانواده در اسلام، ص: 761

### طرحی جامع و زیبا

بیائیم تمام اقوام ثروتمند و فقیر خود را چه حسبی و چه نسبی شناسائی کنیم، از ثروتمندان اقوام دعوت کنیم، آیات و روایات صله رحم را برای آنان بخوانیم و توضیح دهیم، سپس از آنان بخواهیم هر يك به فراخور ثروت و مالش هر ماه یا ابتدای هر سال وجه قابل توجهی بدهد، آن وجه نزد یکی از آبروداران و معتبران خانواده با دو امضاء در بانکی پس انداز شود، چون مشکلی برای رحم فقیری پیش آمد، اگر جا دارد بلاعوض و گرنه به صورت قرض الحسنه با حفظ آبروی او در اختیارش گذاشته شود، تا اگر بخواهد خانه بخرد، بخرد، اگر بخواهد کمبود اثاث خانه جبران کند، جبران کند، اگر بخواهد جهیزیه تهیه نماید، تهیه نماید، اگر بخواهد پسر زن بدهد، زن بدهد.

این کاری است آسان، خداپسند، مشکل گشا، و غصه برانداز، که ثواب آن در سه آیه گذشته به صورت مجمل اشاره شد.

سعی کنیم این طرح را برای همگان بازگو کنیم، همه را تشویق به پیاده شدن این طرح کنیم، که اگر در تمام مملکت این طرح اجرا شود، باری سنگین از دوش دولت، و اهل خیر برداشته می شود، و ثواب عظیمی نصیب اهل ثروت از طریق کمک به اقوام می گردد.

قرآن مجید در آیات انفاق، رسیدگی به اقوام و ارحام را بر دیگران مقدم نموده، و سپس از یتیم و مسکین و فقیر و مانده از راه، و ورشکسته نام برده به عنوان نمونه به این آیه شریفه عنایت کنید:

وَأْتِي الْمَالَ عَلَى حُبِّ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ. [117]

نظام خانواده در اسلام، ص: 762

#### قطعه‌ای عجیب

صدوق به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند:

یونس در شکم ماهی در مناجات و انابه و ناله بود، صدای او را به روح قارون که دچار خسف یعنی زمین گرفتگی شده بود، و به عذاب حق مبتلا بود رساندند، پرسید صدای کیست فرشته موکل بر عذاب گفت صدای پیامبری از بنی اسرائیل است، اجازه خواست با او چند کلمه صحبت کند، به او اجازه دادند، از حال هارون و موسی پرسید، یونس پاسخ داد من در زمانی غیر زمان آنها هستم ولی هر دوی آنان از دنیا رفته‌اند،

قارون گریه کرد، خداوند خطاب فرمود: به خاطر این رقتی که نسبت به اقوامش نشان داد، در عذابش تخفیف بدهید!!

[118]

نظام خانواده در اسلام، ص: 763

#### روایات صله رحم

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

صِلْ رَحِمَكَ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِ مِنْ مَاءٍ وَأَفْضَلُ مَا يُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا. [119]

نظام خانواده در اسلام، ص: 764

صله رحم کن، اگر چه به شربتی از آب باشد، و برترین مرحله صله رحم خودداری از آزار اوست.

ارحام از کم محلی، تحقیر شدن، تهمت خوردن و تکرار آزار روحی می بینند و خودداری از آزار آنان از افضل مراحل صله رحم است.

و نیز فرمود:

صِلُوا أَرْحَامَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَوْ بِسَلَامٍ. [120]

در دنیا صله رحم کنید گرچه به يك سلام باشد.

از رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده:

بِسْرِ سَنَةِ صِلِ رَحِمَكَ. [121]

برای صله رحم يك سال راه برو.

و نیز آن حضرت در روایت بسیار مهمی فرمودند:

جامعه حاضر زمان خودم و غیر زمان خودم، و آنان که در صلب پدران و رحم مادران هستند و تا قیامت وصیت می کنم صله رحم نمایند، اگرچه رنج يك سال سفر داشته باشد، همانا صله رحم از دین است! [122]

ارالانوار جلد 74 صفحه 111 تا 126 در روایات بسیار مهمی سود صله رحم را بیان می کند، از جمله آن روایات، چند روایتی است که نقل می کنم.

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

صِلَّةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ، وَتُنْمِي الْأَمْوَالَ، وَتَدْفَعُ الْبَلْوَى، وَتُنْسِي مِنَ الْأَجْلِ.

صله ارحام اعمال را پاکیزه، اموال را زیاد، بلا را دفع، و مرگ را به تأخیر می اندازد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

أَنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ وَالْبِرَّ لِيَهْوَنَانَ الْحِسَابَ وَيَعْصِمَانِ مِنَ الذُّنُوبِ، فَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ، وَبُرُّوا بِأَخْوَانِكُمْ، وَلَوْ بِحُسْنِ السَّلَامِ وَرَدَّ الْجَوَابِ.

صله ارحام و نیکوکاری، حساب انسان را در قیامت آسان می کنند، و آدمی را از گناه حفظ می نمایند، پس صلّه رحم کنید، و به برادران نیکی نمائید، گرچه به خوب سلام کردن و خوب جواب دادن باشد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

صِلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَتَنْفِي الْفَقْرَ.

صله رحم به عمر اضافه می کند، و فقر را از بین می برد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 765

صِلَّةُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّيَارَ، وَتَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ، وَأَنْ كَانَ أَهْلُهَا غَيْرَ اخْتِيَارِ.

صله رحم شهر را آباد، و عمر را زیاد می کند، گرچه صلّه کنندگان از خوبان نباشند.

مَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ لِيَصِلَ رَحْمَهُ اعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ.

کسی که با جان و مال به سوی نزدیکش برود یا صلّه رحم انجام دهد، خداوند اجر صد شهید به او عنایت می کند.

وَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ اِزْبَعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُنْحَى عَنْهُ اِزْبَعُونَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ وَكَأَنَّما عَبْدَ اللَّهِ مِائَةَ سَنَةٍ صَابِرًا مُخْتَسِبًا.

برای او به هر قدمی که به سوی صلّه رحم برمی دارد، چهل هزار حسنه، و نحو چهل هزار سیئه، و ترفیع چهل هزار مقام است، و گوئی خدا را صد سال با صبر و خلوص عبادت کرده است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يُبَلِّغُهَا إِلَّا إِمَامٌ عَادِلٌ أَوْ دُورِحِمٌ وَصُولٌ أَوْ دُوعِيَالٌ صَبُورٌ.

در بهشت درجه‌ای است که جز رهبر عادل، و آنکه زیاد صله رحم می‌کند، و کسی که در زن و بچه‌داری صبور است به آن نمی‌رسد.

به ابوذر فرمود صله رحم کن گرچه از دیدن تو خشمگین شوند، اگر ترا نپذیرفتند دوباره برو، بالاخره در هدف پیروز می‌شوی، اگر او از حکم حق سرپیچی کرد تو سرپیچی نکن.

مردی به محضر رسول حق عرضه داشت اقوامی دارم که مسئله صله رحم را در حق آنان رعایت می‌کنم ولی مرا آزار می‌دهند، می‌خواهم آنان را ترك کنم، حضرت فرمود: در این صورت خداوند جمع شما را ترك می‌کند.

عرضه داشت تکلیفم چیست؟ فرمود: آنکه ترا محروم کرد به او عطا کن، آنکه با تو برید تو با او صله رحم را مراعات کن، آنکه به تو بدی کرد تو از او عفو کن، خداوند ترا بالا دست آنان قرار می‌دهد.

نظام خانواده در اسلام، ص: 766

### روایات قطع رحم

ابوبصیر می‌گوید از حضرت صادق (علیه السلام) در رابطه با کسی که می‌خواهد با بستگانش که جزء مخالفان شما هستند قطع رابطه کند سؤال کردم چه وظیفه‌ای دارد؟ فرمود: این کار سزاوار نیست. [123]

جهم بن حمید گوید به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم.

يَكُونُ لِي الْقَرَابَةُ عَلَى غَيْرِ أَمْرِي أَهْمٌ عَلَيَّ حَقٌّ؟ قَالَ نَعَمْ حَقُّ الرَّجْمِ لَا يَقْطَعُهُ شَيْءٌ وَإِذَا كَانُوا عَلَى أَمْرِكَ كَانَ هُمْ حَقًّا.

حَقُّ الرَّجْمِ وَحَقُّ الْأِسْلَامِ. [124]

برای من نزدیکی هست که بر غیر دین من است. آیا بر من حقی دارند، فرمود: حق رحم را چیزی قطع نمی کند، اگر همدین تو بود دو حق داشت: حق رحم و حق اسلام.

نظام خانواده در اسلام، ص: 767

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: در کتاب رسول خدا یافتیم:

اِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتْ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ. [125]

وقتی مردم قطع رحم کردند، اموال در دست اشرار قرار می گیرد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ: مُدْمِنٌ خَمْرًا، وَمُؤْمِنٌ سِحْرًا، وَقَاطِعٌ رَحِمًا. [126]

سه گروه به بهشت وارد نمی شوند:

دائم الخمر، مؤمن به جادوگری، و قطع کننده با اقوام.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: از گناهایی که فنا را زود می آورد و اجل را نزدیک می کند به خدا پناه می برم.

فَقَالَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ يَكُونُ ذُنُوبٌ تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَيَلِكُ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ. [127]

راوی گفت یا امیرالمؤمنین آیا گناهایی هست که اجل را نزدیک کند. فرمود: وای بر تو قطع رحم.

و نیز حضرت فرمود:

أَفْبِحُ الْمَعَاصِيَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَالْعُقُوقُ. [128]

زشت ترین گناهان قطع رحم و عاق پدر و مادر شدن است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِنَّ الرَّحْمَةَ لَا تَنْزِلُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعٌ رَحِمًا. [129]

رحمت حق بر ملّتی که قاطع رحم در آنان است فرود نمی آید.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَاتُنزِلُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعٌ رَحِمٍ. [130]

فرشتگان بر جمعیتی که در میان آنان قاطع رحم است نازل نمی شوند.

فرزند متوکل به حضرت هادی (علیه السلام) عرضه داشت پدرم واجب القتل است اجازه می فرمائید او را به قتل برسانم، حضرت فرمودند چون فرزند او هستی تو این کار را نکن، زیرا اگر او را به قتل برسانی بیش از شش ماه در دنیا نخواهی ماند!

(فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا)

(لَا نَفْسُكُمْ وَمَنْ يُوَقِّعْ نَفْسَهُ فَاوْلَئِكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ)

«تغابن/ 16»

نظام خانواده در اسلام، ص: 768

## 29 موجبات سعادت و شقاوت خانواده

### سعادت و شقاوت

سعادت و شقاوت محصول اعمال و اخلاق و عقاید انسان است، عقاید حقه، اخلاق حسنه، اعمال صالحه موجب بوجود آمدن سعادت، و اعتقادات خلاف حقیقت، و سیئات اخلاقی، و اعمال زشت باعث شقاوت است.

سعادت به معنای خوشبختی در دنیا و آخرت، و شقاوت به معنای بدبختی و تیره روزی در دنیا و آخرت است.

رضای حق و بهشت ابد ثمره سعادت، و دشمنی حق و عذاب دردناك همیشگی میوه تلخ شقاوت است.

این دو حقیقت، یعنی سعادت و شقاوت را واجب است خانواده‌های عزیز مسلمان و مؤمن به آن توجه داشته باشند.

زن و شوهر از ابتدای ازدواج باید به جذب عوامل سعادت و دفع علل شقاوت با کما یکدیگر، اقدام کنند، تا خانه و محیط آن برای هر دو فضائی سالم، و برای فرزندان‌شان محیطی پاک باشد.

خانواده از ابتدای زندگی باید با ایمان، و انجام عمل صالح و آراستگی به اخلاق، زمینه جذب رضای حق و استحقاق ورود به بهشت الهی را فراهم کنند.

بحث سعادت و شقاوت در قرآن مجید و روایات، و علل هر دو برنامه به طور مفصل ذکر شده، و به تمام مردم هشدار داده شده، که خود را از سعادت محروم، و دچار شقاوت ننمایند.

من به تناسب سخن در نظام خانواده و اینکه اهل خانه در زندگی با یکدیگر واجب است اصولی را مراعات کنند، و از مسائلی بپرهیزند، که سعادت آنها در گرو آنان است به دو مرحله حسنات و سیئات اخلاقی اشاره می‌کنم، که بیشتر مورد نیاز خانواده‌هاست، و بحث ایمان و عمل را ارجاع به کتب مفصل می‌دهم.

خانواده‌ها بخصوص خانواده‌های ایران اسلامی از نظر ایمان به خدا و قیامت، و قبول نبوت و ولایت، و انجام واجبات مثل نماز و روزه و حج و حقوق مالی و پرهیز از محرمتی چون خوردن حرام، و انجام شهواتی که خلاف انسانیت است، و مراعات محرم نامحرمی در حدّ قابل قبول هستند، بیشتر ضعف خانواده‌ها در عدم رعایت مسائل اخلاقی، و دوری از سیئات نفسی است، که تا جایی که لازم است به توضیح این دو مرحله قناعت می‌کنم.

#### انصاف

انصاف به معنای دادگری، عدالت، خدمت به دیگران، و آنچه را برای خودخواستن برای همه‌خواستن، و هر چه را بر خود نخواستن برای دیگران نخواستن است.

این واقعیت باید بر زن و شوهر و از جانب زن و شوهر بر فرزندان، و از جانب فرزندان بر پدر و مادر حاکم باشد.



هرکس از نظر اسلام موظف و مکلف است به دیگران انصاف دهد، و جانب مردم را در هر برنامه‌ای به خوبی رعایت نماید.

امام صادق (علیه السلام) از رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت فرموده:

اعْدُلْ النَّاسَ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَكَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ. [131]

نظام خانواده در اسلام، ص: 769

عادل‌ترین مردم کسی است که آنچه را برای خود خوب می‌خواهد برای دیگران هم بخواهد، و هرچه را برای خود کراهت دارد، برای دیگران هم داشته باشد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا.

[132]

کسی که با فقیر همیاری و مساعدت کند، و از جانب خود به همگان انصاف دهد، او مؤمن واقعی است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: سه چیز از حقایق ایمان است:

الْإِنْفَاقُ مِنَ الْإِقْتَارِ، وَأَنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ، وَبَدْلُ الْعِلْمِ لِلْمُتَعَلِّمِ. [133]

انفاق به وقت ناداری، انصاف دادن به تمام مردم از جانب خود، و بخشیدن علم به نیازمند علم.

مردی به رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) گفت: عملی به من یاد بده که دسترسی به بهشت را بر من آسان کند، حضرت فرمود:

لَا تَغْضَبْ، وَلَا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا، وَأَرْضِ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ. [134]

غضب مکن، دست پیش مردم دراز منما، و آنچه برای خود می‌خواهی برای مردم هم بخواه.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

الاِنَّهُ مَنْ يُنْصِفُ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللهُ اِلَّا عِزًّا. [135]

آگاه باشید، کسی که از جانب خود به تمام مردم انصاف دهد خداوند جز عزت و بزرگی به او اضافه نمی کند.

چقدر عالی و شیرین است زندگی خانواده‌ای که شوهر نسبت به همسر و زن نسبت به شوهر، و پدر و مادر نسبت به فرزند، و فرزند نسبت به پدر و مادر انصاف را رعایت کنند، و هرکدام در هر برنامه‌ای، آنچه را برای خود می‌خواهند برای دیگران بخواهند، و هرچه را برای خود نمی‌پسندند برای طرف خود هم نپسندند.

اینطور نباشد، که استراحت و راحت فقط برای مرد و فرزندان خانه، و تمام زحمات و مشقات بدوش زن باشد، اینگونه نباشد که زن و شوهری جان بکنند و بچه‌ها بخورند و بخوابند و طلبکار هم باشند، همه نسبت به هم اهل انصاف و دادگری و عدالت و خدمت بوده، و در تمام کارهای خانه به هم کمک کنند تا بخشی از سعادت آنان تأمین شود، و از هجوم شقاوت در امان بمانند.

### مدارا و نرخیوی

بکارگیری رفق و نرخیوی، و سازش و ساختن با هم، و با اخلاق گرم و نرم با یکدیگر زندگی کردن علاوه بر این که دستور اکید اسلام است، نوعی عبادت و دارای ثواب و بهره فوق‌العاده است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

الرَّفْقُ يُمِّنُ، وَالْحَزَقُ شُؤْمٌ. [136]

### نظام خانواده در اسلام، ص: 770

مدارا و رفق، برکت و میمنت، و ناسازگاری و کار بی‌قاعده و عمل ناشایست شومی و بدیمنی است.

و نیز فرمود:

الا اٰخِرُكُمْ بِمَنْ تَحَرَّمُ عَلَيْهِ النَّارُ عَدَاً؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُوْلَ اللهِ قَالَ: اَلْهَيُّ الْقَرِيْبُ اللَّيْسُ السَّهْلُ. [137]

شما را خبر دهم به کسی که آتش فردای قیامت بر او حرام است؟ گفتند: آری، فرمود: آنکه دارای آسانگیری است، در زندگی و شئون آن به انسان نزدیک، و نرمخو و آسان است.

موسی به حضرت حق عرضه داشت:

الهی ما جزاء من کفّ اذاهُ عنِ النَّاسِ وَبَدَّلَ مَعْرُوفَهُ هُمْ؟ قَالَ: يَا مُوسَى تُنَادِيهِ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: لَسَبِيلَ لِي عَلَيْكَ. [138]

خداوندا جزای کسی که مردم آزاری ندارد، و به همه خوبی می کند چیست؟ خطاب رسید موسی، آتش در قیامت به او می گوید: راهی به جانب من نداری.

از رسول حق پرسیدند، برترین برنامه اسلام برای انسان کدام است؟ فرمود:

مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 771

تمام مسلمانان از دست و زبان او سالم و در امان باشند.

رسول الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَا مِنْ عَمَلٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَرَسُولِهِ مِنَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَالرِّقِّ بِعِبَادِهِ، وَمَا مِنْ عَمَلٍ ابْغَضَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْأَشْرَافِ بِاللَّهِ تَعَالَى وَالْعُنْفِ عَلَى عِبَادِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 772

عملی نزد خداوند و رسولش محبوبتر از ایمان و نرمخویی و رفق به بندگان نیست، و عملی در پیشگاه حق و رسولش، مبعوضتر از شرك و خشن رفتار کردن با عباد خدا نیست.

وظیفه الهی مرد نسبت به زن، زن نسبت به شوهر، و زن و شوهر نسبت به فرزندان، و فرزندان نسبت به پدر و مادر و همه نسبت به همگان رفق و مدارا و نرمی و محبت و وقار و آسانگیری است.

نصیحت و خیرخواهی دارای بهره دنیائی و آخرتی و قبول نصیحت از ناصح موجب نورانیت قلب، و بیداری و بینائی است.

هرکسی در حدّ توان و قدرتش لازم است دیگری را نصیحت کند و نسبت به او خیرخواه باشد، و مستمع نصیحت هم ضروری است پند و نصیحت را بشنود و آن را بکار بندد.

در نصیحت نمودن حیا و شرم و کمروئی را باید کنار گذاشت، زیرا جای حیا اینجا نیست، و در قبول نصیحت هم باید کبر و غرور را بدور انداخت، که حیای مانع نصیحت بفرموده رسول حق حیای احمقانه، و کبر مانع قبول نصیحت و اخلاقی شیطانی است.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 773

مرد خانه لازم است گاهی نسبت به زن و فرزند خود خیرخواهی کند و آنان را نصیحت نماید، و به تکالیف و وظایفشان آشنا سازد، گاهی لازم می آید زن شوهر را نصیحت کند، و گاهی واجب می شود فرزندان نسبت به پدر و مادر خیرخواهی نمایند، و بر هر يك لازم و ضروری است که نصیحت طرف مقابل را گوش کند و از تکبر و غرور در این زمینه بپرهیزد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَنْ رَأَى اخَاهُ عَلَى امْرٍ يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَ ...

### نظام خانواده در اسلام، ص: 774

کسی که برادرش را در برنامه‌ای زیانبار ببیند و قدرت دفع آن را داشته باشد، ولی برای حفظ او از خطر اقدام نکند، و به او هشدار ندهد بدون تردید به برادر مؤمن خود خیانت ورزیده.

وزین بودن، موقر بودن، تربیت داشتن، در برخوردها مراعات کردن افراد، اندازه خود را در همه جا و نزد همه کس نگاه داشتن، سخن بجا گفتن، احترام مردم را نگاه داشتن و امثال این امور از مراتب ادب است.

مرد باید نسبت به همسرش و زن نسبت به شوهر، و هر دو نسبت به فرزندان، و فرزندان نسبت به پدر و مادر مؤدب باشند.

ادب ارزش انسان را بالامی برد، شخصیت و عزت آدمی را حفظ می کند، محبوبیت را افزایش می دهد، یاران را زیادتر می کند، فرد را در خانواده و بیرون چهره می نماید، علاوه بر همه این امور، ادب موجب جذب رحمت و رعایتش نوعی عبادت است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

لا حَسَبَ ابْلَغُ مِنَ الْاَدَبِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 775

حسی رساتر از ادب نیست.

و در کلامی حکیمانه فرمود:

... وَكفَى بِكَ اَدَبًا لِنَفْسِكَ تَرْكُكَ مَا كَرِهْتَهُ لِغَيْرِكَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 776

در ادب وجودت همین بس، که آنچه را نسبت به غیر کراهت داری، از آن خودداری کنی.

و در سخن دیگری فرمود:

حُسْنُ الْاَدَبِ يَنْوِبُ عَنِ الْحَسَبِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 777

خوبی ادب به جای حسب است، آن را که سرمایه ادب هست عالیترین حسب هست، وآنکه ادب ندارد ریشه حسب ندارد.

## حفظ خانواده از اتهام

## نظام خانواده در اسلام، ص: 778

رفتار و کردار، برخورد و معاشرت، آمد و رفت با دیگران از نظر اسلام باید به گونه‌ای باشد، که خانواده یا فردی از آن در معرض تهمت قرار نگیرد.

تهمت، بنای آبروی خانواده را ویران، و باعث زحمت و دردسر، و تلخی زندگی می‌شود.

ممکن است انسان با برنامه‌ای، یا کاری، یا شخصی روبرو شود، که از نظر خودش هیچ مانعی نداشته باشد، ولی دیگران که از واقعیت داستان خبر ندارند، و نگاهدار زبان خود از قضاوت بیجا نیستند، به تدریج برنامه را با معنای دیگر در بین اهل محل و مردم رواج دهند، و آنگاه نظر مردم بخصوص همسایگان به انسان نظری دیگر شود، و به هويت و حیثیت خانواده لطمه جبران‌ناپذیری بخورد، و آینده افراد خانواده را با خسارت و زیان روبرو کند، فرض کنید بخواهد وارد يك برنامه اقتصادی، یا معاشرتی، یا رابطی گردد، و یا برای پسرش از محل دختر بگیرد، یا دختر شوهر دهد، ولی آن تهمت، که بیجا هم بوده، اما خود انسان با بی‌توجهی به برخورد خود باعث و موجبش گردیده، مانع آن حرکات مثبت گردد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم به من هشدار داد:

يَا بُنَيَّ مَنْ يَصْحَبُ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمْ، وَمَنْ يَدْخُلُ مَدَاجِلَ السُّوءِ يُتَّهَمُ، وَمَنْ لَا يَمْلِكُ لِسَانَهُ يَنْدَمُ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 779

پسرم، کسی که با رفیق بد بنشیند سالم نمی‌ماند، و آنکه وارد موارد بد شود تهمت می‌خورد، و هرکس زبانش را حفظ نکند پشیمان می‌شود.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید:

أَوْلَى النَّاسِ بِاتِّهَمِهِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 780

شایسته‌ترین مردم به تهمت، کسی است که با اهل تهمت معاشرت می‌کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

مَنْ وَقَفَ نَفْسَهُ مَوْقِفَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ اسَاءَ الظَّنَّ بِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 781

کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار می‌دهد سوءظن دار به خود را ملامت نکند.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی عجیب فرمود:

اتَّقُوا مَوَاضِعَ الرَّيْبِ، وَلَا يَقَعَنَّ أَحَدُكُمْ مَعَ أُمَّهِ فِي الطَّرِيقِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ كُلُّ أَحَدٍ يَعْرِفُهَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 782

از مراکزی که مردم نسبت به شما شك می‌کنند پرهیزید، و کسی از شما در راه رفت و آمد مردم با مادرش نایستد، زیرا همه نمی‌دانند خانمی که با او ایستاده‌ای مادر شماست!

آری ممکن است جاهل به حقیقت در بین مردم محل پخش کند که فلانی با زنی غریبه بگو و بخند داشت، و معلوم است که آدم درستی نیست، باید مردم نسبت به او توجه داشته باشند، مبادا که از ناحیه وی به ناموس دیگران ضربه‌ای وارد شود!!

مرد خانه، زن خانه، و فرزندان خانواده، جداً واجب است از مواضع تهمت پرهیزند، و خود را در معرض ریخته شدن آبرو قرار ندهند، که اسلام نسبت به این مسئله سخت گیر است.

نظام خانواده در اسلام، ص: 783

وفای به عهد از نظر احکام فقهی و شرعی واجب، و شکستن پیمان حرام است.

عقد بین زن و مرد تعهدی الهی است، که زن و شوهر باید برای حفظ آن تعهد و وفای به آن توجه داشته باشند، قوی که شوهر به زن می‌دهد، و زن به شوهر می‌دهد، و زن و شوهر به خانواده هر یک می‌دهند، و پدر و مادر به فرزند می‌دهد، در صورتی که مانع شرعی نداشته باشد یک نوع تعهد است، و وفای به آن واجب، و روگردانی از آن حرام قطعی است.

قرآن می‌فرماید:

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 784

و به پیمان و عهد خود وفا کنید، که در قیامت نسبت به عهد مؤاخذه خواهید شد.

امانتداری، و وفای به عهد از نشانه‌های حتمی و قطعی مؤمن است:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 785

امام سجاد (علیه السلام) تمام شرایع و دستورات دین را در سه چیز می‌داند:

قَوْلُ الْحَقِّ، وَالْحُكْمُ بِالْعَدْلِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 786

گفتار حق، حکم به عدالت، وفای به عهد.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: در سه چیز احدی را در دنیا و آخرت عذر نیست:

إِدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 787



اداء امانت به خوب و بد، وفاء به عهد به مؤمن و فاجر، نیکی به پدر و مادر چه خوب باشند و چه بد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

لا دینَ لِمَنْ لا عَهْدَ لَهُ.

آنکس به عهدش احترام نمی گذارد، و پیمانش را وفا نمی کند، دین ندارد.

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

أَنَا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّ مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دَيْنًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم).

نظام خانواده در اسلام، ص: 788

ما اهل بیتی هستیم که وعده خود را به منزله دین و بدهی می دانیم چنانکه رسول خدا وعده را دین و بدهی می دانست.

#### مشورت

خانه نباید مرکز استبداد به رأی باشد، تنها يك نفر حکم براند، و هرچه به فکرش رسید، یا دلش خواست، آن را به خانواده تحمیل کند.

مشورت فوائد زیادی دارد، اگر مرد و زن در امور خانه با هم مشورت کنند و با فرزندان عقل رس خود هم مشورت نمایند، یا گاهی از بزرگترها که تجربه بیشتری دارند، و سرد و گرم روزگار را چشیده اند نظرخواهی نمایند به صلاح زندگی و گاهی بسود دنیا و آخرت آنان است.

در مسئله مشورت اصرار داشته باشید، خود محور نباشید، به نظر دیگران بی محلی ننمائید، نظر دیگری را رد نکنید، خود را اعلم از دیگران بدانید، زمینه مشورت را برای تمام اهل خانه فراهم کنید، که مشورت عاملی کمک دهنده و گاهی نجات دهنده از خطرات سنگین است.

قرآن مجید در سوره آل عمران آیه 159 و سوره شوری آیه 36 38 به مسئله مشورت کردن توجه فوق العاده ای نموده.

مشورت کردن، در حقیقت پیروی از قرآن، راهگشای مشکلات، و سدّی در برابر خطرات است.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

شاورْ في امرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.

در برنامه زندگی با خداترسان مشورت کن.

و نیز فرمود: سه چیز کمرشکن است:

رَجُلٌ اسْتَكْتَرَّ عَمَلَهُ، وَنَسِيَ ذُنُوبَهُ، وَأَعْجَبَ بِرَأْيِهِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 789

آنکه عملش را زیاد ببیند، و گنااهش را فراموش کند، و خودرأی باشد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

خَاطَرَ بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ.

خودرأی خود را به خطر گرفتار کرد.

آنکه با او مشورت می شود، باید در پاسخ مشورت حق را رعایت کند، و مشورت کننده را به بهترین راه لازم هدایت نماید، خیانت در مشورت گناهی بسیار بزرگ است.

علی (علیه السلام) فرمود:

مَنْ عَشَّ الْمُسْلِمِينَ فِي مَشُورَةٍ فَقَدْ بَرَّثُ مِنْهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 790

کسی که با مسلمانان در مشورت خیانت بورزد، به حقیقت که از او بیزارم.

## تواضع

تواضع حالتی اخلاقی، انسانی، و اسلامی است، تواضع و فروتنی میوه شیرین خودشناسی، و عرفان به موقعیت خویش است.

انسانی که خود را بنده خدا می‌داند، و تمام نعمتهائی که از آن بهره‌مند است از خدا می‌داند، و همه را بهتر از خود به حساب می‌آورد، و خلق را بندگان حق می‌شمارد، و به حقیقت برای خود در این پهن‌دشت هستی چیزی قائل نیست، غرق در فروتنی و تواضع است.

مردی که زن را بنده خدا می‌داند، فرزندانش را مملوک حق می‌بیند، خود را خادم آنان به حساب می‌آورد، زن و بچه را امانت حق در دست خود می‌نگرد، غیرفروتنی و تواضع نسبت به آنان ندارد.

زن وقتی غرور و کبر نداشته باشد، در مقابل شوهر حسب و نسبت و موقعیت خانوادگی خود را به حساب نیاورد، علم و دانشش را چیزی نبیند، مدرک را موجب سرفرازی حقیقی ننگرد، البته نسبت به شوهر و اهل خانه فروتن و متواضع است. فرزندان عاقل نسبت به پدر و مادر غیر گرنش و فروتنی، و خضوع و تواضع برنامه‌ای ندارند.

تواضع عزت و شرف، و بزرگی و کرامت می‌دهد، تواضع سربلندی و سرفرازی می‌آورد، تواضع خانه را گرم و باحال و باصفا نگه می‌دارد، تواضع جلب محبت می‌کند، پیوند خانوادگی را محکم می‌کند.

متکبر باید بداند احدی، حتی زن و بچه خریدار تکبر نیستند، و روح آنان کبر را دفع و متکبر را از چشم آنان می‌اندازد.

حضرت عسگری (علیه السلام) فرمود:

... وَمَنْ تَوَاضَعَ فِي الدُّنْيَا لِأَخْوَانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ وَمَنْ شَبِعَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) حَقًّا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 791

کسی که در دنیا نسبت به برادران ایمانی خود متواضع باشد، در نزد حق از صدیقین، و به حقیقت از شیعیان علی بن ابیطالب (علیه السلام) است.

امام صادق (علیه السلام) از پدرانش روایت می کند:

أَنَّ مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ يَرْضَى الرَّجُلُ بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ، وَأَنْ يُسَلِّمَ عَلَى مَنْ يَلْقَى، وَأَنْ يَتْرُكَ الْمِرَاءَ وَأَنْ كَانَ مُحِقًّا، وَلَا يُجِبُّ أَنْ يُحَمَّدَ عَلَى التَّقْوَى.

از تواضع، نشستن در جلسه عمومی یا خانوادگی است در جایی که جا باشد، و سلام کردن به هرکسی است که با او ملاقات کند، و ترك جدال و بگو و مگو است گرچه حق با انسان باشد، و اینکه انسان دوست نداشته باشد بر پاکی و تقوا در بین مردم ستایش شود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به وقت مرگ فرمود:

عَلَيْكَ بِالتَّوَاضُعِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْظَمِ الْعِبَادَةِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 792

بر تو باد به فروتنی و تواضع، همانا این برنامه از بزرگترین عبادت است.

\*\*\*

رحمت آوردن به کوچکتر و احترام به بزرگتر

دستور اسلام به تمام مرد و زن نسبت به کوچکتر و بزرگتر این است، که کوچک را رحمت آورید و به بزرگتر احترام بگذارید.

خانه باید محل اجرای دستورات حق و انبیاء و ائمه باشد، تا روی سعادت دنیا و آخرت را ببیند.

خشم به کوچکتر، داد و فریاد کردن به کوچکتر، کم محلی به او، محبت ننمودن به وی، نبوسیدن او، وفانکردن به قوی که به او داده شده، همه و همه معصیت و گناه است.

بی احترامی به بزرگتر، به خشم نظر کردن به او، گوش ندادن به خواسته وی، اظهار ملامت و خستگی از او نیز گناه و معصیت است.

ما باعث به دنیا آمدن کوچکترها شده‌ایم، و بر ماست که تا سر و سامان بگیرند از آنها با محبت و رحمت پذیرائی کنیم، و ما محصول بزرگ‌ترها هستیم، پس بر ما حق عظیمی دارند و احترام به آنان واجب و لازم است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به وقت از دنیا رفتن فرمود:

وَارْحَمِ مَنْ أَهْلَكَ الصَّغِيرَ، وَوَقَّرْ مِنْهُمْ الْكَبِيرَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 793

کوچک خانواده را مورد لطف و رحمت قرار بده، و بزرگ خاندان را احترام بگذار.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

بِجُلُودِ الْمَشَائِخِ، فَإِنَّ مِنْ أَجْلالِ اللَّهِ تَبْجِيلَ الْمَشَائِخِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 794

بزرگ‌ترها را بزرگ بشمارید، که بزرگ شمردن خدا به بزرگ شمردن بزرگ‌ترهاست.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا، وَلَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا.

نظام خانواده در اسلام، ص: 795

از ما نیست کسی که به صغیر ما رحم نکند، و به بزرگ ما احترام نگذارد.

#### مهمان‌داری

بعضی از خانواده‌ها در قبول مهمان و مهمان‌داری سرسختی نشان می‌دهند، باید گفت این سرسختی یا نشانه بی‌حالی و سستی و تنبلی، و یا علامت بخل است.

مهمانداری از اخلاق انبیاء و ائمه، و از نشانه‌های اولیاء الهی و مردان راه حق است.

بخل یا سستی و تبلی به هر شکل که باشد قبیح است، مرد خانواده یا زن خانه، یا فرزندان باید از مهمان با گشاده‌روئی استقبال کنند، زیرا عمل به اخلاق اولیاء، و موجب خوشنودی حق، و گشایش در کار، و علت تحقق رحمت و لطف خداوند، و دفع بلا و خطر از اهل خانه است.

مسئله مهمانداری به اندازه‌ای مهم است که در معارف اسلامی آمده روزی مهمان با خود اوست، و صاحبخانه مهمان مهمانان خود است.

تشویق به این مسئله بسیار ممدوح، و موجب تقویت اخلاق، و جلوگیری از این برنامه خداپسندانه خلاف اخلاق انسانی است.

امام ششم (علیه السلام) فرمود:

الْمَكَارِمُ عَشْرٌ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلْتَكُنْ أَحَدَهَا أَقْرَأُ الضَّيْفِ.

اصول بزرگواری ده خصلت است، اگر بتوانی آنها را در خود جمع کنی اقدام کن، یکی از آنها پذیرائی از مهمان است.

امام صادق (علیه السلام) درباره ورود و خروج مهمان می‌فرمایند:

... أَنَّهُمْ إِذَا دَخَلُوا مَنْزِلَكَ دَخَلُوا بِمَغْفِرَتِكَ وَمَعْفَرَةِ عِيَالِكَ، وَإِذَا خَرَجُوا مِنْ مَنْزِلِكَ خَرَجُوا بِذُنُوبِكَ وَذُنُوبِ عِيَالِكَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 796

همانا وقتی مهمان وارد منزل تو می‌شود برای تو و اهل بیت تو مغفرت خدا را می‌آورد، و هرگاه خارج می‌شود، گناهان تو و عیال تو را از بین می‌برد!

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

شِبَعُ أَرَبَعٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَعْدِلُ عِتْقَ رَبِّهِ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ.

سیر کردن چهار مسلمان معادل آزاد کردن يك بنده از اولاد اسماعیل است.

بنابراین انصاف، مدارا و نرمی، خیرخواهی، ادب، احتراز از مواضع تهمت، وفای به عهد، مشورت، تواضع، رحمت به کوچک و احترام به بزرگ‌تر، مهمانداری، از اصول بزرگواری، و موجب تأمین سعادت دنیا و آخرت است.

### علل بدبختی و تیره‌روزی

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 797

قهر کردن و از یکدیگر جدا شدن و رو برگرداندن، تهمت زدن و افتراء بستن به پاك‌دامن، مشاجره لفظی، جستجو از عیوب یکدیگر، غیبت، نمّامی، و دو به هم‌زنی، مکر و حيله و غش، استهزاء دیگران، اسراف، کبر، حسد، بخل، اطاعت از دیگران در اموری که معصیت خدا است، تحمیل شدن بر دیگران، دشمنی و کینه، که هر کدام در قرآن مجید آیاتی، و در روایات بابی مستقل دارند، باید از دامن خانواده‌ها دور باشد، و خانه و خانواده از آنها پاك بماند، چرا که هر کدام از آنها گناه و برخی از آن گناهان، گناه کبیره و موجب عذاب حتمی در قیامت، و هر يك تیشه‌ای به ریشه درخت خانواده، و علّتی برای حصول شقاوت و تیره‌بختی است.

مفصل این مسائل را بعد از قرآن در کتابهایی چون کافی شریف، جلد دوم، وسائل جلد یازدهم، شافی فیض، محجه البیضاء، جامع السعادات نراقی، و سایر کتب اخلاقی و روایی ملاحظه کنید، بیانش از حوصله جلسه بیرون، و نیازمند به وقت فراوان و جلسات متعددی است.

(... وما من شیء ابغض الی الله عزوجل من الطلاق)

«وسائل، ج 22، ص 7»

#### نظام خانواده در اسلام، ص: 798

طلاق و ارث ...

### زشتی طلاق

طلاق خودبخود مسئله خوبی نیست، طلاق برنامه‌ای است زشت، ناروا، و مورد نفرت حق و انبیاء و امامان، مگر اینکه انجامش به خاطر علت شرعی، و مورد قبول عرف اهل شرع باشد.

طلاق بر اساس هوا و هوس مرد یا زن، عملی خلاف حق، و خلاف انسانیت، و بازی با احکام شرع، و دست‌اندازی به شخصیت یکی از دو طرف یا هر دو طرف است.

من ابتدا به روایات بسیار مهم باب طلاق اشاره می‌کنم، سپس به بررسی آیات قرآن کریم و شرایط مسئله طلاق از نظر قرآن می‌پردازم.

حاجی سبزواری آن حکیم‌بزرگ در کتاب شرح مثنوی از معصوم روایت می‌کند:

مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئاً عَلَىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَبَّ مِنَ الْعَتَاقِ، وَلَا خَلَقَ شَيْئاً عَلَىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ أَبْغَضَ مِنَ الطَّلَاقِ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 799

خداوند چیزی در روی زمین محبوبتر از آزاد کردن برده، و مبغوض‌تر از طلاق و جدائی نیافریده.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَا أَحَلَّ اللَّهُ شَيْئاً أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ.

در حلال‌های خدا چیزی مبغوض‌تر از طلاق نیست.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الدَّوَّاقِينَ وَلَا الدَّوَّاقَاتِ.



خداوند متعال مردانی که زن را بازیچه خود، و زنانی که مرد را بازیچه خود قرار دهند، و دم به ساعت دنبال طلاق باشند دوست ندارد.

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ كُلَّ مُطَّلَقٍ ذَوَّاقٍ.

همانا خداوند متعال دشمن هر طلاق دهنده‌ای است، که با تعدد طلاق زن را بازیچه یا مرد را بازیچه خود قرار داده.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ، وَيُبْغِضُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الطَّلَاقُ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 800

خداوند خانه‌ای که در آن عروسی است دوست دارد، و دشمن خانه‌ای است که در آن طلاق صورت می‌گیرد.

رسول خدا به مردی فرمود: همسرت چه کرد، گفت: او را طلاق دادم، فرمود بدون علت، بدون اینکه در او بدی و زشتی باشد؟ عرضه داشت آری بی‌علت!

آن مرد ازدواج کرد، رسول خدا او را دید، فرمود زن گرفتی؟ عرضه داشت آری، فرمود اکنون همسرت چه می‌کند؟ گفت او را طلاق دادم. فرمود بدون بودن زشتی عرضه داشت آری.

آن مرد دوباره ازدواج کرد، رسول حق به او گذشت فرمود زن گرفتی گفت آری. فرمود اکنون چه می‌کند عرض کرد او را طلاق دادم، فرمود بدون اینکه در او زشتی باشد گفت آری. حضرت فرمود:

أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ أَوْ يَلْعَنُ كُلَّ ذَوَّاقٍ مِنَ الرِّجَالِ وَكُلَّ ذَوَّاقَةٍ مِنَ النِّسَاءِ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 801

خداوند عزوجل دشمن دارد یا لعنت می‌کند هر مردی که زن را بازیچه خود قرار دهد، و هر زنی که مرد را بازیچه دست خود کند، طلاق فراوان دادن به وسیله مرد، یا طلاق فراوان گرفتن به توسط زن، به بازی گرفتن انسان و انسانیت است.

## مقدمات طلاق

چنانچه علّتی در زندگی از جانب مرد دیده شود که ادامه زندگی زن با او صلاح نباشد، یا موجبی در زن باشد که برای مرد ادامه زندگی سخت و مشکل باشد، اگر رفع آن علت ممکن نباشد و مورد و زمینه برای طلاق مهیا باشد، طلاق امری شرعی و بی مانع است.

در این مورد باید زن و شوهر، و خانواده طرفین از تشدید مسئله پرهیزند، و از هرگونه سخن ناروایی نسبت به مرد یا زن، یا خانواده هر يك از آن دو نفر خودداری کنند.

## نظام خانواده در اسلام، ص: 802

اختلاف مرد با همسرش اگر علت شرعی داشته باشد موجب این نگردد، که دیگران با خود آن دو نفر دچار گناهان زبان از قبیل غیبت و تهمت و سرزنش و استهزاء گردند، که اینگونه گناهان باعث ازدیاد شعله کینه زن و مرد و خانواده‌های آنان نسبت به یکدیگر، و باعث عذاب انسان در روز قیامت است.

متأسفانه با پیش آمدن زمینه طلاق، در غیبت و تهمت و کینه‌توزی در خانواده‌ها باز می‌شود، و تعداد زیادی از افراد خانواده، دچار این گناهان سنگین و شقاوت‌بار می‌گردند.

زن يك وقت زن زندگی نیست، و تحمل او برای مرد بسیار مشکل، یا مرد مردی است که در ضمن عقد شرایطی را با زن امضاء کرده، که در صورت عملی نشدن آن شرایط زن حق طلاق داشته باشد و بالعکس، در این وقت فقط باید با آرامی و آرامش، و بدون آلوده شدن به معصیت طلاق صورت بگیرد، نه اینکه منجر به جار و جنجال و دعوا، و کشیده شدن پای دو خانواده به معرکه و تحقق همه گونه معصیت حق، و آبروریزی برای دو خانواده آبرودار شود.

من ناچارم به دو گناه از گناهان بزرگی که در ابتدای طلاق دامنگیر دو خانواده می‌شود اشاره کنم، باشد که با توجه به واقعیات الهی از گناه و معصیت پرهیز شود.

## غیبت

قرآن مجید می فرماید:

لا یغتب بعضکم بعضاً ایحِبُّ احدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً فکرتموه.

نظام خانواده در اسلام، ص: 803

پشت سر یکدیگر بدگوئی مکنید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ بی گمان آن را ناخوش و ناپسند می دارید.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

الْغِیْبَةُ اسْرَعُ فِی دِیْنِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْاَكْلِهِ فِی جَوْفِهِ.

کار غیبت در ویران کردن دین مسلمان، سریعتر از هضم لقمه در شکم اوست.

و فرمود:

اِیَّاكُمْ وَالْغِیْبَةَ فَانَّ الْغِیْبَةَ اَشَدُّ مِنَ الزَّانَا.

بر شما باد به غیبت، همانا غیبت از زنا شدیدتر است.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِیْ بِي عَلٰی قَوْمٍ یَّخْمِشُونَ وَجُوهَهُمْ بِاِظْفَارِهِمْ فَقُلْتُ يَا جِبْرِیْلُ مَنْ هٰؤُلَاءِ قَالَ هٰؤُلَاءِ الَّذِیْنَ یُعْتَابُونَ النَّاسَ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 804

شب معراج به قومی گذشتم که با ناخنهای خود صورتشان را می کنند، از جبرئیل پرسیدم اینان کیستند، گفت کسانی که از مردم غیبت می کردند.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

اِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ الْغِیْبَةَ کَمَا حَرَّمَ الْمَالَ وَالْدَّمَّ.

خداوند غیبت مسلمان را حرام کرده، چنانکه ضرر به مال و خونش را حرام فرموده.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

نظام خانواده در اسلام، ص: 805

الْغَيْبَةُ آيَةُ الْمُنَافِقِ.

غیبت نشانه انسان منافق است.

و فرمود:

مِنْ أَقْبَحِ اللَّؤْمِ غَيْبُهُ الْأَخْيَارِ.

از زشت‌ترین پستی‌ها، غیبت خوبان است.

امام هفتم (علیه السلام) فرمود:

مَلْعُونٌ مِّنْ اِغْتَابِ اِخَاةٍ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 806

از رحمت خدا دور است کسی که از برادر ایمانی خود غیبت کند.

حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) به مردی که در حال غیبت بود، فرمود:

يَا هَذَا كُفَّ عَنِ الْغَيْبِ فَأَتَمَّا اِدَامُ كِلَابِ النَّارِ.

ای مرد خود را از غیبت حفظ کن، همانا غیبت غذای سگان جهنم است!

آری، هواپرست، بدعت‌گذار، سلطان و رهبر ستمگر، بدکاری که بدکاری او علنی است غیبت ندارد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره گناه شنیدن غیبت فرمود:

السَّمِيعُ لِلْغَيْبِ كَالْمُعْتَابِ.

شنونده غیبت مانند غیبت کننده است.

درباره ردّ غیبت و نشنیدن آن، و حفظ آبروی برادر مسلمان و خواهر دینی در روایتی از رسول خدا آمده:

مَنْ ذَبَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ بِالْغَيْبِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ.

کسی که از آبروی برادر مسلمانش با جلوگیری از غیبت کننده دفاع کند، بر خداوند است که او را از آتش جهنم آزاد کند.

بنابراین در مسئله طلاق آنچه که باید مطرح باشد فقط طلاق است، سخن گفتن خارج از حق و انصاف، و عدالت و کرامت، جز گناه و برای دیگران به جهنم رفتن چیزی نیست.

#### تهمت و افترا

گاهی برای توجیه طلاق، شوهر زن دست به تهمت علیه همسرش می زند، و دامن پاک او را در میان جمع لکه دار می نماید، و گاهی زن علیه همسرش خود را آلوده به تهمت می کند، و گاهی خانواده مرد به زن و خانواده اش، و خانواده زن به مرد و خانواده اش تهمت می زند، کاری که در زشتی و پلیدی نظیر ندارد، و عذابش در قیامت بسیار سخت است.

امام صادق (علیه السلام) از حکیم نقل می کند:

نظام خانواده در اسلام، ص: 807

الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرَى أَثْقَلُ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَاتِ.

تهمت به پاکدامن از کوههای سر به فلک کشیده سنگین تر است.

حضرت رضا (علیه السلام) از پدرانش از رسول حق روایت می کند:

مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ بِمَا قَالَ فِيهِ.

کسی که به مرد یا زن باایمانی تهمت بزند، یا چیزی نسبت به او بگوید که در او نیست، خداوند در قیامت او را بر تلی از آتش می گذارد، تا آنچه در حق پاکدامن گفته ثابت کند.

\*\*\*

### درسی آموزنده

به مردی گفتند چرا می خواهی همسرت را طلاق بدهی؟ گفت: غیبت همسرم حرام است، پس از واقع شدن طلاق، آن زن شوهر کرد، از شوهر اول پرسیدند چرا همسرت را طلاق دادی، گفت غیبت زن دیگران حرام است.

### مسئله طلاق از نظر قرآن

اگر زن و مرد بتوانند بدون دخالت دادن دیگران مشکل خود را حل کنند، و علت جدائی را از میانه بردارند چه بهتر، اگر نتوانند، يك نفر انسان باوقار و باحوصله و تیزبین و متدین از جانب خانواده مرد، و يك نفر از جانب خاندان زن جلسه ای تشکیل دهند، باشد که کار به طلاق نرسد:

وان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً من اهله، وحكماً من اهلها ان يريدا اصلاحاً يوفق الله بينهما ان الله كان عليماً خبيراً.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 808

چنانچه بیم آن دارید که نزاع و خلاف سخت بین زن و شوهر پدید آید، از طرف خانواده مرد و خانواده زن داوری انتخاب کنند، اگر نیت اصلاح در کار باشد، تا خداوند آن دو را بر اصلاح موفق فرماید، که خدا بر همه دانا و از همه چیز آگاه است.

الطَّلَاقُ مَرْتَانٌ فَامْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ، وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

طلاق آن طلاقى که شوهر در عده آن بدون عقد می‌تواند همسرش را به خانه برگرداند، و دوباره با صلح و صفا زندگی را از سر بگیرند، و فرزندان را سر و سامان دهند دوبار است.

زن را در ایام طلاق باید همسرش نیکو نگاه دارد، یا به نیکی رها نماید. برای شما مردان حلال نیست آنچه را به زن داده‌اید باز ستانید، مگر آنکه هر دو بترسند که نتوانند مرزها و احکام الهی برپا دارند، «به سبب ناسازگاری زن و شوهر» پس اگر ترسیدند که حدود خدا را برپا ندارند، گناهی بر آن دو نیست در آنچه زن عوض طلاق مهر خود را ببخشد اینها حدود خدا است، از آنها فراتر مروید، و هر که از مرزهای خدا فراتر رود از ستمکاران است.

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَامْسْكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تَمْسُكُوهُنَّ ضَرَارًا لِيَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ لِيَعْظَمَكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 809

چون زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود رسیدند، یا به نیکویی نگاهشان دارید، یا به نیکویی رهایشان سازید، و برای ضربه‌زدن و زیان رساندن نگاهشان مدارید تا ستم کرده باشید، و هر که چنین کند بر خود ستم کرده، و آیات خدا را به شوخی و ریشخند مگیرید، و نعمتی را که خداوند به شما ارزانی داشته و آنچه از کتاب

و حکمت بر شما فرو فرستاده که شما را بدان پند می‌دهد به یاد آرید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به همه چیز آگاه است.

ملاحظه کنید در کنار مسئله طلاق، انسان را متوجه نعمت‌ها، قرآن، حکمت و علم بی‌نهایت خودش می‌نماید، تا در این مسئله انصاف و عدل در تمام جوانبش با تمام وجود رعایت شود.

مسلم است اگر خانواده‌ها پای‌بند به ایمان به خدا و قیامت، و آراسته به اخلاق حسنه، و عمل صالح باشند، چیزی به عنوان طلاق در جمع آنان مطرح نخواهد شد، و زن و شوهر با صلح و صفا و مسالمت تا آخر عمر کنار یکدیگر زندگی کرده، و فرزندان آنها هم از آن زندگی پرصلح و صفا و محبت بهره خواهند برد.

پژمردگی، سستی، تنبلی، اعتیاد، ترك تحصیل، و فاسد شدن بسیاری از فرزندان امت اسلام، ریشه در اختلاف پدر و مادر آنان و در نتیجه در طلاق آن دو نفر دارد.

مرد ظلم و ستم نکند، حقوق زن را رعایت نماید، به تعهدات خود پای بند باشد، در زن و بچه‌داری قواعد انسانی و اسلامی را بکار بگیرد، و زن در شوهرداری و خانه‌داری و فرزندداری آنچنان که باید باشد، تا برنامه‌ای به نام طلاق که مبعوض خدا، و هیولائی درنده، و آتشی به بنیان خانواده است پیش نیاید، که مقصر در طلاق در قیامت به مؤاخذه سخت دچار خواهد شد.

کاری کنیم که آمار طلاق به حدّ اقل برسد، دست از چشم‌چرانی و گناه، ظلم و ستم بر یکدیگر برداریم تا چیزی به نام طلاق نداشته باشیم.

بر دادگستری کشور است که دفترچه‌ای مختصر در رابطه با مسائل عالی اخلاقی، و منفور بودن طلاق و جدائی تهیه کند، و به مراجعه‌کنندگان جهت طلاق بدهد، تا پس از مطالعه مراجعه کنند، باشد که مراجعه نکنند، و زندگی سامانی جدید بگیرد، و زن شوهر چشیده، و مرد زن چشیده وارد معرکه اجتماع نشوند، تا ضعیف‌الایمان‌های آنان به فساد کمک کنند و به گمراهان و آلودگان بیفزایند.

### پایان زندگی

جاده پرچوش و خروش زندگی، معرکه حیات، عرصه‌گاه حرکت و فعالیت و آمال و آرزو و پایانش مرگ، و انتقال انسان به جهان باعظمت آخرت، برای روبرو شدن با محصولات زندگی و ثمره عقاید و اعمال و اخلاق است.

قرآن مجید از مرد و زن می‌خواهد، تا زنده‌اند به عاقبت و آخر کار و دنیای آخرت بیندیشند، و توجه کنند برای آن ناحیه چه زاد و توشه‌ای فراهم کرده‌اند؟

وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 810

و باید هر انسانی توجه دقیق کند که برای فردایش چه فرستاده؟

پیش از پایان زندگی مسئله‌ای که بسیار بسیار مهم است، انتخاب وصیت شرعی جهت ثلث مال که از رحمت و لطف او متعلق به خود انسان بعد از مرگ است، و بر وصیّ مؤمن و زرننگ و کاری است، که ثلث را از مال جدا کند و به مصبرفی که در وصیت‌نامه قید شده برساند.



نظام خانواده در اسلام، ص: 811

وصیت برنامه‌ای است که تمام انبیاء و اولیاء و ائمه به آن توجه داشتند، و احدی از آنان نبود که بدون وصیت از دنیا برود.

وصیت دستور کتاب خدا در آیه 180 سوره مبارکه بقره، و فرمان رسول حق به امت و امر امامان معصوم به شیعیان است.

کتاب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیراً الوصیه.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.

وصیت برای بعد از مرگ سزاوار هر مسلمانی است.

و نیز فرمود:

مَا يُبْغَى لِأَمْرِيءٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيَّتَ لَيْلَهُ إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ.

برای مسلمان سزاوار نیست يك شب بخوابد مگر اینکه وصیتش زیر سرش باشد.

و فرمود:

مَنْ مَاتَ عَلَى وَصِيَّتِهِ مَاتَ عَلَى سَبِيلِ وَسْنَةٍ وَمَاتَ عَلَى تَقَى وَشَهَادَةٍ، وَمَاتَ مَعْفُوراً لَهُ.

نظام خانواده در اسلام، ص: 812

هرکس با به جا گذاشتن وصیت بمیرد، بر طریق حق و سنت رسول از دنیا رفته، و مرگش بر تقوا و شهادت و مغفرت حق است.

چه بهتر که در این زمان عجیب و غریب، که کمتر به وصیت عمل می‌شود، و قوانین دست‌وپاگیر وصی را خسته می‌کند، و ورثه را از پای درمی‌آورد، خود انسان وصیّ خودش باشد، و به آنچه که می‌خواهد بعد از مرگش عمل شود خود عمل کند.

هم‌اکنون که زنده است اگر دارای مال و ثروت است، در راه خیر، امثال تهیه زمینه ازدواج برای پسران و دختران، پرداخت مخارج ایتم، ساختن مدرسه، مسجد، راه، ساختمان برای مردم مستضعف اقدام نماید و پس از مرگ بهره‌اش را دریافت کند.

حضرت علی (علیه السلام) این معنا را به انسان سفارش فرموده:

يَا بَنَ آدَمَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ وَاعْمَلْ فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يُعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ.

فرزند آدم خود وصی خود در مال و ثروت باش، و آنچه‌ای که برای بعد از مردنت جهت اموات برنامه انتخاب می‌کنی، امروز آن را انجام بده.

برگ عیشی به گور خویش فرست \*\*\* کس نیارد ز پس تو پیش فرست

در هر صورت مالی که برای بعد از خود می‌گذارید سعی کنید حلال باشد، چون حرام به ارث نمی‌رسد، و بیش از ثلث آن را برای مخارج بعد از مرگ وصیت نکنید چون نافذ نیست، و وصیت خود را در تقسیم دو ثلث دیگر برابر آیات قرآن مجید قرار دهید که ظلمی به ورثه صورت نگیرد.

### نظام خانواده در اسلام، ص: 813

بر وصی و ورثه واجب است بر اساس وصیت‌نامه‌ای که طبق قرآن مجید تنظیم شده عمل کنند، که اجرای آن عبادت و دارای ثواب عظیم برای میت و برای اجراکنندگان است.

بر ورثه واجب است قبل از تقسیم ارث حساب بدهی‌های کسی، و خمس، و نیز مهر و صداق زن، و طلب اشخاص، یا اگر حج بر ذمه میت بوده پول حج را پردازند، که ثروتی که در آن حقوق خدا و مردم وجود دارد بهره‌گیری ورثه از آن حرام و موجب عقاب حق است.

در تقسیم ارث، سهم زن میت و پدر و مادر و دختر و پسر، برابر کتاب خدا رعایت شود، که اگر جز این عمل شود، تعدی از حدود خدا و موجب عذاب و عقاب است.

در برنامه تقسیم ارث به رساله‌های عملیه، یا به علمی متخصص در فقه مراجعه کنید تا مسئله برابر قانون حق انجام گیرد، و روح میت از عمل شما شاد شود.

باقیمانندگان به این معنا توجه کنند که میت در زمان حیاتش با جان و دل، و شب و روز برای اداره امور شما زحمت کشید، و هر مشقت و رنجی را تحمل کرد، و چه بسا در این مسیر به برخی از گناهان مالی دچار شد، او را فراموش نکنید، برای او نماز بخوانید، روزه بگیرید، صدقه بدهید، ردّ مظالم بپردازید، کار خیر انجام دهید، خلاصه به هر شکل ممکن برای آرزوی روح او بخصوص در شبهای جمعه و ماه رمضان و رجب و شعبان از او یاد کنید، تا پس از مرگ شما فرزندانان از شما یاد کنند، و گاهی کناری قبر آنان بروید که حضرت حق به روح آنان اجازه انس با شما را می‌دهد، و سبب می‌شود که آنان در عالم برزخ به شما دعا کنند.

یکی از دوستانم می‌گفت دوستی دارم که به وقت برخورد با مشکل، بدون فاصله از تهران به قم می‌رود، و ساعتی کنار قبر پدر و مادرش می‌نشیند، برای آنان فاتحه می‌خواند، دعا می‌کند، صدقه می‌پردازد، و از آنان درخواست می‌نماید، برایش دعا کنند و سپس به تهران برمی‌گردد، در حالی که تجربه کرده دعای پدر و مادر به دنبال اوست و تا غروب آفتاب گره از کارش گشوده می‌شود.

این صحیح نیست، که پدری یا مادری از شیره جان خود جهت زندگی فرزندان و خوشبختی آنان مایه بگذارند، و پس از مرگ از آنان یادی نشود و برای آرزوی آنان کاری صورت نگیرد.

پایان بازنویسی نوارهای نظام خانواده در اسلام

سه‌شنبه 14 فروردین 1375

ایام ولادت باسعادت حضرت امام رضا (علیه السلام)

[1]- ابراهیم / 39.

[2]- مریم / 56.

[3]- وسائل، ج 21، ص 355.

- [4]- بحار، ج 104، ص 97.
- [5]- وسائل، ج 21، ص 356.
- [6]- بحار، ج 103، ص 7.
- [7]- نخل / 72.
- [8]- بحار، ج 21، ص 355.
- [9]- وسائل، ج 21، ص 357 358.

نظام خانواده در اسلام، ص: 814

- [10]- همان مدرک.
- [11]- همان مدرک.
- [12]- همان مدرک.
- [13]- بحار، ج 42، ص 284.
- [14]- تغابن / 15.
- [15]- وسائل، ج 21، ص 483.
- [16]- همان مدرک.
- [17]- وسائل، ج 21، ص 484.
- [18]- بحار، ج 104، ص 97.
- [19]- وسائل، ج 21، ص 485.

- [20]- وسائل، ج 21، ص 361.
- [21]- وسائل، ج 21، ص 460.
- [22]- وسائل، ج 21، ص 473.
- [23]- کافی، ج 6، ص 47.
- [24]- وسائل، ج 21، ص 476.
- [25]- مزمل / 17.
- [26]- شوری / 49 50.
- [27]- كهف / 46.
- [28]- وسائل، ج 21، ص 361، چاپ آل البيت.
- [29]- همان مدرک.
- [30]- همان مدرک.
- [31]- وسائل، ج 21، ص 362.
- [32]- همان مدرک.
- [33]- وسائل، ج 21، ص 365.
- [34]- كهف / 81.
- [35]- کافی، ج 6، ص 6 وسائل، ج 21، ص 364.
- [36]- وسائل، ج 21، ص 365 366.

- [37]- همان مدرک.
- [38]- همان مدرک.
- [39]- وسائل، ج 20، ص 367.
- [40]- بحار، ج 104، ص 91.
- [41]- وسائل، ج 21، ص 368.
- [42]- بحار، ج 104، ص 69.
- [43]- بحار، ج 60، ص 381.
- [44]- کافی، ج 6، ص 48 مکارم الاخلاق، ص 220 وسائل، ج 21، ص 482.
- [45]- ازدواج در اسلام، ص 136.
- [46]- همان مدرک.
- [47]- نوح/ 26، 27.
- [48]- وسائل، ج 20، ص 35.
- [49]- بحار، ج 8، ص 34.
- [50]- مریم/ 28.
- [51]- فاطر/ 37.
- [52]- توبه/ 105.
- [53]- صف/ 8.

نظام خانواده در اسلام، ص: 815

- [54]- میزان الحکمه، ج 10، ص 232.
- [55]- نخب البلاغه، شرح ابن ابی الحدید، ج 18، ص 250.
- [56]- میزان الحکمه، ج 10، ص 720.
- [57]- میزان الحکمه، ج 10، ص 720.
- [58]- همان مدرک.
- [59]- همان مدرک.
- [60]- همان مدرک.
- [61]- بحار، ج 104، ص 98.
- [62]- میزان الحکمه، ج 10، ص 721.
- [63]- میزان الحکمه، ج 10، ص 222.
- [64]- همان مدرک.
- [65]- همان مدرک.
- [66]- بحار، ج 74، ص 70 میزان الحکمه، ج 10، ص 723.
- [67]- فروع کافی، ج 6، ص 49.
- [68]- وسائل، ج 15، ص 203.
- [69]- میزان الحکمه، ج 10، ص 705 707.

- [70] - همان مدرک.
- [71] - همان مدرک.
- [72] - همان مدرک.
- [73] - همان مدرک.
- [74] - نور / 52 51.
- [75] - اسراء / 24 23.
- [76] - آل عمران / 92.
- [77] - لقمان / 15 14.
- [78] - ضحی / 6.
- [79] - کافی، ج 2، ص 158.
- [80] - کافی، ج 2، ص 159.
- [81] - وسائل، ج 21، ص 491.
- [82] - همان مدرک، ص 490.
- [83] - بحار، ج 74، ص 59.
- [84] - بحار، ج 38، ص 196.
- [85] - بحار، ج 74، ص 45.
- [86] - تحف العقول / 238.



[87]- بحار، ج 74، ص 61 74.

[88]- همان مدرک.

[89]- همان مدرک.

[90]- بحار، ج 74، ص 82.

[91]- بحار، ج 13، ص 330.

[92]- وسائل، ج 21، ص 490.

[93]- منازل الآخرة، محدث قمی.

[94]- بحار، ج 74، ص 6.

[95]- وسائل، ج 18، ص 224.

[96]- تغابن / 14.

[97]- شعرا / 214.

نظام خانواده در اسلام، ص: 816

[98]- بقره / 83.

[99]- بقره / 177.

[100]- نساء / 8.

[101]- انعام / 152.

[102]- نحل / 90.

- [103]- نور / 22.
- [104]- نساء / 135.
- [105]- توبه / 113.
- [106]- مجادله / 22.
- [107]- بحار، ج 100، ص 244.
- [108]- همان مدرک، ص 253.
- [109]- نساء / 1.
- [110]- رعد / 21.
- [111]- بقره / 27.
- [112]- رعد / 25.
- [113]- محمد / 22.
- [114]- بقره / 265.
- [115]- بقره / 271.
- [116]- بقره / 274.
- [117]- بقره / 177.
- [118]- سفینه البحار.
- [119]- بحار، ج 74، ص 103.

[120]- بحار، ج 74، ص 104.

[121]- بحار، ج 74، ص 103 105.

[122]- همان مدرک.

[123]- بحار، ج 75، ص 185.

[124]- بحار، ج 74، ص 131.

[125]- بحار، ج 73، ص 369.

[126]- بحار، ج 74، ص 90.

[127]- بحار، ج 74، ص 137.

[128]- میزان الحکمه، ج 4، ص 89.

[129]- همان مدرک.

[130]- میزان الحکمه، ج 4، ص 89.

[131]- بحار، ج 72، ص 25.

[132]- بحار، ج 72، ص 25 28.

[133]- همان مدرک.

[134]- همان مدرک.

[135]- بحار، ج 72، ص 33.

[136]- بحار، ج 72، ص 51 52.

[137]- همان مدرک.

[138]- همان مدرک.

نظام خانواده در اسلام، ص: 817

- بحار، ج 72، ص 53 54.

- همان مدرک.

- بحار، ج 72، ص 65.

- بحار، ج 72، ص 67.

- همان مدرک.

- بحار، ج 72، ص 68.

- بحار، ج 72، ص 90.

- همان مدرک.

- همان مدرک.

- بحار، ج 72، ص 91.

- اسرا/ 34.

- مؤمنون/ 8.

- بحار، ج 72، ص 92.

- همان مدرک.

نظام خانواده در اسلام، ص: 818

- بحار، ج 72، ص 97.

- بحار، ج 72، ص 98

- همان مدرک.

- بحار، ج 72، ص 98 99.

- همان مدرک

- بحار، ج 72، ص 117.

- بحار، ج 72، ص 118 119.

- همان مدرک.

- بحار، ج 72، ص 136.

- همان مدرک.

- بحار، ج 72، ص 137.

نظام خانواده در اسلام، ص: 819

- بحار، ج 72، ص 458.

- بحار، ج 72، ص 459 460.

- همان مدرک.

- شرح مشنوی، ص 142.

- وسائل، ج 15، ص 280.
- میزان الحکمه، ج 5، ص 546.
- وسائل، چاپ آل البيت، ج 22، ص 8.
- وسائل، ج 22، ص 7.
- وسائل، ج 22، ص 7.
- حجرات / 12.
- وسائل، ج 12، ص 152.
- بحار، ج 75، ص 222.
- میزان الحکمه، ج 7، ص 332 333.
- همان مدرک.
- همان مدرک.
- همان مدرک.
- بحار، ج 77، ص 333.
- بحار، ج 78، ص 117.
- بحار، ج 75، ص 253.
- میزان الحکمه، ج 7، ص 352.

نظام خانواده در اسلام، ص: 820

- میزان الحکمه، ج 7، ص 353.
- وسائل، ج 12، ص 288.
- وسائل، ج 12، ص 288.
- نساء/ 35.
- بقره/ 229.
- بقره/ 231.
- حشر/ 18.
- میزان الحکمه، ج 10، ص 494 495.
- همان مدرک.
- همان مدرک.
- نهج البلاغه، حکمت 254.

